اطلاعات

چهارشنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۳ - ۴ رمضان ۱۴۳۵ - ۲ جولای ۲۰۱٤ - شماره ۲۵۹۱۱ - ۱٦ صفحه به همراه ۸ صفحه ضمیمه - ۲۰۰ تومان

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی: نگذاریم به اسم دین با فطرت انسان‌ها برخورد شود

* پرهیز از تنگ نظری و برخورد با سعه صدر ضروری است
* برخورد قهری با تفکر انسانی قبیح است
* انسان قرآنی، بی اراده نیست که آنچه در گوشش گفتند، بگوید

صفحه ۲

تهران هر اقدامی برای حفظ یکپارچگی عراق انجام می‌دهد

* حسین امیر عبداللهیان معاون وزیر امور خارجه ایران: اطمینان داریم که افراد عاقلی در میان سران کردهای عراق وجود دارند که حاضر به تجزیه این کشور نمی‌شوند
* حضور نیروهای ایرانی در عراق تکذیب شد

صفحه۱٦

مراسم روز صنعت و معدن برگزار شد

رئیس جمهوری: ایران باید صنعتی شود

بسته سیاست حمایتی از تولید تا پایان تیر ارائه می‌شود

* دولت بدون مشورت و مطالعه تصمیم‌گیری نمی‌کند
* باید با محدودیت غیرعقلانی علیه صنایع کشور مقابله کنیم
* هیچ بندزنی قادر به درست‌کردن کاسه شکسته تحریم‌ها نخواهد بود
* حمایت از تولید بدون رقابت، مخرب است
* دولت آماده گفتگوی برد ـ برد با تولیدکنندگان و فعالان بخش خصوصی است
* باید به یکدیگر و به آینده اعتماد کنیم و به قانون احترام بگذاریم
* چهار فاز میدان گازی پارس جنوبی امسال و چهار فاز دیگر سال آینده به بهره‌برداری می‌رسد
* باید با فساد و رانت در سیستم اداری مبارزه شود
* دولت توانمند است و قدرت حفظ آرامش در بازار را دارد
* محدودیت‌های زیست محیطی برای صنایع خودروسازی ضروری است
* وزیر صنعت: با موافقت معاون برنامه‌ریزی مبلغ ناچیزی از یارانه‌ها به بخش صنعت اختصاص یافته که در ماه‌های آینده نهایی می‌شود

صفحه ٤

رئیس جمهور دیروز همزمان با روز صنعت و معدن از ۵۱ صنعتگر و معدنکار نمونه قدردانی کرد

نهاوندیان: دولت از واحدهای تولیدی فعال حمایت می کند

* بدهکاران بانکی که قصور نداشته‌اند، حمایت می‌شوند

صفحه ۲

مهندس محمد سالاری، رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری در گفتگو با اطلاعات:

۱۴ هزار و ۳۰۰ هکتار از بناهای تهران در خطر ریزش است

* ۸۰ درصد نمای ساختمان‌های تهران بر اثر یک زلزله کوچک، فرو می‌ریزد که همین اتفاق برای قربانی شدن مردم کافی است
* مالک پروژه ایران زمین یک فضای رانتی گسترده برای خود تعریف کرده بود
* کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران از ادامه روند تغییر برخی کاربری‌ها و صدور مجوز ساخت ساختمان‌های بلند مرتبه، جلوگیری کرده است
* تیمی از کارشناسان شورای شهر، مسائل زیست محیطی دریاچه چیتگر را بررسی می‌کنند

سرویس سیاسی ـ اجتماعی: جلوگیری از ساخت و سازهای بی‌رویه، حفظ سرانه فضای سبز و باغات از موضوعاتی است که مردم کشورمان به ویژه شهروندان تهرانی طی سال‌های گذشته به کرات از سوی مسئولان و مدیران شهری شنیده‌اند.

کذب بودن این سخنان وقتی نمود عینی پیدا می‌کند که مردم مجبور می‌شوند برای گذراندن چند ساعت در طبیعت، کیلومترها از شهر و دیارشان دور شوند، غافل از این که تا همین چند سال قبل نه خبری از انبوه‌سازان و فعالیت‌های به اصطلاح قانونی‌شان بود و نه از انسان‌هایی که برای رسیدن به نیات شوم خود، شعله‌های آتش را به باغات هدیه می‌دادند تا ریشه آهنی و بتنی ساختمان‌ها را در زمین بکارند و به ثروت‌های کلان دست یابند.

در این میان مردم که صاحبان اصلی فضاهای سبز و باغات محسوب می‌شوند، طی دو سال گذشته با شناسایی این خطر بزرگ سعی کرده‌اند نظارت جمعی بر باغات را افزایش دهند و با انتخاب نمایندگان خود در شورای اسلامی شهر تهران، از ادامه این روند جلوگیری کنند.

بقیه در صفحه ۲

وزیر بهداشت: نگران افزایش سقط جنین زیرزمینی هستیم

* دکتر هاشمی: ممنوعیت پیشگیری از بارداری منجر به سقط جنین و خطرات جانی برای مادر و کودک می‌شود
* مجلس و دولت در قانونگذاری نباید هیجانی عمل کنند

صفحه ۱٤

حمله وحشیانه صهیونیست‌ها به غزه در ماه مبارك رمضان

* در پی کشف اجساد ۳ صهیونیست در کرانه باختری که از چند روز قبل ناپدید شده بودند، ارتش اسرائیل با بیش از ۳۰ حمله غزه را هدف قرار داد
* غزه برای مقابله با صهیونیست‌ها به حال آماده‌باش درآمد
* محمودعباس، آمریکا و اروپا خواستار توقف حملات رژیم صهیونیستی به غزه شدند

صفحه۱٦

محک — ابوالقاسم قاسم‌زاده

افغانستان و تقلب در انتخابات!

صفحه ۲

گزارش

آیا با منکر می‌شود معروف را اجرا کرد؟

صفحه ۵

نظرها و اندیشه‌ها

درنگی در دعای سحر

حجت الاسلام و المسلمین محمد جواد حجتی کرمانی

صفحه ۶

اقتصادی

واردات بی رویه چالش جدی تولید ملی

صفحه ۷

روابط بین الملل

جبهه سوریه؛ از انتخابات تا مقاومت

صفحه ۱۲

ویژه فرهنگی ضمیمه اطلاعات امروز

محک

خوش بود گر محک تجربه آید به میان

ابوالقاسم قاسم‌زاده

افغانستان و تقلب در انتخابات!

افغانستان کشور اسلامی رنج دیده‌ایست که سالهای سال فاجعه جنگ و تروریسم را تجربه کرده است. هنوز مردم افغانستان دو مشکل اصلی و مهم در کنار مشکلات بسیار دیگر دارند. این دو مشکل، یکی فساد مالی در مجموعه حاکمیت و سران قدرتمند این کشور است و دیگری «امنیت» که هنوز مورد تهدید از سوی طالبان و دیگر تروریست‌ها و باندهای مسلح است.

۵ سال پیش در حالیکه تهدیدهای طالبان شدت داشت، انتخابات ریاست جمهوری افغانستان انجام گرفت و مردم علیرغم تهدید به مرگ، پای صندوق‌های رأی رفتند. ماجرای معروف تقلب در انتخابات از سوی یاران حامد کرزای در آن زمان را به یاد دارید. رقیب کرزای دکتر عبدالله عبدالله با اعتراض به انجام انتخابات و در حالی که برای بسیاری تقلب در انتخابات اثبات شد، از ادامه رقابت انصراف داد تا به قول او، وحدت ملی استوار بماند! اکنون همان ماجرا (تقلب در انتخابات) در حال تکرار است. دکتر عبدالله عبدالله که در دور اول پیروز انتخابات شد و از احمدزی نفر دوم در دور اول فاصله بسیاری گرفت، حالا گمان می‌رود به خاطر تقلب در دور دوم انتخابات به نامزد شکست خورده مبدل شود.

دکتر عبدالله معتقد است اسنادی دارد که نشان می‌دهد در انتخابات دور دوم تقلب گسترده شده است. دور دوم انتخابات ریاست جمهوری افغانستان در ۲۴ خرداد گذشته برگزار شد. چهار روز بعد از انجام انتخابات، عبدالله عبدالله یکی از دو نامزد انتخابات اعلام کرد: «به دلیل این که کمیسیون مستقل انتخابات افغانستان، به خواسته‌های تیم او پاسخ مناسبی ارائه نکرده است، این تیم تمام روابط خود را با کمیسیون انتخابات به حالت تعلیق در می‌آورد.»

در اعتراض دکتر عبدالله عبدالله دو اتهام علیه کمیسیون مرکزی انتخابات آمده است: اول، طبق اسناد در چند ایالت آراء تقلبی به نفع احمدزی به صندوق‌ها ریخته شده که ارقام آن بالای چند میلیون است. دوم، اعلام ۷ میلیون رأی در دور دوم انتخابات از سوی کمیسیون انتخابات باطل است، زیرا هیچ سندی ندارد. آقای عبدالله تقاضای ارائه اسناد برای اعلام ۷ میلیون رأی‌دهنده کرده است. «حامد کرزای» تا اینجای کار اعتراض‌های دکتر عبدالله عبدالله را جدی نگرفته و با بی‌تفاوتی گفته است: «من قدرت را به رئیس جمهور جدید در روز پنجم عید سعید فطر می‌سپارم.»

التهاب در جامعه افغانستان علیه کمیسیون مرکزی انتخابات و تقلب در انجام آن شدت گرفته است.

ستاد انتخاباتی عبدالله عبدالله روز پنج‌شنبه نیز در دومین افشاگری خود از آنچه که تقلب در انتخابات ۲۴ خرداد می‌خواند، دو فایل صوتی و تصویری را منتشر کرد و با استناد به این اسناد مدعی شد در دو استان پکتیکا و میدان وردک تقلب سازمان یافته گسترده‌ای روی داده است. در فایل صوتی پخش شده عبدالمجید خوگیانی استاندار میدان وردک در مکالمه با یکی از فرماندهان ارتش افغانستان بر لزوم حمایت از قوم پشتون تاکید می‌کند. تصاویر ویدیویی نیز که توسط ستاد انتخاباتی عبدالله به نمایش در آمد نشان می‌داد که نظامیان افغان تعداد زیادی از صندوق‌های رأی را کشف و توقیف کرده‌اند که به نفع اشرف غنی احمدزی پر شده است. تیم اصلاحات و همگرایی به رهبری عبدالله عبدالله در سومین افشاگری خود، مکالمات تلفنی برخی اعضای کمیسیون برگزاری انتخابات و مقام‌های برخی استان‌های افغانستان را پخش کرد که در آن درباره لزوم ریختن آرا به نفع اشرف غنی احمدزی در صندوق‌های رأی تأکید می‌شد.

در همین حال، بزرگان قومی از ولایات «قندهار»، «پکتیا»، «پکتیکا»، «ننگرهار» و دیگر ولایات جنوبی و شرقی در این اعتراض شرکت کرده و خواهان رسیدگی به تقلب‌های انتخاباتی شدند. این افراد ادعا کردند که برخی مقامات دولتی در روز انتخابات از حضور ناظران تیم «اصلاحات و همگرایی» جلوگیری کرده و صندق‌ها را به نفع یک فرد مشخص پر کردند. عبدالله از کمیسیون انتخابات خواسته بود تا وظیفه ضیاءالحق امرخیل، رئیس دبیرخانه این کمیسیون را به تعلیق درآورد.

قرار است امروز چهارشنبه ۱۱ تیر نتایج اولیه شمارش آراء از سوی ستاد مرکزی انتخابات اعلام گردد و نتیجه نهایی در پایان تیر ماه اعلام خواهد شد. اعتراض‌های خیابانی علیه تقلب در انتخابات علنی شده است. همه در انتظار اعلام نتایج اولیه در روز چهارشنبه (امروز) هستند. در حالیکه آمریکا همچنان درباره انتخابات افغانستان بی‌تفاوت است، دولت آلمان از نماینده سیاسی خود، خواسته است تا با هر دو نامزد انتخاباتی صحبت کند و بخواهد که افغانستان بعد از انتخابات به سوی آشوب و درگیرهای سیاسی سوق داده نشود.

این بار برای دکتر عبدالله عبدالله انتخابات ریاست جمهوری متفاوت از ۵ سال گذشته است که یکطرفه کناره‌گیری کرد. آقای عبدالله خود را پیروز انتخابات می‌داند و مجموعه هواداران او در سراسر افغانستان آماده‌اند تا آخر در کنار نامزد انتخاباتی خود باشند. اعلام نتایج اولیه انتخابات ریاست جمهوری در افغانستان، آینده نزدیک تحولات سیاسی در این کشور را نشان خواهد داد. فعلا همه در انتظارند تا دورنمایی از اعلام نتیجه انتخابات آشکار گردد.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی:

نگذاریم به اسم دین با فطرت انسان‌ها برخورد شود

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی، در دیدار اعضای شورای مرکزی حزب آزادی، آزادی را از نیازهای فطری انسان‌ها دانست و گفت: صراحت قرآنی است که دین منطبق با فطرت انسان‌هاست و آزاد خلق شده‌اند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، شنیدن سخنان مختلف و انتخاب احسن را سفارش قرآن خواند و گفت: انسان قرآنی، بی اراده نیست که آنچه در گوشش گفتند بگوید؛ بلکه می‌شنود و بهترین حرف‌ها را انتخاب و از آن پیروی می‌کند.

آیت‌الله هاشمی رفسنجانی افزود: آزادی در اسلام جایگاهی اعلا دارد و هیچ کس حق ندارد حق اسلامی انسان‌ها را غصب و سلب کند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، گفت: در این شرایط، پرهیز از تنگ‌نظری و برخورد با سعه صدر ضروری است و نباید بگذاریم کسی به اسم دین، با فطرت انسان‌ها برخورد کند.

وی با اشاره به کرسی‌های آزاداندیشی که در برنامه‌های مقام معظم رهبری برای دانشگاه‌ها بود، گفت: علم و دانش در تضارب آرا رشد می‌کند و متأسفانه متحجرین، در مقوله آزادی نعل وارونه می‌زنند. آیت‌الله هاشمی رفسنجانی برخوردهای قهری با تفکرات انسانی را تقبیح کرد و با اشاره به عملکرد گروهک‌های بوکوحرام و داعش گفت: اینان فرزندان امروزی القاعده و طالبان هستند که به اسم دین، مردم جهان را به اسلام هراسی و اسلام ستیزی می‌کشانند.

ایشان افزود: اسلام برای جهان آمده، اما هیچ اجبار و زوری هم در کار نیست و به پیروان ادیان دیگر با احترام نگاه می‌کند.

رئیس مجمع تشخیص مصلحت نظام، با بیان تعاریف متعدد از آزادی در ابعاد مختلف گفت: در نظام دمکراسی، انتخابات معیار آزادی و توجه به رأی اکثریت است.

مجید محتشمی دبیرکل شورای مرکزی حزب آزادی هم در این دیدار گفت: نشان آزادی در کنگره‌ای که با حضور شخصیت‌ها و اندیشمندان حزب آزادی که به زودی برگزار خواهد شد، به آیت‌الله هاشمی رفسنجانی تقدیم خواهد شد.

استخدام ۱۳۰۰ معلول در دستگاه‌های دولتی

رئیس سازمان بهزیستی از استخدام ۱۳۰۰ معلول در دستگاه‌های مختلف خبر داد و گفت: این افراد سال گذشته بر اساس قانون ۳ درصد اشتغال معلولان در دستگاه دولتی مشغول به کار شدند.

همایون هاشمی به مهر گفت: در سال ۷۷ قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در ۱۶ ماده تدوین و از سال ۸۲ اجرای آن در دستور کار قرار گرفت. خوشبختانه با گذشت بیش از ۱۰ سال از اجرای این قانون، درصد بالایی از مواد آن مانند پرداخت هزینه ایاب و ذهاب، تحصیل رایگان مددجویان، استخدام ۳ درصد معلولان در دستگاه‌های دولتی، نیم بها بودن بلیت هواپیما و قطار، راه‌اندازی ستاد مناسب سازی، شورای سالمندان و... اجرایی شده است.

هاشمی در مورد آخرین وضعیت بازنگری قانون جامع حمایت از حقوق معلولان گفت: این قانون در حال حاضر در کمیسیون اجتماعی دولت به تصویب رسیده و به زودی در دولت بررسی نهایی شده و پس از آن به مجلس ارسال خواهد شد.

رئیس سازمان بهزیستی ادامه داد: قانون جدید ۳۶ ماده دارد که یکی از مهمترین مواد آن افزایش ۲ درصدی قانون استخدام معلولان در دستگاه‌ها و رسیدن آن به ۵ درصد است. همچنین تمام مشکلاتی که در قانون قبلی وجود داشت در این قانون مورد بازنگری قرار گرفته است.

او ادامه داد: مفهوم بازنگری این نیست که این قانون تاکنون معطل بوده بلکه در حال حاضر قانون جامع حمایت از حقوق معلولان در حال اجراست و بهزیستی به عنوان متولی از دستگاه‌ها در این خصوص سئوال می‌کند و جای نگرانی نیز وجود ندارد.

هاشمی با اشاره به اجرای ۵۵ درصدی قانون قبلی گفت: سازمان بهزیستی با نظارتی که بر عملکرد دستگاه‌های مرتبط با این قانون دارد، اجرای آن را دنبال می‌کند.

صندوق صلح آمریکا: روحانی ایران را به رتبه اول پیشرفت شاخص ثبات در جهان رساند

صندوق صلح آمریکا در گزارشی اعلام کرد که ایران از زمان روی کار آمدن حسن روحانی و پس از برداشتن گام‌های مهم برای ارتقای جایگاهش در سطح جهانی، در سال ۲۰۱۴ بیشترین پیشرفت را در جهان بر اساس شاخص ثبات کشورها داشته است.

به گزارش ایسنا به نقل از پایگاه اینترنتی صندوق، ایران با وجود مسائل سیاسی بین‌المللی و داخلی‌اش در طول یک سال گذشته گام‌های مهمی را برای ارتقای جایگاه خود در سطح جهانی برداشته واین پیشرفت‌ها سبب شده است ایران براساس شاخص ثبات کشورها در سال ۲۰۱۴ بیشترین پیشرفت را داشته باشد.

در ادامه این گزارش آمده است: تحریم‌های بین‌المللی، تورم و سطح بالای بیکاری رشد اقتصادی را در ایران کاهش داده است؛ با این حال با وجود این چالش‌ها بازار قابل ملاحظه ایران و میل روزافزون این کشور برای همکاری با بازیگران جهانی سبب شده است شاخص اقتصادی ایران در یک سال گذشته پیشرفت داشته باشد.

در این گزارش بهترین شاخص ثبات با رتبه ۱۷۸ مختص کشور فنلاند است و بعد از این سوئد، دانمارک، نروژ و سوییس قرار دارند. رتبه اول و بدترین شاخص هم مربوط به سودان جنوبی است.

در این رده‌بندی ایران با وجود این که بیشترین پیشرفت را در زمینه شاخص ثبات کسب کرده است اما در رده ۴۴ جهانی قرار دارد.

جهانگیری: دولت الکترونیک باید هرچه سریعتر اجرا شود

معاون اول رئیس جمهوری با تاکید بر اهتمام دولت تدبیر و امید برای اجرایی شدن برنامه‌های دولت الکترونیک، گفت: همه بخش‌ها باید کمک کنند تا هرچه سریعتر دولت الکترونیک اجرا شود و شاهد رضایتمندی بیشتر مردم باشیم.

به گزارش ایسنا، اسحاق جهانگیری ظهر دیروز در جلسه شورای عالی اداری با اشاره به رتبه پایین ایران از نظر شاخص دولت الکترونیک، افزود: باید تلاش کنیم با عملیاتی کردن دولت الکترونیک، جایگاه و رتبه ایران را در این زمینه ارتقا بخشیم.

وی ادامه داد: توسعه و اجرای دولت الکترونیک از برنامه‌هایی است که در صورت اجرا شدن کامل آن، شاهد کاهش هزینه‌ها، صرفه‌جویی در وقت مردم و بهره‌مندی بیشتر آنان از خدمات دولتی خواهیم بود.

در این جلسه که وزیران آموزش و پرورش، ارتباطات و فناوری اطلاعات، دادگستری، معاون توسعه مدیریت و سرمایه انسانی رئیس جمهوری، استاندار زنجان و برخی نمایندگان مجلس شورای اسلامی هم حضور داشتند، گزارشی از نقشه راه دولت الکترونیک ارائه شد و سپس آیین‌نامه اجرایی آن مورد بررسی قرار گرفت که پس از اعمال برخی اصلاحات، این آیین‌نامه در ۲۰ ماده به تأیید اعضای شورای عالی رسید.

وزیر امور خارجه آمریکا: توافق با ایران ممکن است

وزیر امور خارجه آمریکا در آستانه آغاز دور جدید مذاکرات هسته‌ای ایران و کشورهای ۱+۵ در وین، با انتشار یادداشتی در روزنامه واشنگتن پست مدعی شد که تهران هنوز باید به موارد زیادی پاسخ بگوید.

به گزارش مهر، "جان کری "ادعا کرده است: ایران با وجود انجام چند دور مذاکره هنوز ثابت نکرده که برنامه هسته‌ای این کشور صلح آمیز است.

وزیر امور خارجه آمریکا در ادامه این یادداشت می‌نویسد: خوشبینی‌هایی که برای رسیدن به توافق در مذاکرات وجود دارد با آنچه در مذاکرات پشت درهای بسته در جریان است تفاوت دارد. بعد از ماه‌ها مذاکره هنوز نمی‌دانیم ایران به دنبال چیست و فقط می‌دانیم که هنوز اختلافات زیادی با ایران داریم و باید یادآور شوم که این اختلافات به سبب درخواست‌های ما به وجود نیامده است. وی با یادآور شدن این نکته که زمان برای رسیدن به توافق رو به پایان است، می‌نویسد: هنوز با ایران می‌توان به توافق رسید، اما زمان برای رسیدن به این توافق رو به پایان است.

احتمال شرکت ویلیام برنز در مذاکرات

رویترز هم به نقل از دیپلمات‌ها از احتمال شرکت ویلیام برنز قائم مقام وزارت خارجه آمریکا در دور جدید مذاکرات هسته‌ای گروه ۱+۵ با ایران که امروز در وین آغاز می‌شود، خبر داد.

بنابه این گزارش، هدف ۱+۵ و ایران دستیابی به یک توافق هسته‌ای نهایی تا بیستم ژوئیه (۲۹ تیر) است که ضمن رفع نگرانی‌های غرب، تحریم‌های ضدایرانی را نیز به طور جامع و کامل برچیند. در دور قبلی گفتگوهای هسته‌ای، تدوین پیش نویس توافق جامع آغاز شد و دور جدید مذاکرات هم دستکم تا ۲۴ تیر ادامه می‌یابد.

براساس این گزارش، حضور مجدد برنز در مذاکرات، گفتگوهای دوجانبه میان هیات ایرانی و آمریکایی را محتمل می‌سازد.

به موجب یک توافق هسته‌ای موقت میان جمهوری اسلامی ایران و غرب در ۲۴ نوامبر که تحریم‌های اقتصادی علیه ایران را در ازای توقف برخی فعالیت‌های هسته‌ای کاهش می‌دهد، ۲۰ ژوئیه به عنوان چارچوب زمانی قابل تمدید برای دستیابی به توافق جامع نهایی تعیین شده است.

روسیه مخالف خدشه دار شدن توسعه برنامه ایران

در این میان، معاون امور بین الملل وزارت خارجه فدراسیون روسیه با حمایت از برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران، گفت: روسیه همواره مخالف خدشه دار شدن توسعه برنامه هسته‌ای ایران است.

در آستانه دور ششم مذاکرات ایران و کشورهای ۱+۵ ،مهدی سنایی سفیر جمهوری اسلامی ایران در مسکو، با سرگئی ریابکوف معاون امور بین الملل وزارت خارجه فدراسیون روسیه و رئیس هیات روسی در مذاکرات ایران و کشورهای ۱+۵، ملاقات و در خصوص برخی اموردو جانبه از جمله همکاری‌های هسته‌ای دو کشور رایزنی کرد.

معاون امور بین الملل وزارت خارجه فدراسیون روسیه در این ملاقات ضمن حمایت از برنامه صلح آمیز هسته‌ای ایران، گفت: روسیه نگاه مثبتی به روند مذاکرات ایران با گروه ۱+۵ دارد و امیدواریم توافقنامه نهایی هسته‌ای در تاریخ ۲۰ ژوئیه به امضاء برسد. وی تاکید کرد: پس از مذاکرات روسای جمهوری دو کشور در شانگهای و اراده مقامات دو کشور برای توسعه روابط، از تبادل هیات‌ها در سطوح مختلف استقبال می‌کنیم و معتقدیم مانعی برای توسعه روابط بین دو کشور وجود ندارد. وی ادامه داد: همکاری‌های هسته‌ای دو کشور و توافق برای ساخت نیروگاه‌های جدید در ایران از جمله موضوعات برجسته در روابط دو کشور است.

سفیر جمهوری اسلامی ایران در این ملاقات با اشاره به روند رو به گسترش روابط ایران و روسیه، گفت: ایران اراده جدی برای توسعه روابط با روسیه دارد و به همکاری با روسیه در همه زمینه ها علاقمند است.

عراقچی: تلاش می کنیم مذاکرات را با اقتدار پشت سر بگذاریم

عضو ارشد تیم مذاکره‌کننده با اشاره به مذاکرات وین گفت: تلاش خواهیم کرد به راه‌حلی عادلانه و منطقی برسیم و با تثبیت حقوق مردم ایران به عنوان اولویتی اساسی، این مذاکرات را با اقتدار، سربلندی، افتخار و پیروزی پشت سر بگذاریم.

سیدعباس عراقچی در گفتگو با واحد مرکزی خبر افزود: این بار سقفی برای مدت مذاکرات تعیین نشده، مگر تا ۲۰ ژوئیه (۲۹ تیر) که آخرین مهلت تعیین شده دوره ۶ ماهه برنامه اقدام مشترک است. لذا ما و همه طرف‌ها در ۱+۵، از ۱۱ تا ۲۹ تیر در وین از فرصت موجود استفاده می‌کنیم تا به توافق نهایی برسیم.

معاون وزیر امور خارجه، نخستین اصل مد نظر برای تیم مذاکره کننده هسته‌ای را حفظ عزت و استقلال همه‌جانبه کشورمان به ویژه در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، علمی و فنی دانست و افزود: با تأکید بر این اصول تلاش خواهیم کرد به راه حلی عادلانه و منطقی برسیم و با تثبیت حقوق مردم ایران به عنوان اولویتی اساسی، این مذاکرات را با اقتدار، سربلندی، افتخار و پیروزی پشت سر بگذاریم.

وی همچنین با قدردانی از حمایت مردم از تیم مذاکره‌کننده هسته‌ای گفت: مردم با صبوری مذاکرات را پیگیری می‌کنند و با محبت به ما روحیه می‌دهند و هر جا با آنان مواجه می‌شویم با قوت از ما می‌خواهند با حفظ عزت، استقلال و اقتدار کشور در پی حل مسئله هسته‌ای باشیم. عراقچی افزود: همه طالب این هستند که با حفظ این اصول، اگر راه حلی پیدا شود، این مشکل غیرضروری که ایجاد شده است حل و فصل و تنش‌ها کم شود و ما حتماً با همین منش حرکت خواهیم کرد.

نهاوندیان: دولت از واحدهای تولیدی فعال حمایت می کند

رئیس دفتر رئیس جمهوری با تشریح جزئیات برنامه‌های اشتغالزایی دولت تدبیر و امید، گفت: مجموعه سیاست‌های خروج از رکود و آغاز رونق اقتصادی تا پایان تیر در حوزه سیاست‌های پولی و اعتباری نهایی می‌شود، ضمن این که تاکید دولت در اشتغالزایی حمایت از واحدهای تولیدی فعال است.

محمد نهاوندیان در گفتگو با مهر درباره جزئیات برنامه‌های اشتغالزایی دولت و تدبیر گفت: به دستور رئیس جمهوری، مجموعه سیاست‌های خروج از رکود و آغاز رونق اقتصادی هم در حوزه سیاست‌های پولی و اعتباری و هم در سایر حوزه‌ها در دولت به جمع بندی رسیده و تا پایان تیرابلاغ می‌شود.

رئیس دفتر رئیس جمهوری افزود: کارگروه‌های متعددی در این زمینه فعالیت کرده‌اند و خوشبختانه با تمهیداتی که به صورت خاص در سیاست‌های پولی و اعتباری از سوی دولت پیش بینی شده است، بعد از گام نخست موفقیت آمیز در مهار تورم، با حمایت و اولویت دادن به واحدهای تولیدی شاغل و آن‌هایی که توان استقامت خود را در این شرایط نشان داده‌اند، موانع از سر راه آن‌ها برداشته می‌شود و اشتغالزایی رونق می‌گیرد.

وی تصریح کرد: در ارتباط با سیاست‌های مالیاتی و اعتبارات عمرانی هم دولت شرایط متفاوتی را با سال گذشته خواهد داشت، ضمن این‌که خوشبختانه در دو ماه ابتدایی امسال در برخی از حوزه‌های اقتصادی، آن دسته از پروژه‌هایی که بیش از ۸۰ درصد پیشرفت فیزیکی داشته‌اند، میزان تخصیص بودجه آن‌ها به بیش از سه دوازدهم رسیده است که این موضوعی بی‌سابقه بوده است.

به گفته نهاوندیان، پروژه‌های عمرانی اثرهم افزا و فزاینده‌ای را در ایجاد اشتغال در استان‌ها دارند.

وی همچنین درباره تمهیدات دولت برای دسته بندی دارندگان مطالبات معوق به بانک‌ها گفت: با تاکید رئیس جمهوری، باید فرقی میان آن دسته از واحدهای تولیدی که به خاطر قصور و تقصیر دچار مشکل شده‌اند و واحد تولیدی که نهایت تلاش خود را در این فضای اقتصادی به عمل آورده‌اند، قائل شد؛ بنابراین چنانچه عوامل خارج از اراده، باعث ایجاد مشکل در ادامه کار بنگاه‌های تولیدی شده است، دولت با آن‌ها همکاری لازم را به عمل خواهد آورد.

رئیس دفتر رئیس جمهوری ادامه داد: با همکاری بین بانک‌ها از سویی و وزارت صنعت، معدن و تجارت از سوی دیگر و اتاق‌های بازرگانی و صنایع و معادن سراسر کشور، بدهکاران بانکی در دو دسته مذکور تفکیک خواهند شد و آن‌هایی که قصور نداشته اند، حتما مورد حمایت قرار می‌گیرند.

به گفته نهاوندیان، آیین نامه‌های مربوطه به این موضوع در حال نهایی شدن است و بعد از ابلاغ آیین نامه، کار پایش تولیدکنندگان آغاز خواهد شد.

واکنش مجلس به بی رغبتی بانک‌ها در پرداخت وام ازدواج

علی کاییدی، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس بابیان این که بیش از یک و نیم میلیون زوج ایرانی در انتظار دریافت وام ازدواج هستند از برخورد برخی بانک ها بازوج های جوان برای دریافت این تسهیلات انتقادکرد.

وی با بیان اینکه برخی از بانک ها برای دادن وام ازدواج به زوج های جوانان وعده های بی اساس می دهند گفته است: این موضوع بی احترامی و بی توجهی به جوانان محسوب می شود. چرا نباید براساس سیاست های کلی رهبر معظم انقلاب اسلامی در خصوص جمعیت گام برداریم و با دادن وام ازدواج و تسهیل کردن زمینه های ازدواج جوانان، بتوانیم علاوه بر حل مشکلات آنان، در افزایش جمعیت نیز سهیم باشیم؟

او با اشاره به آمار ۱۱ میلیونی جوانان آماده ازدواج گفت: سختی دریافت وام ازدواج به کابوسی برای جوانان تبدیل شده است اما هر روز شنیده می شود که اختلاس های چند هزار میلیاردی در برخی از بانک ها صورت می گیرد. وقتی سه هزار میلیارد تومان از پول های ما می رود، کسی جوابگو نیست، اما زمانی که یک جوان نیاز مند سه تا پنج میلیون تومان باشد اغلب بانک ها یا بودجه ندارند یا به گونه ای موجب آزارجوانان می شوند.

کاییدی ادامه داد: در گذشته هم افرادی بودند که پول هایی را از بانک ها بردند و هیچ وقت برگشت داده نشده است و امروز هم شاهد اختلاس های کلان در برخی از بانک ها هستیم و یک جوان باید برای دریافت وام ازدواج و یا تسهیلات خرید کالا سختی های فراوانی را متحمل شود.

با این وجود، محمد باقری بنابی عضو کمیسیون اقتصادی مجلس تشکیل کارگروهی با حضور مجلس، دولت و بانک ها را برای تسهیل ازدواج جوانان ضروری دانست و به خانه ملت گفته است: با وجودی که تمام مسئولان برموضوع تسهیل شرایط ازدواج اتفاق نظر دارند، اما باید پذیرفت تاکنون اقدام عملی برای انجام این مهم در حوزه اقتصادی صورت نگرفته است.

او با انتقاد از روند پرداخت وام ازدواج از طرف بانک ها، گفت: با وجودی که وام ازدواج تنها می تواند بخشی از هزینه های ازدواج را تامین کند اما زوج های جوان در مراجعه به بانک ها، پاسخ قانع کننده ای دریافت نمی کنند. باقری بنابی ادامه داد: در دولت دهم منابع مالی قابل توجهی برای تامین وام ازدواج در اختیار صندوق قرض الحسنه مهر امام رضا(ع) قرار گرفت که ابهاماتی درباره سرنوشت آن مطرح است و کمیسیون اقتصادی مجلس در حال بررسی انحراف های مالی صورت گرفته در این صندوق است.

دعای روز چهارم ماه مبارک رمضان

اللهمّ قوّنی فیه علی إقامَهِ أمْرِکَ واذِقْنی فیه حَلاوَهَ ذِکْرِکَ وأوْزِعْنی فیه لأداءِ شُکْرِکَ بِکَرَمِکَ واحْفَظْنی فیهِ بِحِفْظِکَ وسِتْرِکَ یـا أبْصَرَ النّاظِرین.

خداوندا در این روز نیرویم بخش تا فرمانت برم و در این روز، شیرینی یادت را به من چشان؛ و به بزرگواریت در این روز شُکر و سپاست را بهره‌ام فرما و مرا در این روز به حفظ و پوشانندگیت نگهدار، ای بیناترین نگرندگان.

هشدار شدید آیت‌الله العظمی مکارم‌شیرازی به سعودی‌ها

آیت‌الله العظمی مکارم‌شیرازی با صدور بیانیه‌ای به مسئولان سعودی هشدار دادند که حرکت‌های تندرو آن کشور، پیامدهای سوئی در برخواهد داشت.

به گزارش ایسنا، متن بیانیه این مرجع تقلید به شرح زیر است:

«اخبار وحشتناکی از طرز رفتار مسئولین سعودی نسبت به شیعیان احصا و قطیف می‌رسد. جمعی از بزرگان علمای آنها را به جرم آزادی خواهی در انجام مراسم مذهبی به زندان افکنده‌اند و تضییقات فراوانی برای آنها به وجود آورده‌اند و از همه وحشتناک تر این که زمزمه صدور حکم اعدام برای شیخ بزرگوار عالم معروف منطقه، شیخ نمر به گوش می‌رسد.

ما به مسئولین سعودی هشدار می‌دهیم که این گونه حرکت‌های تند احساسات همه شیعیان دنیا و پیروان مکتب اهل بیت (علیهم السلام) را به شدت جریحه‌دار می‌کند و پیامدهای سوئی در برخواهد داشت.

حاکمان سعودی به جای این تشدّدها خوب است به درد دل آنها گوش دهند. آنها حقوق از دست رفته خود را می‌خواهند. آنها آزادی در انجام مراسم مذهبی خود را طلب می‌کنند. آنها به کشور خودشان علاقه دارند. کدام عقل و منطق اجازه می‌دهد که در برابر این خواست‌های مشروع آن‌گونه رفتار شود؟

ما تعجب می‌کنیم نهادهای حقوق بشر دنیا چرا در این گونه موارد که موافق میل دولت‌های سلطه‌گر است، سکوت می‌کنند؛ ولی اگر کمترین حرکتی در کشوری که هماهنگ با آنها نیست، رخ دهد، فریادشان بلند می‌شود؟

به هر حال تکرار می‌کنیم صدور حکم اعدام برای یک عالم بزرگ منطقه چیزی نیست که برای مراجع شیعه و بزرگان مکتب اهل‌بیت (علیهم السلام) و تمام علاقه‌مندان به آنها در سراسر جهان قابل تحمل باشد.

والسلام علی من اتبع الهدی»

شهرداری تهران ملزم به تسویه بدهی‌هایش شد

سرویس سیاسی -اجتماعی: اعضای شورای شهر تهران با تصویب دو مصوبه، شهرداری تهران را ملزم به پرداخت و تسویه بدهی هایش و همچنین رعایت قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران کردند.

به گزارش خبرنگار ما، اعضای شورای شهر تهران دیروز در هفتاد و هفتمین جلسه علنی خود، به دو فوریت طرحی رای داد که به موجب آن شهرداری تهران موظف شده است بدهی های خود تا پایان سال ۹۲ را تسویه کند.

در ماده واحده طرح «الزام شهرداری تهران به پرداخت دیون اشخاص حقیقی و حقوقی تا پایان سال ۹۲»، شهرداری موظف شده است نسبت به تسویه دیون اشخاص حقیقی و حقوقی تا پایان سال ۹۲ که به تائید اداره کل حسابرسی شهرداری تهران رسیده باشد، اقدام و در تفریغ و اصلاحیه بودجه سال ۹۳ قید و هر سه ماه یک بار گزارش عملکرد را به شورای اسلامی شهر تهران ارائه کند. اقبال شاکری عضو شورا در این باره گفت: بحث بدهی های شهرداری فراتر و مفصل تر از یک طرح چند خطی است. محمد حقانی از اعضای شورا هم با طرح سئوالی، تاکید کرد: اصولا باید مشخص شود که چرا این بدهی ها ایجاد شده است. الزام شهرداری به رعایت قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران، هم از سوی شورا به تصویب رسید که بر اساس آن شهرداری تهران، سازمان‌ها و شرکت‌های تابعه و مستقل آن ملزم به رعایت قانون جامع خدمات‌رسانی به ایثارگران مصوب مجمع تشخیص مصلحت نظام و قوانین و مقررات مرتبط با آن ملزم شد. در ادامه جلسه، یک فوریت طرح بهبود معیشت کارکنان بهشت زهرا به تصویب شورای شهر رسید.

اعضای شورای شهر همچنین با تصویب یک فوریت طرحی، شهرداری تهران را موظف کردند ظرف دو ماه، لایحه ساماندهی میدان امام خمینی (ره) را به شورا ارائه دهد.

بنا به این گزارش علاوه بر مسائل مرتبط با دستورات جلسه دیروز شورا، چند عضو شورای شهر در قالب ذکر، موضوعاتی را بیان کردند. یکی از این موضوع ها، پرهیز از تامین هزینه افطاری‌ها از بودجه بیت‌المال بود.

مرتضی طلایی، نایب‌رئیس شورای شهر تهران هم از توقف طرح تهرانسرای قرآن انتقاد کرد و گفت: این طرح به دلیل اشکال از طراح متوقف شده است.

محمد سالاری رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر هم از تشکیل کمیته مشترک با حضور شورای عالی شهرسازی، شورای شهر و شهرداری تهران برای جلوگیری از افزایش جمعیت تهران خبر داد.

مهندس سالاری: ۱۴ هزار و ۳۰۰ هکتار از بناهای تهران در خطر ریزش است

بقیه از صفحه اول

به این ترتیب کمیسیون معماری و شهرسازی در شورای شهر شکل گرفت تا زمینه جلوگیری از روند فزاینده برج‌سازی و تخریب باغات به ویژه در مناطق کن و سوهانک بهانه‌ای را فراهم آورد. مهندس محمد سالاری، رئیس کمیسیون، در گفتگویی با خبرنگار ما به واکاوی مسائل مرتبط با حوزه معماری و شهرسازی پرداخت.

این عضو شورای اسلامی شهر تهران که برای ساعاتی میهمان مؤسسه اطلاعات بود، در این مصاحبه باتشریح نتایج اقدامات شورا در ۹ ماه گذشته، عملکرد چهارمین دوره شورا را خوب ارزیابی کرد.

پرهیز شورای شهر از ورود به مسائل جناحی، دور زدن طرح تفصیلی و جامع شهر تهران توسط دولت گذشته و پیامدهای مخرب آن، تدوین لایحه ضوابط نمای ساختمان تا دو هفته آینده و اجرایی شدن آن تا یک سال دیگر، لزوم اصلاح قوانین شورای شهر برای افزایش برنامه‌پذیری شهرداری، اعزام یک تیم متخصص به دریاچه چیتگر برای بررسی آلودگی‌های زیست محیطی در این منطقه، ایجاد کارگروه‌های نظارتی برای احصای مغایرت‌های مفاد شورای عالی مناطق با طرح تفصیلی و وضع نگران‌کننده ساختمان‌ها چه از لحاظ استحکام بنا و سازه و چه از نظر نماهای ناایمن، از محورهای این مصاحبه است.

پرهیز شورا از ورود به مسائل جناحی

سالاری در ابتدای این گفتگو به ویژگی خاص دوره چهارم شورای اسلامی شهر تهران اشاره می‌کند و می‌گوید: در شورای چهارم (دوران فعلی) شاهد وزن سیاسی برابر از هر دو جناح سیاسی کشور هستیم و در این دوره هر دو گروه با مد نظر قرار دادن مصلحت شهروندان، به مباحث کارشناسی ورود پیدا و دور از حاشیه‌سازی‌های سیاسی عمل می‌کنند که در این میان نقش «مسجد جامعی» رئیس شورای شهر بسیار تأثیرگذار و قابل توجه است.

وی با بیان این که همزمان با آغاز فعالیت این دوره شورا، برنامه پنجساله دوم عملیاتی شهرداری تهران به صورت لایحه از سوی شهرداری به شورای شهر ارائه شد، می‌افزاید: وقتی برنامه پنجساله اول را برای بررسی خروجی آن در حوزه‌های مختلف اعم از عمرانی، حمل و نقل، فرهنگی، شهرسازی و اجتماعی از شهرداری مطالبه کردیم، این سازمان گزارش کلی به شورا ارائه داد که مورد قبول اعضا قرار نگرفت. بر همین اساس به این نتیجه رسیدیم که شهرداری پیش از آن براساس ضرورت‌هایی که خودش خواسته، اقدام کرده است و در حقیقت در قالب برنامه پنج ساله اول، اقدامات مدونی نداشته است.

رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران یادآور می‌شود: این موضوع سبب شد اعضای شورای چهارم یک حساسیت خاص برای تدوین برنامه پنج ساله دوم پیدا کنند تا خروجی آن یک برنامه سنجش‌پذیر، کمی، قابل اندازه‌گیری، نظارت‌پذیر و قابل نظارت باشد که این برنامه در سطح خوبی تهیه و در موعد مقرر به شهرداری ابلاغ شد و در بخش بودجه سال ۹۳ هم سعی کردیم بودجه را به گونه‌ای ببندیم که در عمل موجبات تحقق‌پذیری برنامه پنج ساله را در سال نخست ایجاد کند.

وی در ادامه از گرفتار نشدن شورا به حاشیه‌ها و مسائل جناحی و همچنین ورود کارشناسی و منطقی اعضا به مباحث تدوین برنامه پنج ساله و بودجه به عنوان ویژگی اقدامات شورای چهارم طی ۹ ماه فعالیتش اشاره می‌کند و درباره روند شکل گیری سه کمیسیون جدید شورا، می‌گوید: درابتدای کار به این نتیجه رسیدیم که با فعالیت سه کمیسیون قبلی، عملاً نمی‌توانیم پاسخگوی نیازهای شهر تهران برای انجام وظایف محوله باشیم لذا با بررسی‌های تخصصی تشکیل سه کمیسیون دیگر با عناوین «نظارت و حقوقی»، «سلامت و محیط زیست و خدمات شهری» و کمیسیون شهرسازی و معماری در دستور کار قرار گرفت و نهایتاً تشکیل شد.

سالاری با اشاره به دیدار اعضای شورای شهر و شهردار تهران با مقام معظم رهبری پس از تشکیل سه کمیسیون جدید، می‌افزاید: پس از گذشت چند ماه از آغاز فعالیت شورای چهارم، در محضر مقام معظم رهبری گزارشی از روند شکل گیری کمیسیون‌های جدید را ارائه کردیم که ایشان پس از استماع گزارش، نسبت به تشکیل کمیسیون شهرسازی و معماری ابراز خرسندی و بر ضرورت تقویت این کمیسیون تأکید کردند که بیانات ایشان سبب شد در ادامه راهمان، وظیفه مضاعفی را احساس کنیم.

سالاری با تاکید بر این که رهبر معظم انقلاب در فرمایشاتشان در آن جلسه از وضع سیما، منظر و نماهای شهری و همچنین تخلفاتی در ساخت و ساز غیرمجاز به ویژه در محدوده شهر تهران و ارتفاعات البرز انتقاد کردند، می‌افزاید: عمده تاکیدات و محورهای فرمایشات معظم‌له به مأموریت‌های حوزه شهرسازی و معماری مربوط می‌شد که پس از آن دیدار شاهد افزایش قابل توجه تعامل دیگر اعضا با این کمیسیون بودیم.

عملکرد ضعیف معاونت شهرسازی و معماری

سالاری با انتقاد از عملکرد ضعیف معاونت شهرسازی و معماری شهرداری در سه دهه اخیر، تأکید می‌کند: متأسفانه در سه دهه گذشته شاهد تنزل روز به روز جایگاه این معاونت بوده‌ایم به نحوی که این معاونت صرف درآمدزایی به کار خود ادامه می‌داد، در حالی که معاونت شهرسازی و معماری وظایف بسیار اساسی و بنیادی بر عهده دارد و باید به انجام امور محوله و عمل به تکالیف طرح جامع و طرح تفصیلی و همچنین اجرای مصوبات شورای شهر بپردازد.

رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران در ادامه با اشاره به تأخیر پنج ساله در ابلاغ طرح تفصیلی، یادآور می‌شود: طرح تفصیلی در واقع برشی از طرح جامع است.

کارشناسان در سال ۸۶ براساس ضروریات آن زمان طرح تفصیلی را تهیه کردند ولی متأسفانه شاهد آن بودیم که این طرح سال ۹۱ ابلاغ شد که با توجه به گذشت زمان و تغییر شرایط و ضرورت‌ها، بستر لازم هم برای اجرای آن طرح آماده نبود.

از طرفی، هر سال که می‌گذرد، ضرورت‌های جدیدی ایجاب می‌کند که ما راهبردهای طرح جامع و تفصیلی را تغییر دهیم.

جلسه تاریخی دولت

وی در ادامه به نقش دولت گذشته در دور زدن طرح تفصیلی و جامع شهر تهران اشاره می‌کند و می‌افزاید: ۴ اردیبهشت سال ۹۱ رئیس جمهوری سابق که در جلسه شورای عالی شهرسازی و معماری حضور یافته بود، با طرح این پرسش که براساس طرح تفصیلی، سقف جمعیت‌پذیری تهران چه میزان است، از لحاظ شدن سقف ۸/۷ میلیون نفر جمعیت تهران در طرح مذکور انتقاد و در همان محل تصمیم‌گیری و تأکید کرد: چرا باید این میزان باشد و می‌توان ۲ تا ۳ میلیون نفر هم به آن اضافه کرد!

سالاری تأکید می‌کند: سقف ۸/۷ میلیون نفری شهر تهران براساس کار کارشناسی متخصصان و به لحاظ بارگذاری پهنه‌ها و در نظر گرفتن شرایط زیست محیطی و وجود امکانات دیگر برای افراد جامعه، تعیین شده بود ولی با اعلام نظر رئیس جمهوری وقت در آن جلسه، طی یک یا دو ساعت افراد حاضر در اتاق‌های دبیرخانه شورای عالی معماری و شهرسازی گرد هم آمدند و هشت بند را پیشنهاد دادند تا حدود ۱/۵ تا دو میلیون نفر به جمعیت تهران اضافه شود!

وی با اشاره به بندهای هشت‌گانه، یادآور می‌شود: براساس یکی از این بندها، املاک واقع در زیرپهنه‌ای که به موجب طرح تفصیلی فقط می‌توانستند دو طبقه بارگذاری داشته باشند، این بارگذاری به سه طبقه افزایش پیدا کرد.

براساس بند دیگر، همه اراضی توسعه ذخیره شهری که با عنوان زمین شهری می‌شناسیم و برای پیش‌بینی‌هایی در نظر گرفته شده است، تغییر کاربری دادند و به پهنه‌های مسکونی و تجاری تبدیل شدند که به موجب همین بند، تخلفات بسیار گسترده‌ای انجام گرفت.

سالاری با تأکید بر این که این تغییرات و افزایش سقف جمعیت‌پذیری بدون در نظر گرفتن سرانه‌های فضای سبز، آموزش، بهداشت، شبکه معابر و حمل و نقل عمومی انجام گرفت، می‌افزاید: براساس بند دیگری از این تغییرات، باغ‌های به هم پیوسته مانند سوهانک، ازگل و کن که بیشتر از ۱۵ درصد نمی‌توانستند بارگذاری بگیرند، توانستند تا بیش از ۴۰ درصد هم بارگذاری بگیرند و به این ترتیب باغات هم از تصمیم نادرست دولت در امان نماندند.

وی به عملکرد کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران برای متوقف کردن این روند اشاره می‌کند و می‌گوید: با تشکیل این کمیسیون توانستیم از ادامه روند گذشته مبنی بر تغییر یک سری کاربری‌ها و صدور مجوز ساخت ساختمان‌های بلندمرتبه، جلوگیری کنیم به نحوی که در عمل طی شش ماه گذشته مصوبه‌ای که مغایر با طرح تفصیلی شهرداری تهران باشد در کمیسیون ماده ۵ شاهد نیستیم.

رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر با اشاره به متوقف کردن برخی پروژه‌ها، می‌افزاید: به عنوان مثال مالک پروژه ایران‌زمین یک فضای رانتی گسترده برای خود تعریف کرده بود. براساس طرح تفصیلی در آن مکان که بافت ارزشمند مسکونی معاصر محسوب می‌شود، بیش از دو طبقه اجازه ساخت وجود ندارد ولی در کمیسیون ماده ۵ برای آن ۳۳ طبقه بارگذاری تعریف شد.

وی با اشاره به ورود کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر به این موضوع، یادآور می‌شود: این کمیسیون توانست با اقدامات لازم و پیشنهاد لغو مجوز که در جلسه‌ای توسط بنده به عنوان نماینده شورای شهر ارائه شد، از ادامه این پروژه جلوگیری کند که این مجموعه فعالیت‌ها سبب تقویت نظارت اجتماعی و افزایش اعتماد مردم به شورا شده است.

سالاری همچنین به تشکیل شورای ارتقای کیفی در شهرداری تهران و به ریاست دکتر قالیباف شهردار تهران اشاره می‌کند و می‌افزاید: اعضای این شورا را معاونت‌های شهرداری، نهادهای مرتبط، شورای عالی شهرسازی و معماری و شورای شهر تشکیل می‌دهند که این شورا مأمور پیگیری‌های لازم برای تحقق مأموریت‌های شهرسازی و معماری و صیانت از طرح تفصیلی به ویژه ساماندهی سیما و منظر شهری است که حضور شخص شهردار هم، اقدام بسیار خوبی است.

بی توجهی به سیما و منظر تهران

سالاری در بخش دیگری از این مصاحبه از اقدام شهرداری برای تهیه لایحه‌ای در زمینه ساماندهی سیما و منظر خبر می‌دهد و می‌گوید: شهرداری تهران براساس تصمیم‌گیری به عمل آمده در شورای شهر، به تهیه این لایحه ملزم شده است که پس از ارائه آن به شورا و تصویب، برای اجرا به شهرداری ابلاغ خواهیم کرد.

وی با تأکید بر این که از زمان تشکیل بلدیه در تهران تا امروز هیچ گونه الگو و معیاری برای متولیان ساخت و ساز در زمینه نماهای شهر و ساختمان‌ها تعریف نشده است، یادآور می‌شود: متأسفانه در این زمینه هیچ کاری انجام نگرفته است و در شهر تهران شاهد یک نابهنجاری تمام عیار در بحث نماهای شهری هستیم.

رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر با بیان این که تاکنون هیچ جایگاهی برای نماهای شهری نداشته‌ایم، یادآور می‌شود: تاکنون نقشه نماها بررسی شده است در حالی که باید، بایدها و نبایدهایی تعریف و متولیان ساخت ملزم به اجرای آنها شوند. به عنوان مثال باید درصد مجاز استفاده از شیشه و کامپوزیت در نما مشخص شود تا هنگام ریزش، خطری متوجه عابران نشود.

سالاری می‌گوید: این لایحه تا دو هفته دیگر توسط شهرداری و برای بررسی به شورای شهر ارائه می‌شود و تا یک ماه آینده هم برای اجرا به شهرداری ابلاغ خواهد شد تا به این ترتیب شاهد ساماندهی نماها باشیم.

خطرپذیری نماها

وی با اشاره به درصد بالای آسیب‌پذیری نماها، یادآور می‌شود: نماها باید از استحکام خوبی برخوردار باشند و مصالح به کار رفته در آن هنگام زلزله به آواری برای عابران تبدیل نشود و این در حالی است که براساس نظر کارشناسان و متخصصان، بر اثر یک زلزله کوچک در تهران، ۸۰ درصد بناها فرو می‌ریزد و همین اتفاق برای قربانی شدن مردم کافی است و این در حالی است که ریزش ساختمان‌ها و آسیب‌پذیری‌شان را در این فرآیند نادیده گرفته‌ایم.

وی در ادامه به اقدامات ناصحیح شهرداری در پارک مادر اشاره می‌کند و می‌افزاید: شهرداری موظف است در پارک مادر بخشی را به فضای سبز اختصاص دهد در حالی که آنها با این توجیه که سرانه فضای سبز منطقه ۵ بیش از استاندارد است، پهنه‌ای که قرار بوده است فضای سبز شود، را به پهنه مسکونی و تجاری تغییر و در قبال طلب یک نهاد دولتی در رابطه با پل صدر، به آن‌ها داده‌اند و این غشی در معامله است.

سالاری همچنین به تشکیل کارگروه هشتم در دولت مربوط به بررسی چالش‌های شهر تهران و کلانشهرها اشاره می‌کند و می‌افزاید: تشکیل این کارگروه که ۱۳ وزیر، رئیس شورای شهر و شهردار تهران هم عضو آن هستند، خروجی‌های مهمی داشته است.

به عنوان مثال وزیر نفت در صحن شورا حضور یافت و درباره راهکارهای کاهش آلودگی هوا اعلام کرد به هر میزان که شهرداری تهران برای توسعه حمل و نقل عمومی و نوسازی این ناوگان بودجه نیاز داشته باشد، حاضر است تحت یک قرارداد متقابل، ارائه دهد.

وی حفظ بوستان مادر را بسیار مهمتر از ساخت پل دو طبقه صدر می‌داند و می‌گوید: یکی از اهداف اصلی ساخت پل دو طبقه صدر، کاهش ترافیک در منطقه بود ولی متأسفانه شاهد تحقق این هدف نیستیم و علاوه بر آن ساخت این پروژه، آلودگی بیشتر هوا را به دنبال داشته و سبب لطمه خوردن سیما و منظر این منطقه هم شده است. وی در عین حال از اجرای پروژه‌های دیگر شهرداری مانند دریاچه چیتگر به عنوان اقدامات خوب یاد می‌کند و می‌افزاید: ساخت این دریاچه یکی از مهمترین اقدامات شهرداری بوده و یک فضای عمومی و گردشگری ایجاد کرده است که در صورت ساخت تله کابین، شاهد یک قطب تفریحی در این منطقه خواهیم بود که البته طی هفته‌های گذشته گزارش‌هایی در زمینه آلودگی آب، قورباغه‌زایی گسترده در دریاچه و موارد دیگری بوده‌ایم که قرار است یک تیم از کارشناسان محیط زیست شورای شهر با مراجعه به محل، این گزارش‌ها را بررسی کنند.

رصد آنلاین پرونده‌های شورای معماری

وی همچنین با اشاره به رصد آنلاین پرونده‌های مطرح در شوراهای معماری مناطق مختلف شهرداری، می‌گوید: تاکنون سه گزارش مفصل درباره احصای مغایریت‌های مفاد شورای عالی مناطق با طرح تفصیلی داشته‌ایم که آنها را به شهرداری تهران و رئیس و اعضای شورا ارائه کرده‌ایم. سالاری عمده تخلفات انجام گرفته در حوزه ساخت و ساز را مربوط به افزایش طبقات، تغییر کاربری و رسیدگی به تخلفات گسترده توسط شورای معماری مناطق می‌داند و می‌افزاید: این کار جزو اختیارات شورای معماری مناطق نیست بلکه موضوع یا باید در کمیسیون ماده ۱۰۰ و یا در شورای شهر بررسی شود.

رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر تهران در بخش دیگری از این گفتگو از وجود حجم گسترده بافت‌های فرسوده و ناپایدار به عنوان یکی از مهمترین چالش‌های شهر تهران یاد می‌کند و می‌گوید: بافت‌های فرسوده حدود ۳۳۰۰ هکتار از بناهای شهر تهران را به خود اختصاص داده‌اند که شامل هر سه مولفه ریزدانگی، ناپایداری و نفوذناپذیری هستند.

وی یادآور می‌شود: بحث نفوذناپذیری به کم عرض بودن معابر و نبود امکان برای نفوذ به آنها هنگام خطر مربوط و ریزدانه هم، املاک با ابعاد کوچک را شامل می‌شود.

سالاری با ابراز تأسف از محقق نشدن طرح جامع مبنی بر این که سالانه باید ۱۰ درصد از بافت‌های فرسوده نوسازی و بهسازی شوند، تأکید می‌کند: براساس مطالعات انجام گرفته، تهران، یک شهر زلزله‌خیز است و در صورت وقوع زلزله، نه فقط ۳۳۰۰ هکتار بافت فرسوده دچار حادثه می‌شود، بلکه امکان خدمت‌رسانی در این مناطق هم وجود نخواهد داشت که ورود دولت‌ها به این عرصه ضروری است.

رئیس کمیسیون شهرسازی و معماری شورای شهر همچنین به وجود ۱۱ هزار هکتار بافت ناپایدار در تهران اشاره می‌کند و می‌افزاید: علاوه بر وجود بافت‌های فرسوده و ناپایدار که خطرپذیری بسیار بالایی دارند، متأسفانه شاهد تأسیسات و زیرساخت‌های ناپایدار شهری هم هستیم.

تهران فاقد کانال تأسیسات شهری است و در صورت وقوع زلزله، به ترتیب شاهد قطعی برق و سپس قطعی گاز و آب خواهیم بود که مجموعه این عوامل به طور حتم سبب مختل شدن تمامی امور می‌شود.

سالاری در پایان خواستار صدور پروانه‌های ویژه بدون اخذ عوارض و همچنین ارائه تسهیلات به متولیان ساخت و ساز برای فعالیت در بافت‌های فرسوده جنوب شهر شد.



امام صادق علیه السلام:

بَرُّوا آباءَکُم یَبَرَّکُم أبناؤُکُم

با پدرانتان خوش رفتار باشید، تا فرزندانتان با شما خوشرفتاری کنند.

یادداشت



به یاد صدوقی ها

علی اکبرجعفری ندوشن

نامشـــان زمزمــه نیــم شــب مســتان بــاد
تــا نگوینــد کــه از یــاد فراموشـــانند
(شفیعی کدکنی)

درسالگردشـهادت آیـه الله صدوقـی و درگذشـت حجه الاسـلام محمدعلی صدوقی امامان جمعه فقید یزد یاد و نامشـان گرامی است. چون خاندان صدوقی واین پدر وپسرطی چندین دهه که زعامت دینی مردم یزد را به عهده داشتند همچون برخی از "علمای بلاد" درتاریخ سرزمین های اسلامی درمیـان مردمـان این بلدمرکزی ایران ازوجاهت مـردم دارانه ای برخوردار بودند. صدوقی ها، روحانیان ساعی وپرتلاشی شناخته می شدند که درکنار تبلیغ وترویج دین، با فضای کار وتولید وسرمایه گذاری مولد هم آشنا بودند وتلاش می کردند تا با تشـویق وگسترش فضای کسب وکار زمینه تاسیس وتوسـعه نهادهای آموزشـی ،درمانی وخدمات عام المنفعه را درديارخود فراهم کنند این باور به آبادانی وهمت ویژه آنان دررفع بسیاری ازموانع توسعه شـهر در پیشرفت دهه‌های اخیر یزد موثربود. شاید یکی ازمهم ترین وجوه شخصیتی صدوقی ها را بتوان چاره اندیشی عملی آنها درحل مشکلات مردم دانست. حضورموثرآنان به هنگام بلایای طبیعی ومساعدتهای گشاینده اشان برای بسیاری ازمردمان مناطق زلزله زده وآسیب پذیرکشور دیرآشناست.

نکته دیگری که درباب شیخ محمدعلی صدوقی نباید ناگفته گذاشت آنکـه وی نیـز همچون پدربزرگوارش مدیری حلیم، صبور و متین بود که توانست همواره درچالش های مختلف سیاسی ،اقتصادی و .... استان یزد را درسطح مطلوبی از آرامش وامنیت نگه دارد تا زمینه های رشد وتوسعه آن از بین نرود و تا حدامکان بسترهمکاری وتعامل کارگزاران اجرایی برقراربماند ولواینکه دراین راه ناگزیرگردد ازگرایشـات سیاسی خود بگذرد ویا نیش ونـوش هایی به جان بخرد.آن مرحوم همـواره متولیان اموررا از حرکات شتابزده وحساب ناشده پرهیز می داد وخود نیز در تصمیماتش بسیاردقیق وعاقبت اندیش بود.

مرحله نخست طرح انتقال آب یزد که از آمال دیرین پدر ارجمندش بود به اهتمام وی به انجام رسـید ، ادامه آن طرح را نیز همواره با پیگیری وتذکارهای پیاپی به متولیان امردنبال می کرد.موضوع اشـتغال وسلامت مردم نیز همواره دغدغه خاطر آن مرحوم بود که از هرگونه تلاشی در این باره فروگذار نبود.

خدایش رحمت کند که در تمام عمر ازجاده انصاف وعدالت خارج نشد ونمونه صبرتوام با تدبیر بود. به آخرین نوبت که اورا دیدم ولختی به ذکرمشکلات گذشت، این بیت معروف مولانا را برای جمع خواند:

صـد هـزاران کیمیا حـق آفریـد
کیمیایـی همچـو صبـر آدم ندیـد

روحش شاد وخدایش رحمت کناد که ازحسن سلوک خود خاطره‌ها به جا نهاد.

محسـنان مردنـد و احسـان‌ها بمانـد
ای خنـک آن را کـه ایـن مرکـب برانـد
گفـت پیغمبـر خُنـک آن را کـه او
شـد ز دنیـا مانـد از او فعـل نکـو
مـرد محسـن لیـک احسـانش نمـرد
نـزد یـزدان دیـن و احسـان نیسـت خرد
مولوی

گشایش بخش بین‌الملل نمایشگاه قرآن از فردا



بخش بیسـت و دومین نمایشگاه بین المللی قرآن کریم از پنجم ماه مبارک رمضـان (۱۲ تیرماه) در باغ موزه دفاع مقدس گشایش می یابد.

به گـزارش ایرنا ،ترویج فرهنگ قرآنی در سـطح بین الملل و نیز ایجاد زمینه گسترش همکاری‌های فرهنگی و قرآنی بین المللی یکی از سیاست‌های اصلی برگزاری نمایشـگاه بین المللی قرآن است.

شناسـایی و دعوت از هنرمندان، پژوهشـگران و فعـالان قرآنی جهان اسـلام، ایجاد فرصتی برای مبادله آثار فرهنگی و قرآنی، ایجاد زمینه ای جهت بسط و گسترش همکاری های دوجانبه و چندجانبه با تاکید بر توسعه دیپلماسی قرآنی از دیگر اهداف این بخش است. بخش بین الملل نمایشـگاه بیسـت و دوم بـا همـکاری سـازمان فرهنگ و ارتباطات اسـلامی با تاکید بر شناسایی هنرمندان، پژوهشگران و فعالان قرآنی طی ابلاغیه‌ای به ۸۰ نمایندگی فرهنگی جمهوری اسـلامی ایـران در خارج از کشـور آغاز بـه کار می کند.این بخش در دو محـور قرآن پژوهان و هنرمندان قرآنی بر پا می‌شود.

رؤسـا و اساتید دانشـگاه هایی که فعالیت مسـتمر آموزشی در حوزه قـرآن کریم داشـته و دارند و همچنین مترجمین و مفسـرین قـرآن کریم که ترجمه و یا تفسـیر جدیـدی از قرآن منتشر کرده باشند در این بخش حضور دارند.مدرسان و مربیانی که دارای سبک آموزشی و ابتکار بدیع هستند و افرادی که دارای حداقل یک تالیف قرآنی فاخر و یا حداقل ۵ مقاله با درجه علمی ممتاز در حوزه های مختلف قرآنی هستند در این بخش فعال خواهند بود.

در بخـش هنرمنـدان قـرآن نیز هنرمندان رشـته صنایع دستی که خالق آثاری با موضوعات قرآنی می‌باشـند و همچنیـن هنرمندان فعـال در زمینه هنرهـای مـدرن و مفهومـی حضور دارند.در این بخش همچنین مجموعه داران و صاحبان آثار موزه‌ای و همچنین روسـای موزه های قرآنـی، هنرمندان صاحب نام رشـته‌های هنری تجسمی شامل خوشنویسی، نقاشی، گرافیک و عکس و ..حضور دارند.

بخش بین الملل نمایشـگاه قرآن بـه مدت ده روز از پنجم تا پانزدهم ماه مبارک رمضان دایر خواهد بود.

بیسـت و دومیـن نمایشـگاه بین‌المللـی قـرآن کریم تـا ۲۳ تیرماه جـاری از سـاعت ۱۸ تـا ۲۴ میزبـان بازدیدکنندگان است.

آمـوزش و روش حفظ ویژه نابینایان در نمایشگاه قرآن

در هشتمین روز از بیست‌ودومین نمایشـگاه بین‌المللی قرآن، نشسـت «آمـوزش و روش حفظ قـرآن» ویژه نابینایان برگزار می‌شود.به گزارش ایکنا، بخش نابینایان بیست و دومین نمایشگاه بین‌المللی قرآن همانند سنوات گذشته اقدام به برگزاری نشست‌های آموزشی ویژه نابینایان کرده است.

از ایـن رو نشسـتی بـا موضوع «آمـوزش و روش حفـظ قـرآن» ۱۰ تیـر با تدریس سـما بابایی، حافظ کل قرآن کریم برگزار شـد. در این نشست مباحث کاربردی و تخصصی در حوزه حفـظ قرآن و روش‌هـای نوین حفظ آیات قرآن بیان خواهد شد.

در پایـان نشسـت آمـوزش و روش حفظ قرآن، مسـابقه‌ای در مورد مباحـث ارائه شـده برگـزار و نفرات ممتاز حائز دریافت جوایزی به رسـم یادبود می‌شوند.همچنین نشستی دیگر با عنوان «جایـگاه زن از دیدگاه قرآن» با حضور نجله خندق، مسـئول بخش نابینایـان بیسـت و دومین نمایشـگاه بین‌المللـی قرآن برگزار می‌شـود. این دوره از جلسـات با حضـور ۳۰ نفر از نابینایان انجام خواهد شد.

در غرفـه مربـوط بـه نابینایـان نمایشـگاه قـرآن، نرم‌افزارهای قرآنی به صورت گویا و وسـایل آموزشـی و همچنین قرآن به خط بریل وجود دارد که نابینایان و کم بینایان می توانند از این امکانات بهره‌مند شوند.

وزیرارشاد: دولت لایحه ساماندهی تبلیغات حوزه سلامت را به مجلس تقدیم خواهد کرد

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در نشستی با رییس سازمان نظام پزشکی کشـور بر سـاماندهی علمی و حرفه ای تبلیغات حوزه سـلامت با همکاری وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی تاکید کردند.

به گزارش ایرنا به نقل از وزارت فرهنگ و ارشـاد اسـلامی، علی جنتی روز سه شنبه در دیدار با علیرضا زالی هدف از تنظیم لایحه مذکور را ساماندهی تبلیغات در مطبوعات و رسانه ها عنوان کرد و افزود: به زودی دولت آن را برای تصویب به مجلس شورای اسلامی تقدیم می کند. وی با بیان اینکه سلامت مردم از در اولویت می باشـد و از همه چیز مهمتر اسـت اظهار داشـت: باید با تمامی رسـانه‌هایی که تبلیغات حوزه های پزشکی و سلامت را انجام می دهند تعامل داشت و تذکرات و توصیه های پزشکی و علمی لازم را به آنها گوشزد کرد.

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی گفت: با همکاری وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و سازمان نظام پزشکی کشور می توان آموزش های همگانی درباره مسایل پزشکی و سلامت و تغذیه را از طریق مطبوعات و رسانه ها به مردم ارایه داد و در این میان تایید متخصصان و پزشکان از سوی سازمان نظام پزشکی ضروری است.

تشییع پیکر صحرارودی از مقابل خانه سینما

پیکر مرحوم باقر صحرارودی – بازیگر فیلم و سریال‌های طنز – دهم تیر ماه با حضور تعدادی از هنرمندان سینما، تئاتر و تلویزیون از مقابل خانه سینما به سمت قطعه هنرمندان بهشت زهرا (س) تشییع شد.

به گزارش ایسنا، امین تارخ – رییس انجمن بازیگران سینمای ایران – در مراسم روز سه‌شنبه گفت: خوشحالم که به حکم وظیفه با همکارانم توانستیم چند ماه پیش تسهیلاتی به او بدهیم.داریوش مودبیان، دیگر هنرمند سینما و تئاتر نیز خاطرنشان کرد: پاک و زلال بود و همیشه خنده بر لب داشت، طنز را خوب می‌فهمید و آن را در نیکوترین شیوه در گفتار و رفتار خود در همه حال نشان می‌داد.همچنین مراسم ختم آن مرحوم پنج‌شنبه، ۱۲ تیر از ساعت ۱۴ تا ۱۵ و ۳۰ دقیقه در مسجد جامع شهرک غرب برگزار می‌شود.

«هیدگر و گشایش راه تفکر آینده» به بازار نشر آمد

کتـاب «هیدگر و گشـایش راه تفکـر آینـده» به قلـم رئیس فرهنگسـتان علـوم جمهـوری اسلامی ایران منتشر شد.

کتاب «هیدگر و گشایش راه تفکـر آینده» در سـال ۱۳۹۳، در ۱۲۶صفحه و به شـمارگان ۱۱۰۰ نسخه از سـوی نشر نقش جهان منتشر شده است.

کتاب مذکـور با این عبارت آغاز می‌شـود: کارل یاسپرس در زندگینامه فلسـفی خود در فصل هیدگـر نوشـته اسـت: «روزی مستخدم دانشگاه نامه خادمه‌ای از فرانکفورت را آورد و گفت: «این شخص می‌خواهد بداند که کمتر از هیچ چیسـت؟» نامه پر از غلط املایی و دسـتوری بود و از بیم و نگرانی نویسنده حکایت می‌کرد.

نویسـنده از دانشـمندان می‌پرسـید که آیا (پس از این دنیا، پس از این زندگی) به راستی هیچ چیـز وجـود ندارد؟ نامـه‌ای بود التماس آمیز و ناشـی از ترس که احتمـالاً در حال شـروع بیماری اسـکیزوفرنی یا روان‌گسیختگی و آشـکارا با اندیشه مرگ، ولی با جمـلات فشـرده و اصطلاحات کلی و غیر عادی نوشـته شده بود. نامـه را به هیدگر که مهمان ما بود نشـان دادم. هیچ یک از همکارانم ممکن نبود چنین نامه‌ای را مانند او جدی تلقی کنند».

فیلسـوف به پرسش‌هایی که از سـر کنجکاوی برخاسته، کاری نـدارد، اما وقتی منتظر اسـت که حادثـه مهمی روی دهـد به همه چیز با نگاه دیگر می‌نگرد. هیدگر از آن رو به نامه مزبور توجه کرد که در آن نشانی از پیشامد بزرگ عصر که اثرش در همه‌جا ظاهر می‌شد، می‌دید و آن «نیست‌انگاری» بود.

در ایـن نوشـته بـه بحـث نیست‌انگاری پرداخته نشده است زیرا فهم نیسـت‌انگاری موقوف به طراحیِ مقدمات بسـیار است. اصـولاً مباحث فلسـفه معاصر و بخصوص هیدگر دشـواری‌های بسیار دارد. این مختصر شاید راهی باشد برای آشنایی با هیدگر.

کتـاب حاضـر بـه اهتمام سیدابراهیم اشک‌شـیرین فراهم آمـده تـا به آنچـه رضـا داوری اردکانـی در کتاب‌هـا و مقالات مختلف درباره هیدگر اندیشـیده و نوشـته است در یک دفتر جمع آید و مراجعه به آن سهل و آسان‌تر باشد.

این کتـاب شـامل مقاله‌ای بـا عنوان «هیدگر و گشـایش راه تفکر آینـده» و گفتگویی با عنوان «وجـود در نظر هیدگر» اسـت و در بخش سوم کتاب مقاله «فلسفه چیست» اثر هیدگر که توسط رضا داوری‌اردکانـی ترجمه شـده، به چاپ رسیده است. در پایان کتاب نیز فهرست اصطلاحات و تعابیر خاص آمده است.

دکتر میرزاده :بخشنامه حراست مقابل حجاب نیست راه‌های پرجاذبه برای عفاف وجود دارد

دکتـر حمیـد میـرزاده رئیـس دانشگاه آزاد اسلامی و حجت‌الاسلام والمسـلمین صـدر حسـینی دیروز تفاهم‌نامه‌ای مشترک با عنوان «تعامل بین دانشـگاه آزاد اسلامی و معاونت اجتماعـی و پیشـگیری از وقوع جرم و آسـیب‌های اجتماعی قوه قضائیه» راامضا کردند.

به گـزارش مرکز روابط‌عمومی و اطلاع‌رسـانی دانشگاه آزاد اسلامی، دکتر میرزاده در نشسـت مشـترک با معاون اجتماعی و پیشـگیری از وقوع جرم قوه قضائیه، موضوع پیشـگیری از وقوع جـرم را امری کاملاً فرهنگی خواند و گفت: امروزه اهمیت موضوع پیشـگیری بر کسی پوشـیده نیست و دانشـگاه آزاد اسـلامی این آمادگی را دارد کـه در این زمینه بسـیار مهم با معاونت اجتماعی و پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه همکاری کند.

میرزاده بـا تأکید بر فعالیت‌های کیفـی در زمینـه پیشـگیری از وقوع جرم در جامعه، تصریح کرد: معاونت پژوهشـی دانشـگاه آزاد اسلامی نیز آمادگی فعالیت‌های علمی و کاربردی را در ایـن زمینـه دارد، البتـه باید این فعالیت با تشکیل کارگروه تخصصی میان قوه قضائیه و دانشگاه آزاد همراه شود.

رئیـس دانشـگاه آزاد اسـلامی بـا تأکید بر این موضوع که متأسـفانه بسـیاری از تفاهم‌نامه‌ها در کشور تنها بـر روی کاغـذ می مانـد، تأکید کرد: امیدوارم تفاهم‌نامه میان دانشـگاه آزاد و معاونت پیشگیری از وقوع جرم قوه قضائیه با تشکیل کمیسیونی ویژه برای اجرای هرچه بهتر و همچنین نظارت دقیق بر فرآیند اجرایی به تمام اهداف خود برسد.

پاسـخ به جنجال سازی برخی رسانه‌ها

رئیس دانشـگاه آزاد در پاسخ به جنجال سـازی برخی رسانه‌ها درباره پیگیری مسـائل مربـوط به حجاب و عفاف از سوی متولیان فرهنگی دانشگاه بـه جـای نیروهای حراسـت، گفت: بخشـنامه حراسـت مقابل حجاب و عفاف نیست، بلکه بهبود روش‌ها در برخورد با یک مقوله فرهنگی است.

به گـزارش مرکز روابط عمومی و اطلاع رسانی دانشگاه آزاد اسلامی، دکتـر حمید میـرزاده با بیـان این که حراسـت یـک سـازمان، ضابط قوه قضائیـه نیسـت تا بخواهد کسـی را دسـتگیر کند، اظهار داشـت: بدیهی است حراست با مشاهده جرم مشهود، قطعا برخورد قانونی با تخلف خواهد کرد و مسئولان واحدها نیز، متخلفان را به مراجع ذیربط ارجاع می دهند .

میرزاده با اشاره به هجمه‌هایی که طی چند روز گذشـته به نهاد علمی و فرهنگی دانشگاه آزاد وارد شده است، گفت: برخوردهای حراستی و فیزیکی و انتظامی ۳۵ سال گذشته اگر موثر بود، مسئولان اکنون از وضع حجاب راضی بودند.

وی ادامه داد: حجاب ظاهر باطن اشخاص است؛ باید قلب‌های سلیم و باطـن افراد پاک شـود و این کار، کار حراسـت نیسـت؛ بلکه با آموزه‌های قرآنـی و آشـنایی با معارف قرآن و اهل بیت و سبک زندگی ائمه اطهار و بزرگواران دین و دانش، قلب‌ها سلیم و باطن‌ها پاک می‌شوند.

رئیـس دانشـگاه آزاد در پایان، گفت: به جای برخوردهای حراسـتی و انتظامـی راه‌هـای نرم‌افـزاری و پر جاذبه‌ای برای توسـعه فرهنگ عفاف و حجاب و وقار در دستور کار مدیران فرهنگی دانشگاه آزاد اسلامی است که متعاقباً اعلام خواهد شد.

کوتاه آموزشی

برنامه دولت برای جذب نخبگان ایرانی خارج و تضمین آینده شغلی آن ها

معاون علمی و فناوری رئیس جمهور از برنامه های این معاونت برای جذب نخبگان ایرانی خارج از کشور و تضمین آینده شغلی آنها در صورت بازگشت به کشور خبر داد.

سـورنا سـتاری در گفتگو با مهر، با بیان این که با داشتن اقتصاد دانش بنیان، نخبگان ایرانی خارج از کشـور به راحتی جذب خواهند شـد گفت: هم اکنون طرح هایی برای نحوه جذب نخبگان خارج از کشور در معاونت علمی و فناوری و بنیاد ملی نخبگان در دست بررسی است.

ستاری با بیان این که آینده نخبگان باید تضمین شود، افزود: باید بتوانیم آینده شـغلی نخبگان ایرانی خارج از کشـور را تضمین کنیم؛ به نحوی که علاوه بر آن که بتوانند در دانشگاه های داخلی مشغول شوند تسهیلاتی نیز برایشـان درنظر گرفته شـود. وی گفت: هم اکنون طرح بنیاد ملی نخبگان برای نحوه جذب نخبگان ایرانی خارج از کشور و تسهیلاتی که می تواند در اختیارشان قرار گیرد در حال تهیه است.

نظارت وزارت بهداشت بر آموزش پزشکی در دانشگاه آزاد

معاون آموزشی وزیر بهداشت با اشاره به لزوم نظارت وزارت بهداشت به تمامی رشـته‌های علوم پزشـکی گفت: متاسفانه ظرفیت‌های بیمارستانی دانشگاه‌های آزاد با تعداد دانشجوهای آنها همخوانی ندارد.

دکتر ضیایی در گفت‌وگو با ایسـنا، خاطرنشـان کرد: در رابطه با نحوه تعامل بین دانشـگاه آزاد و وزارت بهداشـت باید توجه داشت که در ارتباط بین این دو بخش بحث تعامل مطرح نیست بلکه وزارت بهداشت باید روی بخش آزاد نظارت داشته باشد. معاون آموزشی وزیر بهداشت با اشاره به این که برای رعایت استانداردها در زمینه آموزش علوم پزشکی، وزارت بهداشت علاوه بر دانشگاه‌های علوم پزشکی به سایر بخش‌های آموزش عالی از جمله دانشـگاه آزاد نظارت دارد، تصریح کرد: البته این نظارت کار ساده‌ای نیست در حال حاضر نیز با کندی صورت می گیرد.

اتمام چاپ ۸۵ درصد از کتب درسی

مدیـر کل چاپ، توزیع و مواد آموزشـی وزارت آموزش و پرورش از اتمام چاپ بیش از ۸۵درصد کتاب‌های درسـی سـال تحصیلی آینده و تحویل آن ها به انبار خبر داد.

سـید احمد حسـینی، مدیر کل چاپ، توزیع و مواد آموزشی وزارت آموزش و پرورش در گفتگو با فارس با اشـاره به این که توزیع کتاب‌های درسـی مانند سال گذشته خواهد بود اما مشکل ما امسال خیلی کمتر شده اسـت، خاطرنشان کرد: تمامی کتاب‌های فنی و حرفه‌ای به صورت کامل چاپ شـده اسـت؛ پارسال هم مشکلاتمان با خود فنی و حرفه‌ای‌ها بود و تعداد زیادی از همان کتاب‌ها برگشـت خـورد؛ یعنی بیش از ۳ میلیون از کتاب‌های فنی و حرفه‌ای در سال گذشته به ما برگشت خورد.وی در پاسخ به این پرسـش که «آیا تعداد کتاب‌های درسـی امسـال افزایش پیدا کرده اسـت؟»، تصریح کرد: خیر، افزایش تعداد کتاب‌های درسی را نداریم.وی افزود: امسال بیش از ۱۲۰ میلیون جلد کتاب درسی چاپ می‌شود؛ همچنین امسـال دو کتـاب نگارش داریم که یکی بـرای پایه هفتم و یکی برای پایه هشتم است که امسال همراه کتاب فارسی توزیع می‌شود؛ این موضوع در راستای صحبت رئیس جمهوری در خصوص انشاء است که این دو کتاب نگارش در اختیار دانش‌آموزان قرار می گیرد.

دانش‌آموزان پایه هفتم و هشتم صاحب ایمیل دانش‌آموزی می‌شوند

معاون آموزش متوسطه وزارت آموزش و پرورش با اشاره به مذاکرات لازم برای امضای تفاهم نامه با شرکت مخابرات گفت: ایمیل دانش‌آموزی برای دانش‌آموزان پایه هفتم و هشتم طراحی می‌شود.

به گزارش ایسنا، علی زرافشان با اشاره به این که طی این تفاهم نامه در تلاش هستیم تا بستری مناسب برای زیرساخت‌های ارتباطی برای مدارس ایجاد کنیم، گفت: به دنبال تعریف ایمیل رایگان برای دانش‌آموزان و تامین زیرساخت‌ها از جهت سخت افزارها و نرم افزارها هستیم. معاون آموزش متوسـطه وزارت آموزش و پرورش در خصوص راه اندازی ایمیل دانش آموزی خاطرنشان کرد: در درس کار و فناوری پایه ششم و هفتم بخشی از فعالیت‌هایی که برای دانش‌آموزان در نظر گرفته شده است ورود به شبکه ملی و تعریف ایمیل و مبادله پست الکترونیک است، بنابراین طراحی ایمیل دانش‌آموزی با اسـتانداردهای خاص خود برای دانش‌آموزان پایه هفتم و هشتم در درست اجراست.

رئیس جمهوری: ایران باید صنعتی شود

*دولت مترصد رونق بخشیدن به اقتصاد ملی است و به همین منظور بسته سیاستی حمایت از تولید و خروج از رکود را تا پایان همین ماه ارائه خواهد کرد.

*ایران خواهان داشتن روابط نزدیک با همسایگان خود است و در این زمینه ما برای ایجاد ثبات و آرامش و جلوگیری از جنگ در منطقه تمام توان خود را به کار گرفته‌ایم. زیرا افراطی گری و خشونت و دخالت در کار این و آن به نفع هیچ کشوری نیست.

*سهم صنعت از تسهیلات بانکی به منظور تامین بخشی از نیاز نقدینگی سرمایه در گردش واحدهای تولیدی باید افزایش یابد.

این مطالب در مراسم گرامیداشت روز صنعت و معدن که دیروز در سران اجلاس سران ترتیب یافت، اعلام شد.

به گزارش خبرنگار ما، حجت الاسلام والمسلمین دکتر حسن روحانی رئیس جمهوری در سخنانی گفت: کشوری که درواقع توسعه انسانی داشته و دارای مخازن گاز جهان و دارنده مخازن نفت است و ۲ هزار کیلومتر به آب‌های آزاد جنوب و حتی در شمال هم به آب‌های آزاد متصل است و می تواند از مزیت‌های تجاری برخوردار باشد و شرق و غرب و شمال و جنوب را به هم متصل کند و دارای نابغه، صاحب‌نظر، دانشجو و استاد است و بیش از نیم‌قرن سابقه حرکت صنعتی در آن وجود دارد، چطور هنوز نمی تواند صنعتی شود.

روحانی گفت: اگر انرژی را به قیمت جهانی تحویل تولید دهیم، آیا تولید کشور ما قدرت صادرات دارد؛ اگر دروازه‌های کشور را باز بگذاریم و تعرفه را کنار گذاشته و حمایت از تولید را هم کنار بگذاریم آیا تولید کشور ما توان رقابت با منطقه و جهان را دارد؟

وی با بیان اینکه نوزاد و نوجوان نیاز به حمایت دارد، اما آیا جوان بالغ توانمند رشیدی که بیش از ۴۰ سال از عمرش گذشته باز هم نیاز به حمایت دارد، افزود: اگر حمایت در کنار رقابت نباشد، حمایت مخرب است.

نامبرده خطاب به صنعتگران تصریح کرد: بیایید با هم بنشینیم و گفتگو کنیم؛ این مذاکرات برد-برد تنها با خارجی ها نیست، بلکه دولت و بخش خصوصی، قانون گذار و بخش خصوصی هم باید مذاکرات برد – برد داشته باشند.

وی با تأکید بر اینکه ما نیاز به سرمایه طبیعی، سرمایه انسانی و سرمایه اجتماعی داریم، اظهار داشت: اگر سرمایه طبیعی ما یعنی معادن، جغرافیای ایران، اتصال به آب‌های آزاد، راه‌آهن و جاده و مسیر هوایی نباشد، ما دچار مضیقه بزرگی بودیم و اگر توسعه انسانی نبود، این تعداد صاحب‌نظر، دانشجو، صاحب علم و اندیشمند نداشتیم.

رئیس جمهوری ادامه داد: ما در کنار این دو سرمایه نیاز به سرمایه اجتماعی داریم؛ باید به یکدیگر و آینده اعتماد داشته باشیم و همگی به قانون احترام گذاشته و در جهت ثبات و امنیت آینده کشور قدم برداریم.

وی با بیان اینکه این دولت، دولتی نیست که در یک جلسه بدون مشورت و مطالعه تصمیم گیری کند و این قدرت را دارد که آرامش بازار را نگه دارد، اضافه کرد: در موضوع تورم می بینید که دولت به آنچه قول داده عمل کرده است و اگر گفته که تورم قابل مهار است، این کار را انجام داده و امروز تورم نقطه به نقطه به ۱۴/۷ رسیده، در حالی که نقطه به نقطه در سال گذشته ۴۳ درصد بود.

روحانی با اشاره به لزوم مبارزه با رکود و تورم تصریح کرد: ما در مشورت با کارشناسان خود به این نتیجه رسیدیم که در شرایطی که تورم و رکود داریم، در قدم اول باید تورم را مهار کنیم و برای شکستن رکود که سخت‌تر است، در مرحله بعد اقدام کنیم و امروز اولین قدم برای شکستن رکود آغاز شده است.

وی رشد تولید در تولید خودرو سبک، لوازم خانگی و برخی از اقلام را به معنای آغاز شکسته شدن رکود خواند و افزود: امروز در زمینه تولید گاز و نفت قدم‌های بزرگی برداشته‌ایم و چهار فاز پارس جنوبی امسال و چهار فاز دیگر در سال آینده افتتاح خواهد شد.

رئیس جمهوری با بیان اینکه ما ناچاریم تعدادی خودرو با سوخت کم وارد کنیم، اظهار داشت: ما نمی توانیم مدام خواهش کنیم و بگوییم که باید در زمینه خودرو یک حرکت سریع کیفی رخ دهد، ولی در مقابل، هیچ حرکتی انجام نشود.

وی در ادامه برخی از محدودیت‌ها در زمینه تولید و صنعت را به نفع کشور و برخی را به ضرر تولید دانست و افزود: برخی محدودیت‌ها غیرعقلانی و ناصحیح است. به عنوان مثال در زمینه تولید اگر پیچ و خم‌های غیرضروری برای دادن مجوز پیش پای تولید کنندگان باشد، به معنای محدودیت غیرعقلانی است؛ اگر در بخش‌هایی از سیستم اداری ما فساد و رانت وجود دارد، به معنای محدودیت غیرعقلانی بوده و باید با آن مبارزه شود.

روحانی اظهار داشت: هدف نهایی از صنعت، نفع مردم بوده و صنعت باید به نفع جامعه تمام شود و اگر صنعتی وجود دارد که محیط را آلوده می کند، باید برای آن محدودیت ایجاد کنیم.

وی با اشاره به ضرورت تغییر تکنولوژی و نوآوری در زمینه‌های صنعتی در جهت ایجاد امنیت بالا برای مردم اظهار داشت: اگر در صنعت خودرو چیزی را برای جان مردم ضروری می دانیم، این محدودیت، محدودیت درستی است.

رئیس جمهوری محدودیت برای منع خام فروشی در بخش‌های مختلف را محدودیتی عقلانی دانست و اظهار داشت: امروز در شرایطی هستیم که تولید ما با مشکل مواجه است و مقابله با برخی از این مشکلات وظیفه دولت است؛ ما باید فضای روابط خارجی را مناسب قرار دهیم تا شما راحت‌تر بتوانید تکنولوژی و مواد اولیه وارد کرده و در زمینه پولی و مالی تبادل کنید.

رئیس کابینه دولت یازدهم افزود: امروز قدم‌هایی در زمینه برداشتن تحریم‌ها صورت گرفته و برخی تحریم‌ها هم برداشته شده و من قول می دهم که کاسه تحریم‌ها شکسته و هیچ بندزنی قادر نیست آنها را درست کند.

وی با بیان اینکه ما در مسیر برداشتن موانع از راه تولید به راهمان ادامه می دهیم، اظهار داشت: به همه دوستان و ارزشمداران می گوییم که ما انقلاب را می شناسیم و عزت ملی را پاس می داریم؛ ما می دانیم چه کار می کنیم.

وی با تأکید بر اینکه ایران، خواهان داشتن روابط نزدیک با همسایگان خود است، افزود: ما برای ایجاد ثبات و آرامش و جلوگیری از جنگ در منطقه تمام توان خود را به کار گرفته‌ایم و می دانیم افراطی گری و خشونت و دخالت در کار این و آن به نفع هیچ کشوری نیست.

رئیس جمهوری اظهار داشت: ما روابط خوب و مثبت و ثبات منطقه را نه تنها برای تولید بلکه برای آرامش مردم منطقه ضروری می دانیم.

روحانی با بیان اینکه بنا داریم برای کمک به بخش‌های تولیدی آنها را اولویت‌بندی کنیم، اظهار داشت: آنهایی که در سخت‌ترین شرایط کشور اعم از تحریم و مشکلات بازار ارز توانسته‌اند خود را نگه دارند و به تولید ادامه دهند، امروز اگر برای رشد تولید خود نیاز به کمک داشته باشند، در اولویت قرار دارند.

وی ادامه داد: اولویت دوم مربوط به آن دسته از بخش‌های تولیدی است که به دلیل مشکلات بیرونی که به آنها تحمیل شده دچار مشکل شده‌اند و این مشکلات به دلیل سیستم تحریم کشتی‌رانی یا تحریم بانکی به آنها تحمیل شده‌است. رئیس جمهوری اظهار داشت: به همین دلیل کارگروه ویژه‌ای برای رونق اقتصادی و حمایت از تولید ایجاد کرده‌ایم؛ این کارگروه در حال کار و فعالیت بوده و از اقداماتی که انجام شده هم مطلع هستم و در شورای هماهنگی اقتصادی کشور برخی موارد اختلافی را بررسی خواهیم کرد و امیدوارم تا پایان تیر این بسته برای حمایت از تولید و خروج از رکود عملیاتی کنیم.

وی با تأکید بر اینکه ایران باید به دنبال برندسازی باشد، اظهار داشت: ما ایرانی ها در گذشته صنعتگرانی بزرگ بوده‌ایم و باید دانشگاه‌ها، مراکز تحقیقاتی و صنعتی دست به دست یکدیگر دهند و دوباره پرچم عظمت صنعت ایرانی بار دیگر در قله‌ها به اهتزاز در بیاید. رئیس جمهوری با دعوت از سرمایه گذاران ایرانی در خارج برای انتقال سرمایه خود به داخل کشور تصریح کرد: دولت یازدهم خود را خادم مردم می داند و هیچ تصمیم فردی اتخاذ نمی کند و بدون مشورت آن هم با شورهای چندباره تصمیم گیری انجام نمی دهد و اگر هم تصمیمی اعلام کرد و اشتباه انجام داد، برای آنهایی که بگویند دولت اشتباه کرده، تواضع کرده و دست آنها را می بوسیم.

وی با تأکید بر آمادگی بانک‌ها، بنگاه‌های بزرگ و بنگاه‌های کوچک برای حرکت در مسیر رشد و توسعه تصریح کرد: بنگاه‌های کوچک ما در این مسیر باید به بانک‌ها تکیه کنند و البته بانک‌های ما باید دست از بنگاه‌داری برداشته و به عنوان یک امانت‌دار پلی میان تولید و صنعت باشد؛ راه و روش بانک‌ها باید اصلاح شود.

روحانی با تأکید بر اینکه آنچه در مسیر رشد صنعت لازم است دولت تصویب خواهد کرد، افزود: کشاورزی ما هم باید صنعتی شود و صنعت باید همه جا را فرا گرفته و کشور صنعتی شود.

رئیس جمهوری اضافه کرد: ما نیاز به توسعه و رشد داریم و امسال باید رشد اقتصادی ما مثبت شود؛ سال گذشته رشد ما مثبت نبود و سال ۹۱ را هم همه خبر دارید که چگونه بود و امروز با ارزیابی‌های دقیق بانک مرکزی رشد سال ۹۱ منفی ۶/۸ درصد بوده است.

گزارش خبرنگار ما حاکیست: مهندس محمدرضا نعمت زاده وزیر صنعت، معدن و تجارت هم در این همایش خواستار تسریع در تعیین تکلیف مطالبات معوق بانکی شد و از ارایه پیشنهادی به شورای پول و اعتبار برای افزایش سهم بخش صنعت از تسهیلات بانکی خبر داد و گفت: متاسفانه از سال ۹۰ به بعد جوایز صادراتی هیچگونه بودجه‌ای نداشته، از این رو از دولت می خواهیم نسبت به تامین اعتبار لازم برای این موضوع اقدام شود.

وی با اشاره به تصمیمات دولت در مورد شناسایی و برطرف کردن موانع پیش روی تولید، از دستور رئیس جمهوری مبنی بر تشکیل کارگروه خروج از رکود و ایجاد رونق اقتصادی خبر داد و افزود: راهکارهای خروج از رکود بر اساس پیشنهادات صنعتگران و معدنکاران به رئیس جمهوری و تیم اقتصادی تقدیم شده و لایحه حمایت از تولید هم پس از بهره گیری از نظرات کارشناسان، مشاوران و کمیسیون‌های مجلس برای بررسی و تصویب به دولت ارایه شده است.

نعمت زاده با اشاره به رشد مثبت بخش صنعت در سه ماهه ابتدای سال جاری اظهار داشت: بخش صنعت کشور در ادامه مسیر خود برای دستیابی به رشد مناسب بخش صنعت از دولت انتظار اجرای برخی اقدامات حمایتی را دارد، به نحوی که تامین بخشی از نیاز نقدینگی سرمایه در گردش واحدهای تولیدی را با ازدیاد سهم تسهیلات بانکی خواستار است.

نامبرده از ارایه پیشنهادی به شورای پول و اعتبار برای افزایش سهم بخش صنعت از تسهیلات بانکی خبر داد و خاطرنشان کرد: وزارت صنعت همانند سایر دستگاه‌ها اهداف، سیاستها و برنامه‌های عملیاتی اقتصاد مقاومتی را تدوین کرده و پس از تایید در شورای اقتصاد آن را به اجرا خواهد گذاشت.

وزیر صنعت خواستار تسریع در تعیین تکلیف مطالبات معوق بانکی شد و گفت: همچنین باید تسویه بدهی ارزی واحدهای تولیدی از محل حساب ذخیره ارزی تعیین تکلیف شود تا مشخص شود تسهیلاتی که اخذ شده با توجه به افزایش نرخ ارز با چه نرخی باید بازپرداخت شود.

وی در حاشیه این مراسم در گفتگو با خبرنگاران و در پاسخ به این که دولت چه برنامه‌ای برای افزایش سهم بخش تولید از منابع هدفمندی یارانه‌ها دارد، گفت: اخیرا با موافقت معاون برنامه‌ریزی رئیس جمهوری قرار شد مبلغ ناچیزی از یارانه‌ها به بخش صنعت اختصاص یابد که امیدواریم این مسئله در ماه‌های آینده نهایی شود.

این وزیر کابینه تصریح کرد: در صورت اختصاص این مبلغ می توانیم با سپرده گذاری آن نزد بانک صنعت و معدن ۳ برابر این رقم را برای اعطای تسهیلات به دو بخش عمده شامل واحدهای صنعتی فعال در جهت کاهش مصرف انرژی و همچنین صنایع برخوردار از مزایای دانش فنی و فناوری بالا و دارای جنبه‌های صادراتی اختصاص دهیم.

استان‌های بوشهر و البرز بالاترین میزان نرخ رشد جمعیت را دارند

سرویس اقتصادی - ساعت شمار جمعیت مرکز آمار ایران در حالی جمعیت کل کشور را ۷۷/۵ میلیون ثبت کرده است که استان‌های بوشهر با ۳/۱۱ درصد و البرز با ۳/۰۴ درصد بالاترین میزان نرخ رشد جمعیت را دارند.

به گزارش مرکز آمار ایران، پس از این دو استان، به ترتیب استان‌های هرمزگان با ۲/۳۷ درصد و کرمان با ۲/۰۷ درصد در رتبه‌های بعدی قرار گرفته‌اند.

براساس اطلاعات مرکز آمار ایران، کمترین نرخ رشد جمعیت کشور به استان اردبیل با ۰/۳۳ درصد اختصاص دارد و در رتبه‌های بعدی به ترتیب ایلام با ۰/۴۳ درصد، لرستان با ۰/۴۴ درصد، گیلان با ۰/۶۲ درصد، همدان با ۰/۶۴ درصد، آذربایجان‌شرقی با ۰/۶۶ درصد، کرمانشاه با ۰/۶۹ درصد، کردستان با ۰/۷۳ درصد، کهکیلویه و بویراحمد با ۰/۷۶ درصد، خراسان جنوبی با ۰/۸۱ درصد، چهارمحال و بختیاری با ۰/۸۶ درصد و استان مرکزی با ۰/۹۱ درصد قرار دارند.

به این ترتیب ۱۲ استان کشور دارای نرخ رشد جمعیت زیر یک درصد هستند، در حالیکه ۱۵ استان هم دارای نرخ رشد جمعیت یک تا زیر دو درصد هستند، که عبارتند از: قزوین یک درصد، مازندران ۱/۰۲ درصد، زنجان ۱/۰۴ درصد، سیستان و بلوچستان ۱/۰۵ درصد، خوزستان ۱/۱۷ درصد، فارس ۱/۱۷ درصد، خراسان شمالی ۱/۳۵ درصد، اصفهان ۱/۳۷ درصد، سمنان ۱/۳۷ درصد، خراسان رضوی ۱/۴۰ درصد، آذربایجان غربی ۱/۴۰ درصد، تهران ۱/۴۴ درصد، یزد ۱/۶۳ درصد، گلستان ۱/۹۰ درصد و استان قم ۱/۹۳ درصد.

نرخ رشد ۱/۴۴ درصدی جمعیت در استان تهران در حالی است که با وجود اسکان بالاترین جمعیت کشور در این استان که حدود ۱۴ میلیون نفر است، این استان در میان گروه سوم نرخ رشد جمعیت کشور قرار دارد.

نکته قابل توجه آنکه استان بوشهر در حالی بالاترین نرخ رشد جمعیت کشور با ۳/۱۱ درصد را در اختیار دارد که با نرخ بیکاری ۹/۷ درصدی در رده چهاردهم کشوری قرار دارد.

استان البرز هم که در رده دوم بالاترین نرخ رشد جمعیت کشور قرار دارد با نرخ بیکاری ۸/۷ درصد، رتبه یازدهم کشور را به خود اختصاص داده است.

استان هرمزگان هم که رتبه سوم بالاترین نرخ رشد جمعیت کشور را دارد با نرخ بیکاری ۸/۰ درصد در رتبه چهاردهم و استان کرمان که چهارمین نرخ بالای رشد جمعیت را دارد با نرخ بیکاری ۵/۲ درصد، کمترین نرخ بیکاری کشور را از آن خود کرده است.

بررسی آمارها نشان می‌دهد که بالاترین نرخ با سوادی کشور به استان تهران با ۹۰/۴۶ درصد اختصاص دارد.

در رتبه‌های بعدی هم به ترتیب استان‌های البرز با ۹۰/۲۳ درصد، سمنان با ۸۸/۴۰ درصد و یزد با ۸۷/۷۸ درصد قرار دارند. به این ترتیب استان البرز که رتبه دوم بالاترین نرخ رشد جمعیت کشور را دارد در زمینه نرخ باسوادی هم در رتبه دوم قرار گرفته است.

از سوی دیگر استان اردبیل که با ۰/۳۳ درصد کمترین نرخ رشد جمعیت کشور را دارد با نرخ با سوادی ۸۰/۷۷ درصد در رتبه پنجم کشوری قرار دارد. کمترین نرخ باسوادی را استان سیستان و بلوچستان با ۷۱/۵۶ درصد در اختیار دارد.

همچنین از نظر ضریب نفوذ اینترنت در کشور استان تهران با ۲۶ درصد بالاترین سهم را دارد و در رتبه‌های بعدی هم استان‌های سمنان با ۲۴ درصد، اصفهان با ۲۲/۵ درصد، البرز با ۲۲/۱ درصد و استان یزد با ۲۱/۲ درصد قرار دارند.

کمترین میزان ضریب نفوذ اینترنت کشور هم به استان سیستان و بلوچستان با ۶/۶ درصد اختصاص دارد و در رتبه‌های بعدی هم به ترتیب استان‌های آذربایجان غربی با ۱۱/۴ درصد، کردستان با ۱۲/۳ درصد، لرستان با ۱۲/۷ درصد و خراسان شمالی با ۱۲/۹ درصد قرار دارند. سهم سایر استان‌ها هم بین ۱۳ تا ۲۰ درصد است.

طبق این گزارش ساعت شمار جمعیت کل کشور در سایت مرکز آمار ایران دیروز - سه‌شنبه - جمعیت کشور را ۷۷/۵۵۵/۵۵۵ نفر نشان می‌داد که گویای رشد جمعیت کشور است.

اعلام ضوابط فروش سیمکارت‌های تلفن همراه خارجی در کشور

سازمان تنظیم مقررات وارتباطات تصمیم گرفته است مجوز فروش سیمکارت‌های تلفن همراه خارجی در کشور را به شرکت‌های غیردولتی و واجد شرایط که در ایران به ثبت رسیده باشند، از طریق فراخوان اعطاء کند.

به گزارش ایسنا، شرکت‌های متقاضی پس از دریافت مجوز موظف به فروش سیمکارت‌های خارجی تلفن همراه در داخل کشور و ارائه خدمات پشتیبانی و اطلاع‌رسانی خواهند بود.

همچنین فروش سیمکارت‌های شبکه‌های ماهواره‌ای جزء خدمات موضوع مجوز نبوده و فروش سیمکارت‌هایی که با استفاده از رومینگ، از طریق شبکه‌های ماهواره‌هایی نظیر ثریا، اینمارست و غیره امکان ارائه سرویس دارند، ممنوع است. دارنده مجوز موظف به ثبت و فعال‌سازی سیمکارت‌های مشترکان در داخل کشور است. بر اساس این گزارش، تمامی اشخاص حقوقی متقاضی دریافت مجوز می توانند پس از مطالعه دقیق ضوابط و دستورالعمل فروش سیمکارت‌های تلفن همراه خارجی در کشور مصوب کمیسیون تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی و شرایط مندرج در آن، فرم‌های مربوطه مندرج در سایت این سازمان را تکمیل و به همراه مدارک درخواست شده به این سازمان بفرستند.

ارائه مستندات موافقت ارائه‌کننده اصلی با اعطای نمایندگی به متقاضی که به تایید سفارت جمهوری اسلامی ایران در کشور مبدا رسیده باشد، به همراه نسخه ترجمه رسمی این مستندات، اصل فیش بانکی پرداخت مبلغ اولیه حق‌الامتیاز صدور مجوز به مبلغ ۵۰ میلیون ریال (پس از اعلام سازمان) و ضمانت‌نامه بانکی برای تضمین حسن انجام تعهدات به مبلغ ۲۰۰ میلیون ریال قابل تمدید به دفعات بدون قید و شرط در طول مدت اعتبار مجوز و معتبر برای تمامی طول مدت اعتبار مجوز (پس از اعلام سازمان) از شرایط لازم برای صدور مجوز است.

قلمرو فعالیت، سرزمین جمهوری اسلامی ایران و مدت اعتبار مجوز دو سال است.

بازنگری در طرح تفصیلی شهر تهران

معاون وزیر راه و شهرسازی با بیان اینکه کمیسیون ماده ۱۰۰ شهرداری در مواردی خلاف پروانه عمل کرده و برای برخی پروژه‌ها مجوز صادر کرده است، گفت: برخی از موارد در طرح تفصیلی تهران نیاز به بازنگری دارد که برهمین اساس در حال بررسی آن هستیم.

پیروز حناچی در گفتگو با مهر اظهار داشت: طرح تفصیلی باید روح طرح جامع را حفظ کند؛ بنابراین نمی توان در پایین دست طرحی را به اجرا رساند که با روح قانون در بالادست مغایرت داشته باشد.

دبیر شورای عالی شهرسازی و معماری با تاکید بر اینکه طرح تفصیلی باید براساس طرح جامع شهر تهران تدوین می شد، بیان کرد: برخی از موارد در طرح تفصیلی تهران نیاز به بازنگری دارد که برهمین اساس در حال بررسی آن هستیم.

اولین جلسه ستاد تدوین برنامه ششم تشکیل شد

اولین جلسه ستاد تدوین برنامه ششم توسعه دیروز به ریاست معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری تشکیل شد.

دکتر محمد باقر نوبخت ریاست معاون برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری در این جلسه گفت: نقشه راه کلی برای تدوین برنامه ششم شامل آگاهی از آخرین وضع موجود، تبیین وضع مطلوب براساس سند چشم‌انداز با نظر به اقتصاد مقاومتی، تعیین اهداف و اقدامات مورد نیاز برای رسیدن به وضع مطلوب و منابع مورد نیاز برای آن خواهد بود.

پورمحمدی معاون برنامه‌ریزی این معاونت و دبیر ستاد تدوین برنامه ششم هم ضمن برشمردن اصول در نظر گرفته شده برای تدوین برنامه ششم، اهم اقدامات انجام شده در راستای آمادگی و تجهیز معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی رئیس جمهوری برای تدوین برنامه را برای اعضاء حاضر در جلسه ارائه کرد.

نفت، طلا، سکه و ارز

بازار جهانی

هر بشکه نفت سبک آمریکا (وست تگزاس)	۱۰۵/۶۹ دلار
هر بشکه نفت دریای شمال (برنت)	۱۱۲/۳۵ دلار
هر بشکه نفت اوپک	۱۰۸/۵۹ دلار
هر اونس (۳۱/۱ گرم) طلا	۱۳۲۷/۲۰ دلار

بازار داخلی

سکه طلا طرح قدیم (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۵۷۰۰۰ تومان
سکه طلا طرح جدید (به وزن ۸/۱۳ گرم)	۹۵۹۰۰۰ تومان
نیم سکه طلا (به وزن ۴/۰۶ گرم)	۴۷۸۰۰۰ تومان
ربع سکه طلا (به وزن ۲/۰۳ گرم)	۲۶۹۰۰۰ تومان
سکه یک گرمی	۱۸۰۰۰۰ تومان
هر گرم طلای ۱۸ عیار (بدون مزد ساخت)	۹۸۰۰۰ تومان
هر گرم نقره خام (عیار ۹۹۹)	۲۳۸۵ تومان
دلار آمریکا (نرخ بانکی)	۲۵۶۵ تومان
دلار آمریکا (نرخ غیر بانکی)	۳۱۲۲ تومان
یورو (نرخ بانکی)	۳۵۱۰/۶ تومان
یورو (نرخ غیر بانکی)	۴۲۸۰ تومان
پوند انگلستان (نرخ بانکی)	۴۳۸۷/۱ تومان
پوند انگلستان (نرخ غیر بانکی)	۵۳۴۰ تومان
درهم امارات (نرخ بانکی)	۶۹۸/۴ تومان
درهم امارات (نرخ غیر بانکی)	۸۵۵ تومان

دلایل کاهش قیمت در بازار ارز اعلام شد

کاهش تقاضا، تعطیلات تابستانی کارخانجات، روند مثبت مذاکرات هسته ای، افزایش فروش نفت و تقارن با ماه مبارک رمضان از دلایل اصلی افت قیمت ها در این بازار است.

احمد لواسانی دبیرکل کانون صرافان در گفتگو با ایرنا درباره دلایل افت نرخ ارز در بازار آزاد افزود: میزان تقاضا همه ساله در فصل تابستان به دلیل تعطیلات فصلی برخی از کارخانه ها در بازار کاهش می یابد. البته اوایل فصل پاییز و با بازگشایی مجدد کارخانجات دوباره تقاضا در این بازار با افزایش مواجه می شود زیرا همواره خریدهای عمده ارز در ماه های پایانی تابستان و اوایل پاییز انجام می شود.

وی با اشاره به روند مثبت مذاکرات هسته ای اظهار داشت: این امر انتظارات مردمی را برای کاهش قیمت ها افزایش داده ضمن آنکه اگر این مذاکرات به نتیجه برسد، با افت نرخ ارز مواجه خواهیم شد.

دبیرکل کانون صرافان با تاکید بر اینکه دست اندرکاران و فعالان بازار ارز قیمت سه تا سه هزار و ۲۰۰ تومان را برای نرخ دلار پذیرفته اند، افزود: بازار نیاز به آرامش دارد و قیمت ارز بالاخره باید در یک عدد بایستد.

البته وی این هشدار را هم داد در صورتی که نرخ ارز در بازار بیش از پیش کاهش یابد، تقاضای بخش های غیرتولیدی هم افزایش یابد که این امر برای بازار ارز خطرناک است و به همین دلیل قیمت ها در بازار باید منطقی باشد.

نامبرده با اشاره به کاهش تقاضا در بازار ارز گفت: این روزها تنها مسافران مشتریان بازار ارز هستند و به همین دلیل حجم تقاضا در بازار ارز در هفته های اخیر به شدت کاهش یافته است.

اعمال نرخ‌های جدید انواع فرآورده‌های لبنی از هفته آینده

صنایع لبنی نرخ‌های جدید انواع فرآورده‌های لبنی را که قرار است از هفته آینده اعمال شود، اعلام کردند.

محمد فربد عضو هیات مدیره انجمن صنفی صنایع لبنی در گفتگو با ایسنا اظهار داشت: گرچه اعمال افزایش قیمت ۳۰ درصدی خرید شیر خام از دامداران از سوی دولت اعلام شد، اما از آنجاکه این میزان افزایش سبب می‌شود قیمت محصول نهایی در صنایع لبنی ۳۰ تا ۳۳ درصد افزایش یابد و کشش این افزایش قیمت در جامعه مصرف‌کننده وجود ندارد، صنایع لبنی تصمیم گرفتند نهایتا قیمت محصول نهایی لبنی خود را ۱۵ درصد افزایش دهند و به همین نسبت قیمت خرید شیر خام از دامداران را هم افزایش دهند که در این میان با توجه به میزان دریافت شیر در تولید هر یک از محصولات لبنی و تاثیر افزایش قیمت بر تولید هر یک از آنها به نظر می‌رسد شیر پاستوریزه، پنیر و ماست تاثیرپذیری بیشتری از افزایش قیمت داشته باشند که آن هم بیشتر از ۱۵ درصد نیست.

وی افزود: براین اساس قیمت شیر کیسه‌ای ۹۰۰ سی‌سی کم‌چرب از ۱۲۵۰ تومان به حدود ۱۴۰۰ تا ۱۵۰۰ تومان، خامه ۱۰۰ گرمی از ۱۱۰۰ تومان به ۱۲۰۰ تومان، پنیر uf۴۰۰ گرمی از ۳۷۰۰ تومان به حدود ۴۲۰۰ تا ۴۳۰۰ تومان، ماست دبه‌ای ۲/۵ کیلوگرمی پرچرب از ۶۵۰۰ تومان به حدود ۷۵۰۰ تومان و شیر بطری پرچرب یک لیتری از ۲۰۰۰ تومان به ۲۳۰۰ تومان افزایش می‌یابد.

عضو هیات مدیره انجمن صنفی صنایع لبنی ادامه داد: در این میان قیمت کره به دلیل اینکه تاثیری از افزایش قیمت خرید شیر خام داخلی نمی‌پذیرد و وارداتی است، تغییری نمی‌کند. البته قیمت تمام شده تولید کره برای صنایع لبنی از ابتدای امسال افزایش یافته اما با توجه به نبود کشش بازار، قیمت کره ثابت می‌ماند. همچنین با توجه به همین مساله صنایع لبنی مصوب کردند تا قیمت شیر یک لیتری استریل هم بدون تغییر ۲۵۰۰ تومان باقی بماند.

آیا با منکر می‌شود معروف را اجرا کرد؟





*** دکتر طه‌هاشمی ـ معاون فرهنگی اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی: متاسفانه درک درستی از موضوع عفاف و حجاب در جامعه وجود ندارد و به دلیل عدم بینش درست برخی افراد در این باره، شاهد برخوردهای نادرست و گاه تند با دانشجویان هستیم**

*** دکتر ملوک السادات بهشتی ـ فرزند شهید بهشتی: اگر درباره مساله حجاب با منطق برخورد کرده بودیم و زنان را مجبور نمی‌کردیم که به زور چادر به سر بگذارند، ولو در بیمارستان یا محیطهایی که دشوار است، آن وقت به اینجا نمی‌رسیدیم**

*** طاهره اسداللهی ـ مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوقی اسلامی: انسان‌ها متفاوت و اصولاً تکلیف گریزند، پس دین باید از خود، جاذبه‌ها و سهولت‌هایی داشته باشد که بتواند مخاطب عام را به طرف خود جذب کند، در غیر این صورت، تناقض با هدف دین پدید خواهد آمد**

زن نگاهی به سرتاپای دختر جوان می‌اندازد و می‌گوید: مگر نمی‌دانی چنین لباسی را نباید در خیابان بپوشی؟ دختر پاسخ می‌دهد: از کجا بدانم؟ من دلم نمی‌خواهد شبیه شما لباس بپوشم، اما اگر پیشنهاد دیگری دارید ارائه بدهید!

زن می‌گوید: ما سی سال است داریم می‌گوییم چطور لباس بپوشید، آن وقت تو هنوز نمی‌دانی؟

دختر لبخندی فاتحانه می‌زند و می‌گوید: همین که سی سال است دارید می‌گویید و ما هنوز نفهمیده‌ایم، نشان می‌دهد که شاید شما راهتان را اشتباه رفته باشید!

زن می‌خواهد چیزی بگوید که دختر می‌پرسد: من فوق لیسانس دارم، تو چقدر درس خوانده‌ای که خیال می‌کنی می‌توانی برای من تصمیم بگیری؟

اغلب دختران امروزی، تحصیلکرده و اهل پرسش و پاسخ هستند، در زندگی برای خودشان سلیقه و خط مشی دارند، از اتفاقات روز دنیا آگاه می‌شوند، در جریان آخرین مدهای روز صنعت پوشاک قرار می‌گیرند و برای خود حق انتخاب قائلند. این تنها بخشی از دلایلی است که به خاطرشان، باید دور برخوردهای خشن و زورمدارانه را در ترویج فرهنگ حجاب و عفاف خط کشید!

اگر به سفر روحانی حج رفته باشید، حتماً مشاهده کرده‌اید که در اجتماع بزرگ مسلمانان سراسر جهان، تنوع قابل توجهی در پوشش زنان، از رنگ و طرح آن گرفته تا میزان پوشانندگی اش، وجود دارد. بعضی‌ها سر و صورت خود را هم می‌پوشانند و فقط از رنگ مشکی استفاده می‌کنند، اما بعضی دیگر سربندهای رنگارنگ دارند و بلوز و دامن پوشیده‌اند. آیا می‌شود نسخه واحدی برای یک امت تجویز کرد که همه ملزم به رعایت آن باشند؟ آیا جز این است که تفاوت‌های فرهنگی و عرفی به تنوع پوشش مسلمانان می‌انجامد؟

بدیهی است که حجاب، یک مساله فرهنگی است و تا در درون انسان نهادینه نشود، نمی‌توان نمود بیرونی آن را مشاهده کرد. شگفت آور است که وقتی در میان مسئولان، یک نفر پیدا می‌شود که به فرهنگی بودن مساله حجاب و ضرورت برخورد درست با این مقوله از راه فرهنگ اشاره می‌کند، عده‌ای عصبانی می‌شوند و شتابزده در برابرش موضع می‌گیرند!

ماجرای یک نامه

داستان از آنجا شروع شد که رئیس مرکز حراست دانشگاه آزاد اسلامی، در نامه‌ای به مدیران و روسای دفاتر حراست واحدهای دانشگاه آزاد، با اشاره به این که مقوله حجاب و عفاف موضوعی فرهنگی است و نیاز به برنامه‌ها و راهکارهای خاص و تخصصی فرهنگی دارد، نوشت: «مقتضی است حراست واحدهای دانشگاهی از هرگونه مداخله در اجرای برنامه‌های مرتبط با موضوع مطروحه خودداری کرده و صرفاً برابر شرح وظایف ذاتی ضمن رصد روند اجرای برنامه‌های معاونت‌های فرهنگی، در صورت مشاهده تخلفات احتمالی اشخاص نسبت به تهیه و ارسال گزارش موارد به متولی فرهنگی واحد اقدام نمایند. بدیهی است در صورت مشاهده هرگونه دخالت بی‌مورد دفاتر حراست در موضوع صدرالاشاره طبق مقررات با افراد خاطی برخورد انضباطی خواهد شد.»

در این نامه تاکید شد که در صورت تمایل ریاست واحد یا شورای فرهنگی برای مداخله و یا مشارکت حراست در اجرای برنامه‌های مرتبط با مساله حجاب و عفاف، آنها می‌توانند موضوع را به صورت مکتوب با ذکر حدود اختیارات و شرح وظایف خاص به حراست واحد ابلاغ کنند و حراست نیز پس از انجام هرگونه اقدامی، گزارش عملکرد خود را برای این مرکز ارسال کند.

به نظر می‌رسد که مدیریت جدید دانشگاه آزاد قصد دارد با جلوگیری از هر گونه برخورد نادرست در حوزه مسایل فرهنگی، طرحی نو در اندازد و به شیوه‌ای متفاوت به ترویج و تبلیغ آثار مثبت حجاب در جامعه بپردازد.

سناریوی کشف حجاب!

اما خبرنامه دانشجویان ایران در واکنشی تُند و شتابزده، این نامه را بخشی از سناریوی کشف حجاب در کشور نامید و نوشت: «این سناریو می‌خواهد به دنبال اراجیف افرادی که در داخل و خارج به دنبال کشف حجاب هستند، با جرأت دادن به افراد بی‌حجاب، دانشگاه‌های آزاد را همچنان که در کشور مروج بی بند و باری هستند به عنوان مروجان کشف کامل حجاب قرار داده و دهن کجی اجتماعی علیه احکام اسلامی راه‌اندازی نمایند.»

دانشجویان حزب‌الله دانشگاه آزاد اسلامی تبریز در این خصوص بیانیه‌ای صادر کردند و با اشاره به آیات و روایاتی درباره حجاب، خواستار عذر خواهی رسمی رئیس هیأت امنا و رئیس مرکز حراست دانشگاه آزاد از محضر دانشجویان شدند. آنها در بیانیه خود با دعوت از تشکل‌های دانشجویی، روحانیان، سپاه و مسئولان امور فرهنگی، خواهان موضع‌گیری و اقدام فوری آنان در این زمینه شدند و نوشتند: «احتمال داده می‌شود تا پروژه‌ای خطرناک در خصوص کشف کامل حجاب و ترویج افکار التقاطی در کشور به‌طور دولتی و غیر دولتی در حال پی ریزی باشد. اخیراً خودروهایی مشاهده شده است که داخل آن زنان و دختران با کشف کامل حجاب، در خیابان‌های شهر غیرتمند تبریز آزادانه تردد نموده‌اند.»

حریم دانشگاه!

روش پیشنهادی این افراد در موضوع حجاب، ناگفته پیداست. آنان می‌اندیشند که می‌توان در همه جا گشت ارشاد راه انداخت و جوانان را با برخوردهای خشونت‌آمیز مجبور کرد که مطابق خواست آنها رفتار کنند، بی‌توجه به آن که اسلام دین مهربانی است.

نمونه‌ای از این گونه برخوردهای نادرست، موردی بود که مدتی پیش در تهران اتفاق افتاد و آن این که ماموران گشت ارشاد با ورود به محوطه دانشکده هنرهای کاربردی دانشگاه هنر تهران، یکی از دانشجویان دختر این دانشگاه را بازداشت کردند و این کارشان به درگیری آنها با عده‌ای از دانشجویان منجر شد، جالب این که در حال حاضر تمامی منابع اینترنتی که به نقل این خبر و حواشی آن پرداخته اند، فیلتر شده است.

دکتر اکرمی، رئیس دانشگاه هنر در تشریح جزئیات این اتفاق گفته است: دانشجوی خانمی بیرون از دانشگاه حضور داشته است که ظاهرا نیروهای گشت ارشاد به خاطر پوشش به او تذکر می‌دهند و او وارد دانشگاه می‌شود و به دنبال آن نیروهای انتظامی نیز وارد فضای دانشگاه می‌شوند که نیروهای حراست قصد ممانعت از ورود آنها را داشتند که متاسفانه تنشی ایجاد می‌شود.

وی با تاکید بر این که نیروی انتظامی حق ورود به حریم دانشگاه را ندارد، گفت: ظاهرا آن افسر به این مساله آگاهی نداشته و بنا به گفته نیروی انتظامی، با آن افسر نیز برخورد شده و از دانشگاه بابت این مساله عذرخواهی کردند و مساله حل شده است.

ارائه زیبایی‌های حجاب و عفاف

از سوی دیگر سه اتحادیه بزرگ دانشجویی دانشگاه آزاد متشکل از ۱۲۰ تشکل دانشجویی در بیانیه‌ای با اعلام حمایت از بخشنامه اخیر حراست این دانشگاه، درباره ضرورت عدم دخالت نابجای نیروهای حراست در مقوله حجاب، از بروز برخی تخریب‌ها علیه این بخشنامه انتقاد کردند.

در این بیانیه که از سوی اتحادیه تشکل‌های دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، سازمان اسلامی دانشجویان ایران (سادا) و مجمع اسلامی دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی صادر شد، آمده است: دانشگاه آزاد اسلامی بار دیگر با تکیه بر عقلانیت، منطق و مشی اعتدال، اقدام به اصلاح یک رویه غلط در دانشگاه‌ها کرد، اما متاسفانه شاهد هستیم که دلواپسان امروز که جریان شارلاتانیسم خبری را هدایت می‌کنند، دوباره فعال شدند و اقدام به جنجال‌سازی درباره این اقدام ارزشمند دانشگاه آزاد اسلامی کردند.

در طول ۳۵ سال گذشته شاهد افت و خیزهای فراوانی در مقابل مواجه با مقوله حجاب بوده‌ایم و بارها دیده‌ایم که تجربه برخورد خشونت‌آمیز و فیزیکی با این مقوله نه تنها نتیجه مثبتی نداشته، بلکه موجب واکنش منفی افراد نیز می‌شود.

برادران بسیج دانشجویی و نمایندگان محترم مجلس شورای اسلامی! چطور شما با در دست داشتن همه ابزارهای لازم در ۳۵ سال گذشته نتوانسته‌اید به نتیجه مطلوب خود در مقوله حجاب دست یابید و جای بسی تأمل است که امروز به جای پاسخگویی در افکار عمومی، خود منتقد تبعات عملکرد خویش نسبت به دیگران شده‌اید، در حالی که خود شما باید پاسخگوی این وضعیت باشید. اما برای این که صورت مسأله را پاک کنید، شمشیر انتقاد را به روی مدیران فعلی دانشگاه آزاد اسلامی کشیده‌اید؟

آیا هر از چند گاهی انجام اقدام فیزیکی برای وضعیت حجاب در سال‌های اخیر نتیجه تاثیرگذاری در اصلاح امور داشته است یا این که با این رفتارهای خشن و یکسویه عکس آن چیزی که مدنظر بوده، حاصل شده است؟

متاسفانه جریان «ساکتین دیروز» و «دلواپسان امروز» که مدعی سکانداری فرهنگ اصیل اسلامی می‌باشند، با شارلاتانیسم خبری و غوغاسالاری به جای پاسخگویی سعی در به چالش کشیدن اقدامات مسئولان دانشگاه آزاد اسلامی در سطح رسانه‌ها دارند، اما ما دانشجویان دانشگاه آزاد اسلامی، حمایت کامل خود را از این گونه اقدامات برای حفظ حقوق شهروندی و کرامت انسانی دانشجویان اعلام می‌نماییم و تمام تلاش خود را برای ایجاد یک درک صحیح از موضوع حجاب در جامعه انجام خواهیم داد و امیدواریم ناآگاهان جامعه به یک بینش صحیح و منطقی از مقوله حجاب دست یابند و به جای برخوردهای فیزیکی، زیبایی‌های حجاب را به جامعه عرضه کنند.»

رسالت حوزه فرهنگی درباره حجاب

دکتر طه‌هاشمی، معاون فرهنگی اجتماعی دانشگاه آزاد اسلامی نیز با اشاره به بخشنامه صادر شده از سوی حراست دانشگاه که دستمایه جریان سازی برخی رسانه‌ها علیه دانشگاه آزاد شد، می‌گوید: «از مدیر کل حراست دانشگاه به خاطر صدور این بخشنامه تشکر می‌کنم، چرا که گزارش‌های مختلفی درباره برخورد نامناسب با دانشجویان و اعضای هیات علمی به خاطر موضوع حجاب به دست ما رسیده است.

وی می‌افزاید: متاسفانه درک درستی از موضوع عفاف و حجاب در جامعه وجود ندارد و به دلیل عدم بینش درست برخی افراد در این باره، شاهد برخوردهای نادرست و گاه تند با دانشجویان هستیم.

طه‌هاشمی با بیان این که رسالت حوزه فرهنگی ارائه زیبایی‌های حجاب و عفاف به جامعه است، می‌گوید: حجاب و عفاف جزو موازین قانونی و شرعی جامعه اسلامی ماست، به همین خاطر باید به درستی تبیین شود تا اثر گذاری داشته باشد.»

این موضوعی است که اندیشمندان روشنفکر اسلامی همواره برآن تاکید داشته‌اند.

منش شهید بهشتی، الگوی امر به معروف

دکتر ملوک‌السادات بهشتی، فرزند ارشد شهید بهشتی در مراسم بزرگداشت شهدای هفتم تیر، در بیان ویژگی‌های شخصیتی پدرش در خانواده گفته است: در شرایطی که داشتن تلویزیون در خانواده‌های روحانی امر ممنوعی محسوب می‌شد، دکتر بهشتی شجاعانه آن را خرید و به خانه آورد.

وی با بیان این که اگر امروز هم ایشان حضور داشت، بهترین شیوه استفاده از ابزارهای نوین و وسایل ارتباط جمعی را آموزش می‌داد، افزود: برای من داشتن حجاب در خارج از کشور بسیار سخت بود. با محیطی مواجه بودم که نمی‌پذیرفت یک دختر ده ساله حجاب داشته باشد. اما پدرم با استدلال و بحث و گفتگو با این موضوع مواجه شد، به شکلی که خود من به این نتیجه رسیدم که بایستی در سنین ۱۶-۱۵ سالگی حجاب داشته باشم و می‌توانم با حجاب به مدرسه بروم. برای شهید بهشتی آزادی در دین مطرح بود و تک تک فرزندان ایشان با آگاهی و آشنایی با مسایل اسلام این دین را پذیرفته بودند، نه این که چون در یک خانواده روحانی زندگی می‌کنند یا این که ایشان مسئولیتی در مرکز اسلامی‌هامبورگ داشتند ما بخواهیم اسلام را بپذیریم.

ملوک السادات بهشتی تاکید کرد: الان هم ما با این مساله مواجه هستیم و به ویژه درباره حجاب می‌بینیم که سخت گیری‌های اوایل انقلاب منجر به بروز بدحجابی شده است. اگر ما با استدلال با فرزندان برخورد می‌کردیم به اینجا نمی‌رسیدیم. اگر درباره مساله حجاب با منطق برخورد کرده بودیم و زنان را مجبور نمی‌کردیم که به زور چادر به سر بگذارند ولو در بیمارستان یا محیطهایی که دشوار است، آن وقت به اینجا نمی‌رسیدیم. یادم هست در سال‌های ۵۶-۱۳۵۵ استاد مطهری و شهید بهشتی جلساتی را تشکیل داده و با مجله زن روز آن موقع مصاحبه‌هایی درباره پوشش زنان انجام دادند. استاد مطهری که همه می‌دانیم یکی از سختگیرترین افراد در این زمینه بود، آن زمان گفته بود خانم‌ها در محل کار و در هر موقعیتی می‌توانند متناسب با آن محیط حجاب داشته باشند. اما عدم برخورد منطقی ما باعث شد که حجاب جوانان ما به بدحجابی بینجامد.

خاصیت جذب کنندگی دین

طاهره اسداللهی، مدرس دانشگاه و کارشناس ارشد فقه و مبانی حقوقی اسلامی، در مقاله‌ای با عنوان «جایگاه تساهل و تسامح در قوانین حقوقی اجتماعی اسلام» می‌نویسد: تساهل و تسامح چیزی است که خمیر مایهٔ دین اسلام را تشکیل می‌دهد و بر عکس عقیدهٔ بعضی که آن را قاعده‌ای جانبی در نظر می‌گیرند، به وسیلهٔ رسول گرامی اسلام، اصل دین و برانگیخته شدن وی برای اجرای آن، براساس سمحه و سهله معرّفی شده است.

این پژوهشگر با نقل آیات و احادیثی در باب تسامح و تساهل در اسلام، به نقش کلیدی عقل اشاره می‌کند و می‌گوید: به حکم عقل، انسان‌ها متفاوت و اصولاً تکلیف گریزند. از طرفی، هدف دین، جذب انسان‌ها و رهنمونی بشر و رساندن آنها به سعادت است؛ پس دین باید از خود، جاذبه‌ها و سهولت‌هایی داشته باشد که بتواند مخاطب عام را به طرف خود جذب کند. به عبارت بهتر، احکام دین نباید مخاطب گریز باشد. در غیر این صورت، تناقض با هدف دین پدید خواهد آمد؛ پس به حکم عقل سلیم، دین ماندگار، دینی است که با مهر و مدارا با مخاطب رفتار کند و تا جایی که با هدف دین منافات نداشته باشد، نرمی و ملایمت به خرج دهد، و «کلما حکم به العقل حکم به الشرع».

با توجه به این گفته‌ها، شاید اگر به جای آن که جوانان را به خاطر نوع پوشش شان از سطح شهر جمع کنیم و مانند جنایتکاران و بزهکاران، تابلو به گردنشان بیندازیم و از آنها عکس بگیریم، به ریشه‌یابی رفتارهای نسل سوم و چهارم انقلاب می‌پرداختیم و پای درد دل‌هایشان می‌نشستیم، امروز وضعیت جامعه به گونه‌ای نبود که کسی احساس نگرانی و ناامنی کند و هیچ کس نخواهد و نتواند حرف گروه مخالف خود را بشنود و به آن بیندیشد.

شرایط امر به معروف و نهی از منکر

خداوند، از هر یک از بندگان خود به اندازه توانایی اش توقع دارد، به عنوان مثال، ترک جهاد جانی و مالی را از سوی ناتوانان، مریضان و کسانی که از داشتن ابزار و سلاح جنگی محروم هستند، می‌بخشد. به همین ترتیب، امر به معروف و نهی از منکر را نیز بر همگان واجب نمی‌شمارد و برای آن شرایطی قایل است.

امام خمینی(ره) در این زمینه معتقد است: خشونت‌های غیر انسانی در صورتی مصداق می‌یابد که ناشی از حقارت‌ها، عقده گشایی‌ها و جمودها باشد، وگرنه آنجا که هدف، تأمین سعادت جامعه است و این سعادت، قابل اغماض نیست، نباید عنوان خشونت را به کار برد.

ایشان به نقل از فقیهان شیعه در شرایط امر به معروف می‌افزاید: متولّی این کار باید همانند طبیب دلسوز و پدری مهربان که مصلحت فرزند را مدنظر قرار می‌دهد، باشد. نهی کردن او و از سر رحمت و عطوفت بر او باشد؛ این کار را برای خدا انجام دهد؛ عمل خود را از هر گونه شائبهٔ نفس خالی سازد و برای خود هیچ گونه برتری قائل نشود.

از شرایط دیگر امر به معروف و نهی از منکر در مراحل بالا، آن است که حتماً باید با اذن حاکم فقیه عادل یا امام معصوم(ع) صورت بگیرد و بدون این اجازه هرگز نمی‌توان کسی را مجروح کرد. باید دید آیا آنچه امروز به نام امر به معروف و نهی از منکر در جامعه اتفاق می‌افتد این شرایط را در بر می‌گیرد یا خیر؟

حکایتی ازکتاب الغدیر می‌تواند حسن‌ختام این گفته‌ها باشد، آنجا که می‌گوید: شخصی از دیوار خانه مردم بالا رفت تا ببیند که افراد آن خانه چه می‌کنند. همین که دید مشغول شراب خوردن هستند از بالای بام نهی از منکر کرد. صاحبخانه به او گفت: من یک منکر انجام دادم وآن این که شراب خوردم، ولی تو گرفتار چند منکر شدی، تجسس و ورود به حریم خانه مردم و ارعاب، منکرهایی بود که تو مرتکب شدی!

ارمغان زمان فشمی

جدول ۲۲۳۰۳

طراح: غلامحسین باغبان

افقی:

[illegible]

عمودی:

[illegible]

حل جدول ۲۲۳۰۲

درنگی در دعای سحر

حجت‌الاسلام والمسلمین محمدجواد حجتی کرمانی   بخش اول

اشاره: تازه‌ترین کتابی که انتشارات اطلاعات از استاد حجتی کرمانی منتشر کرده، «عشق و دعا در رمضان» است که با مرور بر برخی از دعاهای ماه مبارک، خواننده را با وجوهی از نیایشهای معصومان آشنا می‌سازد. آنچه در پی می‌آید، بخش چهارم این کتاب است که به شرح مختصر و گویای «دعای مشهور سحرهای ماه مبارک رمضان» پرداخته شده است.

***

این دعا که از مشهورترین دعاهای ماه مبارک رمضان است، با آهنگ زیبا و موزون و مضمونهای عالی و رمزگونهٔ خود، درخور نگارشی عاشقانه است. هماهنگی و وزن و همگونیِ شکل و محتوای دعا به گونه‌ای است که حتی کسانی که با عربیِ آشنایی ندارند، کم و بیش از نظم آهنگین و مضامین دلپذیر آن و به خاطر کلمات آشنایی همچون «جلال» و «جمال» و «کمال» و «قوّت» و «مشیّت» و «عزّت»، لذت می‌برند و ما در این بخش بر سر آنیم که با زیباییهای جان‌بخش این دعا آشنا شویم و اندکی دربارهٔ مضامین آن، بحث و دقت کنیم. این بخش از سخن می‌تواند عرفانی / فلسفی یا عشقی / عقلی به شمار آید؛ هر چند چنین ادعایی از این نگارندهٔ ناتوان به هیچ‌وجه درخور نیست، اما از آنرو که این نگارش با برداشت از کتاب شریف «شرح دعای سحر» تألیف عارف مجاهد امام خمینی (قدس سره الشریف) انجام می‌شود، با توجه به منبع نگارش، می‌توان چنین ادعایی را پذیرفت؛ البته اگر نگارنده توانسته باشد بخشی از مطالب سنگین و سطح بالای آن کتاب را فهمیده و منتقل کرده باشد.

یادآوری این نکته ضروری است که فهم مطالب کتاب «شرح دعای سحر» امام خمینی نیاز به طی مقدمات و آشنایی با مسائل و اصطلاحات و مقامات ارجمند عرفانی دارد و کسی که با عرفان علمی و عملی آشنایی نداشته باشد، نمی‌تواند از این کتاب بهره‌مند شود ولی از آنجا که به قول شاعر:

آب دریا را اگر نتوان کشید
هم به قدر تشنگی باید چشید

بدین‌ترتیب، سعی خواهیم کرد بخشی از مطالب ساده‌تر و زودیاب‌تر این اثر شریف عرفانی را در اینجا بیاوریم تا جان خوانندگان از شمیم عطر جانفزای آن معطر گردد.

نیایشگر در این دعای جلیل‌القدر، خداوند را با ۲۴ اسم و صفت ذاتی و افعالی به ترتیب زیر می‌خواند: ۱) بهاء ۲) جمال ۳) جلال ۴) عظمت ۵) نور ۶) رحمت ۷) کلمات ۸) کمال ۹) اسماء ۱۰) عزّت ۱۱) مشیّت ۱۲) قدرت ۱۳) سلطان ۱۴) علم ۱۵) مَنّ ۱۶) مسائل (آنچه از خدا مسألت می‌کنند) ۱۷) قول ۱۸) شرف ۱۹) ملک ۲۰) علوّ ۲۱) آیات ۲۲ و ۲۳) شأن و جبروت ۲۴) هر آنچه که خدا به بنده پاسخ می‌گوید.

نگرشی کلی به دعای سحر

نیایشگر در این دعا، تنها خدا را می‌خواند؛ اما چیزی از او نمی‌خواهد و این نکته‌ای نغز و شریف است که این نیایش را در سطحی بسیار بلند می‌برد و شاید بتوان از همین روزنه به ژرفای بسیار والا و زیبای این دعای عظیم‌الشأن نگریست. ما در این دعا با روحی مواج و عاشق مواجهیم که در یک مکاشفهٔ الهی در اسماء و صفات ذاتی و صفات افعالی خدا شناور است و جز خدا و اسماء و صفات ذاتی و افعالی او چیزی نمی‌بیند و چیزی نمی‌خواهد. در این دعا، نه تنها از حوائج روزمرهٔ دنیوی که پاره‌ای از دعاها مشتمل بر آن است سخنی نمی‌رود، بلکه درخواستها و مقاصد والای معنوی نیز درخواست نمی‌شود.

می‌دانیم که دعاهای مأثوره از اهل بیت(ع) آکنده از مقاصد و مسائل معنوی است و روح نیایشگر آن بزرگواران غرقه در تمنای کمالات معنوی از درخواست مقاصد دنیوی، رخ تابیده و از آنها ـ به جز در مواردی نادر ـ چشم پوشیده و در همه جا قرب به

*** خدا همهٔ هستی است و همه‌اش هستی و کمال و نور است؛ عالم نیز به اعتبار اینکه پیوسته به خدا و پرتو اوست، نور و اشراق و ظهور است؛ ولی همین عالم به اعتبار خود، نابودی و ظلمت است. بنابراین خداست که بهاءِ تام و مطلق است و جز او هیچ چیز هویت و بهائی ندارد**

حق جُسته و از موانع مادی این جهانی در عذاب و رنج بوده است. به طور کلی دعاهای والای پیشوایان دینی مشحون از خوف و رجاء و بیم و امید است؛ و همهٔ بیم، دوری از حق است و همهٔ امید و رجاء به قرب پروردگار. آنچه آنان را به شدت متأثر می‌کند، تعلقات ناگزیر این جهانی است و آنچه آنان را به شوق می‌آورد و امید می‌دهد، اتصال به مبدأ کلّ و برداشته شدن حجابها ـ حتی حجابهای نور ـ است.

اما در این دعا، از این همه... خبری نیست و بلکه تنها جذبهٔ اسماء و صفات الهی است که نیایشگر را مجذوب شیدای خویش کرده و او را از خود و همهٔ خواستهای مادی و معنوی فارغ ساخته است. اکنون مروری سریع بر فقرات نورانی دعا:

۱ـ خدایا! تو را به خوبترین خوبیهایت می‌خوانم. همهٔ خوبیهایت خوب است. خدایا! من تو را به همهٔ خوبیهایت می‌خوانم.

۲ـ خدایا! تو را به زیباترین زیباییهایت می‌خوانم و همهٔ زیباییهایت زیباست. خدایا! من تو را به همهٔ زیباییهایت می‌خوانم.

۳ـ خدایا! تو را به باشکوه‌ترین شکوه و جلالت می‌خوانم و همهٔ شکوه و جلالت شکوهمند است. خدایا! من تو را به همهٔ شکوه و جلالت می‌خوانم.

۴ـ خدایا! تو را به بزرگترین عظمتت می‌خوانم... که همه‌اش عظیم است.

۵ـ خدایا! تو را به روشن‌ترین نورت می‌خوانم... که همه‌اش نورانی است.

۶ـ خدایا! من تو را به پردامنه‌ترین رحمتت می‌خوانم... که همه‌اش پردامنه است.

۷ـ خدایا! تو را به تامترین کلماتت می‌خوانم... که همه‌اش تام است.

۸ـ خدایا! من تو را به کاملترین کلماتت می‌خوانم... که همه‌اش کامل است.

۹ـ خدایا! تو را به بزرگترین نامهایت می‌خوانم... که همه‌اش بزرگ است.

۱۰ـ خدایا! تو را به شکست‌ناپذیرترین عزتت می‌خوانم... که همه‌اش شکست‌ناپذیر است.

۱۱ـ خدایا! من تو را به گذراترین مشیّتت می‌خوانم... که همه‌اش گذراست.

۱۲ـ خدایا! تو را به توانایی‌ات که بر همه چیز سیطره یافتی، می‌خوانم... که همهٔ توانایی‌ات مسیطر است.

۱۳ـ خدایا! تو را به نافذترین علمت می‌خوانم... که همه‌اش نافذ است.

۱۴ـ خدایا! من تو را به پسندیده‌ترین گفتارت می‌خوانم... که همه‌اش پسندیده است.

۱۵ـ خدایا! من تو را به دوست داشتنی‌ترین مسألت‌ها از تو می‌خوانم... که همه‌اش دوست‌داشتنی است.

۱۶ـ خدایا! من تو را به شریف‌ترین شرفت می‌خوانم... که همه‌اش شریف است.

۱۷ـ خدایا! تو را به پر دوام‌ترین فرمانروایی‌ات می‌خوانم... که همه‌اش دائمی است.

۱۸ـ خدایا! تو را به والاترین والایی‌ات می‌خوانم... که همه‌اش والاست.

۱۹ـ خدایا! تو را به فاخرترین مُلکت می‌خوانم... که همه‌اش فاخر است.

۲۰ـ خدایا! تو را به قدیم‌ترین منت گذاری‌ات می‌خوانم... که همه‌اش قدیم است.

۲۱ـ خدایا! من تو را به گرامی‌ترین نشانه‌هایت می‌خوانم... که همه‌اش گرامی است.

۲۲ و ۲۳ـ خدایا! من تو را به همهٔ شأن و جبروتت می‌خوانم... و به هر شأنی تنها... و هر جبروتی تنها...

۲۴ـ خدایا! من تو را به هر چه که بدان پاسخم دهی، می‌خوانم... پس دعایم را مستجاب کن.

ملاحظه می‌شود که در این دعا، نیایشگر تنها دست مسألت به درگاه خدا دراز دارد و دیگر هیچ... و تنها در هنگام سؤال و درخواست است که از خود و از سؤالش سخن می‌گوید: یعنی تنها در دو عبارت «انّی» و «اسألک»؛ و جز در این دو کلمه هیچ از خود نمی‌گوید و هیچ برای خود نمی‌خواهد.

و این گسترهٔ نامتناهی بهاء، جمال، جلال، عظمت، نور، رحمت، کمال، کلمات، اسماء، عزت، مشیت، قدرت، علم، مسائل، شرف، سلطان، قول، مُلک، عُلوّ، منّ، آیات، شأن و جبروت الهی است که فضای عطرآگین روحِ نیایشگر را در برگرفته... و مگر بندهٔ عارف وارسته‌ای که در چنین فضای والای نور و عرفان و جذبه و عشقی قرار گیرد، دیگر زبان آن دارد که جز از این والایی‌ها و زیبایی‌ها و جلال‌ها و جمال‌ها و... سخن گوید؟

آری، این دعا از یکی از والاترین تجلیات روح والای انسان نیایشگر حکایت دارد؛ تجلیاتی که در سراسر دعاهای بلند و آکنده از معارف الهی حضرات معصومین(ع) جلوه‌گر است. اینک، با بهره‌گیری از کتاب «**شرح دعای سحر**» کمی در مورد نخستین فقرهٔ نورانی از فقرات این دعای پر جلال و عظمت سخن می‌گوییم:

۱ـ بهاء الهی: «اللهم انی اسئلک من بهائک...»

فهم مضمون این فقره متوقف بر آن است که کلمهٔ «بهاء» را معنی کنیم و آنگاه به «أبهی» و «بَهِیّ» بپردازیم. امام خمینی(ره) می‌نویسند: «بهاء» به معنی حُسن است و حُسن، تمامی هستی است؛ زیرا هر خیر و خوبی و حُسن و درخشندگی در جهان هست، از برکات «وجود» و پرتو آن است.

گفته‌اند: اینکه «وجود»، خیر و خوبی است، یک مسألهٔ بدیهی است. پس وجود، سراسر خوبی و حسن و نور و ضیاء است. «هیولا» را از آن رو که دارای وجود پست و فعلیّت ناقص است، دارای وحشت و ظلمت و مرکز «شرور» و منبع «دنائت» می‌دانند. ابوعلی سینا گفته است: دنیا چون در «نعال وجود» (کف پای هستی) قرار گرفته و آخرین تنزلات هستی است، «اسفل السّافلین» خوانده می‌شود؛ گرچه دنیا به چشم اهل دنیا، زیبا و خوب و لذیذ می‌آید؛ زیرا هر دسته به آنچه دارند، دلخوشند! وقتی «سلطان آخرت» برآید و پرده‌ها از جلوی چشم قلب برداشته شود و حقیقت منکشف گردد، چشمها از خواب غفلت بیدار شده و جانها از بستر جهالت به پا می‌خیزند و حالت دنیا را باز می‌شناسند و مرجع و مآل آن را می‌فهمند و پستی و زشتی و ظلمت و وحشت آن پدیدار می‌شود. پیغمبر(ص) فرمود: «**یُحشر بعض النّاس علی صورةٍ حسنٌ عندها القرده و الخنازیر**: پاره‌ای از مردم به صورتی محشور می‌شوند که بوزینه‌ها و خوکها در مقایسه با آنها، زیبا هستند!»

پس به هر اندازه که «وجود»، از شائبهٔ عدم‌ها و فقدان‌ها و درآمیختگی با ظلمات و جهل، خالص باشد، به آن اندازه زیبا و خوب و درخشنده خواهد بود؛ و لذا عالم مثال، از ظلمات طبیعت درخشنده‌تر است و عالم روحانیات و مقربین که عالم مجردات است، هم از عالم طبیعت و هم از عالم مثال منورتر است و عالم ربوبی از همهٔ اینها درخشنده‌تر است؛ زیرا از شائبهٔ نقص، خالص است و از اختلاط عدم، پاک است؛ چرا که از ماهیت و لواحق ماهیت منزه است؛ و هر چه بهاء و درخشندگی هست، از عالم ربوبی است و هیچ حُسن و ضیائی جز نزد او نیست. (و هو کل البهاء و منه البهاء) همهٔ حُسن و بهاء، خود اوست و هر چه حُسن و زیبایی است نیز، از اوست.

سید محقق داماد (میرداماد) در کتاب «قبسات» فرموده است: خدای تعالی همهٔ هستی است و همه‌اش «هستی» است و همه‌اش بهاء و کمال است، بی‌هیچ غبار نقص و کاستی. او نور است بدون هیچ درآمیختگی با کدورت؛ زیرا خداوند «وجود» است بدون «عدم» و «انّیت»؛ واقعیت محض است بدون «ماهیّت». عالم نیز به اعتبار اینکه پیوسته به خداست و به او نسبت دارد و پرتو و رحمت گستردهٔ او بر پیکره‌های ظلمانی است، «بهاء» و «نور» و

*** نیایشگر در دعای سحر، تنها خدا را می‌خواند و چیزی نمی‌خواهد و این نکته‌ای نغز است که این نیایش را در سطحی بسیار بلند می‌برد. ما در این دعا با روح مواج و عاشقی مواجهیم که در اسما و صفات خدا شناور است و جز او نمی‌بیند و نمی‌خواهد**

«اشراق» و «ظهور» است.

خداوند می‌فرماید: «**قل کلّ یعمل علی شاکلته:** [ای پیغمبر] بگو که هرکس مطابق طبیعت خود عمل کند»، «**الم تر الی ربک کیف مدّ الظل:** مگر ندیدی [ای پیامبر] که خدا چگونه پرتو (پرتو هستی) را بر کشید؟» پرتو نور نیز نور است؛ ولی همین عالم که به اعتبار پیوستگی و انتساب به خدا، بهاء و نور است، به اعتبار خود، نابودی و ظلمت و وحشت و نفرت است: «**کل شیٔ هالک الا وجهه:** همه چیز نابود است به جز وجه خدا.»

پس بعد از آنکه همهٔ «تعیّنات» (وجودهای متعین و مشخص و جزئی)، مستهلک و نابود شوند و همهٔ ماهیّت‌ها (محدودیتهای وجودی) فانی گردند، «وجه الهی» باقی خواهد ماند که همان جهت وجوبی اشیاست که به ذات حقّ آویخته بوده و مستقلاً قوام و تحقق ندارد و به خودی خود، هیچ حکمی نداشته است. از پیغمبر(ص) روایت شده است: «**لودُلیتم الی الارض السُّفلی لهبطتم الی الله:** اگر شما را به پست‌ترین نقطهٔ زمین هستی درآویزند، شما به سوی خداوند فرود آمده‌اید!»

بنابراین خداست که بهاءِ تام و مطلق است و جز او هیچ چیز هویّت و بهائی ندارد؛ عالم به خودیِ خود، هیچ گونه بهاء و هویّت و وجود و حقیقتی ندارد. عالمی که از خود هیچ گونه وجودی ندارد چگونه می‌تواند بهاء و نور و شرف و ظهور داشته باشد؟ عالم، خود به خود «نقصان» و «قصور» و «هلاک» و «دثور» (محو و نابودی) است. (پایان کلام امام خمینی)

تا اینجا به اجمال با تفسیر «بهاء الهی» آشنا شدیم و از بیان امام آموختیم که بهاء (یعنی حُسن) همان وجود و هستی است؛ زیرا هر حُسنی از هستی و هر زشتی و بدیی، از نیستی است. وجود، مساوق با حسن و خوبی است و عدم، مساوی با زشتی و بدی.

آموختیم که چرا نیایشگر در آغاز، خدا را به «نیکوترین نیکویی»اش می‌خواند؛ اما فورا نیکویی‌های خدا را به یکسان نیکو می‌شمارد و باز خدا را به همهٔ نیکویی هایش می‌خواند. حالا به یک نکتهٔ بسیار شریف و دقیق بپردازیم؛ و آن اینکه این تفاوت نگرش در هستی که نیایشگر آن را یک بار «نیکو» و «نیکوتر» و «خوب» و «خوبتر» می‌بیند و یک بار، سراسر عالم را یکپارچه خوب می‌بیند و تفاوتی در آن مشاهده نمی‌کند، از آن چیست.

نویسندهٔ عارف «شرح دعای سحر» در بیان بسیار شریف و پر جذبه و عارفانه‌ای با اشاره به مراحل تکاملی سیر شهودی ابراهیم خلیل(ع)، این تفاوت نگرش را توضیح داده‌اند و ما این مطلب والا را با بیان خودمان به شرح زیر ارائه می‌کنیم:

عارف برای رسیدن به مقامات عالی شهودی، ناگزیر است از مراحل سه‌گانهٔ «حواسّ»، «تخیّلات» و «تعقّلات» گذر کند. این سه مرحله به روایت کلام الهی در سیر شهودی ابراهیم خلیل(ع) به عنوان رؤیت ستاره، رؤیت ماه و رؤیت خورشید، یاد شده است. در این تفسیر عرفانی رؤیت کوکب (زهره) به معنای تجلی ربوبیت نفس، و رؤیت قمر (ماه) به معنای تجلی ربوبیت قلب و رؤیت شمس (خورشید) به معنای تجلی ربوبیت روح تأویل شده است که با درخشش نور «حق مطلق»، همهٔ این ربوبیت‌ها نفی می‌شود و ابراهیم(ع) در پایان می‌گوید: «**انّی وجّهت وجهی للّذی فطر السّموات و الارض...**» نویسندهٔ عارف، کلام مولوی را اشاره به این تدریج معرفت می‌دانند آنجا که گفته است:

از جمادی مُردم و نامی شدم
وز نما مُردم ز حیوان سر زدم
مُردم از حیوانی و انسان شدم
از چه ترسم؟ کی ز مُردن کَم شدم؟
باز می‌میرم ز انسان و بشر
پس برآرم با ملائک بال و پر
بار دیگر از ملک پران شوم
آنچه اندر وهم ناید، آن شوم
پس عدم گردم عدم، چون ارغنون
گویدم کانّا الیه راجعون

آنگاه می‌نویسند: «بدان، کسی که با گام معرفت به سوی خداوند متعال قدم برندارد، به مقصد نهایی نخواهد رسید و در «احدیّت جمع» مستهلک نخواهد شد و خدا را به طور «مطلق» و بی‌نهایت مشاهده نخواهد کرد؛ مگر بعد از سیر تدریجی در منازل و مدارج و مراحل و معارج از «خلق» به «حق مقید»؛ و از «حق مقیّد» به «حق مطلق»... بدین سان که «قید» را کم کم از خود می‌زداید و از نشئه‌ای به نشئهٔ دیگر منتقل می‌شود تا به «حق مطلق» برسد.

نویسندهٔ عارف در خلال شرح دلپذیر خود جا به جا به اشعار حافظ شیراز و ملای رومی تمثّل می‌جویند:

تو را ز کنگرهٔ عرش می‌زنند صفیر
ندانمت که در این دامگه چه افتاده است
غلام همت آنم که زیر چرخ کبود
ز هر چه رنگ تعلق پذیرد آزاد است
نیست در لوح دلم جز الف قامت یار
چه کنم؟ حرف دگر یاد نداد استادم

۲ـ جمال الهی: «اللهم انی اسألک من جمالک...»

۳ـ جلال الهی: «اللهم انی اسألک من جلالک...»

خدای متعال در مقام «الهیّت» همهٔ صفات متقابل را داراست؛ مانند رحمت و غضب، بطون و ظهور، اوّلیّت و آخریّت، سخط و رضا... هر صفتی که متعلق به «لطف» الهی است، صفت جمال است؛ و هر صفتی که متعلق به «قهر» اوست، صفت جلال است. ظهور و نورانیّت و زیبایی عالم، نشانهٔ صفت جمال است و مقهوریّت عالم در برابر سطوت نور و سلطهٔ کبریای او، نشانهٔ صفت جلال است. صفت جلال به وسیلهٔ صفت جمال ظهور پیدا می‌کند و زیر پردهٔ هر صفت جمال، صفت جلال پنهان است. «جمال تو در همهٔ حقایق جریان دارد و چیزی جز جلال تو پردهٔ جمال تو نیست.»

ادامه دارد

گفتار در زیبایی‌شناسی

دکتر اصغر دادبه   بخش ششم

در جنب این دو نظریه، دیدگاهی دیگر در زمینه تبیین خاستگاه هنر درخور توجه است و آن نظریه‌ای است که بر طبق آن اولاً، هنر و از جمله هنر شاعری چونان هر عمل و هر کار دیگر (مثلاً خیاطی یا رانندگی) یادگرفتنی و اکتسابی است و می‌توان شاعر شد، همان گونه که می‌توان خیاط شد؛ ثانیاً؛ «ناخودآگاه» انسان در این کار نقش ویژه‌ای دارد و الهام بخش شاعر است. بدین معنا که مجموع آموخته‌های شاعر در ناخودآگاه او ثبت و ضبط می‌شود و در وضعی خاص بدانگاه که شاعر آهنگ سرودن شعر می‌کند، الهام بخش او می‌شود و بدین سان اگر در تبیین مابعدالطبیعی، منشأ الهام، بیرون از انسان و درعالم بالاست، بر طبق این نظریه، منشأ الهام در خود شاعر است و همانا ناخودآگاه اوست.[7]

ج) مسئله ارزش شعر و هنر

این پرسش که «هنر برای چیست؟» و «شعر به چه کار می‌آید؟» و برای انسان چه فایده‌ای دارد، به ظاهر آسان‌ترین و ساده‌ترین و به واقع و به باطن دشوارترین پرسشی است که می‌توان مطرح کرد. در جایی که سود معنایی جز سود مادی ندارد و «برای چیست»، پاسخی جز «برای سود مادی» نمی‌یابد، از ارزش شعر سخن گفتن و آن را چونان علم لازمه زندگی دانستن اگر محال نباشد، سخت دشوار است.

باری، اگر در تنوع نیازهای انسان تأمل کنیم و بپذیریم که نیازهای عاطفی انسان اگر پر اهمیت‌تر از نیازهای دیگر او نباشد، کم‌اهمیت‌تر از آنها نیست، پرسش بنیادی «شعر و هنر برای چیست؟» به پاسخ شایسته خود می‌رسد و معنای سخن شارل بودلر ـ شاعر فرانسوی ـ هرچه بیشتر روشن می‌شود که: «بی آب و نان ممکن است ساعتها و بسا روزها زیست، اما بی شعر هرگز!»

گزارش تفصیلی

و آن گزارشی است در زمینه ماهیت یا چیستی زیبایی و هنر که مورد توجه خاص ما در این مقال و در این مقاله است. مراد از زیبایی در این مقام، همانا زیبایی هنری یا هنرهای زیباست و شعر، هنری از جمله هنرهای زیبا؛ بنابراین در بحث از ماهیت یا چیستی زیبایی از یک سو می‌توان از جنس زیبایی یازیبایی به عنوان جنس بحث کرد و از سوی دیگر از نوع خاص زیبایی، یا زیبایی به عنوان نوع که در بحث مامراد نوع شعر است، بنابراین بحث را تحت دو عنوان ـ چیستی زیبایی و چیستی شعر ـ پی می‌گیریم.

الف) چیستی زیبایی:

از دیرباز اندیشمندان بدین پرسش که «زیبایی چیست؟» یا «یک چیز چرا زیباست؟» توجه کرده‌اند و کوشیده‌اند تا بدان پاسخ بدهند. از آنجا که عادت بر این جاری است که حکایت را از یونان آغاز کنند من نیز فعلاً از یونان آغاز می‌کنم و همانند موارد دیگر ـ موارد دیگر فلسفی ـ به سخن افلاطون و ارسطو گوش فرا می‌دهم و از دو دیدگاه، که یکی معروف است به دیدگاه مابعدالطبیعی و دیگری مشهور است به دیدگاه تجربی (علمی) سخن می‌گویم:

۱. دیدگاه مابعدالطبیعی، که دیدگاه افلاطونی است،[8] رسم یا دست کم چنان است که چون از یونان آغاز کنند، این دیدگاه را به افلاطون منسوب می‌دارند و بر بنیاد مبانی فلسفی فکری او به تبیین این دیدگاه می‌پردازند، در حالی که افلاطون وامدار ایران است و تحت تأثیر شدید اندیشه‌های زردشت و لاجرم درزیبایی شناسی نیز از این اندیشه‌ها متأثر است.

در نظام فکری افلاطون نظریه معروف به نظریه «مُثُل» (Ideas) اساس و بنیاد است و بر طبق نظریه مُثل، اصل و حقیقت هر چیز، از جمله اصل و حقیقت زیبایی را درعالم مُثل، که همان عالم ارواح جهان مجرد است، باید بازجست که در یک کلام و به تعبیر **میرفندرسکی** ـ متفکر عصر صفوی ـ «صورتی در زیر دارد آنچه در بالاستی». افلاطون از «آنچه در بالاست» و مجرد است و کلی، به «مُثل» تعبیر می‌کند و اعلام می‌دارد هر نوع موجود که در این جهان (جهان مادی) است، یک مثال یا یک ایده دارد که اصل آن نوع است. بنابراین به شمار انواع موجودات ـ اعم از جماد و نبات و حیوان و حتی مفاهیم و معانی ـ ایده یا مثال در عالمی که از آن به «عالم مُثل» تعبیر می‌شود، موجود است.

مثالها یا ایده‌ها، اصلند و موجودات این جهانی، فرع. مثالها، علتند و موجودات این جهانی، معلول و به زبان تشبیه و تمثیل: مثالها اصلند و موجودات این جهانی، عکس و سایه و پرتو. زیبایی، زیباییها و موجودات زیبا نیز از این قاعده‌مستثنی نیستند؛ خواه زیباییهای طبیعی (اعم از پدیده‌های زیبای طبیعت و موجودات زنده زیبا، به ویژه مردم‌زیباروی یا زیبارویان)، خواه زیباییهای هنری یا هنرهای زیبا (اعم از شعر و موسیقی و معماری و آوای‌خوش و نقاشی و دیگر هنرها). حکایت چنین است جمله، پرتو مثال یا ایده زیبایی هستند و هریک به نسبتی از آن مثال و از آن ایده بهره‌مند شده‌اند، یعنی که زیبا هرچه زیباتر باشد، از ایده زیبایی بهره بیشتری برده است.

بالاتر از حکایت مثال و ایده زیبایی، آن سان که افلاطون تصریح می‌کند، مثالها (ایده‌ها) نیز خود مثالهای برتر و کاملتری دارند و جهان مُثل، به زبان تشبیه، چونان مخروط است که از یک قاعده آغاز می‌شود، به سوی بالا می‌رود و هرچه بالاتر می‌رود، محدودتر و باریکتر می‌شود تا سرانجام به یک نقطه، که همانا نوک‌مخروط است، پایان می‌یابد. نوک مخروط (یا هرم) مُثُل «مثال اعلی» نامیده می‌شود که خیر مطلق، حقیقت مطلق و زیبایی مطلق است که آنجا خیر و حقیقت و زیبایی به وحدت می‌رسند و با این نگرش و بر این بنیاد، آن‌سان که عرفای طرفدار عشق و وحدت وجود تصریح می‌کنند، جمله زیباییها پرتوهای زیبایی مطلقند و دراصل حاصل «یک فروغ روی او».[9]

و چنین است که اگر بپرسیم و بپرسند: «زیبایی چیست؟» پاسخ می‌دهند: «زیبایی، پرتو مثال زیبایی، یا پرتو زیبایی مطلق است» و اگر پرسیده شود: «چرا یک چیز زیباست؟» پاسخ آن‌است که: «چون از مثال زیبایی بهره‌مند شده، یا چون از زیبایی مطلق بهره برده است» و بدین‌سان چیستی زیبایی از دیدگاه مابعدالطبیعی (دیدگاه افلاطونی و عرفانی) تبیین و توجیه می‌شود و شگفت نیست که فی‌المثل چون مولانا می‌خواهد از منشأ آسمانی موسیقی سخن بگوید و بدین پرسش پاسخ دهد که: چراآوای موسیقی دلنشین و زیباست؟ به اقتضای شیوه شاعرانه دو نمونه ساز ـ سُرنا و دهل ـ را مثال می‌آورد و از «ناقور کُل» که تعبیری است از ایده یا مثال سازها، سخن می‌گوید و سرانجام نغمه و آواز خوش این دو ساز را جلوه ناقورکُل یا پرتو ایده سازها می‌شمارد[10] و بدین سان به تبیین زیبایی آواهای خوش از دیدگاه‌مابعدالطبیعی می‌پردازد.

۲. دیدگاه تجربی (علمی)

این دیدگاه که دیدگاه ارسطویی است، یا دست کم همان گونه و به همان دلایل که دیدگاه مابعدالطبیعی به افلاطون منسوب می‌شود، دیدگاه تجربی (علمی) هم به شاگردش، ارسطو منسوب می‌گردد. اگر افلاطون همواره روی به آسمان داشت، ارسطو روی از آسمان برتافت و به زمین توجه کرد. گفته‌اند و نوشته‌اند که در کلیسای واتیکان نقاشیی هست از رافائل که در آن افلاطون در حالی که با انگشت اشاره خودبه آسمان اشاره می‌کند، نقش شده و ارسطو در حالی که به زمین اشاره می‌کند. رافائل خواسته است تا ازطریق این نقاشی نگرش کلی وحرکت بنیادی این دو فیلسوف را نشان دهد. سخن ارسطو هم در نقشه استادخود، افلاطون مشهور است؛ این سخن که: «حقیقت را بیش از استاد خود ـ افلاطون ـ دوست می‌دارم.» ارسطواین سخن را در نقد نظریه مُثُل افلاطونی ـ که همانا بنیادی‌ترین نظریه افلاطون و اساس همه نظریه‌های اوست ـ بیان می‌کند و بدین سان، به آن گونه نگرش روی می‌آورد که در برابر نگرش مابعدالطبیعی افلاطونی از آن به نگرش تجربی ـ عملی تعبیر می‌شود.

ادامه دارد

پی‌نوشتها:

۷. مقدمه نگارنده بر کتاب حکایت شعر یادداشت شماره ۲.

۸. برای آگاهی از دیدگاه افلاطون می‌توان از کتب تاریخ فلسفه، فصل مربوط به افلاطون بهره جُست.

۹. تعبیری است برگرفته از این بیت حافظ:

هر دو عالم یک فروغ روی اوست   گفتمت پیدا و پنهان نیزهم

۱۰. مولانا در مثنوی (چاپ نیکلسون ج ۲، دفتر چهارم، ص ۳۲۱ و ۳۲۲) نظریه‌های مختلف در باب منشأ هنررا بیان کرده است. نخست نظر خود را که همان نظریه عرفانی ـ افلاطونی است، بیانی می‌دارد؛ بدین عبارت:

ناله سُرنا و تهدید دهل   چیزکی ماند بدین ناقور کل

و سپس دیدگاه فیلسوفان را که معتقدند منشأ موسیقی گردش افلاک است و آن گاه نظریه دینی را از زبان‌مؤمنان مبنی بر این که اصل موسیقی بهشتی است.

معرفی کتاب

وامق و عذرا
سراینده: قتیلی بخارایی
تصحیح: پوراندخت برومند، مهرانگیز ریاحی
ناشر: گیسا
چاپ اول: ۱۳۹۲
۳۳۰ ص ـ ۱۴۰۰۰ تومان

مثنوی وامق و عذرا داستانی عاشقانه است که در حدود قرن ۱۰ـ۹ توسط قتیلی بخارایی از شاعران دربار عبدالعزیزخان ازبک، در ۵۵۷۳ بیت به نظم کشیده شده است. کتاب با نعت و ستایش خدا آغاز می‌شود و شاعر از واژه‌ها و ترکیبات متداول در ادب صوفیه چون هژده هزار عالم، هفت پرگار، نه عماری، لوح هستی و... استفاده می‌کند.

منظومه حاضر به جهات گوناگون درخور تأمل است؛ از سویی به لحاظ قدمت پس از وامق و عذرای عنصری کهن‌ترین نسخه منظوم موجود وامق و عذراست؛ زیرا تاریخ سرودن منظومه‌های وامق و عذرا که برخی چاپ و منتشر نیز گردیده، از قرن دهم هجری به بعد می‌باشد و اثر قتیلی در قرن نهم هجری به رشته نظم کشیده شده است. وامق و عذرای قتیلی منظومه‌ای است که به لحاظ تعداد نسخ موجود بسیار کمیاب بوده و سراینده آن نیز با همه شیوایی سخن در تاریخ ادبیات ایران به درستی شناخته نشده است.

این منظومه از سه بخش تشکیل شده است: بخش نخست مقدمه آن است که شامل حمد خدا، در بیان معرفت تقدیرات، نعت پیامبر اکرم(ص) و منقبت ائمه‌اطهار، به ویژه حضرت علی(ع)، در معراج، و مدح پادشاه است.

در بخش دوم اصل داستان بیان می‌شود و در بخش سوم شاعر دلبستگی به جهانی فانی را نکوهش می‌کند و پیمان دنیا را دیرپای ندانسته، رهایی به عالم حقیقت را تنها در پرتو پاکدلی و زدودن زنگار از آینه دل میسر می‌بیند.

برنامه‌نویسی اندروید
مایکل برتون، دان فلکر
ترجمه: زهرا جاوید
ناشر: آوند دانش
چاپ اول: ۱۳۹۳
۴۱۲ ص ـ ۲۶۵۰۰ تومان

کتاب حاضر، یک کتاب راهنمای مقدماتی برای توسعه برنامه‌های سیستم عامل اندروید است. برای شروع کار نیازی به تجربه قبلی در برنامه‌نویسی اندروید نخواهید داشت. بنابراین می‌توان به این کتاب به‌عنوان یک تخته سیاه خالی نگریست؛ زیرا پلتفرم اندروید ساختارهای مختلفی را با استفاده از نمونه‌های متفاوت ایجاد کرده است که بسیاری از برنامه‌نویسان عادت به استفاده روزانه آنها ندارند.

این کتاب چکیده‌ای از هزاران صفحه مستندات، نکات، ترفندها و منابع آموزشی در یک قالب کوتاه و گزیده است که امکان سفر به آینده را فراهم می‌کند.

اثر حاضر از پنج بخش تشکیل شده است: بخش اول به معرفی ابزارها و چهارچوبهای مورد نیاز برای برنامه‌نویسی می‌پردازد. در بخش دوم چگونگی ساخت اولین اپلیکیشن آموزش داده می‌شود.

در بخش سوم مهارتهای برنامه‌نویسی یک گام به جلو می‌رود و امکان ایجاد وظایف مختلف با قابلیت یادآوری زمان و تاریخ به کاربر را فراهم می‌آورد.

در بخش چهارم اپلیکیشنی را که برای تلفن هوشمند در بخش قبلی ساخته‌اید، در تبلت پیاده‌سازی می‌کنید. در بخش آخر با نمونه‌هایی از اپلیکیشن‌ها آشنا می‌شوید که می‌توانند کتابخانه‌های اندرویدی سودمندی باشند تا فرآیند حرفه‌ای شما را در برنامه‌نویسی اندروید آسان‌تر کنند.

دیداری شگفت با ناصرخسرو
نویسنده: ابوالقاسم فیض‌آبادی
ناشر: نخستین
چاپ اول: ۱۳۹۲
۶۴ ص ـ ۳۰۰۰ تومان

ناری ده ساله و برادرش داری، دوازده ساله است. این دو عاشق مطالعه هستند و وقت آزادشان را با خواندن کتابهای علمی و تاریخی می‌گذرانند. بچه‌ها با سفر به روستا، در خانه مادربزرگشان، صندوقی دیدند که در آن چند کتاب قدیمی بود. در یکی از کتابها خواندند که می‌توانند به سفرهای دور بروند و با مشاهیر ایران دیدار کنند. این مجموعه گزیده‌ای است از میان عقاید، کتابها و نظریه‌هایی که درباره این مشاهیر نوشته شده است.

در کتاب «دیداری شگفت با استاد سفر ناصرخسرو» بچه‌ها در یک کاروانسرا به دیدار ناصرخسرو رفتند. آنها از او درباره سفرهایش پرسیدند و در بازگشت، نقشه راه سفرهای ناصرخسرو را همراه خود داشتند.

در بخشی از کتاب می‌خوانیم: «ناری گفت: سؤال ما این است که چه چیزهایی را در طول سفرها در نظر بگیریم تا بهره بیشتر ببریم؟» سؤال خوبی است. بیشتر مردم در طول عمرشان سفرهایی می‌کنند. برخی کمتر و عده‌ای بیشتر، ولی کمتر کسی پیدا می‌شود که از سفرهایش نوشته‌ای بردارد و توشه‌ای بیندوزد. به همین دلیل سفرنامه‌ها نادرند. اما اینکه در سفرها چه ببینیم و چه بنویسیم، خوشبختانه در این زمان شهرها در حال گسترش است. اندیشه و اراده حاکمان بر آبادانی پایتخت و برقراری امنیت راهها و کاروانها است. روابط بین مردم خوب و داد و ستد پررونق است...»

یادداشتهای پراکنده

محمد صادقی - بخش سوم و پایانی

اما مقصود از گفتگو چیست؟ مفهوم «گفتگو» چه تفاوتهایی با «گپ‌زدن» و «جر و بحث» دارد؟ گفتگوی تمدنها به چه منظور و با چه هدفی انجام می‌پذیرد؟ ماهیت و حقیقت گفتگوی تمدنها چیست؟ و... یکی از استادان فلسفه در مقاله‌ای با نام «گفتگوی تمدنها، تجمل یا ضرورت فرهنگی» این پرسشها را مطرح کرده، مخاطبان را به اندیشیدن درباره این مفاهیم و موضوعها فراخوانده و آرای خویش را ارائه می‌کند. چنانچه می‌دانیم موضوع گفتگوی تمدنها به قصد حل و رفع مسائل و مصائبی که جان و جهان انسانها را درمی‌نوردد، طرح شده، از این رو نویسنده مقاله با دقت به این نکته مهم توجه کرده و ابراز می‌دارد:

«کسانی که گفتگوی تمدنها را به معنای گفتگو راجع به تأثیر و تأثرهای متقابل تمدنها در گذشته، برای تعیین سهم و نقش هر تمدن در تکوّن، تطوّر، و تکامل تمدنهای دیگر، فهم و تفسیر می‌کنند، جداً از فوری بودن وضع و حال کنونی بشر غفلت یا تغافل ورزیده‌اند. بگذریم از اینکه مرتکب دو خطای کم‌اهمیت‌تر دیگر هم شده‌اند: یکی اینکه گفتگوی تمدنها را با گفتگو درباره تمدنها خلط کرده‌اند، و دیگر اینکه این گفتگو را با مطالعات و تحقیقات علمی و آکادمیک که چند قرنی است درباره تمدنهای گونه‌گون جهان صورت می‌گیرد، و نه بدیع، اشتباه گرفته‌اند... گفتگوی تمدنها باید معطوف به حال و آینده باشد، نه معطوف به گذشته.»

به باور او هدف اصلی گفتگوی تمدنها باید حل مسائل مبتلابه بشر امروز باشد و برای اینکه چنین گفتگویی موفقیت‌آمیز باشد، شروطی را لازم می‌داند. مهمترین شروط از نظر نویسنده مقاله عبارتند از اینکه شرکت‌کنندگان در گفتگو از شناخت گسترده و عمیقی نسبت به مسائل بشر در دنیای امروز برخوردار باشند، در گفتگو به کشف حقیقت نظر داشته باشند، به عقلانیت گفتاری توجه کنند (به این منظور باید اصول و ضوابطی را رعایت کنند به این معنا که هنگام سخن گفتن برای آنچه ابراز می‌کنند، دلایل قوی ارائه کرده و استدلالی سخن بگویند و از ابراز سخنانی که به کار تقویت دلیل نمی‌آیند، بپرهیزند)، خود را برتر از تمدنها ی دیگر ندانند و به هدفی جز هدف واحد و مشترک (حل مسائل مبتلابه بشر امروز) نیندیشند.

بنا به گفته نویسنده، احساس وابستگی و تعلق‌خاطر به حقیقت نزد شرکت‌کنندگان در گفتگو باید بیشتر از احساس وابستگی و تعلق‌خاطر شان به تمدنهای خودشان باشد تا بتوانند جدا از تعلق خاطری که به تمدن (فرهنگ، سنت، ایدئولوژی، دین، نژاد، ملت و قوم) خود دارند، در راه رسیدن به حقیقت گام بردارند و منصفانه و بی‌تعصب با حقیقتی که فهم یا کشف می‌کنند، مواجه شوند.

وی برای اینکه چنین لغزشی رخ ندهد، به شش حالت ذهنی و روانی که موانعی بر سر راه گفتگو به شمار می‌آیند، اشاره کرده که جای اندیشیدن دارد. خودشیفتگی (به این معنا که صفات یا دستاوردهای خود یا گروه خود را بیش از آنچه باید و شاید ارزیابی کنیم، به عبارتی درباره خود یا گروه خود مبالغه و اغراق کنیم و باورهای خود را مساوی با حقیقت بپنداریم)، پیشداوری (به این معنا که به گونه‌ای غیرعقلانی و بدون اینکه دلیل قوی و محکم یا شناخت کافی داشته باشیم، با فرد یا گروه دیگری مخالفت ورزیم و رایی منهای شناخت کافی و دلیلی معتبر صادر کنیم)، تعصب (به این معنا که نسبت به موضوعی شور و شوق بیش از اندازه و تصورات نسنجیده داشته باشیم)، جزم و جمود (به این معنا که در امور اعتقادی و در باورهایمان، قطعیت داشته، در حالی نظر و عقیده خود را بیان کنیم که گویی واقعیت اثبات‌شده‌ای است، هرچند این طور نیست)، عدم تسامح و مدارا (به این معنا که عقاید و اعمالی را که با عقاید و اعمال ما تفاوت دارد مجاز نشماریم و پذیرای اختلاف فکری و عملی نباشیم)، خرافه‌پرستی (به این معنا که به عقاید، تصورات، افعال یا آداب و رسومی التزام بورزیم که ناشی از جهل، ترس غیرمعقول از امور اسرارآمیز، حساسیت بیمارگونه و... باشد) به باور نویسنده مقاله، حل مسائل بشری و کاهش درد و رنج آدمیان جز از راه جمع «عقلانیت» و «معنویت» ممکن نیست.

اگزیستانسیالیسم و رنج بشر

در فلسفه اگزیستانسیالیسم «طبیعت بشری» وجود ندارد و سخن از «وضعیت بشری» است؛ هیچ گونه طبیعت بشری که بتوان بر آن تکیه کرد، در کار نیست. این پندار، مقدمه‌ای برای دگرگون ساختن و تغییر در وضعیت‌های کنونی به شمار می‌رود، تا موجودی که «می‌اندیشد» و بودن «خود» را خارج از چنین مبنایی (می‌اندیشم پس هستم) معنا نمی‌کند، راهکارهای افکندن «طرح بودن خویش» را عملی سازد.

اگر در آثار سارتر بیندیشیم، با نشان دادنِ انبوهی از پلشتی‌ها، بدیها، زشتی‌ها و... روبرو می‌شویم و این همان موضوعی است که «فرانسوا موریاک» با انگشت نهادن بر آن مکتب سارتر را «اصالت کثافت» می‌خواند! و سارتر در پاسخ به این اظهارنظر، پنهان کردن بدیها و پلشتی‌ها را، خلع سلاح بشر در برابر دشمنی خطرناک می‌داند که به نظر می رسد حق با اوست و موریاک، شاید دچار سوءتفاهم بوده است.

به تعبیر مری وارنوک: «سارتر توانایی فروغلتیدن در نحوه جادویی فهم چیزها را با توانایی تخیل پیوند می‌دهد» به وسیله ادبیات، بدیها و تیرگیها را نشان می‌دهد، آدمی را به نیرویی خارج از او امیدوار نمی‌کند (زیرا این امیدواری نتیجه‌ای جز رخوت در پی نخواهد داشت) و چون باور دارد بشر، بدون هیچ اتکا و دستاویز و هیچ مددی، محکوم است که در لحظه بشریت را بسازد، مسئولیت بشر را در برابر خود و جامعه بشری خاطرنشان می سازد که چنین نگرشی بی‌تردید، دلهره‌آور و سنگین نیز هست.

اما آیا چنین اندیشه‌ای انزواگزینی را به دنبال خواهد داشت؟... فلسفه سارتر از آن رو که در وجود انسانی غور می‌کند، همان طور که گابریل مارسل درباره‌اش می‌گوید، بر مسئولیت مطلق انسان تأکید می‌کند، او را با وجود انتخابهایش ارزش‌گذاری (ارزش‌گذاری اخلاقی) می‌کند و... هر چند نظر به نقش‌آفرینی او در طراحی وجود انسانی‌اش و در نتیجه، طراحی جهان انسانی دارد، سرشار از ملالی است برآمده از طبیعت وجودی او و نه طبیعت بشری او و بر این اساس، فلسفه‌ای است که با ایجاد «پرسشگری» درباره چنین و چنان بودن و «شدن» انسان و چند و چون انتخابهایش، او را به مرز انزواگزینیِ نزدیک می سازد، هرچند قصدش غیر از این باشد.

از چنین نگرشی است که گویی «تنها ماندن» سرنوشت محتوم انسان است. انسانی که آزاد است، آزادی دیگری را حرمت می‌نهد و «شدن»اش که رابطه‌ای تنگاتنگ با تنهایی‌اش دارد، مجال بیشتری فراهم می‌آورد تا او را از همدلی با دیگری بازدارد، و او را در مرزهای «دیگری» متوقف سازد.

سارتر در «اگزیستانسیالیسم و اصالت بشر» می کوشد این ناامیدی و یأس را نفی کند و اگزیستانسیالیسم را «مکتب خوش‌بینی» بنامد که «سرنوشت بشر» در دست اوست و «سرشت بشری» افسانه ای بیش نیست، و امیدی جز به «عمل» نمی توان بست؛ اما دلهره‌ها و تردیدهای موجود در فلسفه سارتر بستر لازم را برای درنوردیدن همه تلاشها در این مسیر در خود دارد؛ زیرا بیش و پیش از هر چیز، بر وجود انسان تکیه دارد و از این رو انسان را مسئول وجود خویش می‌داند. انسان در نظر او، پیش از هر چیز طرحی است که در درون‌گرایی خود می‌زید، پیش از هر چیز همان است که طرح تحقق و شدنش را افکنده است؛ ولی آیا به این صورت تکلیف همه چیز روشن می‌شود؟

این پرسشی است که یکی از پاسخهای محتمل آن را می‌توان در آثار آلبر کامو به‌ویژه با طرح عنصر «رنج بشری» جستجو کرد... اگزیستانسیالیسم از همین نقطه آغاز می‌کند و با این رویکرد که «مسأله بزرگ زندگی این است که بدانی چطور لابلای آدمها بلغزی»، به عبارتی به موضوع «دیگری» هم پرداخته و آن را واکاوی می‌کند.

به این ترتیب، مسائلی که یافتن پاسخی برای آنها، در زندگی انسانها به تغییری می‌انجامند، مسائل وجودی خوانده می‌شوند. شناخت «خود» اصل مهمی در این فلسفه است. همچنان که سقراط نیز بر خودشناسی اصرار می‌ورزید. «خود را بشناس» یکی از مشهورترین جمله های سقراط است، و خودشناسی هدفی است که وی در پی آن بود، هر چند بنا به گفته مورخان، تالس ـ فیلسوف یونانی ـ نخستین کسی بود که به این موضوع اشاره داشت.

خودشناسی

سقراط باور داشت که اگر می خواهی هستی را بشناسی، خود را بشناس و این اساس آموزه‌های اوست. از دیدگاه اگزیستانسیالیست‌ها، ما باید خودمان را بشناسیم و بر این ادعا سخت تکیه دارند، و از این می‌توان نتیجه گرفت که ذهن و ضمیرشان بیش و پیش از هر چیز، متوجه درون آدمی است. در بیرون، آنچه در نظر آنها اهمیت می‌یابد و به دو شاخه تقسیم‌شان می‌کند، باور به بود یا نبود واجب‌الوجود است؛ زیرا تأثیر این باور را در زندگی نمی توان کتمان کرد. در این فلسفه، ریشه‌یابی اضطراب، امید، ناامیدی، یأس و... از اهمیت زیادی برخوردار است و موضوع آزادی نیز یکی از جدی‌ترین دلمشغولی‌های نمایندگان فکری این فلسفه است.

هر گاه سخن از اگزیستانسیالیسم به میان آید، چهره‌هایی همچون: کی‌یر کگارد، ژان پل سارتر، مارتین هایدگر، گابریل مارسل، کارل یاسپرس، آلبر کامو و... در ذهن مخاطبان نقش می‌بندند؛ اما باید در نظر داشت که از میان این اشخاص، سارتر است که هم از اگزیستانسیالیست نامیده شدنش پرهیز نداشت، و هم به گونه‌ای یک اگزیستانسیالیست تمام‌عیار به شمار می‌آید. سارتر باور دارد که انسان هیچ نیست مگر آنچه از خود می‌سازد؛ یعنی بیش و پیش از هر چیز بر وجود انسان تکیه دارد و از این رو انسان را مسئول وجود خویش می داند. انسان در نظر او، پیش از هر چیز طرحی است که در درون‌گرایی خود می‌زید، پیش از هر چیز همان است که طرح تحقق و شدنش را افکنده است؛ ولی آیا به این صورت تکلیف همه چیز روشن می‌شود؟ کامو باور دارد که پس از این رنج بشری وارد قضیه شده و همه طرحها را به هم می ریزد...

واردات بی رویه، چالش جدی تولید ملی

سالهاست که مسئولان کشور و کارشناسان اقتصادی از ضرورت حمایت از تولید داخلی، سخن گفته و واردات بی رویه را به عنوان یک چالش جدی برای تولیدات ملی مورد انتقاد قرار داده و تاکید می کنند مخالف واردات نیستیم، اما مدیریت، تنظیم و کنترل واردات مهم است.

به گزارش ایرنا، گرچه به اعتقاد برخی مسئولان کشور، واردات به رقابت پذیری تولید ملی کمک می کند و تولیدکننده داخلی به کیفیت و قیمت تمام شده اهمیت بیشتری می دهد، اما این موضوع، یک منطق قوی و یا توجیه کاملی برای افزایش واردات نیست.

همچنین برخی مسئولان عنوان می کنند که قوانین مصوب مجلس به ما اجازه نمی دهد جلوی واردات را بگیریم. اما اگر قانونی وجود دارد که دست دولت را برای جلوگیری از واردات می بندد، باید این قانون اصلاح شود تا با مدیریت واردات، بخش تولید کشور بیشتر شکوفا شود.

بنابراین سنگ بنای اولیه حمایت از تولید ملی، مهار واردات است و تا هنگامی که نتوانیم واردات بی رویه به کشور را کنترل کنیم، بازار تولیدات ملی در حجم انبوه کالاهای وارداتی ذوب خواهد شد و برای واکاوی این چالش حیاتی که بتدریج به پاشنه آشیل اقتصاد ما تبدیل شده است، آگاهی از نظرات کارشناسان اقتصادی ضروری به نظر می رسد.

به اعتقاد کارشناسان اقتصادی، کشور از واردات بی رویه متضرر خواهد شد. لذا باید دستگاه های سیاست گذار کشور، سیاست تعدیل بازرگانی و تقویت صنعت داخلی را مدنظر قرار دهند.

تحلیلگران اقتصادی با بیان اینکه فلسفه گشودن دروازه های کشور به روی کالاهای خارجی به بهانه افزایش رقابت پذیری منطقی نیست، معتقدند: برای کیفی تر شدن صنعت داخلی، باید با اعمال سیاست هایی فشار را روی این بخش تولید بیشتر کرد تا تولیدکننده کیفیت کالای خود را ارتقا دهد.

برخی کارشناسان اقتصادی هم معتقدند؛ با ممنوعیت واردات نمی توان تقاضای بازار را از بین برد، ضمن آنکه در برخی موارد نتیجه عکس دارد و تقاضا برای برخی کالاها بیش از گذشته افزایش می یابد و تقاضای بازار سبب ورود کالا با هر کیفیتی و قیمتی و از هر منفذی به کشور خواهد شد.

***سنگ بنای اولیه حمایت از تولید ملی، مهار واردات است و تا هنگامی که نتوانیم واردات بی رویه به کشور را کنترل کنیم، بازار تولیدات ملی در حجم انبوه کالاهای وارداتی ذوب خواهد شد**

***فلسفه گشودن دروازه های کشور به روی کالاهای خارجی به بهانه افزایش رقابت پذیری منطقی نیست. برای کیفی تر شدن صنعت داخلی، باید با اعمال سیاست هایی فشار را روی این بخش بیشتر کرد تا تولیدکننده کیفیت کالای خود را ارتقا دهد.**

ابراهیم نکو عضو کمیسیون اقتصادی مجلس معتقد است: بخشی از اجناس وارداتی ما کالاهای مصرفی است که به راحتی در داخل کشور توان تولید آن وجود دارد.

وی اظهار می دارد: در شرایطی که کالای مشابه ایرانی با کیفیت و قیمت مناسب وجود دارد، نباید به مصرف کالای خارجی عادت کنیم. زیرا خرید کالای داخلی به معنای حمایت از اشتغال جوانان و سرمایه گذار ایرانی است. اما استفاده از کالای خارجی، حمایت از سرمایه گذار و کارگر خارجی است و این موضوع نقش دولت را برای حمایت از تولید کالاهای واسطه ای و مصرفی ساخت داخل پررنگ تر می کند.وی می افزاید: در کنار کنترل منطقی واردات، باید نسبت به سرعت بخشیدن به روند اداری کارهای تولیدی هم اقدام شود تا تولید کننده برای کارهای تولیدی در پیچ و خم قوانین دست و پاگیر اداری گرفتار نشود.محمدباقر صدری عضو انجمن اقتصاددانان ایران می گوید: هم اکنون فرصتی فراهم شده که تولید داخلی بتواند خود را در برابر کالای خارجی نشان دهد و در شرایط تحریم بانکی و نفتی و رشد نرخ ارز، تنها تولید داخلی است که اقتصاد کشور را به پیش خواهد برد.

صدری، کنترل نوسان های غیرمعمول بازار داخلی و مدیریت علمی بر فرآیند واردات و صادرات را از وظایف مهم دولت دانسته و اضافه می کند: اگر تسهیلات بانکی به اندازه مورد نیاز در اختیار واحدهای تولیدی قرار گیرد، میزان تولید کالاهای ملی افزایش یافته و شرایط برای کاهش قیمت تولیدات داخلی فراهم می شود.

محمدحسین قدیری ابیانه کارشناس مسایل اقتصادی هم نقش فرهنگ سازی را مورد تاکید قرار داده و معتقد است: برای کنترل واردات، باید فرهنگ سازی جهت مصرف کالای داخلی هم در جامعه مدنظر قرار گیرد.وی می گوید: برای کنترل واردات بی رویه و حمایت از تولیدکننده داخلی، باید این گونه فرهنگ سازی شود که مصرف کالاهای خارجی به عنوان یک ضد ارزش تلقی شود. رسانه ها باید ارتباط بین واردات و خرید محصولات خارجی با از دست رفتن فرصت های شغلی را به طور ملموس تری برای مردم به تصویر بکشند.علیرضا نجفی استاد اقتصاد دانشگاه هم با انتقاد از تکیه کردن به روش هایی مانند افزایش حجم واردات و هزینه کردن ارز برای واردات کالاهای مختلف، می گوید: استفاده از این روش ها ممکن است فقط در کوتاه مدت مشکل تورم را حل کند. اما در بلندمدت تاثیر چندانی بر این بخش نخواهد داشت.

وی با اشاره به اینکه روش های مذکور در بلندمدت موجب تشدید تورم شده و مشکلات جدی تری را بوجود می آورد، افزود: باید در عرضه و تقاضا روش هایی به کار گرفته شود که موجب حل مشکل تورم در کوتاه و بلندمدت شود.

این کارشناس اقتصادی با بیان اینکه باید کشور را از حجم واردات بی رویه بی نیاز کنیم، تاکید می کند: حمایت های تعرفه ای از تولیدکننده در گمرگ، تامین تسهیلات ارزان قیمت برای تولید داخلی کالاهای مصرفی و کاهش هزینه های مالیاتی می تواند تولیدکننده را به تولید بیشتر دلگرم کند.

به نظر می رسد رقابت بین تولیدکننده داخلی و خارجی در حالی کلید خورده که این دو گروه از امکانات مساوی و حجم حمایت‌های برابر برخوردار نیستند.

***هم اکنون فرصتی فراهم شده که تولید داخلی بتواند خود را در برابر کالای خارجی نشان دهد و در شرایط تحریم بانکی و نفتی و رشد نرخ ارز، تنها تولید داخلی است که اقتصاد کشور را به پیش خواهد برد**

***باید با تدوین راهکارهایی نوع و حجم واردات را به کشور مدیریت کرد که یکی ازاین الزامات، مدیریت هزینه های واردات قانونی است؛ با کاهش این هزینه ها باید ضریب بهره برداری از فرصت های بین المللی را افزایش داد**

اما تصمیم گیری در خصوص واردات یا محدودیت واردات کالاها از اختیارات هیات دولت است که با تعرفه مناسب می توان ضمن حمایت از تولید داخل، از قاچاق کالا به کشورهم جلوگیری کرد.

البته اخیرا موضوع واردات کالاها و اولویت های ورود کالا به کشور دستخوش تغییرات مکرر و بروز برخی تناقض ها در سیاست‌گذاری های تجاری وزارت صنعت، معدن و تجارت شده و به سردرگمی واردکنندگان دامن زده، اما باید توجه داشت که تعدد تصمیمات، امکان برنامه ریزی را از فعالان اقتصادی سلب می کند.

آمار جدید گمرک هم از افزایش سهم کالاهای لوکس در ترکیب واردات کشور خبر می دهد که با شرایط اقتصادی کشور و اقتضائات اقتصاد مقاومتی، سازگار نیست و بر این اساس فقدان توجه به منافع ملی، حضور دلال ها و واسطه های سودجو و نبود نگاه جامع و هدفمند در حوزه تجارت خارجی موجب شده که تولید ملی از هجوم کالاهای وارداتی به ستوه آید.

بنابراین باید با تدوین راهکارهایی نوع و حجم واردات را به کشور مدیریت کرد که یکی از الزامات اولیه مدیریت واردات، مدیریت هزینه های واردات قانونی است؛ به عبارت دیگر با کاهش این هزینه ها باید ضریب بهره برداری از فرصت های بین‌المللی را افزایش داد و یکی از راهکارهای مناسب برای این منظور بهره برداری از فرصت ها را توسعه بازار رقابتی است.

روشن است که در شرایط رقابتی، رفتار فعالان اقتصادی مبتنی بر استفاده از فرصتهای تجاری، موجب تامین کالای بهتر و با قیمت مناسب تر خواهد شد و هرچه از فرصت های بین المللی استفاده بهینه کنیم، ارزش افزوده بیشتری را به کشور انتقال خواهیم داد.

به همین دلیل، همواره از مدیریت فرصت ها در تجارت بین‌الملل به عنوان راهکاری مناسب برای کنترل شیب تورم در بازار داخلی یاد می شود و بهترین راهکار برای کاهش قیمت ها در بازارهای داخلی هم بهره برداری کامل از فرصتهای بین المللی است.از این رو، ساماندهی واردات و ایجاد نظم پایدار در سیاست های ارزی نیاز اصلی کشور است و از نهادهای تصمیم ساز انتظار می رود از دانش و تجارب گروههای تجاری استفاده کنند تا در سیاست های اقتصادی و تجاری دچار نوسان نشویم؛ بلکه آثار و پیامدهای آن قابل پیش بینی باشد تا از هرگونه تصمیم غیرکارشناسی و لحظه ای و اظهارات متناقص در وزارتخانه ها و سازمان های مرتبط خودداری شود.

افزایش نقدینگی عامل اصلی مصائب اقتصاد ایران

حجم بالای نقدینگی همواره یکی از مصائب اقتصاد و بازارهای پولی و مالی کشور در هشت سال گذشته به شمار می رفت به طوری که به گواه اقتصاددانان، دلیل اصلی افزایش هر ساله تورم در سال های گذشته و به هم ریختگی اقتصاد ایران همین شاخص بوده است.

در یک اقتصاد سالم تعادل در نقدینگی، افزایش رشد اقتصادی، مهار تورم و ثبات اقتصادی را به همراه دارد و برعکس اگر سیاست های پولی دولت معیوب باشد و باعث تزریق بیش از نیاز پول و نقدینگی به جامعه شود، تشدید نرخ تورم و خروج از تعادل شاخص های اقتصادی را به دنبال خواهد داشت.

افزایش بی سابقه درآمدهای ارزی دولت های نهم و دهم طی سالهای ۱۳۸۴ تا ۱۳۹۱ می توانست نویدبخش پویایی و ثبات اقتصاد و افزایش توانمندی دولت برای توسعه پایدار و همه جانبه کشور باشد، اما متاسفانه این حجم عظیم منابع نه تنها ثبات و رشد اقتصاد را به دنبال نداشت، بلکه به دلیل سیاست های غلط و تصمیمات نامناسب ، تولید و اقتصاد کشور را نابود کرد و تنها عایدی و نتیجه آن، رشد ۶ برابری حجم نقدینگی و تورم ۴۲ درصدی و بی سابقه در سال های اخیر بود.

بسیاری از کارشناسان اقتصادی، افزایش ۶۰۰ درصدی حجم نقدینگی در دولت گذشته را ناشی از تزریق بی رویه پول به جامعه،استقراض نابسامان از بانک مرکزی برای جبران کسری بودجه، تزریق بی رویه منابع به مسکن مهر و اجرای نادرست هدفمندی یارانه ها و سرریز کردن ماهانه چند هزار میلیارد تومان پول به حساب های مردم می دانند.

یک کارشناس اقتصادی با بیان اینکه اقتصاد ایران در ۸ سال گذشته با بیماری هلندی مواجه بود، می گوید: در دوره مورد بررسی درآمدهای دولت زیاد بود و عمده این درآمدها هم بدون مدیریت صحیح و خارج از ضابطه به جامعه تزریق شد که همین عامل، تعادل در تقاضا و عرضه را با افزایش یکباره تقاضا برهم زد.

شاهین شایان آرانی ادامه داد: همچنین در سال های گذشته درآمدهای نفتی به جای آنکه به افزایش تولید داخلی اختصاص یابد، در جای دیگر صرف و منابع عمرانی صرف هزینه های جاری شد که این امر افزایش نقدینگی را به عنوان یک معضل اساسی در اقتصاد سبب شد.

وی اظهار داشت: دولت قبل بدون توجه به مسائل بودجه ای کشور، هزینه های جاری را فراتر از بودجه تعیین می کرد که این هم یکی دیگر از عوامل افزایش حجم پول در جامعه و در دست مردم و نهایتا افزایش نقدینگی و تورم بالای ۴۰ درصد شد.

یک کارشناس اقتصادی دیگر معتقد است: در هشت سال گذشته تولید داخلی به نفع واردات کالای خارجی کنار رفت و نقدینگی که باید در بخش تولید صرف می شد، به واردات اختصاص یافت.

وی گفت: سختگیری برای تولید و سرمایه گذاری، کنترل قیمت ها و تامین نیاز بازار از طریق واردات، از بین بردن فضای کسب و کار، افزایش حجم نقدینگی و مصرف آن در قالب هزینه های توزیعی از مهم ترین دلایلی است که اقتصاد کشور را در دوره مورد بررسی آسیب پذیر کرد.

این کارشناس اقتصادی اظهار داشت: سیاست های توزیعی نقدینگی در جامعه و افزایش هزینه های مصرفی دولت، کسری بودجه و تامین آن از طریق نظام بانکی و بانک مرکزی از عوامل افزایش نقدینگی در کشور بود.

یک نماینده سابق مجلس شورای اسلامی همچنین با بیان اینکه نقدینگی زیاد همیشه مضر نیست، ادامه داد: اگر رشد نقدینگی متناسب با تولید و رشد اقتصادی باشد، اثر تورمی ندارد و برای بهبود اقتصاد هم می تواند موثر باشد.

عباسعلی نورا اظهار داشت: اما دولت قبل بدون توجه به رشد اقتصادی و حجم تولیدات، اقدام به تزریق نقدینگی به جامعه کرد که این اقدام یک سم برای اقتصاد بود.وی با بیان آنکه افزایش نقدینگی در جامعه ریشه های مختلف دارد، تصریح کرد: تزریق نقدینگی بدون توجه به رشد اقتصادی و مصرف درآمدهای ارزی ناشی ازفروش نفت در بخش های غیرتولیدی و صرف آن درهزینه های جاری موجب رکود اقتصادی و تورم بالا در کشور شد.نورا خاطرنشان کرد: متاسفانه در زمانی که کشور در حالت رکود تورمی قرار داشت، دولت بازهم نقدینگی به جامعه تزریق می کرد که این اقدام آثار و تبعاتی همچون تورم بالای ۴۰ درصد در اقتصاد داشت که به راحتی قابل کنترل هم نیست.

این کارشناس اقتصادی برداشت های بی رویه از منابع بانک مرکزی، پرداخت یارانه به مردم، اختصاص منابع یارانه ها از غیر محل یارانه ای و پرداخت از محل های غیرسیستم بانکی و بانک مرکزی را سبب تورم بالا و افزایش حجم نقدینگی در کشور عنوان کرد.

نورا گفت: این اقدامات سبب شد تا تورم در کشور ما به صورت صعودی پیش برود و در اصطلاح اقتصادی تورم به صورت تابع نهایی در کشور ما ایجاد شود.

این کارشناس اقتصادی با اشاره به تلاش دولت یازدهم برای کنترل نقدینگی ادامه داد: برای کنترل تورم باید اول نقدینگی در جامعه کنترل شود و دولت یازدهم هم سعی بر کنترل نقدینگی دارد. اما به دلیل وجود برنامه ها و پروژه هایی مانند پرداخت یارانه به مردم که از دولت قبل به ارث رسیده، کنترل نقدینگی در جامعه مشکل است.

نگاهی کوتاه به آمارهای اقتصادی در حوزه پولی و مالی، عمق فاجعه اقتصادی که در ۸سال گذشته در کشور اتفاق افتاده را نشان می دهد.

براساس آمارهای موجود در هشت سال گذشته، پایه پولی کشور با ۲۶,۲ درصد افزایش از حدود ۲۲ هزار و ۵۴ میلیارد تومان در سال ۸۴ به ۹۷ هزار و ۲۸۸ هزار میلیارد تومان رسید و بدهی بانک ها به بانک مرکزی با ۴۷,۸ درصد افزایش از ۲۱۴۹ میلیارد تومان در ابتدای دولت نهم و دهم به ۴۸ هزار و ۸۳۱ میلیارد تومان رسید.

همچنین حجم پول که در تمام هشت سال گذشته با افزایش ۲۰ درصدی در هر سال همراه بود از ۳۱ هزار و ۷۹۱ میلیارد تومان در سال ۸۴ به ۱۱۳ هزار و ۶۷۱ میلیارد تومان در پایان دولت دهم رسید که این امر منجر به افزایش ۶,۷ برابری نقدینگی با رقم ۵۵۰ هزار میلیارد تومان در کشور شد.

کاهش قیمت ارز، علت افت شاخص بورس

یک کارشناس بورس گفت: تاکنون حرف و عمل مثبتی از دولت در باره بازار سرمایه ندیده‌ایم.

به گزارش ایسنا، محمدرضا صادقی مقدم کارشناس بورس و عضو هیات علمی دانشگاه تهران در ارتباط تلفنی خود با برنامه پایش اظهار کرد: در شهریور گذشته ما با دولت جدیدی رو به‌رو بودیم که با روی کار آمدنش یک فضای خوش بینی را میان اهالی بازار سرمایه شکل داده بود. این فضا باعث شد تا ژنرال‌های اقتصادی و صنعتی دولت که همگی از وزرای دولت‌های گذشته بودند از بازار سرمایه حمایت کامل کنند.

وی تصریح کرد: شروع فعالیت این مدیران همزمان با ارائه لایحه بودجه ۹۳ به مجلس بود و از سوی دیگر صحبت‌های بعضی از دولت‌مردان این احساس را ایجاد کرد که نگاهشان به برخی مسئله از جمله سیاست‌های اجرایی اصل ۴۴ متفاوت بوده و در برخی موارد نیز با عین قانون نیز یکسان نیست.کارشناس بورس خاطرنشان کرد: این خوش‌بینی‌ها نمودار افزایش قیمت بورس را از شهریور تا دی گذشته بالا برد و بعد از آن با اتفاقاتی که افتاد این شاخص کاهش پیدا کرد. همچنین اخذ بهره مالکانه روی بورس تأثیر منفی گذاشته است.توجیه آنها برای این وصول ایجاد طرح‌های فولادی است که عیناً خلاف اصل ۴۴ قانون اساسی است.نکته مهم اینجاست که ساختار اقتصادی و بنگاه داری کشور در این سه دهه حداقل از لحاظ شکلی تغییر پیدا کرده است. ما تاکنون حرف مثبتی از بدنه دولت در مورد بازار سرمایه نشنیده‌ایم چه برسد به اینکه عملی دیده باشیم.صادقی مقدم بیان کرد: دولت و دولت‌مردان باید به حفظ سرمایه و دارایی‌های مردم و صندوق‌های بازنشستگی و شرکت‌های سرمایه گذاری که متعلق به آحاد این ملت هستند باور داشته باشند و آنها را جزء دغدغه های خود قرار دهند.حقانی نسب دیگر کارشناس بورسی در ارتباط با شاخص بورس گفت:امنیت سرمایه گذاری بلند مدت با اقدامات دولت و مجلس از بین رفته است.وی افزود: سه دلیل مشخص و کاربردی برای افت بازار وجود دارد. این افت قابل پیش بینی بود. طبق نمودار فعلی تا قبل از دولت جدید و حتی مدتی بعد از دولت جدید عملاً ما یک افزایش نرخ ارز داشتیم. قیمت ارز تا ۳۷۰۰ تومان هم رسیده بود ولی بعد از آن شروع به کاهش کرد. یکی از دلایل کاهش قیمت بورس این بود که افزایش سود شرکت‌ها از محل افزایش نرخ فروششان که ناشی از نرخ ارز بود متوقف شد. یعنی شرکت‌ها با کاهش سود مواجه شدند یا به عبارتی افزایش سودشان متوقف شد.

بازار در یک نگاه

جدول شاخص‌های بورس

عنوان شاخص	مقدار	بیشترین	کمترین	تغییر	درصد
شاخص کل	۷۰۴۲۳	۷۰۴۲۳/۱	۷۰۲۷۳/۲	۸۱/۵	۰/۱۲
شاخص ۳۰شرکت بزرگ	۳۳۲۶/۳	۳۳۲۶/۳	۳۳۱۹/۸	۲/۹	۰/۰۹
شاخص آزادشناور	۸۰۱۰۶/۸	۸۰۱۰۶/۹	۷۹۸۵۵/۴	۱۶۹	۰/۲۱
شاخص بازاراول	۵۲۲۳۴/۸	۵۲۲۳۴/۹	۵۲۱۰۵/۱	۶۰/۱	۰/۱۲
شاخص بازاردوم	۱۳۶۳۹۵/۳	۱۳۶۳۹۵/۳	۱۳۶۱۸۶/۵	۱۶۱/۳	۰/۱۲
شاخص صنعت	۵۹۲۱۵/۲	۵۹۲۱۵/۲	۵۹۱۳۱/۶	۳۱/۸	۰/۰۵

آمار معاملات آخرین روز معاملاتی (سه شنبه ۹۳/۴/۱۰)

مجموع حجم معاملات	۶۶۰/۳۴۷/۱۷۲ سهم
مجموع ارزش معاملات	۱/۷۲۶/۰۰۵ میلیون ریال
جمع تعداد معاملات	۳۷۸۷۵ معامله
ارزش بازار	۳/۳۳۶/۸۵۹ میلیارد ریال

قطعی شدن معامله بازار دارایی فکری

رییس اداره عملیات بازار فرابورس ایران از قطعی شدن اولین معامله در بازار دارایی فکری خبر داد.

به گزارش ایسنا، بهنام محسنی گفت: معامله اختراع استارتر هوشمند دیجیتال ضد سرقت خودرو که به صورت یکجا و شرایطی همزمان با افتتاحیه بازار دارایی فکری در روز یازدهم خرداد انجام شده بود، قطعی شد.

وی با بیان اینکه این دارایی فکری به صورت ۱۰۰ درصدی و به قیمت ۲ میلیارد ریال معامله شد، افزود: این معامله اولین معامله بازار دارایی فکری فرابورس ایران بوده است و در حال حاضر بیش از ۲۰ طرح دیگر در زمینه‌های مختلف از جمله آی.تی، تجهیزات پزشکی و دارویی، خودرو، صنعت مس، موادغذایی، لبنیات، برق و زیست محیطی برای عرضه در این بازار ارایه شده که با طی فرایندهای قانونی شاهد عرضه آنها خواهیم بود.محسنی با اشاره به افزایش مراجعه مخترعان و صاحبان ایده برای ارایه طرح‌های خود در بازار دارایی فکری، نسبت به رونق این بازار ابراز امیدواری کرد.

نگرانی سهامداران از ریزش شاخص های بورس

ریزش‌های شدید بورس تهران که از پنج ماه گذشته آغاز شده و به صورت مداوم ادامه یافته است، نگرانی شدیدی را در بین اهالی تالار شیشه ای ایجاد کرده و بورس تهران را در رکودی پا برجا فرو برده است.

به گزارش ایسنا، روند کاهشی بازار سرمایه که از دی سال ۹۲ تاکنون آغاز شده است، به طور مداوم ادامه یافته و منجر به ریزش شدید قیمت ها وزیان بیش از ۵۰ درصدی سهامداران شده است به طوری که قیمت سهام شرکتها در این مدت به یک سوم رسیده و این موضوع موجی از بی اعتمادی را در تالار شیشه‌ای به راه انداخته و منجر به خروج شدید نقدینگی از این بازار شده است.

در این میان سیاست های اتخاذ شده توسط دولت همچون کاهش نرخ سود سپرده‌های بانکی، جلوگیری از عرضه‌های خرد خصوصی‌سازی و افزایش قیمت سیمان و خودرو نیز در کنار راه اندازی صندوق توسعه و اوراق اختیار فروش تبعی هم نتوانست بورس تهران را از کما خارج کند زیرا بازار سرمایه در شرایط فعلی از کمبود شدید نقدینگی رنج برده و به اقدام عملی در حوزه سیاسی و اقتصادی نیاز دارد.

به این ترتیب ریزش های بورس تهران در حالی هر روز تشدید می شود که در سال گذشته در چنین روزی شاخص بورس تهران خوشحال از اتفاقات مثبتی که قرار است در آینده بیافتد، سیزدهمین رکورد خود را شکست و وارد کانال ۵۱ هزار واحدی شد.

با رشد شاخص در روز نهم تیر سال ۹۲،بازدهی بورس تهران به ۳۳ درصد رسید و بورس در برابر سایر بازارها خودنمایی کرد اما چه کسی تصور می کرد که درست در یکسال بعد اوضاع بورس تهران چنان دگرگون شود که این بازار روزانه به بازدهی منفی خود افزوده و موجب فراری دادن سرمایه ها شود؟

چه کسی فکرش را می‌کرد که در یکسال بعد بزرگان بورس از فعالیت در بازار سرمایه دست کشیده و نسبت به اخبار مثبت بی اعتنا باشند؟

و در نهایت اینکه چرا اقدامات عملی و حمایت جدی از بازار سرمایه صورت نمی‌گیرد و چه کسی قرار است زیان ۵۰ تا ۶۰ درصدی سهامداران را که با هزاران امید و تبلیغ وارد بازار شده‌اند، را جبران کند؟

این در حالی است که علاوه بر ناکامی صندوق توسعه بازار سرمایه و تزریق نشدن نقدینگی، طرح بیمه سهام از طریق فروش اوراق اختیار فروش تبعی بازار سهام به همان سرنوشت دچار شد چرا که این طرح موجب شده است تا سهامداران مقادیر بیشتر سهام خود در این شرکت‌ها را راهی تابلو کنند.

به طوری که سهامداران از ترس زیان بیشتر فقط به میزانی که امکان خرید اوراق فروش تبعی دارند سهام خود را نگهداری می کنند که همین موضوع بازار را با مازاد عرضه مواجه کرده است این در حالی است که اکثر کارشناسان معتقدند منابع تامین مالی اوراق فروش تبعی و متولی تامین بازدهی وعده داده شده به سهامداران با ابهاماتی مواجه است و با گذشت دو روز از شروع این طرح همچنان ماهیت متولیان و توانایی مالی آنها برای تامین وعده‌های داده شده نامشخص است.

علاوه بر این نزدیک شدن به زمان برگزاری دور بعدی مذاکرات هسته‌ای بر وضع بازار سرمایه اثر گذار بوده و این عوامل در کنار کمبود شدید نقدینگی و ترس سرمایه گذاران موجب شده است تا بورس تهران از ابتدای هفته تا کنون به زیان خود افزوده و چهره یک بازار بحران‌زده را از خود به نمایش بگذارد.

به این ترتیب در بازار همانند روزهای گذشته صف‌های سنگین فروش برقرار شده و این امر موجب شد تا شاخص بورس تهران به راحتی ۶۲۸ واحد دیگر افت کرده و در کانال ۷۰ هزار و ۳۴۱ واحد قرار بگیرد.

در بازار سرتاسر منفی قیمت بیشتر سهام شرکتها افت کرد و شرکتهای پالایشگاه بندرعباس،تاپکو،سرمایه گذاری غدیر، مپنا، فولاد مبارکه، بانک پاسارگاد، سرمایه گذاری سایپا، ارتباطات سیار، بانک پارسیان، بانک صادرات، گسترش نفت و گاز پارسیان، مخابرات، نفت سپاهان و توسعه معادن و فلزات بیشترین تاثیر را در افت شاخص بورس گذاشتند.

آخرین تغییرات قیمت سهام دربورس تهران

نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات	نام شرکت	آخرین قیمت (ریال)	میزان تغییرات
ح . سیمان شرق	۱,۶۳۴	۱۲۱	صنایع آذرآب	۲,۱۵۶	۸۲	عمران‌وتوسعه‌فارس	۲,۰۱۶	(۳۵)
مهرکام‌پارس	۲,۴۸۵	۱۵۱	سایپا دیزل	۷۱۰	۲۷	کارخانجات تولیدی شهید قندی	۱,۴۷۲	(۲۶)
ح . البرزدارو	۸,۰۰۰	۴۷۴	سایپا	۲,۱۰۴	۸۰	داروسازی فارابی	۸,۵۸۰	(۱۵۴)
ایرکا پارت صنعت	۳,۰۶۸	۱۱۸	سرمایه گذاری شاهد	۱,۸۹۴	۷۲	بیمه ملت	۱,۸۰۵	(۳۳)
تکنوتار	۱,۶۱۲	۶۲	سرمایه‌گذاری‌نیرو	۱,۷۶۴	۶۷	تولیدمحورخودرو	۱,۷۹۵	(۳۴)
گسترش‌صنایع‌وخدمات‌کشاورزی	۵,۳۳۰	۲۰۵	داده‌پردازی‌ایران	۱,۸۷۰	۷۱	معدنی‌وصنعتی‌چادرملو	۶,۲۰۰	(۱۲۲)
ایران تایر	۵,۰۱۹	۱۹۳	سرمایه گذاری پردیس	۱,۰۸۰	۴۱	معدنی املاح ایران	۸,۷۰۰	(۱۷۶)
باما	۸,۷۹۱	۳۳۸	چرخشگر	۱,۵۰۲	۵۷	موتورسازان‌تراکتورسازی‌ایران	۱,۹۵۳	(۴۰)
لابراتوارداروسازی دکترعبیدی	۸,۷۱۳	۳۳۵	بین‌المللی‌توسعه‌ساختمان	۱,۲۹۲	۴۹	البرزدارو	۹,۶۰۹	(۱۹۷)
کربن ایران	۲,۵۷۵	۹۹	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌ملی	۲,۸۶۰	۱۰۸	قند نیشابور	۴,۷۴۰	(۱۰۷)
کشاورزی ودامپروی مگسال	۲۷,۶۴۹	۱,۰۶۳	بیمه البرز	۱,۰۱۰	۳۸	سیمان فارس و خوزستان	۳,۴۹۴	(۸۰)
گلوکوزان	۳۷,۱۴۹	۱,۴۲۸	سیمان‌خاش	۸,۰۰۰	۲۹۶	لبنیات‌کالبر	۲,۱۸۹	(۵۲)
نوردوقطعات فولادی	۶,۵۳۰	۲۵۱	سرمایه‌گذاری‌ملت	۵۴۴	۲۰	ماشین سازی اراک	۴,۵۶۰	(۱۱۱)
ایران ترانسفو	۴,۶۵۷	۱۷۹	داملران	۹,۴۵۰	۳۱۹	نفت پارس	۱۰,۰۰۰	(۲۴۴)
سرمایه گذاری دارویی تامین	۵,۹۳۲	۲۲۸	نفت بهران	۲۴,۶۵۱	۷۹۱	بیمه دانا	۱,۲۷۵	(۳۴)
فرآوری‌موادمعدنی‌ایران	۵,۸۵۴	۲۲۵	قند شیرین خراسان	۵,۲۴۰	۱۶۸	مس شهیدباهنر	۱,۹۳۱	(۵۲)
داروسازی جابرابن‌حیان	۶,۷۹۱	۲۶۱	سرمایه‌گذاری مسکن	۱,۵۸۰	۴۷	قند ثابت خراسان	۱,۲۰۶	(۳۴)
داروسازی امین	۹,۱۵۹	۳۵۲	پالایش نفت بندرعباس	۹,۹۶۷	۲۷۹	گروه مدیریت سرمایه گذاری امید	۳,۷۹۷	(۱۰۸)
دوده صنعتی پارس	۳,۵۳۹	۱۳۶	حمل‌ونقل‌توکا	۲,۷۷۷	۷۵	گروه صنعتی بارز	۷,۲۴۰	(۲۲۶)
سرمایه‌گذاری سایپا	۱,۰۶۷	۴۱	کشت‌وصنعت‌پیاذر	۳,۰۹۶	۸۱	سرمایه گذاری مسکن شمال شرق	۲,۰۴۶	(۶۵)
بانک انصار	۲,۵۲۵	۹۷	فولاد امیرکبیرکاشان	۱۱,۷۹۸	۲۷۸	بانک‌اقتصادنوین	۲,۷۱۰	(۸۷)
خدمات‌انفورماتیک	۱۰,۲۵۶	۳۹۴	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌صنعتی‌ایران	۱,۵۸۰	۳۷	کارخانجات‌داروپخش	۸,۷۰۴	(۲۸۱)
داروسازی اکسیر	۱۷,۷۲۸	۶۸۱	بانک صادرات ایران	۹۰۵	۲۱	فرآورده‌های‌غذایی‌وقندپیرانشهر	۵,۰۰۰	(۱۶۳)
رادیاتور ایران	۴,۶۸۶	۱۸۰	پتروشیمی شازند	۷,۱۰۰	۱۶۲	دارویی رازک	۲۲,۶۳۵	(۷۳۸)
سیمان تهران	۴,۵۳۰	۱۷۴	داروسازی اسوه	۱۰,۳۰۰	۲۳۴	پتروشیمی پردیس	۱۵,۳۰۱	(۵۱۴)
کنتورسازی‌ایران	۹,۵۰۵	۳۶۵	تجارت الکترونیک پارسیان	۸,۱۰۰	۱۸۳	کارخانجات‌تولیدی‌شیشه‌رازی	۲,۳۲۰	(۷۹)
پگاه‌آذربایجان‌غربی	۱,۲۲۴	۴۷	کنترل‌خوردگی‌تکین‌کو	۸,۴۶۰	۱۹۱	سرمایه‌گذاری‌صندوق‌بازنشستگی	۳,۴۹۱	(۱۲۱)
مهندسی‌نصیرماشین	۳,۹۸۵	۱۵۳	ایران‌یاساتایرورابر	۱۵,۹۸۱	۳۳۸	صنایع شیمیایی فارس	۴,۳۳۵	(۱۵۸)
صنعتی بهشهر	۶,۰۶۹	۲۳۳	معادن‌منگنزایران	۵,۸۵۰	۱۱۸	شیشه همدان	۸,۳۲۲	(۳۰۵)
کیمیدارو	۵,۱۵۸	۱۹۸	بیمه پارسیان	۲,۳۴۰	۴۵	کارتن ایران	۴,۰۲۶	(۱۴۹)
س. نفت و گاز و پتروشیمی تأمین	۴,۳۲۵	۱۶۶	بانک پاسارگاد	۲,۵۳۰	۴۶	آهنگری تراکتورسازی ایران	۱,۷۱۷	(۶۴)
چینی ایران	۴,۳۲۵	۱۶۶	رینگ‌سازی‌مشهد	۳,۰۳۵	۵۵	سیمان بهبهان	۳۴,۰۱۰	(۱,۳۰۳)
توسعه صنایع بهشهر(هلدینگ	۳,۲۸۳	۱۲۶	سیمان شرق	۲,۶۶۰	۴۶	ریخته‌گری تراکتورسازی ایران	۱,۸۹۰	(۷۳)
تولیدی‌مهرام	۷,۴۰۰	۲۸۴	گروه مپنا (سهامی عام)	۶,۴۸۱	۱۱۲	ملی صنایع مس ایران	۲,۶۶۶	(۱۰۸)
ایران‌دارو	۵,۴۷۲	۲۱۰	حفاری شمال	۴,۷۰۰	۸۱	فیبر ایران	۳,۴۴۷	(۱۴۱)
لیزینگ ایرانیان	۱,۶۹۴	۶۵	پارس مینو	۵,۱۴۰	۸۷	داروسازی‌زهراوی	۴۲,۶۶۸	(۱,۷۵۰)
لیزینگ رایان سایپا	۲,۰۰۷	۷۷	محورسازان‌ایران‌خودرو	۱,۷۳۷	۲۷	سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۵۱۱	(۶۲)
گروه‌صنعتی‌سپاهان	۵,۸۳۹	۲۲۴	صنایع‌خاک‌چینی‌ایران	۴۰,۰۰۰	۵۸۹	سرمایه‌گذاری‌توسعه‌آذربایجان	۱,۳۸۰	(۵۷)
شیرپاستوریزه‌پگاه‌اصفهان	۵,۱۱۰	۱۹۶	شکرشاهرود	۲,۰۴۶	۲۷	سیمان‌سپاهان	۲,۱۷۸	(۹۰)
سرمایه گذاری آتیه دماوند	۳,۱۸۱	۱۲۲	گروه دارویی سبحان	۶,۳۶۹	۷۷	کاشی نیلو	۳,۳۳۵	(۱۳۸)
شیرپاستوریزه‌پگاه‌خراسان	۵,۲۴۲	۲۰۱	سرمایه گذاری صنعت ومعدن	۲,۰۷۱	۲۵	سرمایه‌گذاری‌بوعلی	۲,۲۶۹	(۹۴)
سرمایه گذاری ساختمان‌ایران	۲,۵۰۴	۹۶	توسعه‌معادن‌وفلزات	۳,۰۸۰	۳۵	شهد ایران	۲,۳۴۱	(۹۷)
صنایع لاستیکی سهند	۶,۰۰۰	۲۳۰	مخابرات ایران	۲,۵۷۷	۲۷	درخشان تهران	۲,۵۸۲	(۱۰۷)
تامین ماسه ریخته‌گری	۶,۲۱۰	۲۳۸	کاشی پارس	۸,۱۰۰	۷۵	سیمان بجنورد	۵,۲۳۰	(۲۱۷)
سیمان کارون	۶,۸۱۰	۲۶۱	سرامیک‌های‌صنعتی‌اردکان	۳۸,۲۰۱	۳۲۷	سیمان شمال	۲,۸۴۲	(۱۱۸)
سایپاآذین	۳,۰۲۷	۱۱۶	سرمایه‌گذاری ملی‌ایران	۲,۰۵۶	۱۷	فرآورده‌های‌نسوزآذر	۶,۳۳۳	(۲۶۳)
سایپاشیشه	۲,۴۲۷	۹۳	لامیران	۲,۶۳۵	۱۹	قندهکمتان	۴,۱۶۵	(۱۷۳)
کمباین سازی ایران	۱,۵۶۶	۶۰	موتوژن	۷,۵۰۰	۳۸	فولاد خوزستان	۷,۳۶۶	(۳۰۶)
پاکسان	۴,۳۵۹	۱۶۷	سرمایه‌گذاری صنایع پتروشیمی	۱,۹۹۱	۱۰	بین المللی محصولات پارس	۴,۸۱۳	(۲۰۰)
داروسازی کوثر	۳,۵۵۰	۱۳۶	پارس سرام	۷,۶۴۰	۳۷	لنت ترمزایران	۳,۰۸۰	(۱۲۸)
ملی سرب‌وروی ایران	۱,۷۷۵	۶۸	ذغال‌سنگ نگین طبس	۲,۷۹۱	۹	نوش‌مازندران	۳,۶۳۳	(۱۵۱)
لیزینگ‌صنعت‌ومعدن	۲,۰۱۰	۷۷	بانک تجارت	۱,۱۹۵	۳	دارویی لقمان	۴,۳۳۰	(۱۸۰)
آبسال	۴,۱۵۱	۱۵۹	گسترش نفت و گاز پارسیان	۷,۲۸۰	۱۶	سیمان کردستان	۶,۲۵۴	(۲۶۰)
سرمایه‌گذاری صنعت نفت	۱,۷۷۶	۶۸	داروسازی ابوریحان	۱۹,۲۰۰	۳۲	توسعه‌شهری‌توس‌گستر	۲,۸۳۸	(۱۱۸)
لبنیات پاک	۴,۹۶۴	۱۹۰	بانک‌پارسیان	۳,۰۲۹	۲	شیمی دارونی داروپخش	۶,۳۹۷	(۲۶۶)
ایران خودرو	۲,۴۳۰	۹۳	کشت و صنعت چین چین	۱۵,۰۰۰	۷	لامپ پارس شهاب	۱۱,۲۰۶	(۴۶۶)
زامیاد	۱,۱۷۶	۴۵	گروه صنعتی پاکشو	۸,۷۲۰	۴	سیمان‌غرب	۶,۸۲۸	(۲۸۴)
بانک سینا	۲,۵۰۹	۹۶	سپنتا	۱۰,۵۵۰	۰	فرآورده‌های تزریقی ایران	۹,۱۱۲	(۳۷۹)
لیزینگ‌ایران	۲,۱۴۴	۸۲	سرمایه‌گذاری‌بهمن	۱,۵۷۳	۰	داروسازی سینا	۱۳,۲۹۵	(۵۵۳)
سرمایه گذاری البرز(هلدینگ	۳,۷۱۳	۱۴۲	سایپا	۲,۰۲۴	۰	تأمین مواد اولیه فولاد صبانور	۱۱,۲۵۰	(۴۶۸)
کالسیمین	۳,۳۲۱	۱۲۷	سیمان صوفیان	۴,۰۲۰	(۶)	سیمان کرمان	۱۱,۰۵۷	(۴۶۰)
تولیدی کاشی تکسرام	۱,۹۰۹	۷۳	سیمان داراب	۳,۰۲۰	(۵)	سیمان دورود	۱۶,۱۷۵	(۶۷۳)
صنایع‌ریخته‌گری‌ایران	۱,۹۰۹	۷۳	فولاد آلیاژی ایران	۳,۰۳۰	(۷)	بهنوش ایران	۱۰,۱۴۲	(۴۲۲)
سرمایه‌گذاری رنا(هلدینگ	۱,۰۷۳	۴۱	مارگارین	۴,۴۲۱	(۱۵)	صنعتی آما	۷,۲۵۸	(۳۰۲)
سرمایه گذاری پارس توشه	۲,۵۶۶	۹۸	صنایع‌شیمیایی‌ایران	۱۹,۷۴۰	(۷۱)	صنایع سیمان دشتستان	۳,۹۴۱	(۱۶۴)
لوله‌وماشین‌سازی‌ایران	۱,۷۸۱	۶۸	فرآورده‌های نسوز پارس	۲,۹۷۰	(۱۳)	کاشی الوند	۲,۳۷۹	(۹۹)
سرمایه‌گذاری سپه	۲,۰۴۳	۷۸	پتروشیمی‌شیراز	۸,۱۰۰	(۳۶)	پارس دارو	۳۷,۰۰۴	(۱,۵۴۰)
کابل البرز	۱,۶۲۴	۶۲	بیسکویت گرجی	۸,۲۰۰	(۳۹)	سیمان‌هگمتان	۶,۷۰۴	(۲۷۹)
کمک‌فنرایندامین	۱,۷۲۹	۶۶	تولیدموادا‌ولیه‌داروپخش	۱۶,۷۸۱	(۹۴)	سامان گستراصفهان	۱,۶۵۸	(۶۹)
تولیدموادا‌ولیه‌والیاف‌مصنوعی	۲,۴۶۳	۹۴	پلاسکوکار	۱,۲۰۰	(۷)	قندنقش‌جهان	۱۰,۴۵۲	(۴۳۵)
سرمایه گذاری خوارزمی	۱,۳۸۹	۵۳	شرکت ارتباطات سیار ایران	۲۸,۲۷۰	(۱۷۰)	سیمان‌شاهرود	۵,۱۶۵	(۲۱۵)
پلی‌اکریل	۱,۴۶۸	۵۶	صنایع پتروشیمی کرمانشاه	۶,۷۵۰	(۴۸)	ایران مرینوس	۱۴,۲۹۳	(۵۹۵)
سرمایه گذاری صنعت بیمه	۹۱۸	۳۵	فولاد مبارکه اصفهان	۳,۹۳۳	(۲۹)	گروه صنعتی ملی (هلدینگ	۵,۸۶۱	(۲۴۴)
بانک ملت	۲,۲۵۶	۸۶	کشتیرانی جمهوری اسلامی ایران	۴,۱۸۰	(۴۰)	سیمان قائن	۲۹,۹۴۶	(۱,۲۴۷)
گروه‌بهمن	۱,۷۸۴	۶۸	حمل و نقل پتروشیمی(سهامی عام	۲,۱۵۵	(۲۱)	پتروشیمی فناوران	۲۹,۲۴۲	(۱,۲۱۸)
قطعات اتومبیل ایران	۲,۶۲۴	۱۰۰	گلتاش	۸,۰۵۰	(۸۱)	پارس پامچال	۲۸,۵۲۱	(۱,۱۸۸)
نیرو محرکه	۲,۲۵۷	۸۶	پالایش نفت تبریز	۱۹,۴۸۸	(۱۹۷)	شهد	۱۷,۶۹۳	(۷۳۷)
سرمایه گذاری اعتبار ایران	۱,۸۹۰	۷۲	داروپخش (هلدینگ	۱۷,۳۵۰	(۱۷۹)	سیمان ایلام	۸,۰۴۱	(۳۳۵)
توریستی ورفاهی آبادگران ایران	۱,۵۴۹	۵۹	فراورده های نسوزایران	۱۷,۳۴۰	(۲۰۱)	تهران شیمی	۱۴,۲۵۷	(۵۹۴)
ماشین‌سازی‌نیرومحرکه	۲,۲۵۸	۸۶	سرمایه‌گذاری‌غدیر(هلدینگ	۶,۳۶۳	(۷۵)	سیمان‌ارومیه	۶,۶۰۰	(۲۷۵)
گروه‌صنایع‌بهشهرایران	۲,۰۴۸	۷۸	پست بانک ایران	۷,۱۵۰	(۱۰۱)	لعابیران	۷,۳۲۰	(۳۰۵)
ایران‌ارقام	۱,۹۴۴	۷۴	الکتریک خودرو شرق	۱,۷۸۷	(۲۶)	فروسیلیس ایران	۳,۳۳۶	(۱۳۹)
لیزینگ‌خودروغدیر	۱,۷۰۹	۶۵	بانک کارآفرین	۲,۶۲۸	(۴۳)	ح . حمل‌ونقل‌توکا	۱,۴۳۰	(۲۶۹)

با اجرای «طرح دستبند» زندانی روزهایی را در کنار خانواده‌اش می گذراند

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: طرح «دستبند الکترونیکی» زندانیان در کشور اجرا می‌شود.

مدیر کل زندان‌های استان کرمان در جمع خبرنگاران گفت: این طرح که به صورت آزمایشی در استان‌های تهران و اصفهان اجرا می‌شود، فضایی برای زندانی ایجاد می کند تا در کنار خانواده اش باشد.

علی ولی نیا، ظرفیت زندان‌های استان کرمان را ۷۶۰۰ نفر اعلام کرد و گفت: متأسفانه آمار زندانیان بیش از این ظرفیت است که جای نگرانی دارد.

وی فقر فرهنگی، بیسوادی و مسائل اقتصادی را در افزایش آمار زندانیان مؤثر دانست و افزود: سوادآموزی در زندان امری ضروری است و پارسال زندان کرمان رتبه نخست مبارزه با بیسوادی زندانیان را در کشور به خود اختصاص داد.

ولی‌نیا با اشاره به ایجاد مدرسه در زندان مرکزی کرمان، یادآور شد: تمامی هزینه تحصیل زندانیان تا مقاطع عالی پرداخت می‌شود.

وی آلودگی استان کرمان به مواد مخدر را ناشی از موقعیت جغرافیایی منطقه دانست و گفت: جرم ۷۰ درصد زندانیان کرمان در ارتباط با مواد مخدر و ۲۵ درصد مربوط به سرقت است.

او با اشاره به این که بازداشتگاه جدید کرمان با ظرفیت ۴۵۰ نفر بزودی راه‌اندازی می‌شود، افزود: با ایجاد این بازداشتگاه افرادی که با جرائم سبک وارد زندان می‌شوند دیگر به مجموعه بندهای زندان نخواهند رفت.

به گفته وی در یک سال اخیر شمار قابل توجهی از محکومان به قصاص با رضایت اولیای دم از پای چوبه دار نجات یافته‌اند.

امحای ۳ تن مواد مخدر در شیراز

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: سه تن مواد مخدر که در چند ماه اخیر از قاچاقچیان و سوداگران مرگ در استان فارس کشف و ضبط شده بود، در شیراز امحاء شد.

فرمانده انتظامی استان فارس در مراسم امحای مواد مخدر گفت: مواد مخدر از جمله عوامل مخربی است که وقتی وارد خانه‌ای شد، بنیان آن را نابود می کند. در جریان تولید و توزیع مواد مخدر نیز بیشترین استفاده مادی را قاچاقچیان مواد مخدر و توزیع کنندگان آنها می برند و بیشترین سختی‌ها نصیب خانواده‌ها می‌شود.

سردار سیروس سجادیان افزود: در راستای مبارزه با مواد مخدر و با تلاش و همت مسئولان و مردم، اقدامات مطلوبی در حوزه پیشگیری و درمان در استان فارس انجام شده است و در سال گذشته بیش از ۴۷ تن مواد مخدر در این استان کشف و ضبط شده است.

فرمانده انتظامی استان فارس گفت: باید همه مسؤلان دست به دست هم دهند تا بتوان این بلای خانمان‌سوز را از فارس که یک استان ترانزیتی است، دور کرد.

سردار سجادیان یادآوری کرد: توفیق زیادی در مورد کشف مواد مخدر در استان فارس به‌دست آمده است که این موفقیت‌ها را در وهله نخست مدیون همکاری مردم و در مرحله بعد حمایت‌های بی‌دریغ مراجع قضایی و سپس مأموران تلاشگر نیروی انتظامی هستیم.

طرح فاضلاب بافق ۳۰ درصد پیشرفت کرد

بافق ـ خبرنگار اطلاعات: طرح فاضلاب شهری بافق با بیش از ۳۰ درصد پیشرفت در حال اجرا است.

مدیر طرح فاضلاب شهری بافق در گفتگو با اطلاعات گفت: این طرح مهم در ۲۴ ماه با هدف توسعه شهرستان بافق اجرا می‌شود.

حجت الله عبدالله پور افزود: این طرح با هزینه ۸۰ میلیارد تومان از محل سرمایه گذاری شرکت سنگ‌آهن مرکزی ایران ـ بافق اجرا و تکمیل خواهد شد.

وی ادامه داد: شرکت سنگ‌آهن بافق به ازای سرمایه‌گذاری خود به مدت ۳۶ سال از پساب این پروژه که حدود ۸۰ تا ۱۰۰ لیتر آب در ثانیه است، برخوردار خواهد بود.

او در مورد حجم کار طرح فاضلاب شهری بافق هم گفت: این پروژه در مسافت ۲۰۰ کیلومتر اجرا می‌شود که ۳۰ کیلومتر از آن در عمق ۲ تا ۱۲ متری و ۱۷۰ کیلومتر آن به صورت ترانشه یا کانال طراحی شده است و در آن از لوله‌هایی به قطر ۲۲۵ میلیمتر تا ۸۰۰ میلیمتر استفاده خواهد شد.

عبدالله‌پور با بیان اینکه شرکت پیمانکار قبلی عملیات اجرایی مرحله نخست را حد فاصل بین میدان امام حسین(ع) به طرف میدان فاطمیه انجام داده است، افزود: پیمانکار دوم این طرح عملیات اجرایی خود را از میدان آهنشهر به مسافت ۴ کیلومتر آغاز کرد که این پروژه نیز باید در مدت یکماه به پایان برسد.

عملیات انتقال آب خلیج‌فارس به کرمان از ماه آینده آغاز می‌شود

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: آب آشامیدنی استان کرمان با ۱۰ درصد صرفه‌جویی در بخش کشاورزی ۶۰۰ میلیون لیتر افزایش می‌یابد.

استاندار کرمان در همایش قدردانی از کشاورزان نمونه این استان گفت: ۹۵ درصد منابع آب کرمان در بخش کشاورزی مصرف می‌شود و روستائیان برای نجات کشاورزی و جلوگیری از مهاجرت‌های بی‌رویه، باید در زمینه مصرف بهینه آب کاری جهادی انجام دهند.

علیرضا رزم حسینی با تأکید بر لزوم استفاده از سیستم‌های نوین آبیاری در بخش کشاورزی افزود: طرح جامع و کنترل آب باید به یک عزم ملی و استانی در کرمان اجرایی شود.

وی با اشاره به لزوم تهیه آیین‌نامه کنترل کیفیت و بهینه‌سازی آب تاکید کرد: باید از حفر چاه‌های غیرمجاز در بخش کشاورزی جلوگیری شود.

رزم حسینی از آغاز عملیات انتقال آب از خلیج‌فارس به کرمان در یک ماه آینده خبر داد و افزود: این آب تنها برای شرب و صنعت استفاده می‌شود.

رئیس جهاد کشاورزی استان کرمان نیز اعلام کرد: این سازمان در حال اجرای یک برنامه توسعه پنج ساله برای افزایش بهره‌وری در بخش‌های مختلف کشاورزی است.

عباس مولایی از امضای تفاهم‌نامه‌ای برای توسعه کشت گل محمدی خبر داد و گفت: بر این اساس هر سال ۲۰۰ هکتار به کشتزارهای زیر کشت گل محمدی افزوده می‌شود.

به گفته وی، از شهریور امسال ۲۵۰۰ تن پیاز زعفران از طریق بخش خصوصی، میان کشاورزان متقاضی توزیع می‌شود.

وی با اشاره به اجرای طرح افزایش بهره‌وری باغ‌های پسته استان کرمان، یادآور شد: با اجرای موفقیت‌آمیز این طرح ۱۰ تا ۱۵ درصد بر عملکرد پسته استان افزوده می‌شود.

حجت‌الاسلام علی ایمانی تبار، مسئول نهاد نمایندگی ولی‌فقیه در جهاد کشاورزی کرمان نیز با تأکید بر لزوم فرهنگ‌سازی در زمینه امنیت غذایی گفت: هنوز نتوانسته‌ایم برای کشاورزان امنیت غذایی ایجاد کنیم و به همین دلیل کشاورزی ما مقرون به صرفه و اقتصادی نیست.

در این آیین از ۵۰ کشاورز نمونه استان کرمان قدردانی شد.

طرح نیروی انتظامی زنجان برای پیشگیری از سرقت و برخورد جدی با قاچاقچیان مواد مخدر

زنجان ـ خبرنگار اطلاعات: معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان زنجان و مسئول خبر این معاونت، از دفتر سرپرستی روزنامه اطلاعات بازدید کرد و در نشستی دو ساعته با کارکنان سرپرستی، زمینه‌های تعامل و همکاری بیشتر با نیروی انتظامی استان، بررسی شد.

سرهنگ کردلو در این دیدار با تشکر از همکاری‌های سرپرستی روزنامه اطلاعات در زمینه پوشش اخبار نیروی انتظامی، خواستار افزایش این همکاری‌ها به ویژه در زمینه‌های آموزشی شد و گفت: معاونت اجتماعی آمادگی دارد برخی از اخبار و یا حوادث که تهیه خبر آنها نیاز به جزئیات بیشتری دارد و برای خوانندگان نیز جذاب است، با هماهنگی در اختیار رسانه‌ها قرار دهد.

وی به برنامه‌های فرماندهی انتظامی استان زنجان اشاره کرد و گفت: پیشگیری از سرقت‌های خُرد و آزاردهنده، مقابله و برخورد جدی با قاچاقچیان مواد مخدر و پیشگیری از آن و توجه ویژه به مسائل راهنمایی و رانندگی و کاهش تصادفات، از رویکردهای نیروی انتظامی استان در سال‌جاری است.

سرهنگ کردلو از ارائه مشاوره رایگان در ۴ کلانتری و مرکز معاونت اجتماعی به شهروندان در زمینه‌های مختلف خبر داد و گفت: در این مراکز مشاوره‌هایی در زمینه مشکلات خانوادگی، روان‌شناختی، مشاوره انتظامی در موارد مختلف راهور، نظام وظیفه و مشاوره تست‌های هوش و مسائل مربوط به تحصیلات و مشاغل ارائه می‌شود و در برخی موارد که نیاز به معرفی افراد به دستگاه‌های دیگر را دارد این کار انجام می گیرد و خدمات رایگان در اختیار آنها گذاشته می‌شود.

معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی استان بیان کرد: ظرفیت بسیار مثبتی در مراکز مشاوره معاونت اجتماعی ایجاد شده و آثار و برکات زیادی در کاهش پرونده‌های قضایی و ارسال آن‌ها به مراجع قضایی داشته است.

او افزود: رشد تعالی فردی و سازمانی، تسریع فرآیندکاری در واحدهای انتظامی، اخلاق حرفه‌ای و سلامت اداری از اولویت‌هایی است که امسال در نیروی انتظامی پیگیری می‌شود.

سرهنگ کردلو برخورد با موارد بد پوششی در کنار سایر دستگاه‌های فرهنگی مسئله حجاب و عفاف از طریق لسانی را از دیگر اولویت‌های فرماندهی انتظامی استان در سال‌جاری اعلام کرد و افزود: بد پوششی از محورهای جنگ نرم دشمنان است و از رسانه‌ها انتظار داریم با اطلاع‌رسانی و ایجاد حساسیت در خانواده‌ها و یا دستگاه‌ها از ترویج بدحجابی و بدپوششی که در فضای مجازی صورت می گیرد جلوگیری کنند تا فضای مقاومی در مقابل هجمه فرهنگی دشمنان، در جامعه ایجاد شود.

معاون اجتماعی فرماندهی انتظامی زنجان هدف از اجرای طرح پیشگیری از بدحجابی و بدپوششی را ایمن‌سازی خانواده‌ها اعلام کرد و گفت: چون این هجمه‌ها به روش‌های مختلف وارد لایه‌های جامعه می‌شود و هدف آن هدایت افکار عمومی و استحاله فکری جوانان است، هر چقدر امکانات اجازه می‌دهد رسانه‌ها با درج گزارش و یا پیام‌هایی نسبت به افزایش آگاهی جامعه در این زمینه تلاش کنند.

دادستان آمل: امنیت، زیباترین واژه است

آمل ـ خبرنگار اطلاعات: علی طالبی دادستان عمومی و انقلاب آمل در نشست مطبوعاتی به مناسبت هفته قوه قضائیه گفت: برای مردم در جامعه بالاترین و زیباترین واژه می‌تواند واژه امنیت باشد. لذا این مهم برای حفظ جامعه و انتظام جامعه است.او با بیان این که امنیت می‌تواند در ابعاد گوناگون تأثیر گذار باشد، اضافه کرد: دستگاه قضایی نیز در واقع برای حفظ این امنیت با راهکارهایی که قانون اساسی پیش‌بینی کرده است به نحو احسن قدم بر می‌دارد.وی با اعلام این که قوه قضائیه یک زیرمجموعه‌ای را با عنوان ضابطین قضایی به همراه خود دارد به شرح اهداف ضابطین اشاره کرد و گفت: دادگستری با دو بازوی ضابطین عام و ضابطین خاص به اهداف خود که برای قوه قضائیه پیش‌بینی شده، به فعالیت مشغول است.

طالبی افزود: دادستانی آمل بر چندین موضوع از قبیل برخورد با اراذل و اوباش و ارتقای سطح فرهنگ به طور متمرکز فعالیت می کند.وی اضافه کرد: یکی از مهمترین سرلوحه‌های دادستانی شهرستان فعالیت در بخش مبارزه با اراذل و اوباش و کسانی است که مخل نظم عمومی می شوند لذا با رصدهای میدانی صورت گرفته مناطق جرم‌خیز که پایگاه حضور این اراذل و اوباش در آمل بود شناسایی شده و تدابیر انتظامی و امنیتی در این مناطق در حال به کار گیری است.

او با بیان این که این برای دادستانی آمل قابل قبول نمی تواند باشد در شهرستانی که ساکنانش ۱۱۳۲ شهید تقدیم کرده‌اند و شهری که امام(ره) در وصیت‌نامه خود از آن یاد کرده است ،عده‌ای اراذل و اوباش بخواهند امنیت و آسایش مردم را برهم بزنند.

افتتاح ۲ طرح کشاورزی در آباده

آباده ـ خبرنگار اطلاعات: به مناسبت هفته جهادکشاورزی و با حضور فرماندار آباده، معاون آب و خاک جهادکشاورزی استان کهگیلویه و بویراحمد، بخشدار مرکزی، مدیر جهادکشاورزی آباده و تنی چند از مسئولان محلی دو طرح کشاورزی با اعتبار ۱۴ میلیارد ریال افتتاح شد و به بهره‌برداری رسید.

در آیین افتتاح این دو طرح، محمدرضا زارع فرماندار آباده از همه فعالان عرصه کشاورزی قدردانی کرد و گفت: بخش کشاورزی به دلیل گستردگی و پیوندهای قوی با سایر بخش‌های اقتصادی، به عنوان موتور و محرک اولیه رشد اقتصادی عمل می کند. وی بر همکاری همه دستگاه‌ها برای حمایت از تولید بخش کشاورزی تأکید کرد. یک واحد مرغداری گوشتی با ظرفیت ۳۰ هزار قطعه و تولید سالانه ۲۵۰ تن گوشت سفید با اعتبار ۱۰ میلیارد ریال و همچنین پروژه ساخت دو استخر آب کشاورزی به ظرفیت ۲۵ هزار متر مکعب در مزرعه ده گردو با اعتبار ۴ میلیارد ریال از تسهیلات کشاورزی به بهره‌برداری رسید.

اجرای طرح ناحیه‌محوری در پرند؛ برای خدمت بهتر به شهروندان

پرند ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس کمیسیون عمران شورای شهر پرند گفت: اجرای طرح ناحیه‌محوری از جمله راهکارهای مهم و موفق برای ارائه خدمات بهینه به شهروندان در عرصه‌های مختلف خدمات شهری پرند است.

آریا خانی در گفتگو با خبرنگار اطلاعات با بیان این که شهر پرند دارای پتانسیل مثبت و بالایی است، افزود: این ظرفیت‌ها در قالب ساختارهای شهری باید به گونه‌ای بالفعل شوند که بالاترین میزان کارآمدی را برای شهر و شهروندان داشته باشند.

وی افزود: مهمترین چالش‌ها در پرند، فقر فضای آموزشی، فرهنگی، درمانی، تفریحی و سرگرمی است و پیش‌بینی افق بودجه‌ای برای تأمین نیازهای زندگی شهری امری مهم است که با رویکردهای کارشناسانه در مدیریت شهری، افق بودجه پیش‌بینی شده قابل تحقق است چرا که ارائه مثبت خدمات مدیریت شهری با افزایش درآمد و هزینه‌کرد آن ارتباط مستقیم دارد.

وی گفت: هدف از رسیدن به کسب درآمدهای پایدار و تحقق بودجه‌های پیش‌بینی شده به عنوان اولویت برنامه‌های درآمدی مدیریت شهری علاوه بر انتفاع منطقی شهر و شهروندان از خدمات، تحقق اهداف مدیریت شهری در ایجاد متناسب بین تغییرات ساختار شهری و ارائه امکانات است. او افزود: اجرای طرح‌ها و پروژه‌های عمرانی نیاز شهر و زندگی شهروندان است و طرح‌های عمرانی باید براساس مؤلفه‌های جمعیتی و نیازهای شهروندان اجرا شود و رویکرد سیاسی در مدیریت شهری همانند سم است. او با تأکید بر این که طرح «ناحیه‌محوری» باید اساس خدمات‌رسانی قرار گیرد، ادامه داد: در زمینه هزینه‌کرد مناسب و بهره‌وری از منابع برای نواحی و محله‌های شهر طرح ناحیه‌محوری راهکار مناسب اجرای سیاست‌های مدیریت شهری با رویکرد شهروندمحور است، چرا که سهم دادن در منابع، بهتر از اختصاص آن اثر دارد و در این سیاست تمامی نواحی می توانند در منابع و خدمات شهرداری سهیم شوند.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰

ایمیل خط ارتباطی: ertebat@ettelaat.com

بقیه از صفحه ۱۳

قطع یارانه دارندگان ماهواره!

به نظر من دولت باید پرداخت یارانه به کسانی را که ماهواره دارند، قطع کند. چرا که این طرح بهترین راه مبارزه با نصب ماهواره‌ها در منازل محسوب می‌شود!

خانم شهروند تهرانی

نیاز شهرک میلاد به بازارچه

شهرک میلاد با این‌که ۱۲ سال پیش به وسیله بنیاد مستضعفان در شاهین شهر اصفهان ساخته شده، فاقد بازارچه است و از اینرو ساکنان شهرک برای تأمین مایحتاج روزانه خود مشکل دارند.

شهرک میلاد (شاهین‌شهر) ـ بابک حسنیان

خرابی پروانه‌های نیروگاه بادی

خواهشمندیم وزارت نیرو به نیروگاه بادی قزوین توجه بیشتری کند، چرا که بیشتر پروانه‌های این نیروگاه خراب و از کار افتاده است.

قزوین ـ از اهالی

قطع روزنامه کوچک شود

پیشنهاد می‌شود که ابعاد روزنامه اطلاعات کوچکتر شود تا بتوان در مترو و وسایل نقلیه دیگر، به راحتی آن را در دست گرفت و مطالعه کرد.

خواننده روزنامه اطلاعات

تعرفه واردات خودرو برداشته شود

در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۹۳ برای دریافت یک خودروی تیبا در شرکت رایان سایپا ثبت‌نام کردم. قرار بر این شد که بعد از ۳۰ روز کاری خودرو را تحویلم دهند، اما بعد از ۴۵ روز تماس گرفتند و گفتند که به دلیل وجود نقص در مدارک باید از خرید خودرو انصراف دهم.

۵ روز دیگر هم سپری و پول به حسابم برگشت داده شد، این یعنی ۵۰ روز تمام پول من در حساب سپرده‌گذاری شرکت سایپا بود و سود آن هم نصیب این شرکت خودروسازی شد. پیشنهاد می‌شود که تعرفه واردات خودرو برداشته شود تا خودروسازان داخلی بدانند که با وجود خودروی خارجی کمتر کسی به سراغ ماشین‌های آن‌ها می‌رود!

حسن‌پور ـ خریدار خودرو

جریمه برای سرعت غیرمجاز

روی پل صدر با سرعت ۶۱ کیلومتر در ساعت رانندگی می کردم که عکس خودرویم به وسیله دوربین برداشته شد. در صورتی که سرعت مجاز روی این پل ۷۰ کیلومتر در ساعت است، دلیل این جریمه چه بوده است؟

موسوی ـ راننده جریمه شده خودرو

نظارت بر دبیرخانه شهرداری منطقه ۱۰

دبیرخانه شهرداری منطقه ۱۰ مکاتبات و شکایات مردم را به صورت گزینشی ثبت می کند و از دادن پاسخ مکتوب به شهروندان، خودداری می‌نماید. از شهرداری درخواست می‌شود، بر این دبیرخانه نظارت بیشتری صورت دهد.

از مراجعان به شهرداری

وزارت ورزش تکانی به خود بدهد

با وجود اراداتی که نسبت به دولت یازدهم دارم، می‌خواهم انتقادی هم از این دولت انجام دهم. وزیر ورزش از ابتدای روی کار آمدن دولت، از قراردادهای میلیاردی فوتبالیست‌ها انتقاد و این تصور را ایجاد کرد که قرار است ورزش کشور تکانی به خود بدهد و بی‌عدالتی‌ها و بذل و بخشش‌های نابجا، پایان یابد.

اما خیلی زود مسأله واگذاری باشگاه‌های بزرگ پایتخت به فراموشی سپرده شد و حالا هم قرار است ده‌ها هزار دلار به فوتبالیست‌های تیم ملی در جام جهانی داده شود. انصاف نیست که این پول‌ها از خزانه مملکت به کسانی برسد که خودشان میلیاردها تومان سرمایه دارند.

هوادار ورزش فوتبال

برقراری نظم و ایجاد امنیت، مهمترین وظیفه ناجاست

یـزد ـ خبرنـگار اطلاعات: مهمتریـن وظیفه ناجا در کشـور ایجـاد نظـم و امنیـت و افزایش احساس امنیت است.

سـردار، حسـین اشـتری جانشـین فرمانده نیروی انتظامی جمهوری اسلامی در مراسم تودیع و معارفه فرمانده انتظامی استان یزد با بیان این مطلـب افزود: اولویت کاری و برنامـه‌ای ناجا برای ایجاد نظم و امنیت در کشور در سال‌های اخیـر در شـاخص‌ها، گزارش‌ها و نظرسـنجی‌ها نشـانگر افزایش احسـاس امنیت بین شهروندان و کاهش ناامنی است.

وی گفت: درمورد سرقت‌های خـرد و همچنین توزیع و مصرف مواد مخدر شاهد افزایش بوده‌ایم، اما با تدابیـر فرمانده ناجا، قرارگاه مبارزه با سرقت مستقر و اقدامات خوبـی در ۱۴ اسـتان هدف انجام شده است.

او یکـی از بالاتریـن و بزرگ‌تریـن نعمت‌هـای الهـی کشـورمان را وجود با برکت مقام معظـم رهبری برشـمرد و افزود: امروزه بـا نگاهی گذرا به اتفاقات و مسـائل مختلف در کشـورهای همسایه و پیرامون خودمان متوجه وجود امنیت و احسـاس امنیت و آرامش در ایران اسلامی می‌شویم که این چیزی نیست جز لطف الهی و عنایات خاص آقا امام زمان(عج) و همچنین تدابیر و رهنمودهای مقام معظـم رهبری به عنـوان رهبری سیاسی و دینی.

وی کارکنـان ناجا را به عنوان سربازان ولایت برای ایجاد امنیت و احساس امنیت برشمرد و افزود: با تدابیر فرمانـده نیروی انتظامی، قرارگاه عملیاتی مبارزه با سـرقت تشـکیل و راه‌انـدازی شـده و اولویـت دیگر کار ناجا برخورد با فروشندگان مواد مخدر و معتادان و طرح‌هـای امنیـت اجتماعی و همچنین کاهش جرائم است.

سـردار اشـتری بـا اعـلام موضوع کاهش درصـد تلفات و حوادث جاده‌ای در سال ۹۳ افزود: امیدواریم بـا تدبیر فرمانده ناجا و ابلاغ دستورالعمل مربوطه تا پایان سال ۹۳ شاهد کاهش ۲۰ درصدی تلفات و تصادفات جاده‌ای باشیم.

***رویکرد جامعه‌محور**

جانشـین فرمانده ناجا درباره ارتبـاط پلیس بـا خبرنـگاران و اصحـاب رسـانه گفت: رویکرد فرمانـده ناجا رویکردی اجتماعی و جامعه‌محور اسـت و رسـانه‌ها پـل ارتباطی بین پلیـس، مردم و مسئولین هستند که در حال حاضر ایـن ارتباط به صـورت دو طرفه وضع خوبی پیدا کرده است.

سردار اشـتری در ادامه مردم استان یزد را مردمانی مؤمن، متدین، سـختکوش و دلسوز نظام مقدس جمهوری اسـلامی ایران دانست و افـزود: مردم این اسـتان ارادت خـود را به نظام مقدس جمهوری اسلامی ایران در ۸ سال دفاع مقدس با تقدیم شهیدان و جانبازان بسیار سرافراز ثابت کرده‌اند.

*** جانشین فرمانده نیروی انتظامی: قرارگاه مبارزه با سرقت تشکیل شده و اولویت دیگر ناجا برخورد با فروشندگان مواد مخدر و معتادان و اجرای طرح‌های امنیت اجتماعی و کاهش جرائم است**

*** فرمانده جدید انتظامی استان یزد معرفی شد**

وی وظیفه پلیـس را در قبال مردم یزد انجـام خدمتی صادقانه اعـلام کـرد و افـزود: بالاتریـن خدمت در این اسـتان تأمین نظم و امنیـت و آرامش برای این مردم مؤمن وولایتمدار است که به شکر خداوند متعال درصد بالایی از این امر مهم در سال‌های گذشته محقق شده‌است. او درباره شاخص امنیت در استان یزد گفت: تقریباً در استان یزد کاهش جرائم را نسبت به سال گذشته شاهد هستیم که با جدیت پلیس یزد و همکاری و هماهنگی همه مسئولین استان جرائم به همین منوال کاهش یابد.

او استان یزد را به دلیل داشتن موقعیـت خـاص جغرافیایـی و عبور مسیرهای مختلف منطقه‌ای، اسـتانی مهاجرپذیـر، ترافیکی و محل ترانزیت مواد مخدر دانست و افـزود: یکـی از موضوعاتی که خاص این اسـتان اسـت مبحث حضـور باندهـای مـواد مخدر اسـت، به همین دلیـل پلیس باید در جهـت کنترل ایـن موضوع با تقویـت پاسـگاه‌ها و گلوگاه‌های ایسـت و بازرسی اقدامات مؤثری انجام دهد. جانشین فرمانده نیروی انتظامی کشـور، جابه‌جایی‌ها در ناجا را به دلیل موضوعات کاری و ضعف مدیریتی ندانست و افزود: نیروی انتظامـی دارای یک برنامه مدون و سیاسـتگذاری شده است که ایـن برنامه‌ها و سیاسـت‌های کاری از طـرف فرماندهـی معظم کل قـوا و همچنیـن فرمانده ناجا تأیید شده است و در سراسر کشور هـم فرماندهان پلیـس آن را اجرا می‌کنند و همـه فرماندهان پلیس ادامه‌دهنده سیاست‌های کلی ناجا بـوده و می‌توانند حرکت کلی این برنامه‌هـا را در راسـتای اهـداف پیش‌بینی شده با توانمندی‌هایی که دارند شتاب دهند.

*** استان مهاجرپذیر**

سـیدمحمد میرمحمـدی، اسـتاندار یزد نیز در این مراسـم با اشاره به فعالیت و جدیت فرمانده پیشین انتظامی استان یزد در تأمین نظم و امنیت افزود: کسـانی که در جامعـه نظم را بـر نمی‌تابند، ابتدا خود ضرر می‌کنند.

وی بـا اشـاره به ایـن که هر جا ترکیب جمعیتی به هم بخورد، مشـکلاتی به وجود خواهد آمد، افزود: اسـتان یزد که به دارالعباده و دارالعلم شـهرت یافته اسـت، اکنون یکی از شهرها و استان‌های مهاجرپذیر است و این امر فعالیت پلیس را دوچندان کرده است.

استاندار یزد ادامه داد: حضور افـراد غیرمجـاز خارجـی، جاده ترانزیـت مواد مخـدر و مرکزیت استان یزد و همسایگی با استان‌های دارای مرز مشـترک با کشورهای شرقی سبب شده است تا یزد دارای شرایط ویژه‌ای باشد به همین دلیل توجه به استان یزد باید ویژه باشد.

وی افزود: همه این شـرایط سبب شده است تا تلاش نیروی انتظامی در اسـتان یزد نیز بیشـتر از برخی استان‌ها باشد اما همه این تلاش‌ها ملموس نیست و شاید بسیاری از افراد جامعه متوجه آن نباشند.

میرمحمدی با تأکید بر توجه ویـژه مـردم و لزوم مشـارکت و همـکاری آنها در طرح‌های پلیس افزود: برای این که بتوانیم در استان یزد محیطی آرام و امن داشته باشیم، همکاری و همراهی مردم با پلیس ضروری است.

در این مراسـم سردار اشتری در حکمـی از سـوی فرمانـده ناجا، سـرهنگ ایـرج کاکاوند را به عنوان فرمانـده جدید انتظامی اسـتان یزد معرفـی و از زحمات و تلاش‌های شـبانه روزی سردار منوچهر امان‌اللهی در ایجاد امنیت و آرامش مردم اسـتان یزد تقدیر و تشکر کرد.

بهره‌برداری از سیستم انحراف آب سد هراز

سـاری ـ خبرنگار اطلاعات: بهره‌بـرداری از سیسـتم انحراف آب سـد بزرگ هراز در مازندران آغاز شد.

مدیرعامـل آب منطقـه‌ای مازندران در مراسـم بهره‌برداری از سیسـتم انحراف آب با اشاره به اهمیت سد مخزنی هراز در تنظیم آب استان گفت: با بهره گیری از این سـد بزرگ قابلیت تنظیم آب‌های سـطحی استان از ۱۰ درصد فعلی به ۲۵ درصد می‌رسد.

محمدابراهیم یخکشی با بیان اینکه ۱۰ سد در مازندران در دست بهره‌برداری داریم که این ۱۰ سـد قابلیـت تنظیم حدود ۱۰ درصد از آب‌های سـطحی اسـتان را دارند افـزود: با برنامه‌ریـزی که در این بخش صورت گرفت در نظر داریم در افق طرح‌های توسعه منابع آب این استان تعداد سدها را از ۱۰ سد به ۲۳ سد و با قابلیت تنظیم حدود ۴۰ درصد برسانیم.

وی با اشاره به اهمیت انحراف آب درفرآیند سدسازی آن را نقطه عطف یک تحول بزرگ در اجرای یک سـد مخزنی برشمرد و اضافه کردبابهره‌برداری‌ازسیستم‌انحراف آب، بسـتر کار برای ساخت جسم و بدنه سد فراهم شده و امکان کار در جبهه‌های متعدد برای سـرعت بخشـیدن به عملیات اجرایی سد فراهم شده است.

یخکشی با اشـاره به اهمیت سدهراز در تأمین آب یکصدهزار هکتار دشـت هـراز و تأمین آب آشـامیدنی جمعیت یـک میلیون نفری شهرهای پایین دست، میزان اعتبـار مـورد نیاز بـرای تکمیل سـدهراز را ۲۰۰ میلیـارد تومـان اعلام کـرد و افزود: تاکنون حدود ۶۰ میلیارد تومان برای اجرای این سد سرمایه‌گذاری شده است.

مدیـرکل دفتـر فنـی و پژوهش‌های کاربردی آب کشور نیز بـا اشـاره بـه توانمندی‌های نیروهـای بومـی در طراحـی و سـاخت سـازه‌های آبی از سـد هراز به عنوان یکی از سـازه‌های پیچیده و فنی در بخش سدسـازی یاد کرد و گفت: وزارت نیرو برای ساخت این سازه مهم آبی علاوه بر بهره گیری از تجربیات مهم ملی از تجربیات بین‌المللی نیز در صورت لزوم استفاده خواهد کرد.

عبادی بااشاره به نقش کلیدی سـد مخزنی هـراز در تنظیم آب سامانه حوزه دریای خزر به تشریح مطالعـات یکپارچـه و مدیریت پیوسـته منابـع آب ایـن حـوزه پرداخت و گفت: بـا بهره‌برداری از ایـن طـرح میـزان راندمـان و بهره‌برداری از منابع آب به شـدت افزایش می‌یابد.

در ایـن مراسـم، سیسـتم انحـراف آب این سـد که شـامل تونلی به طول ۵۸۲متر و قطر ۵ متر و بـا ظرفیـت ۱۹۴ متر مکعب در ثانیه و کالورت آن به طول ۱۳۹ متر است به بهره‌برداری رسید و زمینه احداث بدنه سـد فراهم شـد. سد مخزنی هراز از نوع خاکی با هسته مخلـوط بوده که ارتفاع آن از کف بسـتر رودخانـه ۱۵۰ متر و حجم مخـزن آن ۲۳۰ میلیون مترمکعب اسـت و قادر اسـت سالانه حدود ۶۵۰ میلیـون مترمکعـب آب را تنظیم کند.

اخبار کوتاه شهرستان

برگزاری کارگاه‌های آموزشی برای نیروهای مسلح گلستان

گـرگان ـ خبرنگار اطلاعـات: برای کاهش جرائم یگان‌های نظامی و انتظامی و آشنایی با وظایف خود، توسط سازمان قضایی استان گلستان ۳۴ هزار نفر ساعت کارگاه آموزشی برای نیروهای مسلح برگزار شده است.

این مطلب را محمد یوسـف حسـنی رئیس سازمان قضایی نیروهای مسلح استان گلستان در گفتگو با خبرنگاران اعلام کرد و افزود: این آموزش‌ها باعث شد ۲۰ درصد ورودی پرونده‌های سال گذشته نسبت به سال پیش از آن کمتر شود و رضایتمندی نیروهای مسلح را به دنبال داشته باشد.

ورود افاغنه غیر مجاز به کرمان، تهدیدی جدی است

کرمان ـ خبرنگار اطلاعات: ورود افاغنه غیر مجاز به کرمان با توجه به بروز مشکلات اجتماعی و فرهنگی یک تهدید جدی است.

علیرضا اثنی عشری مدیرکل امور اتباع و مهاجران خارجی استانداری کرمان با اعلام این خبر، گفت: حضور افاغنه در استان کرمان مشکلات زیادی را از نظر بروز جرائم خشن، معضلات فرهنگی، اجتماعی و بهداشتی و آسیب رساندن به بخش‌های اقتصادی به وجود آورده است.

وی افزود: رویکرد وزارت کشـور در راستای جلوگیری و پیشگیری از این مشـکلات، سـاماندهی اتباع مجاز و دستگیری اتباع غیرمجاز و طرد آن‌ها است.

وی دو عامل اشتغال و اقامت را سبب ورود بیشتر افاغنه به کشور دانست و اعلام کرد: با نظارت بر عملکرد کارفرمایان در بخش‌های مختلف می‌توان انگیزه ورود افاغنه را به استان کم کرد.

اثنی عشری همچنین نقش افاغنه را در افزایش نرخ بیکاری مؤثر دانست و گفت: ازدواج افاغنه با زنان ایرانی و بی تعهدی آنان نسبت به خانواده سبب شده است تا خانواده‌های زیادی بدون سرپرست و با فرزندانی بدون هویت تشـکیل شود که موجب بروز معضلات فرهنگی، اجتماعی و بهداشتی در منطقه شده است.

رونق مجدد پروژه طبیعت سبز سرعین

اردبیل ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار اردبیل از رونق مجدد پروژه گردشگری طبیعت سبز سرعین خبر داد و گفت: تکمیل این پروژه تاثیر مثبتی در رونق صنعت گردشگری و ارتقای کیفیت خدمت‌رسانی به گردشگران خواهد داشت.

مجید خدابخشی افزود: هر اقدامی که منجر به کار آفرینی، کاستن از بیکاری و افزایش تولید ثروت در اسـتان شـود باید مورد حمایت همه جانبه تمامی دستگاه‌ها قرار گیرد.

برج مراقبت فرودگاه ساری افتتاح شد

سـاری ـ خبرنـگار اطلاعات: پروژه سـاختمان تکنیکال بلاک (برج مراقبت) فرودگاه ساری با ۳۱ متر ارتفاع و ۲۰۰۰ متر مربع در دو طبقه مورد بهره‌برداری قرار گرفت.

این برج با هزینه ۵/۵ میلیارد تومان از اعتبارات اسـتانی و یک میلیارد تومان اعتبارات شرکت فرودگاه‌های کشور ساخته شد.

سـاخت سالن مسـتقبلین از دیگر پروژه‌های فرودگاه ساری است که این پروژه ۷۰۰۰ متر مربع مساحت دارد و با اعتبار ۱۵ میلیارد تومان تکمیل می‌شود که تاکنون ۵۰ درصد اعتبارات پرداخت شده است و همه اعتبارات را استانداری تأمین خواهد کرد.

آغاز ساخت مجتمع شبانه‌روزی دانش‌آموزان استثنایی خراسان‌شمالی

بجنـورد ـ خبرنگار اطلاعات: کلنگ سـاخت مجتمع شـبانه‌روزی دانش‌آموزان استثنایی خراسان‌شمالی به زمین زده شد.

در مراسم ویژه‌ای عملیات احداث این مجتمع شبانه‌روزی ۲۴ کلاسه دانش‌آموزان استثنایی در خراسان شمالی با حضور رئیس سازمان آموزش و پرورش استثنایی کشور و جمعی از مسئولان استانی و محلی آغاز شد.

مدیرکل آموزش و پرورش اسـتثنایی خراسـان شـمالی در مراسـم کلنگ‌زنـی ایـن پـروژه، گفت: احداث این پروژه بزرگ در مرکز خراسـان شمالی قبلاً مصوب شده است.

نعمتی، اظهار داشت: این مجتمع با اعتبار ۵ میلیارد تومان در زمینی به مساحت ۴ هکتار مصوب و ابلاغ شده است.

وی با بیان این که مشاوران بومی در حال اجرای این پروژه هستند، افزود: طرح اولیه آماده و مصوب و یک هکتار آن در فاز اول در مسیر جاده گلستان شهر بجنورد کلنگ‌زنی شد.

او همچنین از بهره‌برداری از فاز اول این پروژه در سال آینده خبر داد و گفت: با راه‌اندازی این مجتمع بسیاری از مشکلات دانش‌آموزان استثنایی استان که توانایی تحصیل در روستاها و مناطق دوردست را ندارند برطرف می‌شود. ۲/۵ میلیارد تومان اعتبار در سال ۹۲ برای این مجتمع ابلاغ شده است و بقیه در دو مرحله برای امسال هزینه می‌شود.

اختصاص بودجه عمرانی برای بقاع متبرکه نیشابور

نیشابور ـ خبرنگار اطلاعات: ۸۰ میلیارد ریال بودجه عمرانی امسال برای بقاع متبرکه نیشابور تعیین شده است.

سرپرست اداره اوقاف و امور خیریه نیشابور با اعلام این خبر افزود: بودجه عمرانی بقاع متبرکه این شهرستان پارسال ۴۶ میلیارد ریال بود.

حجـت‌الاسـلام محمد ذاکری در جمع اعضـای هیأت امنای بقاع متبرکه نیشابور در بقعه فضل بن شاذان(ع)، گفت: از این میزان ۵۰ میلیارد ریال نقدی و ۳۰ میلیارد غیرنقدی برآورد شـده اسـت که البته هر گونه حضور نیروی افتخاری یا مصالح اهدایی باید به عنوان هدایای غیرنقدی ثبت شود.

او با بیان این که بقاع متبرکه حق سـفارش چاپ قبض ندارند و فقط اداره ایـن کار را می‌کند، تأکید کـرد: از این تاریخ به بعد هر گونه دریافت وجه نقد باید در قالب دریافت قبض باشـد و دریافت وجه نقد ممنوع و خلاف قانون است.

ثبت ۶ موقوفه به ارزش بیش از ۲۴۲ میلیارد ریال در لنجان

زرین‌شهر ـ خبرنگار اطلاعات: رئیس اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان لنجان از ثبت ۶ موقوفه در سه ماهه اخیر در این شهرستان خبر داد. محمدرضا ترحمی اظهار داشت: موقوفه حاج رجبعلی ملکی به ارزش بیش از ۷۰ میلیارد ریال و موقوفه خدامراد ملکی برای ایجاد اعیانی سـرای سـالمندان به ارزش ۴۰ میلیارد ریال برخی از موقوفات ثبت شده است.

رئیـس اداره اوقاف و امور خیریه شهرسـتان لنجـان به دیگر موقوفه‌ها اشـاره کـرد و ادامه داد: وقـف ۱۵۰ مترمربع عرصه بـه ارزش یک میلیاردو ۵۰۰ میلیون ریال برای توسعه مسجد و حسینیه ورنامخواست، دیگر موقوفه ثبت شده است.

وی با بیان اینکه دیگر خیر نیک اندیش حاج حسن قلعه قاسمی عرصه و اعیانی خود را با مساحتی بالغ بر ۴۰۰ مترمربع برای ایجاد مجموعه فرهنگی مذهبی وقف کرده اسـت، گفت: ارزش ریالی این موقوفه بالغ بر پنج میلیارد ریال بر آورده شده است.

ترحمی با بیان اینکه خوشـبختانه در شهرسـتان لنجان مردم شهید پرور و مومن و متعهدی زندگی می‌کنند، افزود: خانواده شهدا که خود بزرگترین واقفان جامعه ما هستند، بار دیگر با گذشتن از مال خود، ایثار و گذشت را به جوانان یادآور شدند.

وی متذکر شد: پدر شهید باغبانی ۴۰۰ متر مربع عرصه به ارزش بیش از ۶ میلیارد ریال را برای ساخت مجموعه فرهنگی مذهبی و تجاری وقف کرد.

رئیس اداره اوقاف و امور خیریه شهرستان لنجان دیگر وقف انجام شده در این شهرسـتان را وقف ۳۲۲۵ مترمربع زمین توسـط شرکت عمران اعلام کـرد و افـزود: این موقوفه با نیت حمایت از انجمن بیماران کلیوی به ارزش ۱۲ میلیارد تومان وقف شده است.

اختصاص ۲۰ میلیارد ریال برای ساخت سرای سالمندان همدان

همدان ـ خبرنگار اطلاعات: عضو شـورای اسـلامی شـهر همدان از اختصاص ۲۰ میلیارد ریال بودجه برای اجرای پروژه سرای سالمندان در باغ سوداگر این شهر خبر داد.

علی‌اکبر نظری افزود: مهندس سوداگر مالک باغ سوداگر حدود ۲۰ سال پیش ۸۵ هزار مترمربع باغ خود را برای ایجاد سـرای سـالمندان اهدا کرده بود که براسـاس وصیت‌نامه وی باید ۳۰درصد از متراژ باغ فروخته شود و درآمد حاصل از آن برای ساخت ساختمان این سرا اختصاص یابد.

وی افزود: بر این اساس در شورای شهر دور دوم تصمیماتی گرفته شد، مبنی بر اینکه ۱۰ درصد این باغ برای ساخت خانه سالمندان تغییر کاربری داده شود که این امر با چالش‌های متفاوتی روبرو شد و پروژه راکد ماند.

وی اضافـه کـرد: در دور چهارم شـورا موضوع مجـددا مورد پیگیری قـرار گرفت و هم اکنون طرح در مرحله عقد قرارداد اسـت که مقرر شـد با تغییر کاربری ۱۰ درصد از باغ، ۹۰ درصد آن به صورت پارک سـاخته شـود و قابل تغییر کاربری نباشد.

این عضو شورای اسلامی شهر همدان با اعلام اینکه امسال ۲۰ میلیارد ریال برای فاز اول سرای سالمندان باغ سوداگر در شورا مصوب شده است، اظهار داشت: بزودی عملیات اجرایی این پروژه شروع می‌شود.

نظری با بیان اینکه مجموعه طرح سوداگر به صورت هیات امنایی اداره می‌شود، افزود: سرای سالمندان به عنوان یک مجموعه فرهنگی پس از احداث توسط شهرداری در اختیار سازمان بهزیستی قرار خواهد گرفت.

آگهی سود سهام پیشنهادی سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ شرکت صنایع شیمیایی فارس (سهامی عام) شماره ثبت ۶۹۲۶ و شناسه ملی ۱۰۵۳۰۱۹۴۴۱۶

بدینوسیله به اطلاع سهامداران محترم می رساند که سود سهام پیشنهادی جهت سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ مبلغ ۷۶ ریال برای هر سهم می باشد. ضمناً جدول زمانبندی پرداخت سود سهام به‌شرح ذیل می باشد:

شرح	موعد پرداخت
یک الی ۵،۰۰۰سهم	۹۳/۱۱/۱۵
۵،۰۰۱سهم الی ۲۰،۰۰۰سهم	۹۳/۱۱/۲۰
۲۰،۰۰۱سهم الی ۵۰،۰۰۰سهم	۹۳/۱۱/۲۵
۵۰،۰۰۱سهم الی ۱۰۰،۰۰۰سهم	۹۳/۱۲/۵
۱۰۰،۰۰۱سهم الی ۱،۰۰۰،۰۰۰سهم	۹۳/۱۲/۱۰
بالاتر از ۱،۰۰۰،۰۰۰سهم	۹۳/۱۲/۱۶

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت صنایع شیمیایی فارس (سهامی عام) شماره ثبت ۶۹۲۶ و شناسه ملی ۱۰۵۳۰۱۹۴۴۱۶

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم می رساند که جلسه مجمع‌عمومی عادی سالیانه شرکت صنایع شیمیایی فارس (سهامی‌عام) برای سال مالی منتهی‌به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ ساعت ۱۴ روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۳/۴/۲۴ در محل تهران- خیابان‌ولی‌عصر- بالاتر از جام جم- نرسیده به چهارراه پارک وی- جنب سوپر استار- مجموعه فرهنگی ورزشی تلاش برگزار می گردد.
از کلیه سهامداران محترم یا نمایندگان قانونی آنان دعوت می شود تا در جلسه مزبور حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:
۱- استماع گزارش هیئت‌مدیره درخصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹
۲- استماع گزارش حسابرس و بازرس قانونی
۳- تصویب صورت‌های مالی مربوط به سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹
۴- انتخاب حسابرس و بازرس قانونی
۵- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۶- تعیین پاداش هیئت مدیره
۷- تعیین حق حضور اعضای غیر موظف هیئت مدیره
۸- سایر مواردی که در حدود اختیارات مجمع عمومی عادی می باشد.

هیئت مدیره شرکت صنایع شیمیایی فارس (سهامی عام)

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده صاحبان سهام شرکت سرمایه گذاری امید قدس (سهامی عام) به شماره ثبت ۵۷۵۸ و شناسه ملی ۱۰۵۳۰۱۸۲۸۲۳

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم می رساند که جلسه مجمع‌عمومی فوق‌العاده شرکت سرمایه گذاری امید قدس (سهامی‌عام) ساعت ۱۲ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۳/۴/۳۰ در محل تهران- خیابان‌ولی‌عصر- بعد از نیایش- خیابان رحیمی- شماره ۴۵ طبقه دوم برگزار می گردد.
از کلیه سهامداران محترم یا نمایندگان قانونی آنان دعوت می شود تا در جلسه مزبور حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:
۱- تغییر نام شرکت
۲- سایر مواردی که در حدود اختیارات مجمع عمومی فوق العاده باشد.

هیات مدیره
شرکت سرمایه گذاری امید قدس (سهامی عام)

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت سرمایه گذاری امید قدس (سهامی عام) به شماره ثبت ۵۷۵۸ و شناسه ملی ۱۰۵۳۰۱۸۲۸۲۳

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران محترم می رساند که جلسه مجمع‌عمومی عادی سالیانه شرکت سرمایه گذاری امید قدس (سهامی‌عام) ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخ ۱۳۹۳/۴/۳۰ در محل تهران- خیابان ولی عصر- بعد از نیایش- خیابان رحیمی- شماره ۴۵ طبقه دوم برگزار می گردد.
از کلیه سهامداران محترم یا نمایندگان قانونی آنان دعوت می شود تا در جلسه مزبور حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:
۱- استماع گزارش هیات‌مدیره درخصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹
۲- استماع گزارش حسابرس و بازرس قانونی
۳- تصویب صورت‌های مالی مربوط به سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹
۴- انتخاب حسابرس و بازرس قانونی
۵- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۶- تعیین پاداش هیات مدیره
۷- تعیین حق حضور اعضای غیر موظف هیات مدیره
۸- سایر مواردی که در حدود اختیارات مجمع فوق می باشد

هیات مدیره
شرکت سرمایه گذاری امید قدس (سهامی عام)

آگهی تبصره ۳ ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت

نظر به اینکه خانم مهناز غلامی احدی از ورثه مرحوم مهدی غلامی ضمن ارائه دادنامه انحصار وراثت و فرم ۱۹ مالیاتی تقاضای صدور سند مالکیت پلاک ۲۸۲۷ بخش ۲ اهواز ملکی مورث خود به قدر السهم را نموده و اظهار داشته اصل سند مالکیت مورث نزد خانم طوبی گلی یکی دیگر از ورثه می‌باشد که از ارائه آن خودداری می‌نماید. مراتب به جهت استرداد سند مالکیت به مشارالیه اخطار که پس از ابلاغ و سپری شدن مهلت مقرر سند مالکیت مورث را به اداره ثبت مسترد ننموده است بنابراین مراتب جهت اطلاع کلیه ورثه و عموم آگهی تا چنانچه ازوجود سند مالکیت اطلاع دارند و یا اینکه مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق می‌باشد. ظرف مدت ۱۵ روز پس از انتشار آگهی اعتراض خود را به اداره ثبت تسلیم نمایند در غیر اینصورت و سپری شدن مهلت مقرر وفق مقررات سند مالکیت به نام ورثه صادر و تسلیم خواهد شد.
قادریان - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو اهواز ۵/۸۰۸/م /الف

ابلاغ وقت دادرسی

به موجب پرونده کلاسه ۹۳۰۰۷۸ب۳ این دادیاری اتهامی آقای نادر سنگینی فرزند جلال به اتهام تحصیل مال از طریق نامشروع و کلاهبرداری حسب شکایت علیرضا ابراهیمی چون متهم فوق مجهول‌المکان می‌باشد لذا به تجویز ماده ۱۱۵ آدک مراتب به متهم ابلاغ می گردد تا ظرف مدت یک ماه پس از انتشار این آگهی خود را به این شعبه بازپرسی معرفی در غیر این صورت طبق مقررات مربوطه اقدام خواهد شد.
بازپرس شعبه سوم دادسرای عمومی و انقلاب کاشان

آگهی تأسیس

خلاصه اظهارنامه و اساسنامه **شرکت فرش نگین سادات** سهامی‌خاص که در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۳ تحت شماره ۵۶۴۳ و کد شناسه‌ملی ۱۴۰۰۴۱۶۲۸۳۲ در این اداره به ثبت رسیده و در همان تاریخ از لحاظ امضا، ذیل ثبت تکمیل گردیده برای اطلاع عموم در روزنامه رسمی و کثیرالانتشار اطلاعات آگهی می‌شود.
۱ـموضوع شرکت: تولید و فروش انواع فرش‌های ماشینی و واردات مواد اولیه و ماشین‌آلات تولیدی و لوازم جانبی آن فعالیت درزمینه صادرات فرش و محصولات این موضوع و سایر موارد مرتبط با موضوع شرکت.
۲ـمدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت نامحدود.
۳ـمرکز اصلی شرکت: کاشان ـ بلوار قطب راوندی ـ حکمت ۶۸ ـ مجتمع مهر ـ بلوک D ـ واحد ۱۲ ـ باکدپستی ۸۷۱۴۹ـ۷۳۷۱۹
۴ـسرمایه شرکت: مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰۰ سهم ۱۰/۰۰۰ ریالی بانام که تماماً آن برابر گواهی شماره ۵۳/۱۶۰۷۰/۱۱۳ مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۷ بانک تجارت شعبه بیدگل پرداخت گردیده است.
۵ـمدیران و دارندگان حق امضاء: آقای ستار موسوی کاکاوند فرزند خدامراد ش‌ش ۱۸۹۱۴ متولد ۱۳۵۸ باکدملی ۳۳۱۹۳۳۸۳۱۵ عضو و به‌سمت رئیس هیأت‌مدیره و مدیرعامل شرکت و خانم مریم یاقوتی شاد فرزند صیاد علی ش‌ش ۱۰۲ متولد ۱۳۵۷ با کدملی ۳۳۱۹۶۶۸۸۲۱ به سمت عضو و نایب‌رئیس هیأت مدیره و خانم نورملک فرجی فرزند شکراله ش‌ش ۵۳۵۸ متولد ۱۳۳۶ با کدملی ۴۲۰۸۳۰۴۸۱۲ به سمت عضو هیأت مدیره شرکت برای مدت دو سال انتخاب شدند.
۶ـدارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد تعهدآور شرکت با امضای مدیرعامل و نائب‌رئیس شرکت متفقاً همراه با مهر شرکت معتبر خواهدبود.
۷ـاختیارات مدیرعامل: مدیرعامل مجری مصوبات هیأت‌مدیره خواهد بود.
۸ـبازرسان اصلی و علی‌البدل شرکت به ترتیب: آقای حمیدرضا موتمن فرزند احمد ش‌ش ۷۶۶ متولد ۱۳۴۵ باکدملی ۱۲۶۱۷۲۱۱۰۱ و آقای یوسف عظیمی رفاه فرزند علی محمد ش‌ش ۱۸۳۹۴ متولد ۱۳۵۸ با کدملی ۳۳۱۹۳۳۳۱۰۰ برای مدت یک سال انتخاب شدند.
حسینیان ـ رئیس اداره ثبت اسناد و املاک کاشان

آگهی دعوت از بستانکاران شرکت ریسندگی و بافندگی نجف آباد (نوبت دوم) (سهامی خاص) در حال تصفیه به شماره ثبت ۳۴۸ و شناسه ملی ۱۰۲۶۰۰۷۶۹۱۸

به موجب ماده ۲۲۵ قانون تجارت از کلیه بستانکاران شرکت ریسندگی و بافندگی نجف‌آباد (سهامی خاص) در حال تصفیه دعوت می‌شود با در دست داشتن مستندات طلب خود از تاریخ انتشار اولین نوبت این آگهی به مدت شش ماه به آدرس: تهران، خیابان ولیعصر(عج) نرسیده به میدان ولیعصر(عج)، خیابان دمشق پلاک ۲۲واحد۳ کدپستی ۱۴۱۶۷۴۳۳۴۳ مراجعه نمایند، بدیهی است پس از انقضای مدت مذکور هیچ‌گونه ادعایی از این بابت مسموع نخواهد بود.
هیات تصفیه شرکت ریسندگی و بافندگی نجف آباد

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت مهندسی رز سیستم (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۸۸۹۵۹

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت مذکور دعوت به عمل می‌آید تا در جلسه مجمع‌عمومی عادی سالیانه که در روز دوشنبه ۹۳/۴/۲۳ رأس ساعت ۱۰ صبح در دفترمرکزی شرکت تشکیل می‌گردد حضور به هم رسانند.
دستورجلسه: ۱ـ تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال ۱۳۹۲. ۲ـ انتخاب بازرسین اصلی و علی‌البدل. ۳ـ انتخاب اعضای هیئت مدیره
هیأت مدیره

اطلاعیه توقف پرداخت سود سهام شرکت داروسازی اسوه (سهامی‌عام) به شماره ثبت ۱۱۲۳۴ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۶۵۱۷۸۰

بدینوسیله به اطلاع کلیه سهامداران و وکلای محترم آنان میرساند: پرداخت سود سهام عملکرد قبل از سال مالی ۱۳۹۲ این شرکت جهت اعمال محاسبات مربوط به تجمیع سود سال مالی ۱۳۹۲ با سود سنوات قبل، از تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۳۱ متوقف میگردد. بدیهی است پس از اعمال محاسبات مربوطه، از تاریخ ۱۳۹۳/۰۶/۰۱ و طبق جدول زمانبندی اعلام شده، عملیات پرداخت سود سهام از طریق کلیه شعب بانک ملت و با ارائه مدارک شناسائی معتبر میسر خواهد گردید.
شرکت داروسازی اسوه (سهامی‌عام)

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت تحقیقات و کاربرد مواد معدنی ایران (سهامی خاص)

بدینوسیله به اطلاع می‌رساند، جلسه مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت رأس ساعت ۱۰ صبح روز سه‌شنبه مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۳۱ با دستور جلسه ذیل درمحل دفترمرکزی شرکت به آدرس: خیابان‌طالقانی ـ بعداز خیابان مفتح ـ روبروی بیمارستان ۵۰۲ ارتش ـ پلاک ۱۵۴ برگزار می‌گردد.
۱ـ استماع گزارش هیأت‌مدیره و بازرس قانونی درخصوص حساب‌های‌مالی سال ۱۳۹۲
۲ـ تصویب ترازنامه، حساب سود و زیان عملکرد سال ۱۳۹۲
۳ـ انتخاب بازرس سال مالی ۱۳۹۳
۴ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار
۵ـ انتخاب اعضای هیأت مدیره
۶ـ سایر موارد
هیأت مدیره

موضوع: آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده شرکت صنایع پتروشیمی دهدشت (سهامی عام) شماره ثبت ۵۱۲۴، شناسه ملی ۱۰۶۸۰۰۷۰۱۵۰

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت صنایع پتروشیمی دهدشت دعوت می‌شود رأس ساعت ۹:۰۰ صبح روز یکشنبه ۹۳/۰۴/۲۲ در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده این شرکت که در مجتمع جهانگردی یاسوج واقع در شهر یاسوج خیابان‌پاسداران (ارتش) بالاتر از سازمان بهزیستی برگزار می‌شود، حضور به هم‌رسانند.

دستورجلسه:
ـ تصمیم گیری درخصوص افزایش سرمایه
ـ سایر مواردی که در حدود اختیارات مجمع فوق می‌باشد.

هیأت مدیره
شرکت صنایع پتروشیمی دهدشت (سهامی عام)

آگهی تشکیل مجمع عمومی عادی سالانه شرکت تولیدی ونوس شیشه (سهامی خاص) به شماره ثبت ۱۷۹۸۰۸

بدین‌وسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت ونوس شیشه یا نماینده قانونی آنان دعوت به عمل می‌آید در جلسه مجمع عمومی عادی سالانه شرکت که ساعت ۹ صبح روز یکشنبه ۱۳۹۳/۴/۲۲ در محل کارخانه شرکت واقع در تهران، شهرک صنعتی شمس‌آباد، انتهای بلوار نگارستان برگزار می‌شود حضور به هم رسانند.

دستور جلسه مجمع به شرح ذیل است:
۱ـ قرائت و استماع گزارش هیئت مدیره شرکت
۲ـ قرائت و استماع گزارش بازرس قانونی شرکت
۳ـ بررسی و تصویب ترازنامه و صورتحساب سود و زیان و سایر صورت‌های مالی شرکت برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ و اخذ تصمیم در مورد تقسیم سود
۴ـ انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل برای سال مالی ۱۳۹۳ و تعیین حق‌الزحمه بازرس
۵ـ تعیین پاداش هیئت مدیره و همچنین حق حضور اعضای غیرموظف برای حضور در جلسات
۶ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی‌های شرکت
۷ـ معاملات موضوع ماده ۱۲۹ قانون تجارت
۸ـ بررسی سایر موضوعاتی که طرح آن‌ها در صلاحیت مجمع عمومی عادی صاحبان سهام شرکت باشد.
هیئت مدیره

آگهی تبصره ۳ ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت

نظر به اینکه خانم مهناز غلامی احدی از ورثه مرحوم مهدی غلامی ضمن ارائه دادنامه انحصار وراثت و فرم ۱۹ مالیاتی تقاضای صدور سند مالکیت پلاک ۲۱۲۹ بخش ۲ اهواز ملکی مورث خود به قدر السهم را نموده و اظهار داشته اصل سند مالکیت مورث نزد خانم طوبی گلی یکی دیگر از ورثه می‌باشدکه از ارائه آن خودداری می‌نماید. مراتب به جهت استرداد سند مالکیت به مشارالیه اخطار که پس از ابلاغ و سپری شدن مهلت مقرر سند مالکیت مورث را به اداره ثبت مسترد ننموده است بنابراین مراتب جهت اطلاع کلیه ورثه و عموم آگهی تا چنانچه ازوجود سند مالکیت اطلاع دارند و یا اینکه مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق می‌باشد. ظرف مدت ۱۵ روز پس از انتشار آگهی اعتراض خود را به اداره ثبت تسلیم نمایند در غیر اینصورت و سپری شدن مهلت مقرر وفق مقررات سند مالکیت به نام ورثه صادر و تسلیم خواهد شد.
قادریان - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو اهواز ۵/۸۱۱/م /الف

آگهی تصمیمات شرکت مجتمع متالورژی پودر ایران (سهامی خاص) شماره ثبت ۴۵ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۲۳۶۶۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخه ۹۳/۳/۳۱ تصمیماتی به شرح ذیل اتخاذ گردید.
۱ـ ترازنامه و صورتحساب سود و زیان سال مالی منتهی به ۹۲/۱۲/۲۹ تصویب گردید.
۲ـ آقایان سید حسام‌الدین امامی کدملی ۱۲۰۹۵۹۵۴۹۴ و خانم شهلا صدر عاملی کدملی ۱۲۸۷۷۶۵۲۹۷ و آقای سید امیرحسین امامی کدملی ۱۲۹۰۷۱۱۶۸۲ به عنوان اعضای هیأت‌مدیره به مدت ۲ سال انتخاب گردیدند.
۳ـ مؤسسه حسابرسی اعداد آراء به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۲۹۳۴۵ به سمت بازرس اصلی شرکت و آقای میر اردشیر سید یونسی به کد ملی ۰۰۴۱۶۲۵۰۱۳ به سمت بازرس علی‌البدل به مدت یکسال مالی تعیین گردیدند.
۴ـ روزنامه اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
به استناد صورتجلسه هیأت مدیره مورخه ۹۳/۳/۳۱ آقای سید حسام‌الدین امامی به سمت رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل و خانم شهلا صدر عاملی به سمت نائب رئیس هیأت مدیره و آقای سید امیرحسین امامی به سمت عضو هیأت مدیره انتخاب گردیدند کلیه اوراق و اسناد تعهدآور شرکت از قبیل چک، سفته، برات و همچنین اوراق عادی و مکاتبات با امضای رئیس هیأت مدیره و مدیرعامل (آقای سید حسام‌الدین امامی) یا آقای سید امیرحسین امامی (عضو هیئت مدیره) هر یک به تنهایی همراه با مهر شرکت معتبر می‌باشد.
ذیل دفتر ثبت شرکتها در مورخه ۹۳/۴/۷ تکمیل و امضاء گردید.
رئیس ثبت اسناد و املاک شهرستان البرز ـ عسگری

مناقصه عمومی ۹۳/۱۵ـ۱۷ـ۱ (دو مرحله‌ای) نوبت دوم

۱ـدستگاه مناقصه گزار: شرکت توزیع نیروی برق استان البرز
۲ـموضوع مناقصه: ارائه کلیه خدمات پشتیبانی، نگهداری و توسعه شبکه داده‌ها (WAN, LAN) اسکادا، تجهیزات سخت افزاری و سامانه ۱۲۱
۳ـشرایط لازم: دارا بودن حداقل رتبه ۴ در زمینه شبکه داده‌ها و حداقل رتبه ۴ درزمینه خدمات پشتیبانی از شورای عالی انفورماتیک
۴ـمهلت خرید و محل دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۹۳/۴/۱۱ لغایت تاریخ ۹۳/۴/۱۷ ازساعت ۸ الی پایان وقت اداری **ـمحل خرید اسناد:** امور خدمات پشتیبانی واقع در کرج ـ بلوارطالقانی‌شمالی ـ پل آزادگان ـ ابتدای بلوار امام رضا
۵ـمدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد مناقصه: ارائه معرفی نامه و فیش واریزی به‌مبلغ ۳۲۴/۰۰۰ ریال به حساب سپهر ۰۱۰۱۵۲۰۱۵۲۰۰۶ بانک صادرات ایران به نام شرکت توزیع نیروی برق استان البرز
۶ـقیمت پایه مناقصه: قیمت پایه مناقصه مبلغ ۳/۱۶۴/۰۰۰/۰۰۰ (سه میلیارد و یکصد و شصت و چهار میلیون) ریال می‌باشد.
۷ـمبلغ تضمین شرکت در مناقصه: سپرده شرکت در مناقصه مبلغ: ۱۸۲/۳۰۰/۰۰۰ (یکصد و هشتاد و دو میلیون و سیصدهزار) ریال می‌باشد که مناقصه‌گر بایستی سپرده مذکور را به صورت ضمانتنامه بانکی یا فیش واریزی به حساب فوق و یا چک بانکی تضمینی یا ضبط از حساب مطالبات ارائه نمایند.
۸ـمهلت و محل تحویل پیشنهادها: تا ساعت ۱۱ روز دوشنبه مورخ ۹۳/۴/۳۰ به دبیرخانه امورخدمات پشتیبانی واقع در آدرس فوق‌الذکر تحویل نمایند.
۹ـزمان گشایش پاکت‌های الف و ب (مرحله اول مناقصه): ساعت ۱۴ روزدوشنبه مورخ ۹۳/۴/۳۰
*بدیهی است به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و یا پیشنهادهایی که پس‌از مهلت مقرر در این فراخوان واصل می‌گردند مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
هزینه آگهی برعهده برنده یا برندگان مناقصه می‌باشد.
سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه و در سایت توانیر www.tender.tavanir.org.ir و پایگاه اطلاع رسانی ملی مناقصات کشور http://iets.mporg.ir وب سایت شرکت توزیع نیروی برق استان البرز www.aepdc.ir قابل رویت می‌باشد و متقاضی موظف است در صورت گرفتن اسناد مناقصه از سایت‌های مذکور فیش واریزی هزینه خرید اسناد مناقصه ظرف مهلت مقرر در بند ۴ این آگهی را به شماره ۳۲۵۲۵۳۵۳-۰۲۶ فکس و اصل آن را به همراه مدارک پاکت (ب) اسناد مناقصه ارسال نماید.
شرکت توزیع نیروی برق استان البرز

دعوت به مجمع عمومی فوق العاده نوبت سوم

از کلیه سهامداران **شرکت دژ ارطرح ایرانیان** دعوت به عمل می‌آید که مورخ ۹۳/۴/۲۵ ساعت ۹ صبح در مکان دفتر مرکزی میدان پونک، خیابان‌میرزابابائی، کوچه یاس، ساختمان امیر، طبقه دوم واحد ۶ شرکت جهت موارد ذیل حضور به هم رسانند:
۱ـ گزارش مدیرعامل ۲ـ افزایش سهام شرکت ۳ـ سایر موارد مطروحه
هیئت مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت ایران لنزگستر (سهامی‌خاص) به شماره ثبت ۱۰۶۶۸۱

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم و یا نمایندگان آنان دعوت می‌شود در مجمع‌عمومی عادی سالیانه که در ساعت ۱۳ مورخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۶ در محل قانونی شرکت تشکیل می‌شود حضوربه‌هم‌رسانند. **دستور جلسه:** ۱ـ استماع گزارش بازرس قانونی در خصوص ترازنامه حساب سود و زیان منتهی به اسفندماه ۱۳۹۲. ۲ـ تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۲. ۳ـ انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل. ۴ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار. ۵ـ سایر مواردی که درصلاحیت مجمع عمومی عادی می‌باشد.
هیأت مدیره شرکت ایران لنز گستر (سهامی خاص)

آگهی مناقصه عمومی نوبت دوم

شهرداری پردیس در نظر دارد به استناد ابلاغ بودجه سال ۱۳۹۳ از محل اعتبارات شهرداری اجرای پروژه‌های زیر را به پیمانکاران واجد شرایط واگذار نماید. لذا بدینوسیله دعوت می گردد جهت شرکت در مناقصه و دریافت اسناد به امورقراردادها در شهرداری پردیس مراجعه نمایند. ضمناً مهلت ارسال پیشنهادها حداکثر ۱۰ روز پس از چاپ آگهی نوبت‌دوم خواهد بود هزینه درج آگهی روزنامه به عهده برنده مناقصه خواهدبود. شهرداری در رد یا قبول یک یا کلیه پیشنهادها مختار است.
تلفن‌تماس: ۷۶۲۴۴۹۹۴ـ۷ داخلی ۲۱۱

ردیف	موضوع مناقصه	مبلغ اعتبار (ریال)	مبلغ سپرده شرکت در مناقصه (ریال)
۱	جدول گذاری معابر فازسه شهر پردیس	۵/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۲۵۰/۰۰۰/۰۰۰
۲	جدول گذاری معابر فازیک شهرپردیس	۷/۰۰۰/۰۰۰/۰۰۰	۳۵۰/۰۰۰/۰۰۰

محمد لاله - شهردار

آگهی دعوت

بدینوسیله از کلیه سهامداران **شرکت پارس آپادانا** (سهامی‌خاص) به شمار ثبت ۸۲۸۸۶ دعوت می‌شود که اصالتاً یا وکالتاً در جلسه مجمع‌عمومی‌عادی سالیانه که در تاریخ ۱۳۹۳/۴/۲۶ (بیست‌وششم تیرماه یک‌هزار و سیصد و نود و سه) رأس ساعت ۱۴ (۲ بعدازظهر) در محل شرکت واقع در تهران خیابان سپهبدقرنی ـ نبش سپند ـ بیمارستان آپادانا ـ در سالن اجتماعات برگزار می‌شود شرکت فرمایید.
دستور جلسه: ۱ـ قرائت گزارش هیأت مدیره توسط مدیرعامل بیمارستان.
۲ـ گزارش بازرس شرکت درخصوص ترازنامه و حساب سود و زیان سال‌مالی ۹۲.
۳ـ انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل. ۴ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار.
۵ـ رسیدگی به مسائل مهم و تعیین خط‌مشی شرکت درآینده.
هیأت مدیره

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت مهندسی پرسو الکترونیک رادمهر (سهامی خاص) شماره ثبت ۱۵۹۸۵۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۰۲۵۲۶۲

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم شرکت مهندسی پرسو الکترونیک رادمهر (سهامی‌خاص) دعوت می‌شود در تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۹ ساعت ۱۴ در جلسه مجمع‌عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام با دستور جلسه زیر در دفتر مرکزی شرکت، واقع در خیابان کریم‌خان زند ـ خردمند جنوبی ـ کوچه حقانی ـ پلاک ۱۹ حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:
۱ـ استماع گزارش حسابرس/ بازرس قانونی درخصوص عملکرد شرکت طی دوره‌مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۳۰
۲ـ بررسی و تصویب صورت‌های مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۳۰
۳ـ تعیین حسابرس مستقل/بازرسان اصلی و علی‌البدل برای سال مالی ۱۳۹۳
۴ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های مربوط به شرکت در سال ۱۳۹۳
۵ـ انتخاب اعضای هیئت مدیره

هیئت مدیره
شرکت مهندسی پرسو الکترونیک رادمهر (سهامی خاص)

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت تولیدی الکترود پارس (سهامی خاص) به شماره ثبت ۲۹۴۵۹ و شناسنامه ملی ۱۰۱۰۰۷۴۹۱۷۶

بدینوسیله از کلیه سهامداران محترم دعوت به عمل می‌آورد تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه که رأس ساعت ۱۶ روز دوشنبه ۱۳۹۳/۴/۳۰ در محل قانونی شرکت برگزار می گردد، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:
۱ـ استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس قانونی شرکت در مورد فعالیت و عملکرد سال مالی ۱۳۹۲
۲ـ بررسی و تصویب ترازنامه و حساب سود و زیان و عملکرد سال‌مالی ۱۳۹۲
۳ـ انتخاب حسابرس و بازرس قانونی سال مالی ۱۳۹۳
۴ـ تعیین روزنامه کثیرالانتشار برای درج آگهی‌های شرکت.
۵ـ سایر موارد قانونی.

هیئت مدیره شرکت تولیدی الکترود پارس (سهامی خاص)

آگهی تبصره ۳ ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت

نظر به اینکه خانم مهناز غلامی احدی از ورثه مرحوم مهدی غلامی ضمن ارائه دادنامه انحصار وراثت و فرم ۱۹ مالیاتی تقاضای صدور سند مالکیت پلاک ۲۱۳۲ بخش دو اهواز ملکی مورث خود به قدر السهم را نموده و اظهار داشته اصل سند مالکیت مورث نزد خانم طوبی گلی یکی دیگر از ورثه می‌باشد که از ارائه آن خودداری می‌نماید. مراتب به جهت استرداد سند مالکیت به مشارالیه اخطار که پس از ابلاغ و سپری شدن مهلت مقرر سند مالکیت مورث را به اداره ثبت مسترد ننموده است بنابراین مراتب جهت اطلاع کلیه ورثه و عموم آگهی تا چنانچه ازوجود سند مالکیت اطلاع دارند و یا اینکه مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق می‌باشد. ظرف مدت ۱۵ روز پس از انتشار آگهی اعتراض خود را به اداره ثبت تسلیم نمایند در غیر اینصورت و سپری شدن مهلت مقرر وفق مقررات سند مالکیت به نام ورثه صادر و تسلیم خواهد شد.
قادریان - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو اهواز ۵/۸۱۰/م /الف

آگهی تغییرات شرکت سهامی عام شیر پاستوریزه پگاه آذربایجان غربی به شماره ثبت ۱۹۲ و شناسه ملی ۱۰۲۲۰۰۱۲۰۳۱

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۳/۳ تصمیمات‌ذیل اتخاذ شد:
۱ـ ترازنامه و صورت‌های مالی سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ تصویب‌شد.
۲ـ مؤسسه حسابرسی شراکت به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۷۴۲۴۰ به عنوان حسابرس و بازرس اصلی و موسسه حسابرسی امجد تراز به شناسه ملی ۱۰۲۶۰۱۱۷۹۷۵ به عنوان بازرس علی‌البدل به‌مدت یکسال مالی انتخاب گردیدند.
۳ـ روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
۴ـ امضای ذیل ثبت دفتر مربوطه در تاریخ ۹۳/۴/۵ تکمیل شد.
ثبت شرکتها و موسسات غیر تجاری - واحد ثبتی ارومیه
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور ۵۴۱/م/الف

مناقصه عمومی ۹۳/۱۶ـ۱۷ـ۱ (یک مرحله‌ای) نوبت دوم

۱ـدستگاه مناقصه گزار: شرکت توزیع نیروی برق استان البرز
۲ـموضوع مناقصه: اجرای عملیات مربوط به فعالیتهای ۴۴گانه سرویس و نگهداری شبکه‌های توزیع برق و روشنایی معابر در مناطق تحت پوشش
۳ـشرایط لازم: دارا بودن رتبه‌بندی معتبر از معاونت برنامه‌ریزی و نظارت راهبردی ریاست‌جمهوری
۴ـمهلت خرید و محل دریافت اسناد مناقصه: از تاریخ ۹۳/۴/۱۱ لغایت تاریخ ۹۳/۴/۱۷ از ساعت ۸ الی پایان وقت اداری ـ محل خرید اسناد: امور خدمات پشتیبانی واقع در کرج ـ بلوارطالقانی شمالی ـ پل آزادگان ـ ابتدای بلوار امام رضا
۵ـمدارک مورد نیاز جهت دریافت اسناد مناقصه: ارائه معرفی‌نامه و فیش واریزی به‌مبلغ ۳۲۴/۰۰۰ ریال به حساب سپهر ۰۱۰۱۵۲۰۱۵۲۰۰۶ بانک صادرات ایران به نام شرکت توزیع نیروی برق استان البرز
۶ـقیمت پایه مناقصه: به شرح مندرج در اسناد مناقصه می‌باشد.
۷ـمبلغ تضمین شرکت در مناقصه: سپرده شرکت به شرح مندرج در اسناد مناقصه می‌باشد که مناقصه‌گر بایستی سپرده مذکور را به صورت ضمانت‌نامه بانکی یا فیش واریزی به‌حساب فوق و یا چک بانکی تضمینی یا ضبط از حساب مطالبات ارائه نماید.
۸ـمهلت و محل تحویل افزایش پیشنهادها: تا ساعت ۱۱ روز چهارشنبه مورخ ۹۳/۵/۱ به‌دبیرخانه امورخدمات پشتیبانی واقع در آدرس فوق الذکر تحویل و رسید دریافت نمایند.
۹ـزمان گشایش پاکت‌ها: ساعت ۱۴ روز چهارشنبه مورخ ۹۳/۵/۱
* بدیهی است به پیشنهادهای فاقد امضاء، مشروط، مخدوش و یا پیشنهادهایی که پس از مهلت مقرر در این فراخوان واصل می گردند مطلقاً ترتیب اثر داده نخواهد شد.
هزینه آگهی بر عهده برنده یا برندگان مناقصه می‌باشد.
سایر اطلاعات و جزئیات مربوطه در اسناد مناقصه و در سایت توانیر www.tender.tavanir.org.ir و پایگاه اطلاع رسانی ملی مناقصات کشور http://iets.mporg.ir وب سایت شرکت توزیع نیروی برق استان البرز www.aepdc.ir قابل رویت می‌باشد و متقاضی موظف است در صورت گرفتن اسناد مناقصه از سایت‌های مذکور فیش واریزی هزینه خرید اسناد مناقصه ظرف مهلت مقرر در بند ۴ این آگهی را به شماره ۳۲۵۲۵۳۵۳-۰۲۶ فکس و اصل آن را به همراه مدارک پاکت (ب) اسناد مناقصه ارسال نماید.
شرکت توزیع نیروی برق استان البرز

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت تولیدی کارتن شکوفه سهامی خاص ثبت شده به شماره ۲۴۴۵ شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۷۷۶۶۲

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت مذکور دعوت می گردد تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه که راس ساعت ۱۰ روز دوشنبه مورخ ۹۳/۴/۳۰ در محل قانونی شرکت تشکیل می گردد، حضور بهم رسانند.
دستور جلسه: - تصویب تراز سال مالی ۱۳۹۲. - انتخاب بازرسین اصلی و علی‌البدل. - انتخاب اعضای هیئت مدیره
هیئت مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی فوق العاده شرکت تولیدی کارتن شکوفه سهامی خاص ثبت شده به شماره ۲۴۴۵ شناسه ملی ۱۰۱۰۱۵۷۷۶۶۲

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت مذکور دعوت می گردد تا در جلسه مجمع‌عمومی‌فوق‌العاده که ساعت ۱۱ روز سه‌شنبه مورخ ۹۳/۴/۳۱ در محل قانونی شرکت تشکیل می‌گردد، حضور بهم رسانند.
دستور جلسه: ۱ـ قرائت و استماع گزارش هیئت مدیره و بازرسین ۲ـ افزایش سرمایه
هیئت مدیره

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده شرکت نوآوران آرمان پویا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۲۸۰۱۰ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۲۶۰۲۶

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده که ساعت ۱۵:۳۰ روز دوشنبه مورخ ۹۳/۴/۲۳ به نشانی: مشهد ـ بزرگراه‌شهید کلانتری ـ بین میدان جهاد و میدان جمهوری اسلامی ـ نمازخانه شرکت‌آذرخش انتقال نیروپاژ تشکیل می گردد حضور به هم رسانند.
دستور جلسه: افزایش سرمایه شرکت
هیات مدیره شرکت نوآوران آرمان پویا

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت نوآوران آرمان پویا (سهامی خاص) به شماره ثبت ۳۲۸۰۱۰ و شناسه ملی ۱۰۸۶۱۸۲۶۰۲۶

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت دعوت می‌شود تا در جلسه مجمع‌عمومی عادی سالیانه که ساعت ۱۴ روز دوشنبه مورخ ۹۳/۰۴/۲۳ به نشانی مشهد ـ بزرگراه شهید کلانتری ـ بین میدان جهاد و میدان جمهوری اسلامی ـ نمازخانه شرکت آذرخش انتقال نیروپاژ تشکیل می گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه مجمع:
۱ـ استماع گزارش هیات مدیره و بازرس قانونی شرکت
۲ـ بررسی و تصویب صورت‌های مالی و گزارش هیات مدیره به مجمع برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹
۳ـ انتخاب حسابرس و بازرس قانونی اصلی و علی‌البدل و روزنامه کثیرالانتشار برای سال مالی منتهی به ۱۳۹۳/۱۲/۲۹
۴ـ طرح و بررسی سایر مواردی که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالیانه می‌باشد.

هیات مدیره شرکت نوآوران آرمان پویا

آگهی دعوت به مجمع عمومی فوق العاده شرکت فرآورده‌های قیری هرمز پاسارگاد (سهامی خاص) به شماره ثبت ۸۶۰۳ بندرعباس و شناسه ملی ۱۰۸۰۰۱۱۳۷۲۶

بدینوسیله از کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی آنان دعوت می‌شود که در جلسه مجمع عمومی فوق‌العاده در ساعت ۱۰ روز دوشنبه مورخ ۹۳/۴/۲۳ در بندرعباس واقع در استان هرمزگان ـ شهرستان بندرعباس بلوار امام خمینی(ره) ـ مجتمع کامپیوتر ستاره بندر ـ طبقه دوم ـ واحد ۱۰ تشکیل می‌گردد حضور بهم رسانند
دستورجلسه ۱ـ تغییر نام ۲ـ تغییر محل قانونی شرکت
هیأت مدیره - شرکت فرآورده‌های قیری هرمز پاسارگاد (سهامی خاص)

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت فرآورده‌های قیری هرمز پاسارگاد (سهامی خاص) به شماره ثبت ۸۶۰۳ بندرعباس و شناسه ملی ۱۰۸۰۰۱۱۳۷۲۶

بدینوسیله از کلیه سهامداران و نمایندگان قانونی محترم شرکت فرآورده‌های‌قیری هرمز پاسارگاد (سهامی خاص) دعوت می گردد تا در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه که در ساعت ۸:۰۰ روز دوشنبه مورخ ۹۳/۴/۲۳ در بندرعباس واقع در استان هرمزگان ـ شهرستان بندرعباس ـ بلوارامام‌خمینی(ره) ـ مجتمع کامپیوتر ستاره بندر ـ طبقه دوم ـ واحد ۱۰ تشکیل می‌شود، حضور بهم رسانند.

دستور جلسه:
۱ـ استماع گزارش هیئت مدیره و بازرسی قانونی
۲ـ تصویب صورتهای مالی منتهی به ۹۲/۱۲/۲۹
۳ـ انتخاب اعضای هیئت مدیره
۴ـ انتخاب بازرس اصلی و علی‌البدل
۵ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار

هیئت مدیره
شرکت فرآورده‌های قیری هرمز پاسارگاد (سهامی خاص)

آگهی دعوت به جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه صاحبان سهام شرکت تونل‌سازان ایران (سهامی خاص) ثبت شده به شماره ۵۹۸۲۲ و شناسه ملی به شماره ۱۰۱۰۱۰۴۸۷۲۷

بدینوسیله از کلیه سهامداران شرکت تونل‌سازان ایران (سهامی‌خاص) دعوت‌می‌شود که در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که در رأس‌ساعت ۹ صبح روز شنبه مورخ ۹۳/۰۴/۲۱ در محل قانونی شرکت واقع در تهران ـ خیابان ملاصدرا ـ پلاک ۱۰۹ ـ واحد ۱۰۳ تشکیل می گردد حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱ ـ استماع گزارش هیئت مدیره مربوط به عملکرد سال مالی منتهی به ۹۲/۱۲/۲۹
۲ ـ انتخاب بازرس قانونی و بازرس علی‌البدل
۳ ـ بررسی ترازنامه و صورت سود و زیان و اتخاذ تصمیم
۴ ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت

هیأت مدیره - شرکت تونل سازان ایران

آگهی تبصره ۳ ماده ۱۲۰ آئین‌نامه قانون ثبت

نظر به اینکه خانم مهناز غلامی احدی از ورثه مرحوم مهدی غلامی ضمن ارائه دادنامه انحصار وراثت و فرم ۱۹ مالیاتی تقاضای صدور سند مالکیت پلاک ۲۱۳۰ بخش دو اهواز ملکی مورث خود به قدر السهم را نموده و اظهار داشته اصل سند مالکیت مورث نزد خانم طوبی گلی یکی دیگر از ورثه می‌باشد که از ارائه آن خودداری می‌نماید. مراتب به جهت استرداد سند مالکیت به مشارالیه اخطار که پس از ابلاغ و سپری شدن مهلت مقرر سند مالکیت مورث را به اداره ثبت مسترد ننموده است بنابراین مراتب جهت اطلاع کلیه ورثه و عموم آگهی تا چنانچه ازوجود سند مالکیت اطلاع دارند و یا اینکه مدعی انجام معامله نسبت به پلاک فوق می‌باشد. ظرف مدت ۱۵ روز پس از انتشار آگهی اعتراض خود را به اداره ثبت تسلیم نمایند در غیر اینصورت و سپری شدن مهلت مقرر وفق مقررات سند مالکیت به نام ورثه صادر و تسلیم خواهد شد.
قادریان - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک ناحیه دو اهواز ۵/۸۰۷/م /الف

آگهی تغییرات شرکت تقطیران کاشان ـ سهامی خاص ثبت شده به شماره: ۵۴۲ شماره شناسه ملی: ۱۰۲۶۰۱۰۸۱۸۸

به استناد صورتجلسه مورخ ۱۳۹۳/۳/۲۸ مجمع عمومی عادی سالیانه
۱ـ ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۱۳۹۲ شرکت به تصویب رسید.
۲ـ روزنامه اطلاعات جهت چاپ آگهی‌های شرکت تعیین شد.
۳ـ آقای حسین عربشاه فرزند اکبر ش‌ش ۵۱۴ متولد ۱۳۳۶ با کدملی ۱۲۶۱۶۳۸۵۵۷ به‌عنوان بازرس اصلی و خانم مریم آقاخانی فرزند اکبر ش‌ش ۴۹۰۵۳ متولد ۱۳۵۲ با کدملی ۱۲۶۰۴۸۰۵۷۷ به‌عنوان بازرس علی‌البدل شرکت برای مدت یک سال انتخاب شدند.
حسینیان ـ رئیس اداره ثبت اسناد کاشان

آگهی تغییرات شرکت رنگدانه سیرجان ـ سهامی خاص ثبت ۷۹۳ ـ شناسه ملی ۱۰۸۶۰۵۲۴۹۱۰

به‌استناد صورتجلسه مجمع عمومی فوق‌العاده مورخ ۹۳/۳/۱۸ شرکت فوق‌الذکر: نقل و انتقال ۷۱ سهم از ۱۴۰۰۰ سهم سهام شرکت برابر دفتر ثبت سهام شرکت انجام شد.
عباس ملکی - رئیس اداره ثبت اسناد و املاک سیرجان

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالانه صاحبان سهام سال مالی منتهی به ۹۲/۱۲/۲۹ شرکت عمران و مسکن‌سازان استان البرز

از کلیه صاحبان سهام دعوت می‌شود جهت حضور در جلسه مجمع عمومی عادی برای سال منتهی به ۹۲/۱۲/۲۹ در محل شرکت واقع در کرج سه‌راه‌رجایی‌شهر، ساختمان‌ققنوس، واحد ۱۸ رأس ساعت ۱۱ صبح روز دوشنبه ۹۳/۴/۲۳ حضوربه‌هم‌رسانند. **دستور جلسه:** ۱ـ گزارش هیأت‌مدیره و بازرس شرکت. ۲ـ بررسی و تصویب صورت‌های مالی منتهی به ۹۲/۱۲/۲۹. ۳ـ انتخاب اعضای هیأت‌مدیره. ۴ـ انتخاب بازرس. ۵ـ انتخاب روزنامه رسمی.
هیأت مدیره

فراخوان ارزیابی سازندگان چراغ‌های خیابانی (نوبت دوم)

شرکت توزیع نیروی برق استان البرز در نظر دارد لیست سازندگان و تأمین کنندگان چراغ‌های خیابانی را بازنگری و بروزرسانی نماید. لذا از آن شرکت دعوت می‌گردد درصورت تمایل، نسبت به ارسال رزومه‌کاری و مشخصات فنی چراغ‌های خیابانی درمحدوده توانی ۳۵ تا ۷۰ وات جهت معابر محلی و چراغ‌های خیابانی ۱۵۰ و ۲۵۰ وات جهت معابر شریانی مطابق با دستورالعمل موجود در وب‌سایت شرکت به آدرس: WWW.aepdc.ir اقدام فرمایند.

تاریخ دعوت‌نامه ۹۳/۴/۱۱ آگهی دعوت مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت دوم شرکت تعاونی اعتبار کارکنان عمران و بهسازی شهری ایران

نظر به این که جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت اول مورخ ۹۳/۴/۷ رسمیت نیافت بنابر تصمیم هیأت‌مدیره جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه نوبت دوم شرکت تعاونی اعتبار کارکنان عمران و بهسازی شهری ایران رأس ساعت ۱۴ روز یکشنبه مورخ ۹۳/۴/۲۹ در محل شرکت مادر تخصصی عمران و بهسازی شهری ایران واقع در میدان ونک، خیابان شهید خدامی، پلاک ۵۱ تشکیل می‌گردد از عموم اعضای محترم دعوت می‌گردد در جلسه مزبور حضور به هم رسانند.
۱ـ هر عضو علاوه بر رأی خود می‌تواند وکالت سه عضو دیگر را داشته باشد. اعضایی که شخصاً نمی‌توانند در جلسه حضور یابند، می‌توانند همراه با وکالت گیرنده از تاریخ ۹۳/۴/۲۱ لغایت ۹۳/۴/۲۵ در ساعت اداری به مدیریت عامل تعاونی مراجعه و فرم مربوط را اخذ، تکمیل و تسلیم نمایند.
۲ـ آن دسته از اعضاء تعاونی که قصد کاندیداتوری هیأت‌مدیره و بازرسی را دارند از تاریخ ۹۳/۴/۱۴ لغایت ۹۳/۴/۲۱ در ساعت اداری با همراه داشتن کپی شناسنامه، کارت ملی، مدرک تحصیلی و حکم کارگزینی به دفتر شرکت تعاونی (نزد مدیریت عامل تعاونی) مراجعه و ثبت‌نام نمایند.
دستور جلسه مجمع: ۱ـ استماع گزارش هیأت مدیره و بازرس. ۲ـ طرح و تصویب صورت‌های مالی سال ۱۳۹۲. ۳ـ طرح و تصویب بودجه سال ۱۳۹۳. ۴ـ انتخاب هیأت مدیره و بازرس. ۵ـ اتخاذ تصمیم درخصوص پرداخت پاداش به اعضای هیأت‌مدیره و مدیرعامل. ۶ـ تعیین حق‌الزحمه بازرس شرکت.
هیأت‌مدیره شرکت تعاونی اعتبار کارکنان عمران و بهسازی شهری ایران

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت سرآمد برق کارکنان امیر افراز ـ سبکا (سهامی خاص) با شماره ثبت ۱۹۹۹۹۲

بدینوسیله از کلیه صاحبان سهام دعوت می‌نماید در جلسه مجمع عمومی عادی سالیانه شرکت که در ساعت ۲۰/۴۰ روز دوشنبه ۱۳۹۳/۴/۲۳ درهتل‌المپیک واقع در ضلع غربی مجموعه ورزشی آزادی ـ بلوار دهکده همراه‌با صرف افطار تشکیل می گردد، حضور به هم رسانند.

دستور جلسه:
۱ـ استماع گزارش هیات مدیره شرکت
۲ـ استماع گزارش حسابرس و بازرس قانونی شرکت در مورد صورت‌های‌مالی منتهی به ۱۳۹۲/۱۲/۲۹ به منظور تصویب صورت‌های مالی مذکور
۳ـ انتخاب بازرسین قانونی شرکت و تعیین حق‌الزحمه آنان
۴ـ انتخاب روزنامه کثیرالانتشار
۵ـ تعیین و تصویب سود سهام پیشنهادی هیات مدیره
۶ـ تعیین پاداش هیات مدیره

هیات مدیره

آگهی دعوت مجمع عمومی عادی به‌طور فوق العاده (نوبت اول) تعاونی مسکن کارکنان منطقه ۶ شرکت واحد اتوبوسرانی تهران به شماره ثبت ۱۳۳۸۵۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۷۰۹۴۴

بدینوسیله به اطلاع کلیه اعضای محترم تعاونی می‌رساند جلسه مجمع عمومی عادی به‌طور فوق‌العاده (نوبت اول) سال ۱۳۹۳ رأس ساعت ۱۵ روز شنبه مورخ ۱۳۹۳/۰۵/۱۱ در محل سالن پروژه صدف واقع در آدرس: بزرگراه همت غرب، خروجی پیکانشهر، نرسیده به ناحیه ۴ شهرداری منطقه ۲۲ تهران، جنب پروژه نفت صبا، دفتر پروژه صدف تشکیل می گردد، لذا با تذکر این مطلب که برابر بند ۱ ماده ۲۱ آئین‌نامه نحوه تشکیل مجامع، مجمع عمومی عادی در نوبت اول با حضور اکثریت اعضاء تعاونی یا نمایندگان تام‌الاختیار آنها رسمیت می‌یابد، از کلیه اعضاء دعوت می‌شود با در دست داشتن کارت عضویت، حداکثر تا تاریخ ۱۳۹۳/۰۴/۲۱، جهت دریافت برگ ورود به مجمع، به شرکت مراجعه نموده و در صورتی که شخصاً امکان حضور نداشته باشند وکیل یا نماینده خود را برابر شرایط مندرج در ماده ۱۹ آئین‌نامه نحوه تشکیل مجامع مصوب ۱۳۸۷ به شرکت معرفی نمایند.

دستور جلسه:
۱ـ استماع گزارش هیئت مدیره و بازرس.
۲ـ طرح و تصویب صورتهای مالی سال‌های ۱۳۹۱ و ۱۳۹۲ شرکت و طرح و تصویب بودجه سال جاری شرکت.
۳ـ انتخاب اعضای اصلی و علی‌البدل هیأت مدیره و بازرس شرکت.
۴ـ ارائه گزارش اصلاح نقشه‌های سازه، معماری و برق و مکانیک پروژه صدف و تمدید پروانه ساختمان و تصویب مازاد تراکم به منظور مطابقت اعضای تعاونی با تعداد واحدهای مسکونی در پروژه صدف.
۵ـ طرح و تصویب تعدیل قیمت تمام شده واحدهای پروژه صدف و تصمیم‌گیری درخصوص واحدهای تجاری پروژه صدف.
۶ـ طرح و تصویب صورت‌های مالی منتهی به سالهای ۱۳۸۶ و ۱۳۸۷ و تصویب قیمت تمام شده واحدهای مسکونی پروژه میلاد و تعیین تکلیف اعضای بلاتکلیف با بهره‌مندی از منابع مالی و امکانات پروژه میلاد.
۷ـ اخراج اعضایی که به تعهدات خود عمل ننموده‌اند برابر ماده ۱۳ قانون بخش تعاون.
تذکر ۲: داوطلبان تصدی سمت‌های هیئت مدیره و بازرسی به موجب ماده(۲) دستورالعمل نحوه نظارت بر انتخابات تعاونی‌ها و اتاق‌های تعاون مصوب ۱۳۷۸ موظفند حداکثر ظرف یک هفته از انتشار آگهی دعوت، فرم داوطلبی را تکمیل و به همراه فتوکپی شناسنامه، کارت ملی، مدارک تحصیلی و برگ عدم سوءپیشینه برای بازنشستگان و حکم کارگزینی برای شاغلین، تحویل دفتر تعاونی نمایند.
هیئت مدیره شرکت تعاونی مسکن منطقه ۶ شرکت واحد اتوبوسرانی تهران

آگهی تغییرات شرکت صنعت روی زنگان شرکت سهامی عام به شماره ثبت ۵۳۸۳ و شناسه ملی ۱۰۴۶۰۰۸۶۳۰۶

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۳/۳/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذشد:
ـ ترازنامه و حساب سود و زیان شرکت منتهی به تاریخ ۹۲/۱۲/۲۹ موردتصویب قرار گرفت.
ـ مؤسسه حسابرسی بهمند به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۷۴۳۹۰ به عنوان بازرس اصلی و موسسه‌حسابرسی هشیار بهمند به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۱۶۸۷۴۶ به‌عنوان بازرس علی‌البدل برای‌مدت یک‌سال انتخاب گردیدند. ـ روزنامه دنیای اقتصاد به عنوان روزنامه کثیرالانتشار جهت درج آگهی‌های شرکت انتخاب شد.
اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیر تجاری زنجان
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور

خواهان آقای غلامرضا محمدی دادخواستی به طرفیت خواندگان آقایان اردشیر بهنام‌پور و منوچهر صفیان به‌خواسته الزام به تنظیم سند خودرو وانت مزدا به شماره انتظامی ۸۱ـ۲۵۷ب۱۱ تقدیم دادگاه‌های عمومی شهرستان شهرکرد نموده که جهت رسیدگی به شورای حل اختلاف شماره ۳ شهرستان شهرکرد واقع در شهرکرد ـ خیابان کاشانی ـ دادگستری شهرستان شهرکرد ـ مجتمع شوراهای حل اختلاف شهرکرد ارجاع و به کلاسه ۹۳۰۹۹۸۳۸۴۴۳۰۰۰۵۵ ثبت گردیده که وقت رسیدگی آن ۱۳۹۳/۰۵/۰۵ و ساعت ۱۶:۰۰ تعیین شده است. به‌علت مجهول‌المکان بودن خواندگان و درخواست خواهان و به تجویز ماده ۷۳ قانون آیین‌دادرسی دادگاه‌های‌عمومی و انقلاب در امور مدنی و دستور دادگاه مراتب یک نوبت در یکی از جراید کثیرالانتشار آگهی می شود تا خواندگان پس از نشر آگهی و اطلاع از مفاد آن به دادگاه مراجعه و ضمن اعلام نشانی کامل خود نسخه دوم دادخواست و ضمائم را دریافت و در وقت مقرر فوق جهت رسیدگی حاضر گردد.
دبیر شورای حل اختلاف شماره ۳ شهرستان شهرکرد ـ فروزنده

آگهی تغییرات شرکت افق ماندگار جنوب شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۱۰۶۲۵ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۸۲۴۸۹۹

به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی به طور فوق‌العاده مورخ ۱۳۹۲/۱۱/۱۶ تصمیمات ذیل اتخاذ شد:
۱ـ ترازنامه و سود و زیان سال مالی منتهی به سال ۹۱/۱۲/۳۰ به‌تصویب‌رسید.
۲ـ آقای سیدحسن علائی به شماره ملی ۰۳۲۰۰۲۲۲۱۸ به عنوان بازرس اصلی شرکت و آقای ابراهیم رنجبر به شماره ملی ۲۳۹۰۹۶۱۵۳۳ به‌عنوان بازرس علی‌البدل برای یک سال مالی انتخاب گردیدند.
۳ـ روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت نشر آگهی‌های شرکت انتخاب‌شد.
ذیل دفتر ثبت شرکت‌ها در تاریخ ۹۳/۴/۲ تکمیل امضا شد.
رئیس ثبت اسناد و املاک قزوین ـ حسن غلامحسینی

آگهی دعوت به مجمع عمومی عادی سالانه صاحبان سهام شرکت بیمه رازی (سهامی عام) ثبت شده به شماره ۲۰۰۷۵۸ شناسه ملی ۱۰۱۰۲۴۲۵۱۰۳

بیمه رازی

مجمع عمومی عادی سالانه شرکت بیمه رازی (سهامی عام) برای سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۱۳۹۲ روز شنبه مورخ ۲۱ تیر ماه ۱۳۹۳ راس ساعت ۱۰ صبح در ساختمان دفتر مرکزی بیمه رازی واقع در خیابان گاندی کوچه سیزدهم پلاک ۱۴ طبقه چهارم تشکیل می گردد.
بدینوسیله از کلیه سهامدارن محترم دعوت می شود با در دست داشتن مدارک مالکیت سهام و مستندات موید نمایندگی و وکالت و با ارائه کارت شناسایی معتبر در مجمع مذکور حضور به هم رسانند. ضمناً به منظور رفاه حال سهامداران محترم ترتیبی اتخاذ گردیده است تا در روز و محل برگزاری مجمع از ساعت ۹:۰۰ الی ۱۰:۰۰ صبح با ارائه مدارک فوق برگ ورود به مجمع صادر گردد.

دستور جلسه:
۱- استماع گزارش هیات مدیره درخصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۱۳۹۲
۲- استماع گزارش حسابرس و بازرس قانونی درخصوص عملکرد سال مالی منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۱۳۹۲
۳- تصویب صورتهای مالی سال منتهی به ۲۹ اسفند ماه ۱۳۹۲ و اتخاذ تصمیم نسبت به تقسیم سود
۴- انتخاب حسابرس و بازرس قانونی اصلی و علی البدل برای سال مالی ۱۳۹۳
۵- انتخاب روزنامه کثیرالانتشار برای سال مالی ۱۳۹۳
۶- تعیین حق الزحمه بازرس قانونی
۷- تعیین حق حضور اعضا غیر موظف هیات مدیره
۸- انتخاب یک عضو هیات مدیره
۹- سایر موارد قابل طرح که در صلاحیت مجمع عمومی عادی سالانه باشد.

هیات مدیره شرکت بیمه رازی (سهامی عام)

جبهه سوریه ؛ از انتخابات تا مقاومت

بخش اول

سرویس خارجی: برگزاری انتخابات در سوریه و پیروزی بشار اسد، نه فقط سبب تقویت جایگاه نظام این کشور شد،بلکه نفاق ودورویی غربی‌ها رادربرابر رویدادهای سوریه، بیش از پیش آشکار کرد.نخستین انتخابات ریاست جمهوری سوریه پس از اصلاح قانون اساسی درسال ۱۳۹۰،سیزدهم خردادماه درسراسر این کشور برگزار شد.در این انتخابات «حسان النوری»، «ماهر عبدالحفیظ الحجار»و«بشار اسد» باهم به رقابت پرداختند.این نخستین باربودکه یک انتخابات رقابتی درسوریه برگزارشد.تا پیش ازاین،سوری ها بر پایه قانون اساسی،فقط دریک همه‌پرسی باهدف تاییدرییس جمهوری شرکت می کردند. بیانیه‌های وزارت کشورسوریه نشان دادکه شمار شهروندان سوری که دارای شرایط رای دادن بودندو۱۸سال سن داشتند،۱۵ میلیون و ۸۴۵ هزار و ۵۷۵ تن بود.بر پایه گزارش تلویزیون سوریه، ۱۱ میلیون و۶۴۳هزارو۴۱۲ تن در انتخابات شرکت کردندو بشار اسد با بیشترین رای، انتخاب شد.بشار اسد توانست با به دست آوردن بیش از ۸۸درصدآرابه مدت هفت سال دیگرسکان هدایت سوریه رابه دست گیرد.دراین انتخابات،حسان النوری با به دست آوردن۴/۴۷درصدآرا،دوم وماهر حجارباکسب۳/۳۳درصد آرادررتبه سوم قرارگرفتند.۷۷درصد مردم سوریه دراین انتخابات شرکت کردند. انتخابات سوریه،هفتم خرداد درخارج ازکشوربرگزارشد ودر لبنان و اردن حضور سوری های مقیم این دو کشور به حدی بود که مهلت رای‌گیری تمدید شد واین مساله حیرت ناظران بین المللی رابرانگیخت.این انتخابات درشرایطی برگزارشدکه بسیاری از کشورها آن رابه رسمیت نشناخته وسازمان ملل هم ازبرگزاری آن انتقاد کرد. گروه های دهشت افکن وتکفیری نیزانتخابات سوریه رادرداخل وخارج ازکشورتحریم وحتی تهدید کرده بودندکه به حوزه‌های رای گیری حمله مسلحانه خواهند کرد. «احمد جربا» رییس ائتلاف مخالفان سوریه، در گفتگو با شبکه «العربیه» از مردم این کشور خواسته بودتاانتخابات راتحریم کنند.اگرچه آمریکاوهمپیمانانش مخالف برگزاری انتخابات درسوریه بوده و این انتخابات رامضحکه دموکراسی به شمار آوردند،اماگروه های مستقل طرفدارصلح،باهزینه شخصی،از برخی کشورهای غربی وحتی آمریکا،برای نظارت برانتخابات سوریه،به دمشق آمدند.یک هیات روسی و همچنین هیات هایی ازکره شمالی وبرزیل برای نظارت برانتخابات سوریه واردخاک این کشورشدند.یک هیات پارلمانی از ایران نیز به ریاست «علاءالدین بروجردی» رییس کمیسیون امنیت ملی مجلس شورای اسلامی به دمشق رفت. هیات پارلمانی جمهوری اسلامی،به همراه هفت هیات پارلمانی کشورهای دوست سوریه یعنی اوگاندا،بولیوی،زیمباوه،فیلیپین، تاجیکستان وونزوئلا،در دمشق و حلب،ازنزدیک این رویداد مهم سوریه را بررسی کردند .شهروندان سوریه همه تهدیدهای دهشت افکنان را به چالش کشیده و با وجود خودروهای بمب گذاری شده وخمپاره‌ها،شرکت درانتخابات راوظیفه ای گرانبهاترازجان قلمداد کرده ودر مراکز رای گیری حضوری گسترده یافتند. پس از اعلام نتیجه، مردم سوریه به خیابان‌ها ریخته و شادی خود را نشان دادند.پیام سوری‌ها این بود که خود را فدای کشور می کنیم و خواهان بیرون رفتن تروریست‌هاهستیم.

***نگاه‌تحلیلگران**

بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که برگزاری انتخابات در سوریه، پیروزی سیاسی بزرگی برای این کشور به شمار می رود و این انتخابات تکمیل کننده پیروزی نظامی است که سوریه را به سوی ثبات و امنیت پیش خواهدبرد. در این پیوند، «خیریه سمیر» سردبیر مجله«منبرالعروبه» مصر، در گفتگو با روزنامه «تشرین»سوریه گفت:برگزاری انتخابات سوریه درروندتحولات این کشور،نقطه عطفی مهم وسرنوشت ساز به شمار می رود.این انتخابات فرصت دیگری برای مردم سوریه بود تا با پیروزی سرنوشت ساز بر رویاهای مزدوران غرب ورژیم صهیونیستی که ادعای دوستی با مردم سوریه را دارند،خط بطلان کشند.افزون بر این، «امیمه الشریف» مدیرمرکز«آگاهی عرب ازحقوق و قانون»مصر،درگفتگوباروزنامه تشرین گفت:پیروزی بشار اسد درانتخابات، پیروزی آشکاردولت ومردم این کشور است.وی براین مساله تاکید کرد که توطئه ها علیه سوریه ثمری نداشته و پشتیبانی مردم ازدولت این کشوردراین مرحله، شکست سهمگینی برای رسانه هایی است که همه امکانات خودرابرای ضربه زدن به خط مقاومت به کار گرفته بودند.وی بر این باو است که سوریه سیلی های پی در پی به صورت دشمنان خود نواخته است.از نظر او نخستین سیلی درمیدان های نبرد برصورت گروه های دهشت افکن نواخته شد. سپس این کشور در عرصه دیپلماسی ودرژنو توانست به پیروزی دیگردست یابدومردم سوریه با شرکت درانتخابات هم سیلی محکم دیگری بردشمنان زدندوثابت کردندکه جنگ بادهشت افکنی سوریه، همچنان ادامه دارد. همچنین«الکساندر زاسبیکین» سفیر روسیه در لبنان، در گفتگو با خبرگزاری رسمی سوریه (سانا) گفت: از نظر روسیه برگزاری انتخابات در سوریه، نشان از این دارد که دولت دمشق همچنان قدرتمند و پایدار است و توانسته همه خطرها را خنثی کند. وی افزود: ما بر این باوریم که برگزاری انتخابات سوریه، در تقویت نهادهای دولت و تحقق اهداف دولت این کشور نقش خواهد داشت و سوریه را به سوی ثبات پیش خواهد برد .در این زمینه روزنامه«الوطن»عمان درگزارشی تحلیلی به قلم«خمیس التوبی»نوشت:برگزاری انتخابات اخیر، حرکتی برای مجوز یافتن مردم سوریه برای ورود به آینده ای روشن بود تا آرمان های مردم برآورده و بار دیگر لبخند بر لب مردم این کشور مشاهده شود. ازنظر وی، در روز برگزاری انتخابات، مردم سوریه مداخله دهشت افکنان و دشمنان را در امورداخلی این کشور محکوم کردند واین روز،آغازمرحله تازه ای است که درآن ثبات وامنیت به این کشور بازمی گردد. حضور مردم سوریه درپای صندوق های رای،پیام های بسیاری برای دشمنان این کشوربه همراه داشت.مردم با حضور پررنگ خود درخارج و داخل کشور نشان دادند که در برابر استعمارگران سر فرود نخواهند آورد.همچنین برگزاری این انتخابات نشان داد که مردم سوریه درعرصه سیاسی هم مانندعرصه نظامی، تصمیم گیرنده اصلی هستند.مردم سوریه با حضور در پای صندوق های رای، این پیام را به دشمنان داخلی و خارجی فرستادند که در هیچ شرایطی حاضر نیستند اراده خود را به مصادره بگذارند. دشمنان قسم خورده سوریه هم که مخالف برگزاری انتخابات در این کشوربودند،هجمه‌های تبلیغاتی خودراآغازکرده ونگران این بودند که باردیگرباحضورمردم سوریه در صحنه،رسواشوند.دراین پیوند،روزنامه«الوطن»درگزارشی باعنوان«مردم سوریه انتخاب می کنندودشمن پشت دیوارهای سوریه،گریه سرمی دهد»نوشت:برگزاری انتخابات سوریه، بیانگردرک ملی از جایگاه میهن است.همچنین این انتخابات، نشانه پختگی سیاسی شهروندان سوریه است وآنهاپی برده‌اندکه چه طرح‌های ویرانگری علیه سوریه چیده شده است.ازنظر این روزنامه،برگزاری انتخابات این پیام رابه توطئه‌گران رساندکه بازی تمام شده وگروه های توطئه گر،وقت تلف شده بازی راسپری می کنند.این روزنامه نوشت:مردم سوریه باروانه شدن به سوی صندوق‌های رای وانتخاب فردمناسب برای رهبری، اراده آهنین و حقیقت پیروزی خودرابه رخ دشمنان کشیدند.صرف روانه شدن مردم سوریه به پای صندوق‌های رای ورای‌دادن باوجود تهدید و توطئه‌های دشمنان، پیام های بسیاری به همراه دارد و بیانگر این است که مردم سوریه،عزم خودرا برای ادامه نبرد و پایداری جزم کرده اند تا از حاکمیت ملی و استقلال کشورشان دفاع کنند. مردم سوریه باحضوردرپای صندوق‌های رای، این پیام را به توطئه گران رساندندکه تازمانی که پیروزی نظامی باپیروزی مدنی همراه نباشد،کامل وشیرین نخواهد بود.به نوشته این روزنامه،مردم سوریه با حضور در انتخابات، برگ زرین دیگری را به تاریخ پایداری خود افزودند و این روز در ذهن مردم سوریه و جهان عرب ماندگار خواهد بود. در این زمینه، مجله «منبر العروبه» مصرنوشت: سوریه هم در میدان نبرد و هم در عرصه سیاسی به پیروزی دست یافت. سوریه با برگزاری انتخابات ریاست جمهوری پیروزی دیگری را به دست آورد و مردم این کشور با حضور در پای صندوق‌های رای در خارج از کشور این پیام را به جهانیان رساندند که از میهن خود دفاع می کنند و هر گونه شرط بندی غرب علیه مردم این کشور با شکست روبرو خواهد شد.همچنین روزنامه«المصریون»درگزارشی به قلم«جهان مصطفی»، نوشت: با وجود اینکه غرب و آمریکا انتخابات سوریه را به رسمیت نمی شناسند، اما بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که این انتخابات و پیروزی بشار اسد، دو رویی آمریکا و غرب را آشکارتر کرده و به تقویت جایگاه بشار اسد انجامیده است.روزنامه «گاردین» نیزنوشت: انتخابات سوریه نشان دهنده شکست های پی درپی غرب در قبال تنش های سوریه است .افزون بر این،روزنامه «ایندیپندنت» انگلیس،هم در سرمقاله ای نوشت: بوی نفاق و دورویی از موضع غرب درباره انتخابات سوریه به مشام می رسد. این روزنامه نوشت: به جای این که غرب در باره اوضاع واقعی سوریه سیاست تازه‌ای رادر پیش گیرد «ویلیام هیگ» وزیر امور خارجه انگلیس و «جان کری» وزیر امور خارجه آمریکا این گونه وانمود می کردند که اگر سلاح در دست دهشت‌افکنان میانه رو قرار گیرد، می توانند دولت سوریه را از پای در آورند.روزنامه «واشنگتن پست» نوشت: انتخابات سوریه این پیام بزرگ را رساند که بشار اسد توانسته است زمام امور را در اختیار گیرد و این انتخابات، قدرت وی را تقویت کرده و باعث شده است تا سیاست آمریکا در سوریه شکست خورد.باید گفت که حضور گسترده مردم سوریه در انتخابات، نشان داد که دولتمردان این کشور تنها نیستند ودرهمه صحنه‌ها، از پشتوانه مردمی برخوردارند و این انتخابات روحیه مردم و به ویژه نظامیان را در مبارزه با دهشت افکنی، بالا خواهد برد و این کشور را به سمت ثبات سوق خواهد داد. بسیاری از تحلیلگران و ناظران سیاسی، برگزاری انتخابات در سوریه را نشانه قدرت دولت و ارتش سوریه در برقراری ثبات کشور دانسته اند و معتقدند که این انتخابات، سوریه را به سمت امنیت پیش خواهد برد.از نگاه تحلیلگران، برگزاری انتخابات در سوریه و پیروزی بشار اسد، مهر تاییدی بر مشروعیت وی زد و پشتیبانی مردم سوریه از اسد دراین انتخابات، نشان از این دارد که مردم این کشور خواهان امنیت و آماده نبرد با دهشت افکنی هستند.

> *** بسیاری از تحلیلگران بر این باورند که برگزاری انتخابات در سوریه، پیروزی سیاسی بزرگی برای این کشور به‌شمار می‌رود و این انتخابات تکمیل کننده پیروزی نظامی است که سوریه را به سوی ثبات و امنیت پیش خواهد برد**

*** معارضان ودرگیری های داخلی**

درچنین شرایطی است که جنگ های بین گروه‌های تروریستی مانند داعش و جبهه النصره با یکدیگر در «دیرالزور» در شرق سوریه، در برنامه‌های رنگارنگ شبکه‌های ماهواره‌ای و رسانه‌های عربی، مخفی نگه داشته می‌شود.برنامه‌هایی مانند «الرای»، «الرای الاخر»،«الجراه»،یا«الموضوعیه» در شبکه‌های ماهواره‌ای عربی،به این جنگ هادرشرق سوریه نمی پردازند واصولا اجازه ورودبه آنهاراندارند و ماموریت آنها در۳سال گذشته برای پوشش دادن شعله ور شدن آتش بحران سوریه این بوده که اجازه ندهند شعله های این آتش فروکش کند.شبکه خبری لبنانی«المنار»می گویدکه تمرکزاین شبکه‌ها،بمباران مواضع ومقرهای تروریست های تکفیری توسط ارتش سوریه وداستان پردازی های تحریک آمیز بوده و همزمان، پنهان کردن این واقعیت است که هزاران عنصر تکفیری تروریست ازبیش از ۸۰کشورجهان، بنابر اعتراف آمارهای غربی، به سوریه آورده شده و با نظام و ارتش سوریه در حال جنگ هستند. این شبکه های عربی همچنین تلاش می کنند تا جنایات و جرایمی که این گروه های تروریستی تکفیری علیه ملت سوریه در دیرالزور،الرقه،الحسکه ودیگرشهرهاوروستاهای سوریه مرتکب می شوند،پنهان بماند. ازجنگ«نفوذو منافع» بین داعش و دیگر گروه‌های تروریستی تکفیری که به کشته و زخمی شدن هزاران نفر از این تروریست ها و شهروندان بی گناه سوریه و مهاجرت دهها هزار سوری از خانه‌هایشان منجر شده، چند ماهی بیشتر نگذشته است.بویژه دیرالزور،عرصه یکی از خونین و شدیدترین جنگ‌ها بین گروه‌های تروریستی بوده است که برخی از آنها وابسته به القاعده به سرکردگی« ایمن الظواهری» هستند. در همین حال، شاهدیم که منطقه دیرالزور،تا پیش ازورود داعش به عراق،شاهد درگیری‌های خشونت آمیز، ناشی از اختلافات عقاید و تقسیم منافع بین داعش به سرکردگی « ابوبکر البغدادی» و جبهه النصره به سرکردگی « ابو محمد الجولانی» بود که الظواهری او را به البغدادی بیشتر ترجیح می دهد.اماچرادرگیری های خونین بین این دو گروه تروریستی تکفیری در شرق سوریه و بویژه دیرالزور، بیشتر تمرکز داشت. استان دیرالزور با مساحت ۳۳ هزار کیلومتر مربعی که حدود ۱۸ درصد مساحت سوریه است، دومین استان بزرگ سوریه بعداز استان حمص است. دیرالزور در حاشیه رودخانه فرات و در دشت حاصلخیزی که با صحرا احاطه شده، قرار دارد و توسط این رودخانه به دو بخش تقسیم شده است.در ساحل جنوبی فرات، بادیه شام و شهر دیرالزور و در ساحل شمالی، بادیه جزیره سوریه واقع است و در داخل رودخانه، جزایری کوچک که «حوائج» خوانده می شوند، قرار دارد.دیرالزور در فاصله ۴۵۰ کیلومتری شمال شرق دمشق و ۳۲۰کیلومتری جنوب شرق حلب (پایتخت اقتصادی سوریه) واقع است .در دهه ۸۰ قرن بیستم، در استان دیرالزور مقدار قابل توجهی نفت و گاز کشف شد و « التیم»، بزرگترین چاه نفت وگاز سوریه در نزدیکی این شهر قرار دارد؛ یعنی حدود ۶ کیلومتری مرکز شهر واقع و در سپتامبر ۱۹۸۷ کشف شده است.دو چاه« الطیانه»و« التنک» هم درسال ۱۹۸۹ کشف شده اند و در نزدیکی شهر، تاسیسات نفتی و گازی و شبکه ها و لوله های انتقال نفت وگاز واقع است.به جز نفت و گاز، دیروز الزور در بطن خود، یک ثروت طبیعی دیگر نهفته دارد و آن نمک طعام است؛ تا جایی که این منطقه را به منبع اصلی نمک سوریه تبدیل کرده است. از دیگر ویژگی های دیرالزور، واقع شدن آن نزدیک مرزهای عراق است که آن را به مقصد گروه‌های تروریستی تکفیری،بویژه عناصر خارجی که ازطریق مرزها ترکیه و عراق وارد سوریه می شوند، تبدیل کرده است.مردم این منطقه که بیشتر از عشایر هستند،امروز بین سندان داعش و چکش جبهه النصره گرفتار شده اند.جنگ برای نفت و راه‌های امدادرسانی، این گروه های تروریستی تکفیری را وادار کرد تا هزاران عنصر مسلح راروانه این منطقه کنند.

گروه تروریستی تکفیری داعش مدعی است که سیطره بر این منطقه، زمینه تحقق اهدافی را برای آن،ازجمله تامین راه های امدادی به الرقه،جلوگیری از محاصره شدن توسط جبهه‌النصره،برقراری ارتباط مناطق نفوذ آن بین شرق سوریه و غرب عراق،وارد کردن ضربات کاری به جبهه النصره در شرق سوریه و تسلط بر چاه های نفت و مراکز تولید نمک و دشت های کشاورزی نزدیک رودخانه فرات،فراهم می کند.

اماجبهه‌النصره،دیگرگروه‌تروریستی تکفیری‌هم،مهمترین اهداف خودرابرای سیطره بردیرالزور،حفاظت ازچاه‌های نفت،حفظ گذرگاه«البوکمال» درمرزعراق،جلوگیری ازسیطره داعش برپایگاه های آن دردیرالزور مانند «الشحیل» و«المیادین »وجلوگیری ازتحقق هدف داعش دربرقراری ارتباط بین الرقه ودیرالزوروغرب عراق،اعلام کرد.نبردهای دیرالزور نشان دادکه بیشتر مناطقی که گروه های تروریستی تکفیری مسلح برآنهاسیطره دارند، تقریباازساکنان آنهاخالی شده و دامنه جنگ این گروه ها، به روستاهای شرقی و غربی دیرالزور کشیده شده است.صحنه های نبردهمچنین حاکی هستند که مردم بیگناه منطقه،خسارت های زیادجانی ومالی متحمل شده‌و گروه‌های تروریستی تکفیری براساس یک برنامه، مبادرت به سرقت از منابع نفتی و آثار باستانی در دیرالزور و قاچاق آنها به خارج از سوریه می کنند.از خطرناکترین جنایات این گروه های تروریستی،اهانت وهتک حرمت به زیارتگاه ها و مقامات ومقدسات اسلامی و شخصیت‌های تاریخی است که نزد همه طوایف مسلمان منطقه‌معتبر هستند.

*** حربه ای علیه محور مقاومت**

واقعیت این است که بروز برخی اعتراض‌های اجتماعی اولیه در سوریه، غرب و همپیمانان منطقه‌ای آن را بر آن داشت تا شاید از راه بحران سازی، یکی از حلقه‌های کلیدی محور مقاومت را حذف یا قدرت آن را کاهش دهند؛امری که تاکنون نتوانسته اند به آن دست یابند.«اخضر ابراهیمی»نماینده پیشین سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب در امور سوریه، در گفتگو با روزنامه آلمانی «اشپیگل» اعلام کرد: شورای امنیت سازمان ملل متحد از معرفی عامل حمله شیمیایی در منطقه «خان العسل» سوریه جلوگیری کرد. ابراهیمی تاکید کرد: شورای امنیت، به فرستاده خود به سوریه، درموضوع تحقیق درباره استفاده از مواد شیمیایی گفته بودکه نیازی نیست مشخص کند کدام طرف از سلاح های شیمیایی استفاده کرده‌است.وی با اشاره به اینکه پس ازمدتی معلوم شد مخالفان ازمواد شیمیایی درمنطقه خان العسل استفاده کرده اند،افزود: تاکیدشورای امنیت برضروری نبودن معرفی عامل استفاده از مواد شیمیایی، تاییدی است بر اینکه مخالفان نظام سوریه از این مواد استفاده کرده اند.همچنین نماینده پیشین سازمان ملل متحد و اتحادیه عرب در امور سوریه تصریح کرد: رژیم صهیونیستی بیشترین سودرااز جنگ سوریه برد و ارزیابی بسیاری از کشورها درباره بحران سوریه اشتباه بود .

***کاربردتهدیدهای غیرمستقیم**

تلاش برای دستیابی به اهداف سیاسی –راهبردی گزینه‌های گوناگونی را پیش روی دستگاه سیاست خارجی کشورها قرار می دهد. راه حل ها برای دستیابی به این اهداف، هم شامل راه های مستقیم (گفتگو، دادن پاداش، تهدید و جنگ) و هم راه های غیرمستقیم (بحران سازی، تهدید مثلثی با استفاده از همپیمانان کشور مورد تهدید، یاجنگ نیابتی) است.

دگرگونی های پس از پایان جنگ سرد باعث شد امنیت، افزون بر جنبه نظامی، ابعاد دیگری (اقتصادی، اجتماعی، زیست محیطی و فرهنگی) نیز به خود بگیرد. در همین پیوند، راهکارهای تامین امنیت نیز متنوع شد، به‌طوری که این روزها کشورها راهکارهای نرم تامین امنیت را بیشتر در نظر دارند. به دلیل دگرگونی های ایجاد شده به‌سبب جهانی شدن و انقلاب فناوری در عصر ارتباطات، تهدیدهای مستقیم، کمتر از پیش مورد استفاده قرار می گیرد و به‌دلیل هزینه های بالای چنین تهدیدهایی، کشورها بیشتر به اعمال فشارها و تهدید غیرمستقیم روی می آورند.یکی از این راهکارهای غیرمستقیم، بحران سازی برای کشور رقیب است که بیشتر از سوی کشورهای غربی در پیش گرفته می‌شود. همانگونه که گفته شد، به دلیل هزینه بالای تهدیدهای مستقیم وهمچنین فشارهای نظام بین الملل، دخالت مستقیم نظامی در بسیاری از حوزه ها، یا امکان پذیرنیست (به سبب جبر سیستمی) یا هزینه بالایی در پی دارد. بر همین پایه، کشورها به بحران سازی و پیشبرد منافع، از راه ایجاد یک بحران برای کشور هدف روی می آورند.

ادامه دارد

تشییع پیکر شهید نیروی انتظامی در بیرجند

بیرجند: پیکر یکی از ماموران نیروی انتظامی بیرجند که هنگام انجام وظیفه به درجه رفیع شهادت نائل شده بود، با حضور مردم و مسئولان در این شهر تشییع شد.

شهید ابراهیم خزایی هفتم تیرجاری در پی درگیری با چوپانی متخلف که حالت طبیعی نداشت به درجه رفیع شهادت نائل آمد.

پیکر شهید خزایی بعد از تشییع به زادگاهش مزار سید علی از توابع شهرستان نهبندان در استان خراسان جنوبی منتقل و به خاک سپرده شد.

مسلمانان را به امید داخل شدن به بهشت می کشند!

سرویس خبر: امروز برای اندیشمندان با بصیرت روشن شده که دشمن به نام اسلام و قرآن و به امید داخل شدن به بهشت مسلمانان را می‌کشد

آیت الله محسنی گرگانی رئیس دیوان عالی کشور در جلسه هیات عمومی حقوقی اصرار که با حضور دادستان کل کشور و قضات عالی رتبه برگزار شد با بیان این مطلب افزود:دلائل آشکار، نشان دهنده صحنه گردانی سرویس‌های جاسوسی دشمن در کشورهای اسلامی است که با ایجاد بلوا و آشوب، خون ریزی‌هایی بدست مسلمان‌های دور از فهم قرآن در کشور عراق به راه انداخته است.وی افزود: مسلمانان برای رهایی از این فتنه‌ها و مسلمان‌کشی جز تمسّک به ریسمان محکم قرآن، پرهیز از تفرقه و متحد شدن راه دیگری ندارند.محسنی گرگانی با تبریک حلول ماه ضیافت الهی به تمامی مسلمین جهان مخصوصاً مسلمانان ایران زمین گفت: دراین ماه باید خود را اصلاح و از کردار و گفتار ناشایسته استغفار کنیم.

مسئولان با بودجه دولتی، افطاری ندهند

اصفهان ـ خبرنگار اطلاعات: استاندار اصفهان، برگزاری هرگونه مراسم افطاری از منابع بودجه دولتی و بیت‌المال را ممنوع اعلام کرد و از مدیران دستگاه‌های مختلف استان خواست از برگزاری هرگونه مراسم افطاری از منابع دولتی یا نهادها و شرکت‌های وابسته به دولت به طور جدی خودداری کنند. رسول زرگرپور با اشاره به سنت حسنه اطعام روزه‌داران و تأکید اسلام بر آن، گفت: این سنت حسنه در سال‌های اخیر به دو صورت از مسیر خود خارج شده است، یکی اطعام روزه‌داران در هتل‌ها و مراکز پذیرایی گران‌قیمت و اشرافی با هزینه‌های زیاد و دیگری اطعام روزه‌داران از بودجه دولت (بیت‌المال) آن هم در شب‌های متوالی و متعدد که هر دو از انحرافات صورت گرفته است.

اختصاص شعبه ویژه برای رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز

سرویس خبر:رئیس قوه قضائیه در بخشنامه‌ای، اختیار اختصاص شعبه یا شعبی را برای رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز به رؤسای کل دادگستری‌های سراسر کشور تفویض کرد. در این بخشنامه به رؤسای کل دادگستری استانها اختیار داده شده است تا نسبت به تعیین یا اختصاص شعبه یا شعبی از دادگاه‌ها برای رسیدگی به جرایم قاچاق کالا و ارز و صدور حکم مبنی بر تبدیل جزای نقدی به حبس اقدام کنند.

براساس گزارش دیگری، سرپرست اداره کل بازرسی استان تهران هم دردیدار با رئیس کل بانک مرکزی، آسیب‌های شناسایی شده در امور بانکی و ارزی را اعلام کرد. رضایی خروج ارز، گران‌نمایی(بیش‌بود ارزش)،تبانی بین خریداران و فروشندگان، اخذ نکردن وثایق کافی و فقدان اعتبارسنجی مشتریان به وسیله بانک‌های عامل را مهم‌ترین محورهای آسیب‌های شناسایی شده در این خصوص اعلام کرد. سیف رئیس کل بانک مرکزی نیز خواستار اعلام موارد مذکور به بانک مرکزی برای ابلاغ آن براساس دستورالعمل‌های اجرایی به بانک‌های عامل شد.

تحلیف ۱۴۱ نفر از کارشناسان نظامی و انتظامی

سرویس خبر: آیین تحلیف ۱۴۱ نفر از کارشناسان نظامی و انتظامی وزارت دفاع در سازمان قضایی نیروهای مسلح برگزار شد.

حجت‌الاسلام والمسلمین عباسعلی فراتی سرپرست سازمان قضایی نیروهای مسلح استان تهران در این آیین، فلسفه استفاده از کارشناسان نظامی و انتظامی در پرونده‌ها را حفظ اسرار نیروهای مسلح برشمرد و ادامه داد: آشنایی با وظایف نیروهای مسلح و تخصصی بودن مسائل در این بخش از دیگر عوامل است و این کارشناسان نظر دقیق تری می توانند بدهند که به عنوان مثال در یک حادثه، مامور حق تیراندازی داشته است یا خیر؟فراتی، نظر کارشناسان را در تصمیم گیری قضایی بسیار مؤثر توصیف کرد و گفت: این نظریات پایه و مبنای رسیدگی به پرونده‌ها قرار می گیرد.سردار حشمت الله صادقی مدیرکل عملیات و بازرسی وزارت دفاع هم گفت: این کارشناسان در حوزه تخصصی خودشان از بهترین‌های نیروهای مسلح هستند و می توانند کمک زیادی به قضات کنند.

وی افزود: امروز پیچیدگی و تنوع جرایم و روش‌های ارتکاب جرم در حوزه‌های مختلف، نیازمند کارشناسی و خبرگی است.

برگزاری ۱۸۴ جشن گلریزان برای آزادی ۷۵۲۴ زندانی جرائم غیر عمد

سرویس حوادث: ۷۵۲۴ نفر به علت جرائم غیر عمد در زندان بسر می‌برند و در انتظار کمک مردم درجشن گلریزان رمضان هستند.

سیداسدالله جولایی رئیس ستاد دیه کشور دیروز درنشست خبری افزود: از این عده ۱۴۰۰ نفر در ارتباط با تصادفات، ۲۰۰۰ نفر بدهکار مهریه، ۳۴۵۰ نفر محکومان مالی، ۲۰۰ نفر در ارتباط با حوادث کارگاهی و غیره و ۴۵۰ نفر محکومان به نفقه هستند.

وی گفت: برای آزادی این افراد ۴۳۰ میلیارد تومان نیاز است که مقرر شده است ۲۰۰ میلیارد تومان از این مبلغ در قالب تسهیلات بدون بهره بانکی پرداخت و بقیه از طریق جشن‌های گلریزان و دیگر کمک‌های مردمی تأمین شود.جولایی به اقدامات ستاد دیه در سال گذشته اشاره کرد و افزود: پارسال ۷۷۳۵ نفر از زندانیان جرائم غیرعمد و غیر کلاهبرداری با پرداخت مبلغی حدود ۳۰۰ میلیارد تومان آزاد شدند.وی گفت: مبلغ کل بدهی این مددجویان آزاد شده ۸۳۰ میلیارد تومان بود که ستادهای دیه سراسر کشور موفق شدند حدود ۵۳۰ میلیارد تومان از این مبلغ را با عنوان گذشت از طلبکاران و اولیاء دم و شاکیان تخفیف بگیرند که به عبارتی ۶۴ درصد از مبلغ کل بدهی زندانیان در قالب گذشت کاهش یافت.مدیرعامل ستاد دیه کشور یادآور شد: قرار است در ماه مبارک رمضان امسال ۱۸۴ جشن گلریزان را با کرامت نیکوکاران در سراسر کشور برگزار کنیم.

جولایی با بیان این که ما قشرهای مختلفی در زندان‌ها اعم از پیروان ادیان الهی داریم، گفت: علاوه بر مسلمانان اعم از شیعه و سنی، پیروان ادیان الهی از جمله مسیحی، زرتشتی و... از کمک‌های ستاد دیه برخوردار می‌شوند و ما به این زندانیان هم کمک می کنیم. وی رسالت ستاد دیه را آزادسازی زندانیان بدهکار عنوان کردو گفت: ما از داخل زندان، زندانیان جرائم غیر عمد را شناسایی کرده و آنها را به ستاد دیه معرفی می‌کنیم و در صورتی که زندانی تمکن مالی نداشته باشد، به او کمک می کنیم تا از زندان آزاد شود.مدیرعامل ستاد دیه با اشاره به کمک‌های مقام معظم رهبری به ستاد دیه گفت: در سال گذشته مقام معظم رهبری ۱۲۰ میلیون تومان به ستاد کمک کردند و کمک‌های مقام معظم رهبری در جشن‌های گلریزان در پنج سال گذشته بیش از ۴۰۰ میلیون تومان بوده است.مدیرعامل ستاد دیه گفت: در سال ۷۸ حدود ۵۰ هزار راننده زندانی داشتیم و بر همین اساس بود که ستاد دیه تلاش کرد قانون بیمه شخص ثالث را با ۶۰ جلسه کمیسیون اقتصادی و ۱۳ جلسه در محضر رئیس وقت قوه قضائیه به تصویب برساند که در ۲۰ تیر سال ۶۷ این قانون تصویب شد و سبب شد که رقم ۶۰ راننده‌ای که روزانه به زندان می‌افتادند کاهش یابد و حداکثر ما در روز سه نفر راننده زندانی داشته باشیم.

جولایی ادامه داد: ما درصدد هستیم تا طرح دائمی شدن بیمه شخص ثالث را تصویب کنیم و تاکنون سه جلسه در کمیسیون اقتصادی و یک جلسه در مرکز پژوهش‌های مجلس برای بررسی این طرح برگزار کرده‌ایم.

وی تاکید کرد: تلفاتی که از جرائم مربوط به تصادفات و جرائم مربوط به رانندگان داشتیم حدود ۳۰۰ هزار نفر بود، ولی اکنون این تلفات کاهش یافته و به کمتر از ۲۰ هزارنفر رسیده است بنابراین موضوع مهمی که ما مدنظر داریم پیشگیری است که آن را مقدم بر درمان می‌دانیم و درصددیم مردم را با قانون آشنا کنیم.وی با اشاره به کمک‌های مردمی از طریق بانک‌های عامل گفت: مردم می‌توانند از طریق حساب ۷۴۷۴ بانک ملت شعبه مستقل، حساب ۷۷۷۷ بانک تجارت، حساب ۲۲۴۰ بانک رفاه و حساب ۰۱۵۵۵۵۰۰۰۰۰۰۴۰ بانک ملی شعبه طالقانی کمک‌های خود را برای ستاد دیه واریز کنند. وی درباره کمک‌های مردمی به ستاد دیه کشور از طریق ATM در ۱۲ ماهه سال ۹۲ گفت: ۳ میلیارد و ۶۰۰ میلیون تومان از طریق کمک‌های کوچک مردم به ستاد دیه کمک شده است.رئیس ستاد دیه کشور ادامه داد: شهرهای اصفهان، تبریز، شیراز و مشهد بیشترین کمک‌ها را در جشن گلریزان داشته‌اند. مردم تهران هم در گلریزان سال گذشته ۲۰ میلیارد تومان به ستاد دیه کمک کردند. مدیر عامل ستاد دیه کشور با اشاره به طرح هر مسجد، آزادی یک زندانی گفت: طرح «آزاد سازی» مساجد برنامه‌ای بود که از ستاد دیه تهران آغاز شد و از شش مسجد در تهران ۲۰ نفر آزاد شدند. قرار است این طرح را در استان‌ها هم پیاده کنیم.

شوراهای حل اختلاف همچنان بلاتکلیفند

شیراز ـ خبرنگار اطلاعات: متأسفانه هنوز تکلیف شوراها معلوم نیست که آیا سازمانی مستقل هستند یا به عنوان زیرمجموعه قوه قضائیه فعالیت می کنند و این شرایط مطلوب نیست.

رئیس مرکز شوراهای حل اختلاف قوه قضائیه در همایش «منادیان صلح» در شیراز افزود: اگر شوراهای حل اختلاف مانند سازمان قضایی نیروهای مسلح یک سازمان مستقل است، باید شرایط دریافت بودجه مستقل برای آن فراهم شود و اگر زیرمجموعه دستگاه قضایی است و مثل دادسرا بخشی از دادگستری است باید هزینه‌های آن تأمین و پرداخت شود.

حجت‌الاسلام محمدمهدی احمدی میانجی با اشاره به این مطلب که پرداخت نشدن هزینه‌های شوراهای حل اختلاف، زمینه ظلم به شوراها را فراهم کرده است، افزود: چرا باید مبلغی که به عنوان پاداش حق‌الزحمه کارکنان شوارها تأمین شده است به عنوان اجاره بهای ملک شوراها پرداخت شود و کسی حق ندارد یک ریال از مبالغ پاداش و حق‌الزحمه کارکنان شوراها را در جایی دیگر هزینه کند. این حق کارکنان شوراها است و باید در جای خود هزینه شود.رئیس مرکز شوراهای حل اختلاف قوه قضائیه گفت: شوراها برای تأمین صلح و سازش حرکت کرده‌اند و صدها پرونده نزاع و قتل را به صلح و سازش کشانده‌اند؛ پرونده‌هایی که ده‌ها سال در دادگستری‌ها مانده و لاینحل بود، در شوراها به صلح رسیده است، ولی متأسفانه گاه زحمات شوراها نادیده گرفته می‌شود و گفته می‌شود که پرونده شوراها ماهیت قضایی ندارد، در حالی که کار عظیم صلح و سازش در شوراها پیگیری شده است.

او با یادآوری این مطلب که پرداخت‌هایی که با عنوان پاداش به اعضای شوراهای حل اختلاف انجام می‌شود، واقعاً اندک و باعث خجالت است، حتی به اندازه حداقل حقوق یک کارگر نیست، افزود: همه تلاش این است که پرداخت‌های مناسبی به این عزیزان صورت بگیرد و حداقل حقوق کارگری برای آنان تأمین شود و امید است با همراهی دولت و همکاری قوه قضائیه به این هدف برسیم.

اخبار حوادث

۱۱۵ نفر در ۲ ماه نخست امسال غرق شدند

سرویس حوادث:۱۱۵ نفر در دو ماهه نخست امسال بر اثر غرق‌شدگی در کشور جان خود را از دست دادند.این رقم در مقایسه با مدت مشابه سال قبل که شمار متوفیات غرق‌شدگی ۱۴۶ نفر بود، ۲۱/۲ درصد کاهش یافته است.

به گزارش روابط عمومی سازمان پزشکی قانونی کشور، از کل موارد غرق‌شدگی در این مدت ۱۰۲ نفر مرد و ۱۳ نفر زن بودند. همچنین از این تعداد ۵۲ نفر در فروردین و ۶۳ نفر در اردیبهشت بر اثر غرق‌شدگی جان باخته‌اند. از کل موارد غرق‌شدگی در دو ماهه نخست امسال، ۹نفر در محدوده خارج طرح، ۳۵ نفر در رودخانه‌ها، ۱۵ نفر در دریاچه‌های مصنوعی و سد، چهار نفر در دریاچه طبیعی، ۱۵ نفر در استخر، ۱۳ نفر در کانال آب، چهارنفر در چاه و ۲۰ نفر در سایر مکان‌ها جان باخته‌اند.

در سال گذشته ۱۰۶۳ نفر در کشور بر اثر غرق شدگی جان خود را از دست دادند که ۵۴۰ نفر از آنان در فصل تابستان جان باخته اند. این رقم ۵۰/۸ درصد از کل موارد غرق شدگی در سال گذشته را به خود اختصاص داده‌است.

سازمان پزشکی قانونی کشور با تأکید بر این موضوع که مرگ ناشی از غرق شدگی عمدتاً به دنبال شنا در مناطق غیر مجاز و ایمن سازی نشده اتفاق می‌افتد از هموطنان و مسافران خواست فقط از مناطق مجاز و تحت مراقبت برای شنا کردن استفاده کنند و به رعایت نکات ایمنی توجه داشته باشند.

اختلاف شخصی، به قتل وکیل دادگستری انجامید

سرویس حوادث:پیداشدن سوئیچ خودرو یک وکیل دادگستری درخانه یکی از بستگانش که بااواختلاف شخصی داشت، راز جنایتی را فاش کرد.

فردی ۲۶ خرداد امسال با مراجعه به دادسرای ناحیه ۳۴ تهران و طرح شکایت با موضوع فقدان فرزندش اعلام کرد: پسرم به نام علی اصغر (۳۴ ساله) وکیل دادگستری است و برای رسیدگی به یک پرونده قضایی با خودرواش از منزل خارج شده و قصد داشته تا به دادسرا برود، اما او دیگر مراجعه‌ای به خانه نداشته است وپاسخگوی تماس‌های تلفنی هم نیست. سرهنگ محمدیان رئیس پلیس آگاهی تهران دراین باره گفت: به دستور بازپرس شعبه سوم دادسرای ناحیه ۳۴ تهران، پرونده به اداره یازدهم پلیس آگاهی تهران ارسال شدو کارآگاهان در تحقیقات خود مطلع شدند که او با یکی از بستگانشان به نام "عباس" اختلاف شدید داشته است. وی افزود: همزمان با شناسایی محل سکونت عباس در مهرشهر کرج، خودرو پژو فقدانی هم در منطقه مهرشهر کرج کشف شد و کارآگاهان اداره یازدهم با مراجعه به محل زندگی عباس در مهرشهر کرج و بازرسی از محل سکونت او موفق به کشف سوئیچ خودرو متعلق به فقدانی شدند. وی اضافه کرد با انتقال عباس به اداره یازدهم پلیس آگاهی، وی درمواجهه با دلایل پلیس، به قتل "علی اصغر" در حاشیه بزرگراه همت به علت اختلافات قبلی اعتراف کرد و گفت: جسد "علی اصغر" را با خودرو او به سمت کرج بردم و شبانه در باغی در منطقه هشتگرد سوزاندم. متهم به قتل همچنین گفت که بعد از آن با پارک کردن خودرو در کوچه خلوتی به خانه برگشتم. رئیس پلیس آگاهی تهران اضافه کرد: با بررسی‌های بعدی معلوم شدکه جسد سوخته توسط پلیس آگاهی هشتگرد کشف شده بود. متهم به قتل با صدور قرار قانونی بازداشت شد.

ناپدید شدن ۸ ملوان ایرانی در آبهای جاسک

سرویس حوادث: یک فروند لنج باری با ۱۰سرنشین در آبهای جاسک غرق شد.دبیر ستاد بحران فرمانداری جاسک گفت: دو نفر از ملوانان این لنج باری را یک کشتی یونانی نجات داد اما از سرنوشت هشت ملوان دیگر خبری نیست.گمتیلی افزود: این شناورکه از جاسک به مقصد عمان در حرکت بود به علت بارگیری موزائیک و سنگ بیش از ظرفیت، دوشنبه شب در ۵۵کیلومتری آبهای جاسک غرق شد.

ادامه جستجو برای یافتن دختر بچه ناپدید شده

سرویس حوادث: تحقیقات پلیس آگاهی برای یافتن سرنخی از راز ناپدید شدن یک دختربچه هفت ساله در بندرانزلی ادامه دارد.

«مائده» ۳۰روز قبل به طرز مشکوکی از مقابل مدرسه‌اش ناپدید شد و تاکنون با وجودتلاش‌های گسترده، این دختر بچه پیدا نشده است ووالدین اوجایزه ۲۰۰ میلیون تومانی برای کسی که «مائده» را به آنها برگرداند تعیین کرده اند. سرهنگ مصطفایی معاون پلیس جنایی آگاهی ناجا در این‌باره به خبرنگارماگفت: ردیابی‌های پلیس توسط گروهی از کارآگاهان زبده در این‌باره ادامه دارد وتمامی فرضیه‌های ممکن تحت بررسی است. مصطفایی از کسانی که از سرنوشت این دختر بچه اطلاعی دارند خواست مراتب را به ماموران پلیس اطلاع دهند.

قتل هتلدار ایرانی در برزیل

برزیل: جسد یک هتلدار ایرانی – سوئدی که احتمال می‌رود قربانی شبکه‌های قاچاق موادمخدر شده باشد، درشهر ریودوژانیرو در برزیل درهتل پیدا شد. جسد میلاد حسینی بالایی سی و چهار ساله که متولد ایران است اما پاسپورت سوئدی دارد، صبح یکشنبه کشف شد. هتلی که او صاحب آن بود، در یکی از مناطق حومه‌ای و زاغه‌نشین ریو به نام «ویدیگال» قرار دارد و اکثر مهمانان آن را تماشاچیان جام جهانی فوتبال تشکیل می‌دهند. تحقیقات پلیس درباره این قتل ادامه دارد.

دستگیری ۲ شرور خطرناک مشهد

سرویس حوادث:دو شرور که اقدام به زورگیری از یک خانواده در نیمه‌های شب درمشهد کرده بودند، شناسایی و دستگیر شدند.

سرهنگ بیدمشکی رئیس پلیس آگاهی خراسان رضوی دراین باره افزود: در پی مراجعه خانمی به پلیس آگاهی و اعلام اینکه در نیمه‌های شب در حالی که در خواب بودم، دو نفر با شمشیر و قمه وارد خانه‌ام شده وبا تهدید به قتل او و فرزندانش اموالشان را دزدیده‌اند، کارآگاهان با ردیابی‌های خود، فرد مالخری را که اقدام به خریداری دو دستگاه تلفن همراه مسروقه شاکی کرده بود دستگیر کردند. وی ادامه داد: در بازجویی از این مالخر یکی از متهمان به نام "امیر" که از سارقان زورگیر و شرور منطقه مشهد بود و سوابق کیفری متعددی را در پرونده‌اش داشت، شناسایی و دستگیر شد.

بیدمشکی افزود: در ادامه دومین متهم به نام "اصغر" که اوهم از افراد شرور و خطرناک منطقه بود، شناسایی شد وهنگامی که قصد فرار از پشت بام را داشت به دام افتاد ودر بازرسی از منزل او تعداد دو قبضه شمشیر و قمه کشف و ضبط شد. وی با بیان این که متهمان در بازجویی‌ها صراحتاً به زورگیری شبانه اعتراف کرده‌اند افزود: شناسایی سایر شکات این پرونده ادامه دارد.

۵ کشته در سانحه واژگونی سمند در محور اندیمشک

سرویس حوادث: واژگونی خودرو سمند در محور اندیمشک به پل زال جان پنج نفر را گرفت.فرمانده پلیس راه خوزستان گفت:در این حادثه که ساعت ۶ صبح دیروز به وقوع پیوست، خودرو سمند درمحور اندیمشک به پل زال پس از برخورد با تابلو علائم راهنمایی و رانندگی واژگون شد و آتش گرفت. سرهنگ قدرتی افزود دراین حادثه پنج سرنشین خودرو شامل سه مرد و دوزن جان خود را از دست دادند.وی علت حادثه را ناتوانی راننده در کنترل خودرو ناشی از خستگی و خواب آلودگی اعلام کرد.

قطار آمریکایی، روی پل آتش گرفت

آمریکا یک قطار باری در آمریکا در حال حرکت بر روی پل رودخانه‌ای آتش گرفت و همان جا متوقف شد.

ماموران آتش‌نشانی ایالت ایندیانا در یک عملیات حساس برای نجات این قطار باری بر فراز پل رودخانه «اوهایو» با استفاده از قایق‌های آب پاش و پاشیدن، آب پرفشار به قسمت‌های آتش‌گرفته قطار، حریق را خاموش کردند.

ساختمان ۱۱ طبقه بر سر ۷۲ کارگر هندی فرو ریخت

هند: پلیس هند درپی فروریختن ساختمان ۱۱طبقه در جنوب این کشورکه ۲۶ قربانی برجا گذاشت، پنج نفررا دستگیر کرد.

به گفته پلیس شهر چنای ۲۰ تن دیگر همچنان در زیرآوار گرفتار هستند و احتمال می‌رود شمار تلفات این حادثه افزایش یابد. سر وزیر ایالت تامیل‌نادو در جنوب هند اعلام کرد: هنگام ریزش ساختمان ۷۲ کارگر در این ساختمان مشغول کار بودند و پلیس هند پنج تن از جمله شماری از مهندسان پروژه ساخت این ساختمان را بازداشت کرده است.

خط ارتباطی مردم با اطلاعات

تلفن ۲۲۲۲۶۰۹۰
ایمیل خط ارتباطی : ertebat@ettelaat.com

چند نکته در خور توجه خوانندگان گرامی

توجه خوانندگان محترم را در ارتباط با پیام‌های تلفنی به نکات زیر جلب می‌کنیم:
* موضوع پیام ها جنبه های خصوصی، حقوقی و یا قضایی نداشته باشد.
* پیام ها مختصر و دقیق باشد و از تکرار آن ها خودداری شود.
* خوانندگان محترم شهرستانی در پیام هایشان ، نام شهرستان مربوطه را بیان فرمایند.
* چاپ پیام ها بر اساس نوبت است.

با تشکر ـ سرویس ارتباطات مردمی

آمار واقعی در مورد طبقه‌بندی اقتصادی مردم

یکی از مسئولان مرکز آمار اعلام کرده است که هر نفر با درآمد ۲۷۰ هزار تومان درماه، فقیر محسوب نمی‌شود. یعنی یک خانواده چهار نفره اگر درآمدی یک میلیون و ۸۰ هزار تومانی داشته باشد، می‌تواند زندگی متوسطی داشته باشد. اما واقعیت این طور نیست و با چنین درآمدی نمی‌توان مخارج زندگی را تأمین کرد، پس بهتر است آماری واقعی‌تر در مورد طبقات اقتصادی مردم ارائه شود.

یک هموطن

مزایای بیشتری به کارمندان شرکت پست تعلق گیرد

ما کارمندان شرکت پست که در سرما و گرما باید با موتورهایمان در خیابان‌ها از سویی به سوی دیگر برویم تا امانات مردم را به دستشان برسانیم، از کمترین مزایا و امکانات بی‌بهره هستیم، در حالی که به طور مثال بعضی کارمندان بانک به راحتی می‌توانند میلیون‌ها تومان وام دریافت کنند و کارشان هم به سختی شغل ما در شرکت پست نیست. ای کاش مزایای بیشتری برای ما در نظر گرفته شود.

از کارمندان پست

طلب ما ازعراق پس گرفته شود

کمک به دولت عراق برای مقابله با گروهک تروریستی داعش، هیچ اشکالی ندارد و پسندیده است، اما مقامات ایرانی فراموش نکنند که بعد از جنگ ایران و عراق، سازمان ملل آن کشور را موظف به پرداخت غرامت هزار میلیارد دلاری به ایران کرد. دولت باید در اسرع وقت این پول را که طلب ما است، از عراق پس گیرد.

یک هموطن

هزینه قبوض گاز غیرعادی است

هزینه قبوض گاز در مقابل هزینه قبوض برق و آب اصلاً قابل مقایسه نیست و هزینه گاز به شدت بالاست، به طوری که با این که فصل تابستان است و گاز مصرف چندانی ندارد، قبض‌ها بالای ۱۰۰ هزار تومان می‌آید که این غیرعادی است. ای کاش توضیحی در مورد چگونگی محاسبه این تعرفه‌ها به مردم داده شود.

از ساکنان منطقه ۳

به پرونده‌های پر ابهام رسیدگی شود

از قوه قضاییه درخواست می‌شود به پرونده کهریزک، پرونده سازمان تأمین اجتماعی در دوران ریاست آقای سعید مرتضوی و همچنین پرونده‌های زمینخواری و دیگر مواردی که اذهان مردم را درگیر کرده است، رسیدگی کند و مردم را از ابهام برهاند.

تلفن به خط ارتباطی

حمایت از نیازمندان واقعی

حال که دولت محترم مصمم به حذف سبد کالا شده است و می‌خواهد به جای آن از افراد و خانواده‌های نیازمند به خصوص مددجویان کمیته امداد امام خمینی (ره) حمایت ویژه کند، پیشنهاد می‌شود در مورد شناسایی نیازمندان واقعی در سراسر کشور نهایت جدیت را به کار برد تا حق به حقدار برسد.

سلیمان بلغار

پشت بام متعلق به همه همسایگان است

قوانین عرفی آپارتمان‌نشینی می‌گوید که همه هزینه‌های مربوط به ساختمان و از جمله ایزوگام پشت بام باید میان تمامی همسایگان تقسیم شود و هر کسی سهم خود را بپردازد. اما بعضی از همسایگان از دادن هزینه‌های مربوط به پشت بام خودداری می‌کنند و ادعا دارند که این هزینه‌ها مربوط به ساکنان طبقه آخر ساختمان‌های مسکونی است. بهتر است همسایگان، این موارد را در آپارتمان‌نشینی رعایت کنند.

تبریز ـ حسن‌زاده

فقر، عامل بیشتر مشکلات است

گفته می‌شود که اگر فقر از دری وارد شود، ایمان از در دیگر می‌رود. به نظر می‌رسد وجود اعتیاد و بزهکاری در کشور و وضعیت آن به دلیل پررنگ شدن موضوع فقر و فاصله طبقاتی است.

حسن یزدانی

آب در همه مناطق جیره‌بندی شود

در ساعاتی از روز آب برخی مناطق شهر اصفهان قطع می‌شود، این در حالی است که مناطق دیگر در تمامی طول شبانه روز آب دارند. پیشنهاد می‌شود اگر قرار است مصرف آب جیره‌بندی شود، این موضوع در همه مناطق اصفهان اتفاق بیفتد و شرایط برای همه یکسان باشد.

اصفهان ـ از اهالی

قطع شدن برق کوچه سراج

حدود یک ماه است که چراغ‌های برق کوچه سراج در خیابان اتابک واقع در بهار شیراز خاموش است و شب‌ها برای ساکنان این کوچه مشکل‌آفرین شده است. اداره برق هم برای وصل شدن برق چراغ‌های خیابان کاری انجام نمی‌دهد.

ساکن خیابان بهار شیراز

امنیت شهرک خانه اصفهان مورد توجه قرار گیرد

شهرک «خانه اصفهان» از نظر امنیت محلی در وضعیت مناسبی قرار ندارد و در خیابان‌های شهرک به صورت مکرر برای خانم‌ها مزاحمت‌هایی ایجاد می‌شود که کسی هم جلویشان را نمی‌گیرد. از دیگر سو، سرقت‌های پی در پی در چند ماه اخیر ساکنان این محله را با دردسرهای زیادی مواجه ساخته است. مسأله مهم دیگر، مصرف علنی مواد مخدر در ۲ پارک شهرک خانه اصفهان است که با وجود چندین بار گزارش، اقدام مؤثری صورت نگرفت. از مأموران زحمتکش نیروی انتظامی درخواست می‌کنیم توجه بیشتری به تأمین امنیت ساکنان این شهرک داشته باشند.

اصفهان ـ از ساکنان شهرک

افزایش نرخ کرایه تاکسی‌های سنندج

اخیراً نرخ کرایه اتوبوس‌های درون‌شهری تا ۲ برابر افزایش پیدا کرده است. درخواستم این است که در خصوص افزایش نرخ اتوبوس و تاکسی در شهر سنندج، اطلاع‌رسانی دقیقی صورت گیرد.

سنندج ـ ناظری

تخریب حمام تاریخی حاج عبدالصمد

حمام ۱۵۰ ساله «حاج عبدالصمد» واقع در خیابان کارگر جنوبی، خیابان مدرس، چهارراه قلمستان به تازگی تخریب شده و قرار است به جای آن برج تجاری ساخته شود. خانه حاج عبدالصمد، برادر ناصرالدین شاه ۴۵ سال قبل تخریب شد و از آن یک حمام بزرگ با معماری بی‌نظیر و ستون‌هایی باشکوه باقی مانده بود و تا همین چند سال قبل هم از این حمام استفاده عمومی می‌شد، اما حالا آن را با خاک یکسان کرده‌اند. مگر ما چه قدر آثار تاریخی با ارزش در تهران داریم که یک به یک آن‌ها را خراب می‌کنند؟

عبدالله‌زاده

برای فروش قلیان مجوز داده نشود

فروش قلیان و دادن مجوز فروش آن، هیچ توجیهی ندارد. فرزندان ما از سنین نوجوانی یا حتی کودکی شروع به مصرف قلیان می‌کنند و متأسفانه این فرهنگ غلط در میان خانواده‌ها، جا افتاده است، به طوری که حتی در بعضی مکان‌های عمومی مثل پارک‌ها هم شاهد مصرف قلیان هستیم. مجوز فروش قلیان نباید داده شود و بهتر است با کسانی که قلیان می‌فروشند، برخورد قاطع صورت گیرد.

یک مادر

لزوم تعدیل کرایه تاکسی‌های خطی میگون

کرایه تاکسی‌های خطوط تجریش، تهرانپارس و دردشت به سمت میگون بسیار بالاست و با وجود آن که دو هفته قبل شهردار میگون قول رسیدگی و کاهش کرایه‌های تاکسی را داد، اما هنوز در این مورد هیچ تغییری ایجاد نشده است و همچنان تاکسی‌ها کرایه‌های بالایی از مسافران می‌خواهند.

میگون ـ مسافر تاکسی

حقوق کارمندان قراردادی کارمعین افزایش نیافته است

کارمند قراردادی کارمعین در سازمان زندان‌های استان فارس با ۱۳ سال سابقه کار هستم.

چندی پیش اعلام شد که به‌دلیل سختی‌کار، حقوق کارمندان این سازمان افزایش خواهد یافت، ولی حالا این افزایش حقوق برای کارمندان قراردادی کارمعین صورت نگرفته است. خواهشمندیم نسبت به این مورد رسیدگی و با همه کارمندان به صورت یکسان رفتار شود.

کارمند قراردادی کارمعین

بقیه در صفحه ۹

تاکید گودرزی بر تسریع در تعیین تکلیف تیم ملی فوتبال



وزیر ورزش و جوانان با بیان اینکه فدراسیون فوتبال، توان پرداخت مبلغ مورد نیاز قرارداد کی‌روش را دارد، تاکید کرد: با توجه به در پیش بودن جام ملت‌های آسیا، باید هرچه سریعتر، تکلیف تیم ملی فوتبال روشن شود.

محمود گودرزی درباره تمدید قرارداد با کارلوس کی‌روش، افزود: تصمیمات درباره مربیان، سرپرستان و کادر فنی تیم های ملی، عموما در فدراسیون‌ها گرفته می‌شود و نباید مسائل تخصصی در حوزه‌های فنی به سایر شئون، کشیده شود. متاسفانه در کشور ما به همه چیز در عالی‌ترین سطوح پرداخته می‌شود و از آنها پاسخ می‌خواهند.

او، تصریح کرد: ما جام ملت‌های آسیا در استرالیا را پیش رو داریم؛ استرالیا، کره و ژاپن شرایط بسیار خوبی دارند چرا که سیستماتیک و علمی کار می‌کنند. اما متاسفانه در کشور ما به آن معنای خاص، روش سیستماتیک وجود ندارد و ممکن است، شرایط خوبی در جام ملت‌ها نداشته باشیم. پس باید هرچه سریعتر در این باره تصمیم گیری شود تا نتیجه خوبی حاصل شود. هر آنچه در فدراسیون تعیین شود، ما هم به آن احترام می گذاریم.

گودرزی با بیان اینکه وزارت ورزش، استقلال و پرسپولیس را واگذار کرده و این دو تیم در اختیار وزارت اقتصاد و دارایی است، گفت: تکلیف قانونی ماست که تیم‌های دولتی را واگذار کنیم. پرسپولیس و استقلال، شاخص واگذاری تیم‌های دولتی به بخش خصوصی هستند.

برپایی اردوی تیم ملی ووشو در کیش

حذف ۴ ووشوکا و برگزاری اردوهای آماده‌سازی تیم ملی ووشو در کیش، مهمترین خبرها از نشست کمیته بازی‌های آسیایی بود.

این نشست با حضور مهدی علی‌نژاد، رئیس فدراسیون و کادر فنی تیم‌های ملی ووشو برگزار شد. علی‌نژاد با ابراز رضایت از برگزاری دیدارهای تدارکاتی با تیم ملی روسیه، ابراز امیدواری کرد که آمادگی نفرات تیم ملی ووشو ایران، روند صعودی داشته باشد.

«پانگ یان»، سرمربی چینی تیم ملی ووشو بانوان ایران، پیشنهاد برگزاری دیدارهای انتخابی در وزن منهای ۶۰ کیلوگرم را داد. بر اساس نظر او، شهربانو منصوریان که به تازگی از بند مصدومیت رهایی یافته است، ۱۵ تیر به مصاف مریم هاشمی می‌رود و یکروز پس از آن با صدیقه دریایی، روبرو می‌شود. این پیشنهاد، مورد موافقت رئیس فدراسیون ووشو، قرار گرفت. مجید ملکی، مدیر تیم‌های ملی ووشو، گفت: تیم ملی ووشو مردان ایران ۱۳ تیر در دو بخش تالو و ساندا، راهی کیش می‌شود تا اردویی سه روزه را برگزار کند. پس از تمرینات بسیار سنگینی که ووشوکاها داشته‌اند، این اردو تنوع خوبی، برای نفرات خواهد بود.

حسین اوجاقی، سرمربی تیم ملی ساندا مردان ایران، دیدارهای دوستانه با روسیه قهرمان اروپا را بسیار مفید دانست و گفت: نفرات تیم ملی کشورمان، پس از این دیدارها با انگیزه بیشتری، تمرینات را دنبال می‌کنند تا به ترکیب اصلی تیم، برای حضور در بازی‌های آسیایی – ۲۰۱۴ اینچئون راه یابند.

رامین موحدنیا، مربی تیم ملی ساندا مردان نیز از برگزاری تمرینات کشتی و مرور فن در زیرگیری ها خبر داد. همچنین با صلاحدید مربیان تیم ملی ووشو، امیرمحمد رضایی و حسام تشنیزی در تالو مردان، الهام مقصودزاده در تالو زنان و جواد قزلسفلو در وزن منهای ۶۵ کیلوگرم ساندا مردان، از جمع اردونشینان کنار رفتند.

آغاز مسابقات شمشیربازی قهرمانی آسیا؛ امروز در کره‌جنوبی




هجدهمین دوره مسابقات شمشیربازی قهرمانی آسیا از امروز با حضور برترین نمایندگان قاره کهن در شهر «سوآن» کشور کره‌جنوبی آغاز می‌شود. ایران با ۲۰ شمشیرباز در این دوره مسابقات، شرکت کرده است.

هجدهمین دوره مسابقات شمشیربازی قهرمانی آسیا در دو بخش مردان و زنان و در سه رشته سابر، اپه و فلوره برگزار می‌شود. این برای پنجمین‌بار است که کره‌ای‌ها برگزار کننده مسابقات شمشیربازی قهرمانی آسیا هستند. البته تا پیش از این، چینی‌ها با پنج میزبانی، بیشترین سهم را در برگزاری مسابقات شمشیربازی قهرمانی آسیا داشتند. آنان، سال ۱۹۸۹ نخستین دوره این رقابت ها را در پکن برگزار کردند. ایران، سال ۱۹۹۷ برگزار کننده این رقابت‌ها بود؛ البته فقط در بخش مردان. همان سال، رقابت‌های بخش بانوان در کشور چین برگزار شد.

شمشیربازان برتر کشورهای قاره پهناور آسیا، از امروز رقابت‌های خود را در مسابقات قهرمانی آسیا، آغاز می‌کنند. ایران به غیر از رشته فلوره بانوان، در رقابت‌های سایر رشته‌های این دوره از مسابقات قهرمانی آسیا، حضور دارد. کاروان شمشیربازی ایران، مرکب از ۲۰ بازیکن، راهی کره‌جنوبی شده است.

اسامی شمشیربازان ایران، اعزامی به مسابقات قهرمانی آسیا – ۲۰۱۴ کره‌جنوبی به این شرح است:

سابر مردان: مجتبی عابدینی، علی پاکدامن، محمد رهبری، فرزاد باهرارسباران

فلوره مردان: محمد ادهمی، علیرضا ادهمی، علیرضا سلیمانی، وحید ذوالفقاری

اپه مردان: علی یعقوبیان، محمد اسماعیلی، طاهر عاشوری، سید صادق عابدی

سابر بانوان: کیانا باقرزاده، نجمه سازنچیان، فائزه رفیعی، آیسان قمصری

اپه بانوان: مهسا پوررحمتی، عطیه السادات شفیعی، اعظم بختی، سکینه نوری

مسابقات شمشیربازی قهرمانی آسیا، از امروز آغاز شده است و به مدت شش روز، ادامه خواهد داشت. سه روز نخست این رقابت‌ها به دیدارهای انفرادی اختصاص دارد. سپس رقابت‌های تیمی آغاز می‌شود. برنامه این رقابت‌ها به این شرح است:

دیدارهای انفرادی

امروز: فلوره بانوان – سابر مردان

فردا: فلوره مردان – اپه بانوان

جمعه ۱۳ تیر: اپه مردان – سابر بانوان

دیدارهای تیمی

شنبه ۱۴ تیر: فلوره بانوان – سابر مردان

یکشنبه ۱۵ تیر: فلوره مردان – اپه بانوان

دوشنبه ۱۶ تیر: اپه مردان – سابر بانوان

از بین بازیکنان اعزامی به کره جنوبی، امید زیادی به مدال آوری شمشیربازان رشته سابر مردان وجود دارد. به گفته رئیس فدراسیون شمشیربازی در سایر رشته‌ها، کسب تجربه و آماده‌سازی برای بازی‌های آسیایی، هدف اصلی از حضور است. بنابراین و با در نظر گرفتن برنامه مسابقات، ایران که در روز نخست نماینده‌ای در رشته فلوره بانوان ندارد، امیدوار است که در سابر مردان، صاحب مدال شود.

قضاوت داور ایرانی

رضا پیکرآرا، داور ایرانی در مسابقات شمشیربازی قهرمانی آسیا، قضاوت خواهد کرد.

قضاوت رضا پیکرآرا در مسابقات شمشیربازی قهرمانی آسیا، بنا به دعوت کنفدراسیون آسیا انجام خواهد شد. بر این اساس، پیکرآرا به عنوان تنها داور ایرانی و با هزینه‌های کنفدراسیون شمشیربازی آسیا، مسابقات قهرمانی آسیا را قضاوت خواهد کرد.

سابر مردان؛ شانس مدال

رئیس فدراسیون شمشیربازی در آستانه آغاز مسابقات قهرمانی آسیا و حضور ۲۰ نماینده ایران در این رقابت‌ها، گفت: در بین تیم‌های اعزامی مردان و بانوان، فقط در رشته سابر مردان، شانس مسلم برای کسب مدال داریم و در سایر رشته‌ها و تیم‌ها، بیشتر به جنبه تدارکاتی و آماده‌سازی تیم توجه خواهیم کرد.

فضل الله باقرزاده، تحلیل خود از وضع تیم‌های اعزامی به مسابقات قهرمانی آسیا در کره‌جنوبی را از بخش بانوان آغاز کرد و گفت: در رده سنی بزرگسالان، شمشیربازان اپه ایران، دو بار در مسابقات قهرمانی آسیا شرکت کرده‌اند، ولی شمشیربازان سابر، این تجربه را ندارند و برای نخستین بار است که در این مسابقات شرکت می‌کنند.

وی با اشاره به تاکید مسئولان ورزش، مبنی بر توجه به ورزش بانوان، تصریح کرد: فدراسیون شمشیربازی، از مدت‌ها پیش توجه ویژه‌ای به بخش بانوان دارد و برای شرکت در این دوره از مسابقات قهرمانی آسیا، اردوهای خوبی را برای آنان، پیش‌بینی کرد. بانوان ملی‌پوش شمشیربازی در دو رشته سابر و اپه با سفر به قزاقستان، تجربه خوبی از برگزاری اردوی مشترک و شرکت در مسابقات اوپن این کشور بدست آوردند.

رئیس فدراسیون شمشیربازی با تاکید بر اینکه مسابقات قهرمانی آسیا و نتیجه‌گیری در آن، ملاک اعزام بانوان به مسابقات جهانی خواهد بود، تصریح کرد: مسابقات قهرمانی جهان، اواخر تیر در روسیه برگزار می‌شود. کارهای لازم، برای اعزام تیم ملی شمشیربازی بانوان، انجام شده است. اما این تیم‌ها به شرطی اجازه حضور در مسابقات جهانی را دریافت خواهند کرد که در مسابقات قهرمانی آسیا، نتیجه خوبی کسب کنند.

وی، تاکید کرد: البته منظور از نتیجه‌گیری در بخش بانوان، کسب مدال یا پیروزی‌های شگفتی آفرین نیست. مسابقات قهرمانی آسیا و حتی مسابقات قهرمانی جهان، حکم میدان تدارکاتی بانوان، برای حضور قدرتمندانه در بازی‌های آسیایی را دارد و به هیچوجه، انتظار مدال آوری از بانوان را در این رقابت‌ها نداریم. البته نوع عملکرد بانوان، برایمان مهم است؛ چونکه تدارکات خوبی، برای آنان مهیا کردیم. تدارکات در نظر گرفته شده برای بانوان، حتی بیشتر از تدارکات مردان بود.

باقرزاده در باره وضع تیم‌های ملی شمشیربازی مردان، گفت: تیم ملی شمشیربازی سابر مردان در بهترین شرایط ممکن قرار دارد. شمشیربازان اپه هم تمرینات خوبی را پشت سر گذاشته‌اند و آماده حضور در مسابقات هستند. بازیکنان رشته فلوره نیز وضع به نسبت خوبی دارند و برای آنان، شانس نتیجه گیری مناسب، قائل هستیم.

وی، تاکید کرد: در بین تیم‌های اعزامی به مسابقات شمشیربازی قهرمانی آسیا، فقط تیم سابر مردان، شانس کسب مدال دارد. مدال ایران در بخش تیمی این رشته، قطعی است و در بخش انفرادی، شانس زیادی برای دستیابی به مدال داریم. نمی توانم بگویم که در این بخش، صاحب چند مدال خواهیم شد. اما اطمینان دارم که به مدال تیمی و انفرادی، دست خواهیم یافت.

رئیس فدراسیون شمشیربازی، افزود: حضور ما در سایر رشته ها، بیشتر جنبه تدارکاتی و آماده‌سازی دارد. هدف نهایی فدراسیون شمشیربازی، آماده‌سازی ملی پوشان برای بازی‌های آسیایی – ۲۰۱۴ اینچئون است. البته چگونگی حضور در مسابقات قهرمانی آسیا، بسیار مهم است.

وی با اشاره به اینکه سطح مسابقات قهرمانی آسیا، از بازی‌های آسیایی بالاتر است و ضریب امتیازات ۲ خواهد بود، گفت: نتیجه گیری در این مسابقات، خیلی مهم است به خصوص اینکه امتیازآوری، برای حضور در بازی‌های المپیک ۲۰۱۶ از این مسابقات آغاز می‌شود.

باقرزاده با بیان اینکه برای نخستین‌بار است که تیم‌های اعزامی به مسابقات قهرمانی آسیا، تدارکات کاملی داشته‌اند، گفت: باز هم تاکید می‌کنم که از بین ۲۰ بازیکن و پنج تیم اعزامی ایران، فقط در رشته سابر مردان، شانس کسب مدال دارد و در سایر رشته‌ها و تیم‌ها به جنبه تدارکاتی و آماده‌سازی تیم توجه داریم و نیم نگاهی به نتیجه گیری، همراه با مدال داریم.

مسابقات شمشیربازی قهرمانی آسیا، از امروز در شهر «سوآن» کشور کره‌جنوبی آغاز خواهد شد و تا ۱۶ تیر، ادامه خواهد داشت.

ترکیبی از بازیکنان بزرگسال و امید فوتسال ایران در تورنمنت چین

سرمربی تیم ملی فوتسال، گفت: ایران با ترکیبی از بازیکنان بزرگسال و امید به تورنمنت چین می‌رود.

خسوس کاندلاس، درباره برگزاری دومین مرحله از اردوی آماده سازی تیم ملی فوتسال امید، گفت: بازیکنان در شرایط خوبی هستند و رفته رفته به هماهنگی می رسند. ما دو هفته دیگر اردوی تدارکاتی برگزار خواهیم کرد و سپس به تورنمنت چین اعزام خواهیم شد.

وی، تصریح کرد: تمرینات به خوبی پیش می رود و با توجه به اینکه رقابتهای لیگ پایان یافته است، بازیکنان با آمادگی بالا و بدون خستگی در تمرینات حضور دارند. ما قصد داریم تا در این تورنمنت، علمکرد خوبی داشته باشیم و با استفاده از بازیکنان امید، تجربه ملی پوشان را افزایش دهیم تا در بازی های پیش رو، حریف دست و پا بسته ای، برای رقبا نباشیم.

خسوس، گفت: تیم ملی فوتسال ایران با ترکیبی از بازیکنان بزرگسال و امید به تورنمنت چین اعزام خواهد شد تا علاوه بر کسب موفقیت، رقابت با حریفان مختلف را تجربه کند. ما قصد داریم تا بازیکنان را به اوج آمادگی برسانیم تا در رقابت های گرند پریکس و دیگر مسابقات، موفق باشیم.

«سوآرس»، قسم خورد که دیگر کسی را گاز نگیرد!

«لوئیس سوآرس»، مهاجم تیم ملی فوتبال اروگوئه از «کیلینی» به خاطر رفتار زشت خود، عذرخواهی کرد. او، قسم خورد که دیگر چنین حرکاتی را انجام ندهد.

مهاجم تیم ملی فوتبال اروگوئه در دیدار با ایتالیا، حرکت جنجالی را انجام داد. او با گاز گرفتن شانه کیلینی، خود را از ادامه بازی در جام جهانی – ۲۰۱۴ برزیل، محروم کرد تا تیمش در مرحله یک هشتم نهایی با شکست از کلمبیا حذف شود.

فیفا، پس از حرکت جنجالی سوآرس، او را ۹ بازی ملی و چهار ماه از حضور در هر گونه فعالیت ورزشی ممنوع کرد. سوآرس در صفحه اجتماعی خود، نوشت: روزهای سختی را پشت سر گذاشتم. الان چند روزی است که در کنار خانواده‌ام هستم و دوباره آرامش خود را بدست آورده‌ام. آنچه که در روزهای گذشته درباره من گفته شد، بیانگر نیت واقعی من نیست. در حقیقت، کیلینی به خاطر گاز من، اذیت شد. الان می توانم بگویم که از این رفتار خود، احساس تاسف می کنم. به کیلینی می گویم که آن حرکت، اشتباه بود. پیش همه جهانیان، قسم می خورم که دیگر چنین رفتارهایی انجام ندهم. کیلینی، مدافع تیم ملی فوتبال ایتالیا، جواب عذرخواهی سوآرس را داد و در صفحه اجتماعی خود، نوشت: من رفتار تو را فراموش کرده‌ام، امیدوارم که فیفا هم محرومیت سنگین تو را کم کند.

روی خط جام جهانی

FIFA WORLD CUP 2014 Brasil

پرواز خروس‌ها به مرحله یک چهارم نهایی

تیم ملی فوتبال فرانسه با برتری مقابل نیجریه به مرحله یک چهارم نهایی جام جهانی – ۲۰۱۴ برزیل، صعود کرد.

تیم ملی فوتبال فرانسه، در ورزشگاه «ناسیونال برازیلیا» با ۲ گل از سد نیجریه گذشت. دو تیم در نیمه نخست، بازی پایاپایی انجام دادند. اما در نیمه دوم، ورق برگشت و خروس‌ها، درخشش فوق العاده‌ای از خود نشان دادند.

شاگردان «دیدیه دشان» در نیمه دوم، بر فشار خود افزودند، ولی «وینسنت انیاما» هر بار مانع از فرو ریختن دروازه نیجریه می‌شد. فرانسوی‌ها در این نیمه، یکبار توپ به تیر دروازه کوبیدند و یکبار توسط «کریم بنزما» تا آستانه گشودن دروازه نیجریه پیش رفتند.

در دقیقه ۷۹ «پل پوگبا» از روی دفع ناقص «انیاما»، گل نخست را وارد دروازه سبزپوشان نیجریه ای کرد. در دقیقه ۹۱ نیز «جوزف یوبو» به اشتباه، دروازه خودی را باز کرد تا فرانسه، حریف آلمان در مرحله یک چهارم نهایی شود.

رویارویی آلمان و فرانسه در مرحله یک چهارم نهایی

آلمان با برتری مقابل الجزایر، حریف فرانسه در مرحله یک چهارم نهایی جام بیستم شد.

آلمان – الجزایر، پریشب در مرحله یک هشتم نهایی جام جهانی – ۲۰۱۴ برزیل به مصاف هم رفتند. این دیدار با برتری ۲ – یک آلمان به پایان رسید. این دهمین حضور آلمان در دور یک چهارم نهایی جام‌های جهانی بود که با نخستین برد تاریخ فوتبال آلمان مقابل الجزایر، همراه بود. آلمان در دو دیدار قبلی خود مقابل الجزایر، بازنده از زمین بیرون رفته بود.

این دیدار که در پایان ۹۰ دقیقه به تساوی بدون گل رسید، به وقت اضافه رفت و ژرمن‌ها موفق شدند، خیلی زود در نیمه نخست وقت اضافه به گل برسند. «آندره شورله» در دقیقه ۹۲ دروازه الجزایر را به زیبایی باز کرد تا تیمش یک – صفر جلو بیفتد. همچنین در حالی که بازیکنان دو تیم، نای دویدن نداشتند، «مسوت اوزیل» در دقیقه ۱۱۹ برای بار دوم، دروازه الجزایر را باز کرد. این پایان کار نبود و جابو در دقیقه ۲ + ۱۲۰ یکی از دو گل شاگردان «یوآخیم لوو» را پاسخ داد تا این دیدار با برتری ۲ – یک آلمان، پایان یابد.

واکنش ژرمن‌ها پس از برد الجزایر

سرمربی تیم ملی فوتبال آلمان، پیروزی بر الجزایر را برد اراده دانست.

تیم ملی فوتبال آلمان در پایان ۱۲۰ دقیقه تلاش نفس گیر، تیم الجزایر را در دور یک هشتم نهایی جام جهانی – ۲۰۱۴ برزیل با نتیجه ۲ – یک شکست داد و برای دهمین بار، راهی دور یک چهارم نهایی جام جهانی شد.

«یوآخیم لوو» سرمربی تیم ملی فوتبال آلمان، پس از کسب نخستین پیروزی تاریخ فوتبال ژرمن‌ها مقابل الجزایر، تاکید کرد: این بازی، پیروزی اراده بود. ما در نیمه نخست بد بودیم، ولی در نیمه دوم، بهتر شدیم. باید بازی را در ۹۰ دقیقه وقت قانونی تمام می کردیم.

او افزود: خدیرا و شورله، تیم را به حرکت درآوردند. همه بازیکنان در وقت اضافه بازی، نهایت تلاش خود را کردند.

او با اشاره به عملکرد خوب «نویر» مقابل بازیکنان الجزایر، گفت: این بسیار خوب است که او از دروازه بیرون می‌آید و توپ‌ها را از آن خود می‌کند.

لوو، تصریح کرد: چنین رقابتی در هر تورنمنتی وجود دارد که تیم و بازیکنان، باید تا نهایت توان خود، مبارزه کنند.

«فیلیپ لام» کاپیتان تیم ملی فوتبال آلمان در پایان بازی، گفت: وقتی تیم از فرصت‌هایش استفاده نمی کند، آن وقت بازی به وقت اضافه کشیده می شود. ما در نیمه دوم، می‌توانستیم کار را تمام کنیم. هرچند، از قبل هم می‌دانستیم که این بازی، بسیار دشوار خواهد بود. در این مسابقه، این موضوع را به چشم دیدیم.

«آندره شورله» زننده گل نخست بازی، گفت: ما برنامه متفاوتی داشتیم، ولی الجزایر کارش را به خوبی انجام داد. فرقی نمی کند که چگونه؛ نکته مهم این است که ما در مرحله یک چهارم نهایی، حاضریم در صحنه گلزنی، کمی خوش‌شانس بودم. ما باید مقابل فرانسه، عملکرد دیگری را از خود نشان دهیم.

وزیر بهداشت: نگران افزایش سقط جنین زیرزمینی هستیم

وزیر بهداشت گفت: برخورد سلبی برای افزایش جمعیت هرگز به نتیجه نمی‌رسد باید مردم را اقناع کنیم. در غیر این صورت به ۲۰ سال قبل برمی گردیم که سقط‌های مکرر زیرزمینی افزایش یافته بود اما با تخلفاتی مانند بستن لوله خانم‌ها بدون اجازه آنها به شدت برخورد می‌کنیم.

حسن هاشمی در گفتگو با فارس درباره مصوبه مجلس مبنی بر مجازات افرادی که برای عقیمی وسقط جنین اقدام می کنند، گفت: در مورد جمعیت موضع وزارت بهداشت روشن است، ما هم نگرانی این را داریم که میزان باروری در کشور کاهش پیدا کرده است که البته این موضوعی است که به سیاست های سال های گذشته مربوط می شود.

وزیر بهداشت اضافه کرد: تصور ما این است که با روش منطقی ضمن رعایت سلامت مادر و کودک و فاصله بارداری اگر بتوانیم جامعه را اقناع کنیم، مسیر تغییر می‌کند. نباید هیجانی عمل کرد یا تصمیم گرفت چه در مجلس و چه در دولت.

وی ادامه داد: من حقیقتاً فکر می کنم چیزی را باید تصویب کنیم که قابل اجرا باشد و به مردم آسیبی نرساند. آنچه من نگران آن هستم، این است که با تصمیمات نادرست دوباره فعالیت‌های زیرزمینی که دو دهه قبل و سال‌های اول انقلاب در کشور شاهد آن بودیم گسترش پیدا کند. آسیب‌هایی که عمدتاً به آسیب مادران، انجام سقط های متعدد غیر قانونی، عفونت های مکرر در بین زنان و همین طور آسیب های جدی دیگری که بخشی از آن روحی و روانی بود.

هاشمی گفت: من بارها گفته‌ام که در بحث جمعیت اقدام ما باید اقناعی باشد. جامعه باید باور کند که به خاطر کشور، به خاطر امنیت کشور، استقلال کشور و پیشرفت کشور نیاز به نیروی جوان دارد. نباید بگذاریم جمعیت کشور پیر شود.

وی گفت: البته من هم معتقدم باید با افراد متخلف به شدت برخورد کرد. یکی از مواردی که مد نظر نمایندگان مجلس هم هست مواردی است علیرغم میل همسر و حتی خود خانم اقدام به بستن لوله ها بعد از فرزند چهارم کرده‌اند، بدون اینکه خود افراد مطلع باشند. باید برای چنین مواردی قانون داشته باشیم و به شدت برخورد کنیم.

ترحیم

به نام خدا

با کمال تأسف و تأثر درگذشت ناگهانی شادروان آقای **مهندس مهدی قانعان** را به اطلاع می‌رساند.
مجلس ترحیم آن مرحوم روز جمعه ۹۳/۴/۱۳ از ساعت ۱۲ الی ۱۳/۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب برگزار می‌گردد.

همسر: شهلا طالائی
فرزند: دکتر هلیا قانعان
داماد: دکتر پرهام هاشم زاده
خانواده‌های: قانعان، طالایی، هاشم زاده و سایر وابستگان

به نام معمار هستی

در غم از دست دادن فرزند دلبند و برادر بزرگوارمان شادروان **مهندس مهدی قانعان** روز جمعه ۹۳/۴/۱۳ ساعت ۱۲ الی ۱۳/۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب به سوگ نشسته‌ایم.

صدیقه مظهری
احمد، محمود، علی، رضا و مژگان قانعان

به نام خالق یکتا

با قلبی آکنده از غم و اندوه درگذشت ناباورانه شادروان **مهندس مهدی قانعان** را به اطلاع می‌رسانیم مجلس ترحیم آن مرحوم روز جمعه ۹۳/۴/۱۳ ساعت ۱۲ الی ۱۳/۳۰ در مسجد جامع شهرک غرب برگزار می‌گردد.

اشرف زهتاب
ژیلا، ژاله، هاله، هایده، لاله و فیروزه طالایی

باز گشت همه بسوی اوست

با اندوه و دریغ بسیار، پر کشیدن نابهنگام یار مهربان و خردمندمان مهندس جهانگیر فروتنی را به آگاهی می‌رساند.
مجلس یادبود آن شادروان در روز پنجشنبه ۹۳/۴/۱۲ از ساعت ۱۴ تا ۱۵/۳۰ در مسجد نور واقع در میدان فاطمی برگزار می‌گردد.
همسر و فرزندان داغدار
خانواده‌های فروتنی، بوشهری، قبادیان، اسدی، وردکار، شعاعیان، نوری، پازوکی، کارخیران، نصر و دیگر بستگان و آشنایان

انالله و انا الیه راجعون

بزرگ خانواده **حاجیه خانم معصومه منصوری فرد** تهرانی همسر مرحوم آقای علی اصغر اسفندیاری به لقاءالله پیوست. جهت شادی روح آن مرحومه و تسلی خاطر بازماندگان مجلس ترحیمی از ساعت ۱۶/۳۰ الی ۱۸ روز پنجشنبه مورخ ۱۳۹۳/۴/۱۲ در مسجد الجواد(ع) واقع در میدان ۷ تیر منعقد می گردد. مراتب جهت استحضار فامیل، دوستان و آشنایان بدینوسیله اعلام می گردد.
خانواده‌های: منصوری فرد تهرانی ـ اسفندیاری ـ اسفندیاری نوری شریعتمداری و سایر بستگان

هوالباقی

یاران ـ پیشکسوتان کشتی قهرمانان جهان و المپیک با نهایت تأسف درگذشت **حاجیه خانم معصومه منصوری فرد** تهرانی مادر دوست عزیزمان جناب آقای مسیح‌الله اسفندیاری را به اطلاع کلیه دوستان و آشنایان می‌رساند مراسم ترحیم آن مرحومه از ساعت ۱۶/۳۰ الی ۱۸ روز پنج شنبه ۹۳/۴/۱۲ در مسجد الجواد(ع) واقع در میدان هفت تیر برگزار می گردد.
محمود ملاقاسمی ـ سرهنگ عباس زندی ـ منصور مهدیزاده ـ عبدالله موحد ـ محمد نصیری ـ حجت‌الله خطیب ـ مهندس پرویز عرب ـ محمدرضا طالقانی ـ اکبر حیدری ـ رحیم علی آبادی ـ ابوالفضل حسین پور ـ حسن بهشتیان ـ خسرو نظافت دوست ـ داود میرزائی ـ جمشید آرش ـ احمد عرب
عبدالصالح کمالی‌زاده ـ علی طهماسبیان ـ امان‌الله رادمهر ـ هوشنگ بهروزی ـ کریم نجات پور ـ مهدی اعتضادی بهزادی ـ مهندس داود بدلی ـ حسن آقاجانی ـ مهندس محمدفروهش ـ دکتر حسین آقابابائی ـ مهندس علی النجاتی ـ مهندس ناصر کاظمی ـ تیمسار محمود چارک‌چی ـ تیمسار پارسی نژاد ـ تیمسار عزیزاله فیضی ـ برادران سعیدی ـ سرهنگ اعتمادی ـ سرهنگ علی سیف ـ محدث نوری ـ رفیعی نوری ـ محمد داودی

بانهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان **دکتر احمد نایبی** بزرگ خاندان نایبی، پزشک پیشکسوت ادیب و شاعر و خدمت گذار سالیان دراز زادگاهش شهرستان اردبیل را به اطلاع دوستان و همشهریان عزیز می‌رساند.
مجلس یادبود آن مرحوم در ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ روز چهارشنبه، مورخه ۹۳/۴/۱۱ در مسجد جامع شهرک قدس واقع در شهرک غرب میدان صنعت بلوار فرحزادی ـ ابتدای خیابان شهید حسن سیف برگزار خواهد شد.
خانواده نایبی و سایر بستگان

با نهایت تأسف و تأثر درگذشت شادروان دکتر **احمد نایبی** بزرگ خاندان نایبی، پزشک پیشکسوت ادیب و شاعر و خدمت گذار سالیان دراز زادگاهش شهرستان اردبیل را به اطلاع دوستان و همشهریان عزیز می‌رساند.
مجلس یادبود آن مرحوم در ساعت ۱۸ الی ۱۹/۳۰ روز چهارشنبه، مورخه ۹۳/۴/۱۱ در مسجد جامع شهرک قدس واقع در شهرک غرب میدان صنعت بلوار فرحزادی ـ ابتدای خیابان شهید حسن سیف برگزار خواهد شد.
دکتر عاملی ـ دکتر نجف زاده ـ دکتر انواری ـ دکتر رضایی عدل ـ دکتر عظیمی ـ دکتر جواد وهاب‌زاده ـ دکتر مرتضی وهاب‌زاده ـ دکتر نوری ـ دکتر معماری ـ دکتر یزدان‌بُد ـ دکتر فضل علیزاده ـ دکتر جبارزاده ـ دکتر روستا ـ دکتر مقدم ـ دکتر نظری ـ دکتر صانع ـ دکتر پور یاسین ـ دکتر نوذری ـ دکتر خلیل‌زاده ـ دکتر سمیعی ـ دکتر روائی ـ دکتر دلجو ـ دکتر مسعود عبادی ـ دکتر فربد عبادی ـ حاج ودود عبادی ـ حاج غلامعلی خوشنویس ـ ناصر عناصری ـ داداش والینیا

درگذشت نابهنگام معلم و هنرمند فرهیخته موسیقی ایران زمین **استاد سید علاءالدین باباشهابی** را به اطلاع می‌رساند.
به همین مناسبت مراسم ختم آن مرحوم روز پنج شنبه مورخ ۹۳/۰۴/۱۲ ساعت ۱۸ الی ۱۹:۳۰ واقع در مسجد جامع شهرک غرب، مقابل میلاد نور برگزار می گردد.
از طرف خانواده‌های: باباشهابی، حسامی، قادرپناه، نقشبندی

هوالباقی
بلند آسمان جایگاه من است

امیر خلبان رضا زعیم در آخرین پرواز به دیدار معبودش شتافت. او پدری مهربان، همسری فداکار، خلبانی شجاع، قهرمانی بی‌ادعا و سربازی جان بر کف از نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران بود که در دوران دفاع مقدس دلاورانه به نبرد با دشمن بعثی پرداخت. سرانجام در سحرگاه ۸ تیرماه ۱۳۹۳ دیده از جهان فروبست.
مراسم ختم این آزاده بزرگوار در روز جمعه ۱۳۹۳/۴/۱۳ از ساعت ۱۶:۰۰ الی ۱۷:۳۰ در مسجد جامع شهرک قدس (شهرک غرب) برگزار می گردد. حضور همه سروران و بزرگوارانی که به ایران اسلامی و سربازان فداکارش عشق می‌ورزند. تجلی شکوه پاسداشت ارزشهای ملی، اسلامی و انقلابی است. روحش شاد و راهش مستدام باد.
نیروی هوائی ارتش جمهوری اسلامی ایران
کانون هوانوردان و دوستداران آسمان آبی (N.G.O خلبانان)
خاندان زعیم

یادبود

خدایا آیا جایی بالاتر از بهشت داری؟
برای زیر پای مادرم میخواهم
تا کی ز مصیبت غمت یاد کنم
آهسته ز فرقت تو فریاد کنم
وقت است که دست از دهن بردارم
از دست غمت هزار بیداد کنم

یازدهمین سال فروریختن ستون محکم خانه ما و بازوان مادرم زنده یاد «**سیده سادات حاجیه خانم شرافت فیوضی**» آن همیشه پناهگاهمان، انسانی والا، از خودگذشته، مظهر نیک نفسی و نیک خویی، آئینه صدق و صفا، نمونه بردباری و ایثار فرارسیده است.
دلم برایت تنگ است کجایی مادر؟
کسی که سهم محبت چشیده می داند
مصیبتی به جهان همچو مرگ مادر نیست
مادرم، خسرالدنیا والآخره‌های متظاهری که حرمت و احترامت را چه در دوران زنده بودنت و چه بعد از آن به لطائف الحیل نگاه نداشته و نمی‌دارند. اینک در زندگی‌های خود کیفر و جزای بخش خسرالدنیا را می‌کشند، تا انشاءالله و بفضل الهی هر چه زودتر به دیار عدم و جهنم سرنگون شوند تا به کیفر و جزای ابدی خسرالآخره سرنوشتشان دچار شوند.
به مناسبت یادبود یازدهمین سالگرد رحلت مادر بزرگوارم:

«سیده سادات حاجیه خانم شرافت فیوضی»

ساعت ۱۱ جمعه ۹۳/۴/۱۳ در قطعه ۳۸ بهشت زهرا بر مزار پاکش حضور یافته و از خداوند متعال طلب آمرزش و شادی روح بلند مرتبه و وارسته مادر را مسالت می‌نمائیم.
مادرم: بر سجده آخرین نمازت سوگند، تو ناب‌ترین معنی «مادر» بودی
مادر تو رفته‌ای شب ما، بی ستاره است
در آشیانه‌ای که به هم انس بسته‌ایم
یادوخاطره آموزگارعشق وحریم قدس ونجابت شادروان مادرم را در لحظه لحظه زندگی گرامی می‌داریم.
خواهی که روشنت شود احوال سِرِّ عشق
از شمع پرس قصه ز باد صبا مپرس
مهندس حسن فیوضی، خانواده‌های کریمی و کمیلی و دیگر سوگواران واقعی

چهل غروب غمبار از پرکشیدن مادر عزیزمان شادروان **هما رستگار** مقدم بسوی ابدیت گذشت، در اربعین هجرانش عصر پنجشنبه پنجم ماه رمضان به زیارت مزارش رفته، با زبان اشک از اندوه روزهای فراق سخن می گوئیم.
فرزندان مرحومه: مهرانگیز جبرائیلی، دکتر میترا جبرائیلی

تسلیت

همکار محترم سرکار خانم نوذری
با نهایت تأسف درگذشت مادر گرامیتان را به شما و خانواده محترم تسلیت گفته و صبر و شکیبایی برای بازماندگان آرزومندیم.
سازمان آگهی ها

جناب آقای دکتر محمد نائبی
باکمال تأسف و تأثر درگذشت همکار گرامی جناب **آقای احمد نائبی** را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و برای بازماندگان سلامتی و صبر و شکیبایی مسئلت داریم.
اردبیل ـ دکتر علی منافزاده
دکتر جواد وهابزاده

جناب آقای دکتر محمد نائبی
باکمال تأسف و تأثر درگذشت همکار گرامی جناب **آقای احمد نائبی** را به جنابعالی و خانواده محترم تسلیت عرض نموده و برای بازماندگان صبر جمیل مسئلت دارم.
اردبیل ـ دکتر عبدالرحیم جلائی

هرگزم یاد تو از لوح دل جان نرود
با غم و اندوه بی پایان سفر بی بازگشت طبیب ادیب مظهر عشق آزادگی عزت و شرافت و وفا و صفا زنده یاد **دکتر احمد نایبی** را به جامعه پزشکان، شعرا، نویسندگان و همه انسان‌های شریف بالاخص خانواده محترم آن بزرگوار تسلیت عرض می‌کنم.
نصرت فیروزپور

عزیزان ارجمند
سرکار علیه خانم دیباجی
مدیرعامل شرکت محترم سینره
جناب آقای مهندس امیر وحید گرجی
مدیرعامل ارجمند شرکت زردبند
روح بلند و سرافراز پاک گهر مهندس مهیار **شریف بختیار** رئیس هیئت مدیره هولدینگ طبیعت زنده از عالم خاک به عالم پاک پیوست.
گرچه مصیبت واژه کوچکیست در سوگ آن عارف بزرگ، اما مرگ کلام ذات بی زوال احدیت است و تمکین در برابر مشیت الهی ادب است.
ضمن عرض تسلیت به محضر آن بزرگواران و همکاران صدیق و سخت کوش شرکت‌های هولدینگ دیار طبیعت زنده از خداوند منان برای آن فقید سعید طلب مغفرت و علو درجات و برای بازماندگان صبر جزیل و وافر مسئلت داریم.
هیئت مدیره انجمن تولیدکنندگان داروها و فرآورده‌های گیاهان داروئی

«بنام آنکه جان و جهان در ید قدرت اوست»
خانواده محترم مهندس شریف بختیار
ریاست هیئت مدیره شرکت طبیعت زنده
خبر تأسف برانگیز فقدان آنمرحوم که یکی از همکاران صنعتگر کوشا و همسایه بود موجب تأسف و تأثر گردید.
هر چند همسایه بودیم اما فرصت دیداری دست نداد ولی رسم همکاری و همسایگی ایجاب می‌کرد با خانواده آنمرحوم اظهار همدردی نمائیم.
از خداوند بزرگ جله و علا برای آنمرحوم آمرزش و آرامش و برای سیه پوشان ماتمش صبر و شکیبائی آرزومند است. خدایش بیامرزد و غریق رحمتش کناد.
مدیریت و کارکنان
شرکت فرآورده‌های شیمیایی ساختمان

جناب آقای ناصر جمالیان
درگذشت مادر بزرگوارتان را حضور حضرت تعالی و کلیه بازماندگان تسلیت عرض نموده خود را در غم شما شریک می‌دانم.
دکتر غلامعلی عکاشه

خانواده محترم دکتر نایبی
درگذشت شادروان **دکتر احمد نایبی** پزشک عالیقدر و انسان فرهیخته را به حضور جامعه پزشکان و عموم همشهریان محترم استان اردبیل و فرزندان برومندشان تسلیت می گوئیم.
دکتر عظیمی

سخنرانی

بسمه تعالی شأنه

شَهرُ رَمَضانَ الَّذي أُنزِلَ فيهِ القُرآنُ هُدىً لِلنّاسِ وَبَيِّناتٍ مِنَ الهُدى وَالفُرقانِ آیه ۱۸۵ سوره بقره

بمنظور بهره گیری معنوی هرچه بیشتر از فیوضات ماه مبارک و پربرکت رمضان، ماه ضیافت الله، و بهره‌مندی کامل از رحمت واسعه الهی، و فیض بردن از تعالیم انسان ساز گران سنگ‌ترین کتاب آسمانی، قرآن مجید، و مکتب رهائی بخش اهل بیت عصمت و طهارت، حضرات ائمه معصومین، علیهم آلاف التحیة والثناء، و در روزگارانی که کوردلان مسلمان نما به کشتار و حشیانه شیعیان و محبان آن خاندان مطهر در کشورهای مختلفی اقدام نموده‌اند با استغاثه به درگاه حضرت احدیت و توسل به خاندان پاک رسول الله، پیامبر رحمت و دعا جهت هدایت و بصیرت و یا نابودی و ریشه کن شدن گمراهان و حامیان آنان، هر روز پس از اقامه نماز جماعت ظهر و عصر در مسجد **حضرت امام خمینی (ره)**، مجلس سخنرانی برگزار و وعاظ محترم به شرح زیر مستفیض خواهند نمود سپس جلسه قرائت یک جزء از قرآن کریم همراه با آموزش لازم منعقد خواهد گردید. شایسته است مؤمنین و مؤمنات با شرکت خود فرصت را مغتنم شمرده و فیض کامل برند.

دهه اول: واعظ گرامی حجة‌الاسلام والمسلمین آقای **سید ابوالقاسم شجاعی** دامت افاضاته
دهه دوم: واعظ گرامی حجة‌الاسلام والمسلمین آقای **سید حمید میرباقری** دامت افاضاته
دهه سوم: واعظ گرامی حجة‌الاسلام والمسلمین آقای **مصطفی جان نثاری** دامت افاضاته

دفتر مسجد امام خمینی (ره) ـ بازار تهران

تاسیس شرکت سهامی خاص پردیور گستر دالاهو در تاریخ ۱۳۹۲/۱۰/۰۹ به شماره ثبت ۴۴۷۷۶۹ در اداره ثبت شرکت‌ها و موسسات غیرتجاری تهران به شناسه ملی ۱۴۰۰۳۸۱۶۹۸۲ ثبت، و امضا ذیل دفاتر تکمیل گردیده که خلاصه آن به شرح زیر جهت اطلاع عموم آگهی می‌گردد.
موضوع شرکت: انجام کلیه فعالیت‌ها و خدمات مجاز از قبیل طراحی ساخت و تولید و اجرا و فرآوری و بهره‌برداری در بخش‌های صنعتی عمرانی و زیربنایی کشاورزی کشت و صنعت باغداری و دامپروری و طیور و آبزیان و گیاهان دارویی و زینتی زنبور عسل احداث گلخانه تولید محصولات گلخانه‌ای فراورده‌های پروتئینی دامی و گیاهی فرآورده‌های بهداشتی و دارویی در ارتباط با موضوع شرکت. ارائه کلیه خدمات مجاز بازرگانی از قبیل خرید و فروش و صادرات و واردات و تهیه و تامین و توزیع کلیه اقلام و ماشین‌آلات و ادوات و تجهیزات و نهاده‌های کشاورزی و دامی و صنعتی علی‌الخصوص در ارتباط با موضوع شرکت، ایجاد شعبه و نمایندگی داخلی و خارجی در راستای فعالیت‌های شرکت، اخذ وام و تسهیلات به صورت ارزی و ریالی از بانکها و موسسات مالی و اعتباری، اخذ نمایندگی شرکت‌های معتبر داخلی و خارجی، شرکت در مناقصات و مزایده‌های بخش دولتی و خصوصی. مدت شرکت: از تاریخ ثبت به مدت محدود مرکز اصلی شرکت: تهران ـ خ سهروردی شمالی ـ خ میرزایی زینالی غربی ـ پلاک ۱۰۱ ـ طبقه ۱ کدپستی ۱۵۷۷۹۱۷۶۱۳ سرمایه شرکت: مبلغ ۱۰/۰۰۰/۰۰۰ ریال منقسم به ۱۰۰۰ سهم ۱۰/۰۰۰ ریالی که تعداد ۱۰۰۰ سهم با نام و ۰ سهم آن بی‌نام می‌باشد که مبلغ ۳/۵۰۰/۰۰۰ ریال توسط موسسین طی گواهی بانکی شماره ۷۲/۴/۸۸۲/۳۶۷ مورخ ۹۲/۸/۱۲ نزد بانک صادرات شعبه نبش میترا پرداخت گردیده است و الباقی سرمایه در تعهد صاحبان سهام میباشد. اولین مدیران شرکت: ۱. محسن سوری به سمت رئیس هیئت مدیره ـ عضو اصلی ۲. فائزه رضایی به سمت مدیرعامل ۳. فائزه رضایی به سمت عضو هیئت مدیره عضو اصلی ۴. امید جزی مطلق به سمت نائب رئیس هیئت مدیره ـ عضو اصلی به مدت دو سال انتخاب گردیدند. دارندگان حق امضا: کلیه اوراق و اسناد بهادار و تعهدآور شرکت با امضای دو نفر از اعضای هیات مدیره متفقا همراه با مهر شرکت معتبر است. اختیارات مدیرعامل: طبق اساسنامه بازرس اصلی و علی‌البدل: رامین کیانیان به شماره ملی ۳۲۵۹۰۶۷۰۵۱ عنوان بازرس اصلی. غلام عباس قره‌چلو به شماره ملی ۰۰۷۹۲۷۳۰۴۱ به عنوان بازرس علی‌البدل. روزنامه کثیرالانتشار شرکت: اطلاعات می‌باشد.
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۴۴۰۰۸۳۵ - ۱۱۷۲۳۵/م الف

آگهی تغییرات شرکت بین‌المللی توسعه ساختمان سهامی عام به شماره ثبت ۱۴۲۵۸۳ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۸۵۵۶۹۴
به استناد صورتجلسه هیئت مدیره مورخ ۱۳۹۲/۱۰/۰۷ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: آقای سعید جعفریان با شماره کدملی ۲۰۶۳۴۷۱۹۷۵ به نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری غدیر به ش‌ملی ۱۰۱۰۱۳۰۶۲۳۴ به سمت رئیس هیأت مدیره و آقای مجید موسویان با شماره کدملی ۱۲۸۶۵۲۴۵۷۱ به نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری اعتضاد غدیر به ش‌ملی ۱۰۱۰۲۱۶۹۹۲۸ به سمت نایب رئیس هیأت مدیره و آقای سیدعمادالدین قاضوی با شماره کدملی ۳۹۷۹۱۷۵۸۱۲ به نمایندگی از شرکت صنعتی بازرگانی غدیر به ش‌ملی ۱۰۱۰۱۳۶۴۲۹۷ و آقای علیرضا جاوید با شماره کدملی ۰۵۳۲۳۷۸۱۴۸ به نمایندگی از شرکت دریابان جنوب ایران به ش ملی ۱۰۸۶۱۵۶۲۹۳۱ و آقای محمدمهدی حاجی قربانی با شماره کدملی ۰۰۴۷۸۵۲۱۹۴ به نمایندگی از شرکت سرمایه‌گذاری زرین پرشیا به ش‌ملی ۱۰۱۰۲۹۸۶۸۸۰ به عنوان اعضای هیأت مدیره و آقای حسین کاظم‌پور به شماره کدملی ۰۰۴۵۸۶۱۶۳۳ (خارج از هیأت مدیره) به عنوان مدیرعامل برای بقیه مدت تصدی هیأت مدیره انتخاب گردیدند. کلیه اسناد و اوراق بهادار با امضاء مدیرعامل و یکی از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و در غیاب مدیرعامل با امضای رئیس هیأت مدیره و یکی از اعضای هیأت مدیره همراه با مهر شرکت و مکاتبات اداری با امضای مدیرعامل همراه با مهر شرکت معتبر خواهد بود. اختیارات مدیرعامل به شرح مندرج در صورتجلسه تعیین گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۱۱۷۲۵۳_۴۹۳۴۵۶۲/م الف

* *

آگهی تغییرات شرکت لیزینگ دی شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۰۲۹۱۲ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۵۳۰۵۳۸
به استناد صورتجلسه مجمع عمومی عادی سالیانه مورخ ۱۳۹۱/۰۴/۱۲ تصمیمات ذیل اتخاذ شد: ترازنامه و حساب سود و زیان سال مالی ۹۰ به تصویب رسید. مؤسسه حسابرسی سخن حق را به عنوان بازرس قانونی به شناسه ملی ۱۰۱۰۰۵۵۳۲۵۰ و آقای هوشنگ خستوئی کدملی ۲۶۴۸۹۶۱۸۵۲ را به عنوان بازرس علی‌البدل برای مدت یک سال انتخاب گردیدند. روزنامه کثیرالانتشار اطلاعات جهت درج آگهی‌های شرکت تعیین گردید.
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۱۱۷۲۵۴_۴۸۸۴۰۵۹/م الف

آگهی تغییرات شرکت فولاد پرسیان سهامی خاص به شماره ثبت ۲۵۳۶۶۴ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۹۰۷۸۰
[illegible]
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری تهران
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۱۱۷۲۳۶_۴۳۸۲۶۶۵/م الف

آگهی تغییرات شرکت صرافی توسعه تعاون شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۴۱۱۴۴۸ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۶۰۰۵۲
[illegible]
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۱۱۷۲۳۷_۴۳۸۹۱۶۴/م الف

آگهی تغییرات شرکت بلور نوری تازه سهامی خاص به شماره ثبت ۱۲۹۱۶۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۱۷۲۵۱۶۴
[illegible]
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۱۱۷۲۳۸_۴۴۰۲۲۱۴/م الف

آگهی تغییرات مؤسسه خیریه حاج غلامرضا یزدجردی مؤسسه به شماره ثبت ۴۷۸۸ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۲۵۵۲۴۴
[illegible]
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۱۱۸۴۳۶_۴۸۶۰۰۴۱/م الف

آگهی تغییرات شرکت فن آفرینان نوین طوس سهامی خاص به شماره ثبت ۲۳۶۹۳۰ و شناسه ملی ۱۰۱۰۲۷۷۸۲۴۳
[illegible]
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۱۱۸۳۵۱_۴۹۶۱۶۷۱/م الف

آگهی تغییرات شرکت صنایع پلاستیک ابهر شرکت سهامی خاص به شماره ثبت ۲۵۴۵۷ و شناسه ملی ۱۰۱۰۰۹۷۸۵۰
[illegible]
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
۱۱۸۴۳۸_۴۹۸۵۲۷۴/م الف

آگهی تغییرات شرکت عمران آذرستان با مسئولیت محدود به شماره ثبت ۹۹۰۲۷ و شناسه ملی ۱۰۸۶۰۶۵۲۷۵۲
[illegible]
اداره ثبت شرکتها و موسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۱۱۷۲۳۹_۳۸۰۸۳۴۴/م الف

آگهی تغییرات شرکت فن آوری سامانه‌های هوشمند داده‌گستر رهام سهامی خاص به شماره ثبت ۳۷۳۲۴۷ و شناسه ملی ۱۰۳۲۰۳۳۳۳۷۴
[illegible]
اداره ثبت شرکت‌ها و مؤسسات غیرتجاری
سازمان ثبت اسناد و املاک کشور
۱۲۱۷۸۰_۴۷۹۲۷۶۶۱/م الف

اطلاعات

سال هشتاد و هشتم

صاحب امتیاز: شرکت ایرانچاپ مؤسسه اطلاعات
مدیر مسئول: سیدمحمود دعائی
سردبیر: علیرضا خانی
نشانی: تهران - بلوار میرداماد - خیابان نفت جنوبی - ساختمان اطلاعات - کد پستی ۱۵۴۹۹۵۳۱۱۱ (تهران)
پست تصویری تحریریه ۲۲۲۵۸۰۲۲
تلفن: ۲۹۹۹۹
نمابر آگهی ها ۲۱ و ۲۲۲۵۸۰۱۹
تلفن پذیرش آگهی ها ۱۸-۲۲۲۵۸۰۱۴
نشانی اینترنت: http://www.ettelaat.com
پست الکترونیکی: ettelaat@ettelaat.com

تقویم اطلاعات

چهارشنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۳
۴ رمضان ۱۴۳۵ - ۲ جولای ۲۰۱۴

ظهر شرعی	۱۳ و ۰۸ دقیقه
غروب آفتاب	۲۰ و ۲۴ دقیقه
اذان مغرب	۲۰ و ۴۵ دقیقه
نیمه شب شرعی (پایان وقت ادای نماز عشا)	۰ و ۱۶ دقیقه
اذان صبح (فردا)	۴ و ۰۷ دقیقه
طلوع آفتاب (فردا)	۵ و ۵۳ دقیقه

تهران هر اقدامی برای حفظ یکپارچگی عراق انجام می‌دهد

سرویس خارجی: معاون وزیر خارجه ایران که به مسکو سفر کرده، نسبت به برخی تلاش‌ها برای تجزیه عراق هشدار داد و گفت: تهران اطمینان دارد که افراد عاقلی در میان سران کردهای عراق وجود دارند که حاضر به تجزیه این کشور نمی‌شوند و ایران هر تدبیری که وحدت و قدرت عراق را تضمین کند، اتخاذ خواهد کرد.

حسین امیرعبداللهیان به تلاش آمریکا برای ایجاد وضعیتی مشابه اوکراین در عراق هشدار داد. امیرعبداللهیان با اشاره به حوادث عراق، اعلام کرد که آنچه در عراق در جریان است جنگی روانی و رسانه‌ای به وسیله «داعش» برای ناامن کردن این کشور است. معاون وزیر خارجه ایران با بیان اینکه ایران آماده است تا در صورت درخواست عراق به این کشور کمک کند، گفت: عراق هنوز از ایران درخواست ارسال سلاح نکرده است اما تهران آماده است تا اگر لازم شد در چارچوب مبارزه با تروریسم به عراق سلاح ارسال کند.

معاون وزیر خارجه ایران گفت: «اگر وزارت مبارزه با تروریسم عراق خواستار کمک خارجی باشد، ایران طبق قوانین بین‌الملل این کمک‌ها را ارائه خواهد کرد. امیرعبداللهیان وجود هرگونه نیروی ایرانی در عراق را تکذیب کرد و گفت: ایران در زمان فعلی نیرویی در عراق ندارد. وی در بخشی دیگر از سخنانش با هشداری ضمنی به کردهایی که دم از جدایی از عراق می‌زنند نیز اعلام کرد که ایران اطمینان دارد که در میان سران کرد افراد عاقل هم حضور دارند که حاضر نمی‌شوند عراق تجزیه شود. عبداللهیان همچنین با بیان اینکه باید همه اقدامات لازم برای ممانعت از تقسیم عراق صورت بگیرد، اعلام کرد که ایران هر تدبیری که وحدت و قدرت عراق را تضمین کند، اتخاذ خواهد کرد.

تحولات میدانی

نیروی گروه «سرایا السلام» که به دستور رهبر جریان صدر عراق تشکیل شد، به فرماندهی استاندار بغداد خود را به حرم امامین عسکریین علیهما السلام رساندند. این اعزام نیرو در حالی صورت می‌گیرد که منابع عراقی اعلام کردند که مناطق مجاور حرم دو امام همام «علی النقی» و «حسن عسکری» علیهما السلام در شهر سامرا هدف حمله خمپاره‌ای قرار گرفت.

در همین رابطه، منابع امنیتی عراق از اصابت چهار گلوله خمپاره به نزدیکی حرمین عسکریین در سامرا و شهادت یک تن و زخمی شدن ۲۳ تن دیگر در این حادثه خبر دادند. این منبع که خواست نامش فاش نشود، گفت: نیروهای امنیتی عراق عملیات نظامی گسترده‌ای را برای کشف عاملان این اقدام آغاز کردند. نیروهای امنیتی عراق از شهر سامرا به عنوان پایگاه نظامی برای اجرای عملیات‌های نظامی خود در استان‌های صلاح‌الدین و نینوا علیه گروه داعش استفاده می‌کنند.

در این حال، استاندار دیوانیه با اعلام اعزام نوبت سوم نیروهای داوطلب این استان برای مبارزه با داعش به بغداد، گفت که تاکنون ۳۵۰۰ نیروی آموزش دیده به پایتخت اعزام کرده است. «عمار المدنی» گفت: مرحله سوم اعزام داوطلبان مبارزه با تروریسم به بغداد که بیش از ۱۰۰۰ نفر هستند، صورت گرفت. در تحولی دیگر، منابع امنیتی عراق از آزادسازی شهرک چینی و محاصره کامل پایگاه نظامی سبایکر در تکریت توسط نیروهای ویژه ارتش خبر دادند. از طرفی، رسانه های عراقی از هلاکت و فرار جمعی تروریست های داعش بر اثر درگیری شدید در استان بابل خبر دادند. یک منبع پلیس استان بابل اعلام کرد که شماری از تروریست‌های داعش در درگیری شدید با نیروهای امنیتی عراق در منطقه «جرف الصخر» در شمال بابل به هلاکت رسیدند. برخی رسانه‌ها شمار تروریست های به هلاکت رسیده را ۱۲ نفر اعلام کردند. از سویی، هواپیماهای ارتش عراق کاروان عناصر تروریستی داعش را در منطقه «القیارة» هدف قرار دادند. رسانه های عراقی نیز از هلاکت و فرار جمعی تروریست های داعش بر اثر درگیری شدید در استان بابل خبر دادند. در این حال، تروریست های داعش در جدیدترین جنایت خود دستان دو کودک و نوجوان را در موصل قطع کردند و مادر یکی از آنها را کشتند. در چنین شرایطی، دیدبان حقوق بشر تاکید کرد که گروه داعش بیش از ۱۳۰ کودک کرد ربوده شده را فورا آزاد کند. در همین حال فرماندهی عملیات سامرا تاکید کرد که اعضای داعش به صورت دسته جمعی از استان صلاح‌الدین در حال فرار هستند. احمد الکریم، رئیس استانداری صلاح‌الدین نیز از درگیری‌های شدید میان نیروهای امنیتی با اعضای داعش در تکریت خبر داده و گفت: شماری از اعضای داعش کشته شده‌اند و شماری دیگر نیز پا به فرار گذاشتند. در همین حال یک منبع امنیتی در تکریت از کشته شدن حدود ۴۰ عضو داعش از جمله هفت عامل انتحاری در تکریت خبر داد. از سوی دیگر منابع عراقی اعلام کردند: اعضای داعش ۳۰ تن از نیروهای وابسته به سپاه بدر را به شهادت رساندند و ۳۳ تن دیگر را در جنوب غرب کرکوک به اسارت گرفتند. دستگاه مبارزه با تروریسم نیز از هلاکت بیش از ۵۰ عضو داعش از جمله سرکرده‌های این گروه تروریستی و آتش گرفتن تعدادی از خودروهای آن‌ها در شرق موصل خبر داد. از سوی دیگر شورای استانداری نجف اعلام کرد که ۴۰۰۰ تن که از استان نینوا مهاجرت کرده بودند وارد استان نجف شده‌اند.

از دیگرسو، نماینده آیت‌الله العظمی سیستانی به منظور بالابردن روحیه ارتش در مبارزه با تروریسم هر روز با فرماندهان ارتش عراق گفتگو می‌کند. به گزارش فارس به نقل از «السومریة نیوز»، «جمال‌الدین الشهرستانی» مسئول روابط عمومی در حرم امام حسین (ع) گفت: شیخ «عبدالمهدی الکربلائی» نماینده آیت‌الله العظمی سیستانی مرجعیت عالی شیعیان عراق هر روز از طریق تلفن با فرماندهان امنیتی ارتش عراق در استان‌های درگیر با تروریست‌های داعش گفتگو می‌کند و هدف از این تماس‌ها نیز بالابردن روحیه آنها برای سرکوب کردن تروریست‌ها و تحقق پیروزی است. در همین حال، منابع امنیتی عراق در گزارشی اعلام کردند که ماه گذشته میلادی چند هزار نفر بر اثر خشونت‌ها در این کشور کشته و زخمی شدند. منابع امنیتی و بیمارستانی عراق در گزارشی اعلام کردند که در ماه گذشته میلادی (ژوئن) هزار و ۹۲۲ عراقی بر اثر خشونت‌ها در این کشور کشته شدند. از طرفی، داعش اعلام کرد که برای آزادی ۳۱ راننده کامیون گروگان گرفته شده ترکیه به همراه ۲۸ کامیون، آنکارا باید برای هریک مبلغ ۵۰ هزار دلار بپردازد.

اعزام سربازان آمریکایی

وزارت دفاع آمریکا اعلام کرد که حدود ۳۰۰ سرباز دیگر را به عراق اعزام کرده است.

جان کربی، سخنگوی پنتاگون اظهار داشت: حدود ۲۰۰ سرباز جهت برقراری امنیت در سفارتخانه آمریکا و فرودگاه بین‌المللی بغداد وارد عراق شده‌اند و قرار است که ۱۰۰ سرباز دیگر برای حمایت‌های امنیتی و لجستیکی راهی بغداد شوند. در همین راستا خبرگزاری رویترز به نقل از یک مقام آمریکایی گزارش داد: این اقدامات برای حمایت از آمریکایی‌ها در عراق از جمله غیرنظامیان است و با هدف انجام حملات هوایی نیست.

همزمان یک مقام آمریکایی دیگر که خواست نامش فاش نشود، گفت: آمریکا همچنین ایجاد یک مرکز جدید برای عملیات نظامی مشترک در شمال غرب منطقه کردستان عراق را مورد بررسی قرار می‌دهد. این دومین مرکز عملیات مشترک آمریکا در عراق خواهد بود که در یک ماه گذشته که اوضاع امنیتی رو به وخامت گذاشته راه‌اندازی شده است. الجزیره نیز با اشاره به بررسی طرح های نظامی مختلف در مورد عراق از سوی کاخ سفید نوشت: اعزام جدید نیروها به عراق بخشی از تلاش های اوباما برای حمایت از دولت عراق است که در هفته های اخیر به شدت با نیروهای داعش درگیر شده است. در همین رابطه یک مقام آمریکایی که خواست نامش فاش نشود گفت: آمریکا در حال بررسی طرح انجام یک عملیات نظامی مشترک در شمال غربی عراق است که مرکز فرماندهی آن در اقلیم کردستان خواهد بود. در همین رابطه نظامیان آمریکایی حاضر در عراق در حال جمع آوری اطلاعات در مورد وضعیت موجود در مناطق مختلف این کشور هستند. پرواز هواپیماهای شناسایی آمریکا بر فراز عراق نیز در همین راستا انجام می شود و واشنگتن برای توسعه برنامه های خود در عراق صدها مشاور نظامی را نیز روانه بغداد کرده است. در تحولی دیگر، سخنگوی کاخ سفید، تأخیر به وجود آمده در تحویل جنگنده‌های اف۱۶ به عراق را ناشی از کوتاهی دولت این کشور در فراهم آوردن نیازهای لجستیکی انتقال این هواپیماها دانست. در چنین شرایطی، پایگاه خبری «دیلی بیست» به نقل از یک منبع آگاه تصریح کرد روسیه برای مبارزه با گروه تروریستی داعش نیروی نظامی به عراق نفرستاده است اما تصمیم دارد خلبان‌های خود را بر فراز آسمان عراق بفرستد.

از سویی، وزارت دفاع عراق از تحویل ۵ فروند جنگنده سوخوی دیگر از روسیه خبر داد. در این حال، پادشاه عربستان دستور پرداخت کمک ۵۰۰ میلیون دلاری به مردم عراق که در پی درگیری‌های اخیر خسارت‌هایی به آنها وارد شده است را صادر کرد.

سایر تحولات سیاسی

طلال الزوبعی، نماینده ائتلاف متحدون، از تشکیل ائتلاف جدیدی به نام نیروهای ملی از ائتلاف متحدون، العربیه، دیالی هویتنا، الوفاء للانبار و نمایندگان مستقل خبر داد. از سویی، چهرهای شاخص فراکسیون همپیمانی ملی با تشکیل جلسه در منزل رئیس این فراکسیون به بررسی گزینه‌ها برای تصدی سمت نخست وزیری عراق پرداختند. چهرهای شاخص فراکسیون موسوم به همپیمانی ملی با تشکیل جلسه در منزل ابراهیم جعفری رئیس این فراکسیون به بررسی گزینه‌ها برای تصدی سمت نخست وزیری عراق پرداختند. در همین حال، جریان اصلاح به رهبری ابراهیم جعفری اعلام کرد که ائتلاف اتحاد ملی در خصوص نامزدی برای تصدی پست نخست وزیری به توافق دست نیافته است. احمد جمال، سخنگوی جریان اصلاح عنوان داشت: ائتلاف دولت قانون همچنان به کاندیداتوری نوری مالکی پایبند است، اما طرف‌های دیگر در ائتلاف اتحاد ملی همچون جریان صدر و مجلس اعلای اسلامی عراق با انتخاب مجدد مالکی مخالف هستند و آن‌ها نامزدهایی را برای تصدی این پست دارند. در این حال، مقتدا صدر جلسه پارلمان عراق را "سرنوشت ساز" خواند و به نوری مالکی سفارش کرد که برای تصدی پست نخست وزیری برای سومین بار نامزد نشود. رهبر جریان صدر عراق در بیانیه‌ای اظهار داشت: من به برادرم نوری مالکی، نخست وزیر عراق سفارش می‌کنم تا منافع عمومی را بر منافع شخصی ارجحیت دهد و خود را برای تصدی پست ریاست جمهوری برای سومین بار کاندید نکند چرا که تمام شرکا به این مساله تمایل دارند. در این حال، سخنگوی وزارت خارجه آمریکا با اشاره به اینکه سران عراق در دیدار با جان کری ملزم و متعهد به انتخاب فرایند سیاسی شدند، گفت: ما نمی دانیم که نتیجه نشست آتی پارلمان این کشور چه خواهد شد و انتخاب نخست وزیر برعهده عراقی ها است.

از سویی، وزیر خارجه عراق تاکید کرد که تشکیل دولت آینده این کشور بر اساس نتیجه انتخابات پارلمانی خواهد بود، نه بر پایه آنچه دیگران می خواهند و اراده می کنند. از سوی دیگر، رئیس منطقه کردستان عراق با اعلام اینکه در نظر دارد ظرف چندماه همه‌پرسی استقلال از عراق را برگزار کند از سازمان ملل خواست تا در برنامه ریزی برگزاری رفراندومی در کرکوک براساس ماده ۱۴۰ قانون اساسی عراق کمک کند.

در این حال، یک نماینده ائتلاف متحدون عراق با اشاره به توطئه‌چینی مسعود بارزانی و تقلای او برای اجرای طرح تجزیه عراق گفت که متضرر اصلی ایجاد اقلیم‌های جداگانه در عراق اهل تسنن هستند.

در این حال، معاون نخست وزیر ترکیه مخالفت شدید دولت آنکارا با اعلام جدایی منطقه کردستان از عراق را اعلام کرد. «بولنت آرینچ» معاون نخست وزیر ترکیه تاکید کرد که تمام جهان می داند که موضع رسمی ترکیه درباره کردستان عراق چیست. معاون نخست وزیر ترکیه گفت: عراق نباید تقسیم شود، سلاح باید کنار گذاشته شود، خونریزی پایان یابد و عراق باید یک جامعه یکپارچه باشد. آرینچ با رد اظهارات بنیامین نتانیاهو نخست وزیر رژیم صهیونیستی که از جدایی منطقه کردستان از عراق حمایت کرده بود، تصریح کرد که عراق دارای حکومت و قانون اساسی است.

یکی از مقام‌های وزارت خارجه ترکیه نیز گفت: آنکارا با تسلط گروهی خاص در کرکوک عراق که بخواهد از طریق نظامی راه‌حلی را اجرا کند، مخالف است. در چنین شرایطی، معاون وزیر خارجه روسیه مواضع برخی اعضای شورای حقوق بشر سازمان ملل در قبال مشکلات بین المللی، بویژه بی توجهی کامل به حوادث عراق را ناشی از سیاست بی خردانه آنها برای رسیدن به اهداف سیاسی خود دانست.

برگزاری اولین جلسه پارلمان جدید عراق

اولین جلسه پارلمان جدید عراق برگزار شد و نخست‌وزیر این کشور به همراه رئیس پارلمان سابق و دیگر شخصیت‌ها و نمایندگان در مقر پارلمان حضور یافتند. این در حالی است که، اولین جلسه پارلمان جدید عراق که برای تعیین رئیس پارلمان، معاونانش و نخست وزیر و رئیس جمهور جدید تشکیل شده بود، به دلیل اختلافات نمایندگان و گروه‌های مختلف عراقی از حد نصاب خارج و به هشت ژوئیه (۱۷ تیر) موکول شد. این جلسه به ریاست مهدی الحافظ به عنوان مسن ترین فرد در پارلمان آغاز به کار کرده بود. نماینده دبیر کل سازمان ملل نیز در این جلسه پارلمان عراق حضور داشت. از طرفی، یک منبع آگاه از توافق‌ها برای کاندیداتوری «سلیم الجبوری» برای تصدی پست ریاست پارلمان عراق خبر داد. یک منبع آگاه گفت: سلیم الجبوری از سوی ائتلاف گروه‌های ملی به عنوان رئیس پارلمان عراق نامزد شده و موافقت ائتلاف اتحاد ملی در خصوص وی جلب شده است. وی اظهار داشت: با ائتلاف اتحاد ملی توافق شده است که همام حمودی و حسین شهرستانی برای تصدی پست معاون اولی رئیس پارلمان نامزد شوند.

حمله وحشیانه صهیونیست‌ها به غزه در ماه مبارک رمضان

سرویس خارجی: پس از اینکه خبر کشته شدن ۳ شهرک‌نشین صهیونیست ربوده شده در کرانه باختری منتشر شد، رژیم صهیونیستی نوار غزه را از زمین، هوا و دریا هدف قرار داد. رژیم صهیونیستی اعلام کرد جسد ۳ شهرک‌نشین را که از دوازدهم ژوئن گم شده بودند پیدا کرده است. تل آویو حماس را مسئول ربودن این شهرک‌نشین‌ها خوانده اما حماس این ادعاهای اسرائیل را نمی‌پذیرد. جنگنده‌های رژیم اشغالگر بیش از ۳۰ حمله هوایی به مکان های مختلف غزه انجام و املاک غیرنظامیان را در این بخش هدف قرار دادند. خبرنگار فلسطین الیوم به نقل از شاهدان عینی گزارش داد که ۳۰ موشک نیز به مراکز نظامی غزه وابسته به گروه های مقاومت فلسطینی در جنوب غزه اصابت کرده است. همچنین قایق های جنگی رژیم اشغالگر قدس نیز از دریا مراکز مقاومت فلسطینی را در غزه هدف قرار دادند. تاکنون هدف قرار گرفتن پایگاه های «عرین»، «القادسیه»، «مهاجر»، «الحشاشین»، «حطین»، «عین جالوت» و «السفینه» گزارش شده است. این رسانه فلسطینی از حملات زمینی نیز به بخش غزه خبر داد. این حملات یک شهید و دهها مجروح برجا گذاشت و ده ها منزل فلسطینیان نیز بر اثر این حمله ها تخریب شد. نیروهای نظامی رژیم صهیونیستی همچنین منازل دو مظنون فلسطینی ربودن و به قتل رساندن سه شهرک نشین را در کرانه باختری تخریب کردند. در این حال بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر رژیم صهیونیستی در واکنش به خبر پیدا شدن جسد ۳ شهرک‌نشین صهیونیست گفت: حماس بهای این کار را خواهد پرداخت. از سویی تحلیلگران نظامی اسرائیلی اعلام کردند کابینه پس از قتل سه اسرائیلی ناپدید شده، سه گزینه اخراج فعالان حماس از کرانه باختری به نوار غزه، تحریم تشکیلات خودگردان یا ترور یکی از رهبران بلندپایه حماس را مدنظر قرار داده است. این در حالی است که گروهی ناشناس که خود را «جماعة انصار الدولة الاسلامیة» می‌نامد، اعلام کرد مسئولیت مرگ سه نظامی اسرائیلی ناپدیدشده را بر عهده می گیرد. خبر دیگر اینکه پس از اعلام خبر پیدا شدن جسد سه شهرک‌نشین صهیونیست، وزیر خارجه رژیم صهیونیستی سفر خود به اروپا را نیمه‌کاره رها کرد. از طرفی آمریکا، آلمان، فرانسه، انگلیس و دیگر کشورهای غربی با صدور بیانیه‌هایی مرگ سه شهرک‌نشین صهیونیست را محکوم کردند.

واکنش آمریکا و اروپا

آمریکا و اتحادیه اروپا در نامه‌هایی جداگانه به اسرائیل پس از کشف جسد سه اسرائیلی ناپدید شده، از رژیم صهیونیستی خواستند به عملیات نظامی خود در نوارغزه و کرانه باختری پایان دهد. دیوید کامرون نخست‌وزیر انگلیس و باراک اوباما رئیس جمهور آمریکا ضمن ابراز تاسف از این واقعه، از رژیم صهیونیستی خواستند اوضاع را بیشتر از این متشنج نکند و به عملیات‌های نظامی خود پایان دهد. محمود عباس، رئیس تشکیلات خودگردان فلسطین نیز در تماس‌های تلفنی متعددی با مسئولان آمریکایی و اروپایی از آن‌ها خواست جلو اقدامات نیروهای رژیم صهیونیستی پس از یافته شدن اجساد سه شهرک‌نشین مفقود شده را بگیرند. همچنین خالد مشعل، رهبر سیاسی حماس در تماس تلفنی با احمد داود اوغلو، وزیر امور خارجه ترکیه اطلاعاتی را درباره نقض قوانین توسط اسرائیل در حملات علیه غزه و کرانه باختری ارائه داد. وی همچنین از داود اوغلو خواست بسیج بین‌المللی را برای توقف عملیات اسرائیل هماهنگ کند.

واکنش ایران

مرضیه افخم سخنگوی وزارت امور خارجه کشورمان حملات تجاوزکارانه رژیم صهیونیستی به فلسطینیان بی دفاع در نوار غزه و تعرض به روزه داران فلسطینی در مناطق مختلف کرانه باختری را شدیداً محکوم کرد. افخم تأکید کرد: ملت قهرمان فلسطین و گروه‌های جهادی نه تنها تسلیم این فشارها و شرایط سخت و محنت آور کنونی نخواهند شد، بلکه بر عزم و وحدت آنها در تمسک به روح مقاومت و مقابله جدی با توطئه‌های رژیم صهیونیستی افزوده شده است.

پاسخ حماس

«سامی ابوزهری» سخنگوی حماس در پاسخ به تهدیدات رژیم صهیونیستی علیه نوار غزه تاکید کرد در صورتی که صهیونیست‌ها به بهانه موضوع سه اسرائیلی ناپدید شده اقدام به ماجراجویی کنند و به غزه حمله کنند، دروازه های جهنم به رویشان باز خواهد شد. ابوزهری خطاب به نخست وزیر رژیم صهیونیستی گفت صهیونیست‌ها مسئول هرگونه درگیری هستند و نتانیاهو در حال وارونه کردن حقایق است. اسماعیل هنیه، معاون رئیس دفتر سیاسی جنبش حماس نیز اظهار داشت: تهدیدات اسرائیل ما را نمی ترساند، بلکه باعث پایداری بیشتر مردم فلسطین در مقابل تجاوزهای اسرائیل می‌شود. در همین حال رسانه های اسرائیل از پرتاب ۳ موشک از نوار غزه به منطقه «اشکول» واقع در جنوب سرزمین‌های اشغالی و به صدا در آمدن آژیرهای خطر در این منطقه خبر دادند. خبر دیگری حاکیست نیروهای ویژه رژیم صهیونیستی پس از درگیری شدید با نمازگزاران در مسجدالاقصی حصار امنیتی شدیدی در اطراف نمازگزاران معتکف در مسجد و درهای ورودی اصلی مسجدالاقصی برقرار کردند.

سفیر سوریه: دمشق بهای حمایت از فلسطین و مقاومت را می‌پردازد

سرویس خارجی: مؤسسه پژوهش‌های سیاسی علمی «ندا» روز گذشته میزبان نشست موسوم به «سیاست‌های سوریه نوین در قبال فلسطین و رژیم صهیونیستی» با حضور عدنان محمود، سفیر سوریه در تهران بود.

به گزارش خبرنگار ما، سفیر سوریه در آغاز این نشست اظهار داشت: عنوانی که برای این سمینار انتخاب شده، ما را به یاد امام خمینی (ره) و اندیشه و راه ایشان در قبال فلسطین می اندازد. عدنان محمود گفت: شرایطی که امروز در سوریه، عراق، لبنان و فلسطین مشاهده می کنیم، توطئه جدید صهیونیستی - غربی برای ضربه زدن به آرمان‌های فلسطین و به زانو در آوردن محور مقاومت است. این توطئه جدید سال‌ها ادامه خواهد داشت اما آنچه اکنون تغییر کرده، ابزارهای این توطئه است. این توطئه از تجاوز آمریکا به عراق و سپس تجاوز اسرائیل به لبنان و غزه آغاز شد.

وی افزود: سوریه امروز بهای حمایت و موضعگیری‌هایش در قبال فلسطین و مقاومت را پرداخت می کند. اکنون سوریه به مقابله با این توطئه صهیونیستی - غربی پرداخته و در جهت ناکامی آن گام برمی‌دارد. عدنان محمود تصریح کرد: با وجود تمامی خطرات علیه سوریه در این سال‌ها، هرگز حاضر به سازش در مسئله فلسطین نبوده‌ایم. آنچه باید مورد توجه قرار گیرد این است که گروه‌های تروریستی که الان در منطقه اقدامات جنایتکارانه انجام می دهند، روی دیگر رژیم صهیونیستی هستند و در واقع هماهنگی مستقیم میان این گروه‌های تکفیری و رژیم صهیونیستی وجود دارد. وی افزود: از آغاز رویدادها در سوریه روشن بود که هدف از آن ضربه زدن به محور مقاومت است. از ماه‌های آغاز این بحران، خود آمریکایی‌ها اعلام کردند که برای تضعیف ایران، مقاومت لبنان و فلسطینی‌ها بحران سوریه هرچه زودتر باید پایان یابد. سفیر سوریه تصریح کرد: به یاد داریم که در سال ۲۰۰۳ پس از اشغال عراق، کالین پاول وزیر وقت خارجه آمریکا سفری به سوریه داشت و اعلام کرد سوریه باید با ایران و حزب‌الله قطع رابطه کند. در جریان جنگ ۳۳ روزه لبنان نیز کاندولیزا رایس مشاور امنیت ملی دولت جرج بوش اعلام کرد این جنگ زایمان خاورمیانه جدید است. مؤسسات مطالعاتی آمریکا نیز اعلام کرده‌اند راه رسیدن به تهران از دمشق می گذرد. عدنان محمود افزود: در رویدادهای کنونی به وضوح نقش رژیم صهیونیستی و همدستی آن با تروریست‌ها در خرابکاری‌های منطقه را می‌بینیم. وی گفت: جنگ امروز جنگ اندیشه‌ای، اخلاقی و معرفتی است که یک طرف آن ایران، سوریه و محور مقاومت است و طرف دیگر، طرح تکفیری تروریستی ویرانگر که تخریب تمدن این منطقه را سرلوحه کار خود قرار داده است.

اردوغان؛ نامزد ریاست جمهوری ترکیه

سرویس خارجی: حزب حاکم «عدالت و توسعه» در مراسمی با حضور هزاران نفر از اعضای این حزب در آنکارا، رجب طیب اردوغان، نخست وزیر فعلی ترکیه را به عنوان نامزد ریاست جمهوری اعلام کرد.

در مراسم اعلام نامزدی اردوغان برای انتخابات ریاست جمهوری ترکیه، بیش از ۴۰۰۰ نفر از وزرا، مقامات دولتی، روسای شهرداری ها و روسای شعبات استانی حزب و سایر مسئولان حزب عدالت و توسعه دعوت شده بودند. حدود ۳۰۰ نفر از اصحاب رسانه‌های داخلی و خارجی نیز در مرکز «کنگره اتاق بازرگانی آنکارا» گرد آمدند. پلیس ترکیه تدابیر امنیتی گسترده ای را در محل برگزاری مراسم اعلام نامزدی اردوغان اتخاذ کرده بود. «محمدعلی شاهین» معاون حزب عدالت و توسعه طی سخنانی در این مراسم، گفت: حزب، بعد از یک دوره طولانی مشاوره با آحاد مختلف مردم و نهادهای مدنی، نامزد ریاست جمهوری خود را مشخص کرد. وی گفت: نامزد این حزب رجب طیب اردوغان است. به دنبال اعلام نامزدی اردوغان، طرح پیشنهادی حزب عدالت و توسعه، با امضای ۳۱۳ نماینده این حزب در مجلس ترکیه، به همراه نامه اردوغان در خصوص قبول این پیشنهاد، به ریاست مجلس ارائه خواهد شد تا با ارجاع به شورای عالی انتخابات ترکیه، رسمیت یابد.

روسیه پیش‌نویس قطعنامه منع خرید نفت سوریه از گروه‌های تروریستی را به شورای امنیت داد

سرویس خارجی: روسیه پیش‌نویس قطعنامه‌ای را به شورای امنیت ارائه کرد که در آن هرگونه خرید و فروش نفت از گروه‌های تروریستی در سوریه بدون اجازه دمشق را ممنوع می کند. این طرح با هدف مقابله با واردات نفت از گروه‌های تروریستی سوریه ارائه شده است.

در این طرح روسی، هرگونه مشارکت در تجارت و خرید و فروش نفت سوریه و صادرات و واردات آن بدون اجازه دولت این کشور، غیر قانونی اعلام شده است. روسیه در این طرح خود از کشورهای عضو سازمان ملل خواست تدابیر فوری برای جلوگیری از شرکت هموطنان خود در هرگونه قرارداد تجاری و مالی مربوط به نفت خام سوریه در مناطقی که در خارج از کنترل دولت سوریه قرار دارد، اتخاذ کنند. گفتنی است برخی گروه‌های تروریستی در بخش‌هایی از شرق سوریه منابع نفتی را در اختیار دارند و آن را به طرف‌های غربی می‌فروشند. در تحولی دیگر یگان‌های ارتش سوریه موفق شدند، در عملیاتی غافلگیر کننده دو شهرک «المقبله» و «المحسنیه» در شمال شرقی شهر صنعتی الشیخ نجار در ریف حلب را از عناصر تروریستی مسلح پاکسازی کنند. با آزاد سازی این دو شهرک، ارتش سوریه حلقه محاصره شهر صنعتی حلب را کامل می کند تا بزرگ‌ترین محاصره صورت گرفته از آغاز بحران سوریه را علیه گروه‌های تروریستی فعال در این کشور به اجرا بگذارد و سپس در فرصت مناسب عملیات نظامی خود را آغاز و گروه‌های مسلح تروریستی را از این منطقه به سمت شهرک «البریج» در شمال شهر صنعتی وادار به فرار کند. خبر دیگر اینکه مخالفان سوری از اعدام هفت خبرنگار و فعال رسانه‌ای توسط عناصر داعش در غوطه شرقی واقع در ریف دمشق خبر دادند.

مخالفت جریان «۱۴ مارس» با طرح انتخاب مستقیم رئیس جمهوری توسط لبنانی ها

سرویس خارجی: جریان «۱۴ مارس» لبنان که به گفته بسیاری از ناظران سیاسی عامل اصلی ورود لبنان به خلأ سیاسی به شمار می‌رود، با طرح میشل عون رئیس جریان ملی آزاد این کشور مبنی بر اصلاح جزئی قانون اساسی برای حل مشکل انتخاب رئیس جمهور لبنان مخالفت کرد.

میشل عون طرحی دو مرحله‌ای به منظور انتخاب مستقیم رئیس جمهوری توسط مردم و سرعت بخشیدن به تصویب قانونی برای برگزاری انتخابات پارلمانی را مطرح کرد که به دیوار مخالفت برخی شخصیت‌های جریان ۱۴ مارس برخورد کرد. جریان المستقبل طرح میشل عون را کودتا علیه معاهده طائف و قانون اساسی خواند و رهبران مقیم بیروت این جریان ضمن اینکه حاضر به اتخاذ موضع علنی در قبال این طرح نشدند، در انتظار دریافت چراغ سبزی از سعد حریری مقیم پاریس به سر می‌برند. در تحولی دیگر از لبنان افراد ناشناس یک پست ایست بازرسی ارتش لبنان را در منطقه «البقار» شهر «طرابلس» با یک بمب هدف قرار دادند. یک گشتی ارتش نیز در کوی «باب الرمل» این شهر مورد حمله قرار گرفت. خبر دیگر اینکه دبیرکل سازمان ملل با ابراز نگرانی از نقض مکرر حریم هوایی لبنان توسط رژیم صهیونیستی، اشغال شمال منطقه «الغجر» توسط صهیونیست‌ها را نقض مداوم قطعنامه ۱۷۰۱ برشمرد.

رئیس جمهوری اوکراین دستور حمله مجدد به مواضع جدایی طلبان را صادر کرد

سرویس خارجی: رئیس جمهوری اوکراین آتش‌بس در مناطق شرقی این کشور را تعلیق و دستور حمله به مواضع استقلال‌طلبان را صادر کرد. «پترو پروشنکو» به آتش‌بس یکجانبه‌ای که از هفته گذشته در شرق اوکراین برقرار شده بود، پایان داد. وی در بیانیه‌ای که به این منظور صادر کرد، به ارتش این کشور دستور داد به استقلال‌طلبان طرفدار روسیه که کنترل چندین شهر را به دست دارند، حمله کند. پروشنکو با بیان اینکه استقلال‌طلبان دست به فعالیت‌های مجرمانه زده‌اند، در بیانیه خود آورده است: ما حمله و سرزمینمان را آزاد خواهیم کرد. رئیس جمهوری اوکراین در این بیانیه همچنین به کسانی که سلاح های خود را زمین گذاشته و تسلیم ارتش شوند، وعده عفو داد. پایان آتش‌بس در حالی اعلام شد که پروشنکو پیشتر در گفتگوی تلفنی با ولادیمیر پوتین رئیس جمهوری روسیه با وی بر سر ادامه آتش‌بس و آغاز مذاکرات صلح، توافق کرده بود. مسکو هنوز به این بیانیه واکنشی نشان نداده است. در این حال ارتش اوکراین مرحله جدید عملیات نظامی علیه جدایی طلبان در مناطق شرقی و جنوبی این کشور را آغاز کرد. وزیر کشور اوکراین نیز از کشته شدن ۲۰ نفر و زخمی شدن تعداد بیشتری از نظامیان این کشور در طول برقراری آتش‌بس خبر داد.

پیشنهاد پوتین

سرگئی لاوروف وزیر امور خارجه روسیه در پایان مذاکرات تلفنی ٤ جانبه رهبران روسیه، اوکراین، آلمان و فرانسه اعلام کرد ولادیمیر پوتین پیشنهاد کرده در نقاط عبور و مرور مرزی روسیه و اوکراین، نمایندگان سرویس مرزبانی اوکراین و ناظرین سازمان امنیت و همکاری اروپا مستقر شوند. لاوروف یادآور شد که در جریان این مذاکرات که دومین دور این شکل از رایزنی‌های ٤ جانبه بود، طرف ها بحران داخلی اوکراین و اقداماتی که برای ادامه آتش بس و ایجاد شرایط برای حل وفصل مشکلات انسانی در شرق این کشور لازم است و همچنین آغاز مذاکرات بین طرفین مناقشه را مورد بررسی قرار دادند. خبر دیگر اینکه روسیه در واکنش به خبر استفاده ارتش اوکراین از سلاح‌های شیمیایی علیه استقلال طلبان اعلام کرد، این مسئله را مورد بررسی قرار می‌دهد.

سیسی: برای بازگرداندن مصر به جایگاه پیشین خود تلاش می کنیم

سرویس خارجی: رئیس جمهوری مصر با تاکید بر اینکه مسئولان کشور از مقابله با تروریسم کنار نخواهند کشید، گفت: برای بازگرداندن مصر به جایگاه پیشین خود در عرصه منطقه‌ای و بین المللی تمام تلاش خود را به کار می گیریم. عبدالفتاح سیسی، رئیس جمهوری مصر در سخنرانی خود به مناسبت سالروز انقلاب ۳۰ ژوئن، گفت: خداوند ارتشی ملی از میان مردم و برای مردم به ما داده است که برای حفظ امنیت مصر تلاش می کند. انقلاب در واقع زندگی را به مردم بازگرداند. ما وطنمان را طوری می‌سازیم که همگان در آن احساس آرامش کنند و آینده خوبی داشته باشند. ما کشوری قدرتمند و عادل برای مردمی آگاه و مسئول می‌سازیم. وی تاکید کرد: مصر در تکمیل نقشه راه خود موفق بوده و با تشکیل پارلمان در مسیر درست‌تری قرار می گیرد. رئیس جمهور مصر که در سالگرد سقوط دولت محمد مرسی به دست ارتش سخنرانی می کرد، از مقابله دولت قاهره با هرگونه تندروی که باعث تخریب چهره اسلام شود، سخن گفت. خبر دیگر اینکه، یک منبع قضائی مصری اعلام کرد که انتخابات پارلمانی این کشور در ماه اکتبر (مهر ماه) برگزار خواهد شد. از دیگر سو، اخوان انفجارهای قاهره را محکوم کرد.

*لیبی

افراد مسلح یکی از فرماندهان نیروی هوایی ارتش لیبی و فرزند وی را ترور کردند. جزئیات بیشتری درباره این خبر منتشر نشده است.

«خالد بن بندر» رئیس سازمان امنیت عربستان شد

«عبدالله بن عبدالعزیز»، پادشاه عربستان در اقدامی «خالد بن بندر» را به عنوان رئیس سازمان امنیت این کشور و «بندر بن سلطان» را به عنوان مشاور ویژه خود منصوب کرد. بندر بن سلطان ریاست شورای امنیت ملی عربستان را از سال ۲۰۰۵ تاکنون برعهده دارد و از ژوئیه ۲۰۱۲ تا آوریل ۲۰۱٤ ریاست سازمان اطلاعات و امنیت عربستان سعودی را هم عهده دار بود.

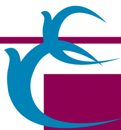
*قطر

«خالد الهیل»، مؤسس جنبش مخالفان دولت قطر (نجات قطر) ادعا کرد، بیش از ۳۰ هزار شهروند قطری عضو این جنبش هستند که درمیان آنها تعدادی از رهبران نظامی ارتش وجود دارد. به گفته وی، جنبش نجات قطر موفق شد با کمک شخصیت های صاحب نفوذ در بدنه نظام این کشور، تعدادی از بازداشت شدگان قطری را فراری دهد. خالد الهیل تاکید کرد، در روزهای آینده پرونده های فسادی را که از طریق نزدیکان به خاندان حاکمه به دست آورده اند را فاش خواهند کرد.

*بحرین

دادستانی کل بحرین سرانجام علت اصلی شهادت «عبدالعزیز العبار» را اعلام کرد. پدر شهید العبار از دریافت گزارش دادستانی کل بحرین خبر داد که در آن اعلام شد، وی به علت اصابت گلوله به سر و صورتش شهید شده است. در چنین شرایطی، یک تاریخدان بحرینی اعلام کرد که در این کشور همان کتابی تدریس می شود که گروهک «داعش» در مناطق تحت اشغال خود در عراق و سوریه تدریس می کند. «بشار الحادی» افزود: فرق بین اداره اوقاف متعلق به اهل تسنن و داعش این است که داعش سر می‌برد ولی تندروهای اوقاف هنوز سر نبریده‌اند!

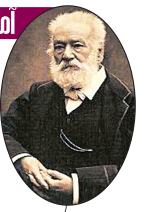
ویژهٔ فرهنگ، تاریخ و تمدن ایران و جهان



فرهنگی ۱۷۹

چهارشنبه ۱۱ تیر ۱۳۹۳ / ضمیمه فرهنگی روزنامه اطلاعات/شماره ۲۵۹۱۱

آموزه



ویکتور هوگو:

انسان در جهان همچون شبح سرگردانی است که در عبور از راه حیات، سایه ای از خود به یادگار نمی‌گذارد

سرسخن کریم فیضی

گزارشی از «یورومانیتور»

ایران و شرایط جدید

زاد و ولـد در سال های دهـه ۱۹۸۰ زیاد بود. در سال هـای ۱۹۸۰ تعـداد ۱۹,۹۱۲ تولد در مقایسـه با تعداد ۱۵,۷۰۸ تولد در سـال های ۱۹۹۰ وجود داشت. همچنان که سن ازدواج افزایش می یابد و جوانان ایرانی بـه خصوص تحصیل کرده هـا که تمایل دارند که پس از فارغ التحصیل شـدن ازدواج کنند، این امر را تا سنین نزدیک ۳۰ سـال به تأخیر می اندازند. ایران خانوارهای جوان زیادی متشـکل از زوج های جوان که نوزادها و خردسالانی هستند، خواهد داشت.

جمعیت جوان ایران سـبب فشـار زیـاد به بازار مصرف کننده و کار اسـت. ایـن گروه از جوانان دارای تحصیلات عالی خواهند بود و جزء قشر متوسط جامعه خواهند بود و تأثیر زیادی بر رفتار مصرف کننده در ایران خواهند داشـت. مخارج مصرف کننده در ارتباطات و حمل و نقل بیشترین رشد را خواهد داشت. در طی دوره پیش بینی این آمار به ترتیب ۸۴,۴ و ۷۴,۱ درصد اسـت. این گروه های سـنی عامل اصلی مصرف این گروه های محصول هسـتند. مصرف کنندگان جوان و تقاضای رو به رشدشان برای محصولات و خدمات بهتر و متنوع تر بر تقاضای برای یک طیف وسیع از محصولات در طی دوره پیش بینی تأثیر خواهد گذاشـت. تمایل به آخرین روندهای جهان، فاکتورهای اصلی اثر گذار بر انتخاب، بـه خصوص در مورد محصولات مد، لوازم آرایشـی، لوازم الکتریکی، غذا، نوشـیدنی و بهداشت و سلامت هستند. خانواده های جوان به محصولات و خدمات با کیفیت بالاتر نیاز دارند.

تا سـال ۲۰۲۰ گروه هـدف اصلی برای بازاریابان میانسـالان ایرانـی خواهنـد بود، زیرا این گروه سـنی اکثریت جامعه را تشکیل می دهد. محصولات مربوط به این رده سنی مثل محصولات ضد پیری (anti aging)، مکمل های بهداشـتی و خوراکی شـاهد رشد تقاضای بالایی خواهد بود.

میانسـالان در سال ۲۰۲۰ احتمالا فرزندان جوانی دارند که باید نیازهای آن ها را برآورده کنند و زمانی که فرزندشـان بخواهد تشـکیل زندگی دهد، از او حمایت کنند. بنابراین آنها برای جهیزیه فرزندشان خرید می کنند. تقاضا برای محصولات نوزادان و محصولات مربوط به خردسالان ممکن است افزایش اساسی در مقدار نداشته باشـد. اما با افزایش سـطح تحصیلات والدین و دقت در مـورد کیفیت محصولات تقاضا برای محصولات با کیفیت بالا افزایش می یابد.

دولت با یک معضل اساسـی به اسـم بیکاری با نرخ ۱۴,۶ درصـد در سـال ۲۰۱۰ روبـرو بود. امنیـت مالی از بالاترین درجه اهمیت برخوردار اسـت و اگر بخش مالی این نیازها را نشان دهد و انگیزه های مالی مثل گزینه های اجـاره و رهن را ارئه دهد، تأثیـر مثبتی بر اقتصاد خانواده خواهد گذاشت. کانال های توزیع در ایران گسترده شده اند و بهترین خدمات را به مصرف کنندگان می رسانند. در حالی که تعداد زیادی مغازه خوار و بار فروشی، نانوایی و قصابی در کشور وجود دارد، سوپرمارکت ها و مراکز خرید مدرن به سبک غربی در حال رشد و توسعه هستند و گزینه‌های خرید را به جمعیت جوان ایرانی ارائه می‌دهد.

سـوپرمارکتهای زنجیـره ای از زمـان راه اندازی اولین واحد در سـال ۲۰۰۸ توسـعه یافته و هم اکنون ۲۴ فروشـگاه در سراسر پایتخت همانند یک فروشگاه آنلاین اند. سـوپرمارکت دیگری وجود دارد که رفاه در ۲۶ استان در بیشتر از ۱۴۰ منطقه فعالیت می کنند و بیش از ۳۰۰ نماینده فروش در سراسر کشور دارند.

ادامه دارد



به یاد استاد باستانی پاریزی

قصه‌گوی خوش سخن

گوهری مـردی مقیم خاک شـد
نی که خاک، او راهی افلاک شـد
پیر دیری، قصه‌گویی خوش سخن
داسـتان پـرداز دوران کهـن
ساده‌پوشـی نرمخـوی و بی‌ریـا
نکتـه سـنجی بـا حقیقت آشـنا
بـا نـوا و چامه و شـعر و سـرود
جـان او را الفتـی دیرینـه بـود
همچـو غواصی به بحـر روزگار،
از دل گنجینه‌هـای پرغبـار،
از حدیـث رفتـگان بی‌شـمار،
سـرفرازان بـه گیتـی نامـدار،
گفتـه و ناگفته‌هـا را فـاش کـرد
وان گهرهـا بهرمـا شـاباش کرد
از ازل، گویـی معلـم زاده بـود
دل بـه تعلیـم و تعلـم داده بـود
زین سبب بودش چو کوی دلستان
مجلـس درس و مقـال باسـتان
همرهانش یک عصـا و یک کلاه
یـک عصای کهنه و طـی کرده را
هـم قـدم بـا گام‌هایی اسـتوار
یـاوری در خسـتگی‌ها پایـدار
گفت روزی زیرکی با وی که: هان
ایـن عصا از پیری‌ات دارد نشـان!
داد پاسـخ بـا تبسـم کای فـلان
راز پنهـان در عصـای مـن بـدان
خـود مپنداری به دسـتم این عصا
همچو چوبی خشک جان و بی‌بها!
ایـن کـه می‌بینـی زپاریـز آمده
از همـان خـاک طرب‌خیـز آمده
بازگـوی کودکی های من اسـت
یـادگار کـوی زیبـای من اسـت
تـا فراموشـم نگـردد کیسـتم!
از کجایـم، در چه کارم، چیسـتم!
گـر چـه شـهر دلربایان دیـده‌ام،
بارهـا گـرد جهـان گردیـده‌ام،
بـا همـه زیبایـی شـهر فرنـگ،
و آنچنان افسونگران شوخ و شنگ
گوشـه پاریز کرمان خوشتر است
خاک گوهر بیز ایران خوشتر است
نکته‌هـا گویـم زتاریـخ کهـن
روشـنی بخشـم به هر بزم سخن
قصـه پردازی کنـم زین آب و گل
برفـرازم نـام او از جـان و دل
تـا جهان دانـد که مـن کرمانی‌ام
عاشـق ایرانـم و ایرانـی ام

هما ارژنگی

۱۷ خرداد ۹۳

نوشتاری از استاد دکتر مهدی محقق

بزرگداشت استاد مصطفوی

حکمت از حضرتِ فرزند نبی باید جُست
پاک و پاکیزه ز تشبیه و ز تعطیل چو سیم

کلمهٔ «حکمت» از کلمات اساسـی و کلیدیِ قرآن کریم اسـت و در کتاب خداوند به معنای پند و اندرز و علم و فهم آمده و از آن تعبیر به «خیر کثیر» شده است که حاج ملا هادی سـبزواری در آغاز کتاب خود آن را حکمت سـامیه ـ یعنی متعالیه ـ نامیده و گفته است:

نظمتهـا فـی الحکمـهٔ الّتـی سـمَت
فـی الذکـر بالخیـر الکثیـر سُـمّیت

که اشـاره دارد به آیهٔ شـریفهٔ: «یؤتی الحکمه من یشاء و من یؤتَ الحکمهٔ فقد اوتی خیراً کثیراً». و یکی از نام‌های خداوند «حکیم» است به جهت إحکام و إتقانی که در آیات آفاقی (جهان) و آیات النفسـی (انسـان) او دیده می‌شود. در فرهنگ اسلامی کتاب‌های فراوانی در پندِ و اندرز نوشـته شـده و به نام حکمت که جمع آن حِکَم اسـت خوانده شـده از جمله کتاب مختارالحکم و محاسـن‌الکلم که با کوشـش عبدالرحمن بدوی در



مادرید (از بلاد اسپانیا) چاپ شده است. بر پایهٔ همین معنی، شاعرانی که اشعارشـان شـامل پند و اندرز اسـت، «حکیم» خوانده شـده‌اند مانند حکیم ناصر خسرو قبادیانی و حکیم سنایی غزنوی. منوچهری دامغانی نام چند شـاعر را با عنوان حکیم در این بیت یاد کرده است:

از حکیمان خراسـان کو شـهید و رودکی
بوشکور بلخی و بوالفتح بُستی هکذی

که مراد او از شـهید، شـهید بلخی است که برخی او را همپایهٔ رودکی و برخی دیگر بالاتر از او دانسته‌اند و مقصود از بوالفتح بُستی صاحب قصیدهٔ نونیّه‌ای است که در پند و اندرز گفته شده و با این مطلع آغاز می‌شود:

زیـادهٔ المـرء فـی دنیـاه نقصـان
وربحـه غیرمحـض الخیر خسـران

ادامه در صفحه ٦

هنر پس از تیمور؛ نوشتاری از دکتر ناصر خلیلی

قرآن‌های پرتذهیب





نگاه

مرجع دیگری وجود دارد که منشاء دست نوشته‌های متعددی را مشخص کرده، این کتاب که «گلستان هنر» نام دارد توسط قاضی احمد و در اواخر قرن دهم هـ ق نوشته شده است. با توجه به مندرجات این اثر تحقیقی، درباره‌ی هنر خوش نویسی و نقاشی، دست نوشته‌های متعددی در سمرقند و در دوران تیموریان کتابت شده است.

از جمله عمر آقتا، که از خوش نویسان آن روزگار بود، عزم داشت تا تیمور را با کتابت قرآن کوچکی که در زیر یک انگشتری جای می گرفت، شگفت زده کند، اما هنگامی که با بی تفاوتی تیمور مواجه شد، تصمیم گرفت قرآن بسیار بزرگی را بنگارد، قرآنی آن چنان عظیم که برای حمل آن به ارابه نیاز داشتند. این بار فاتح بزرگ سخت تحت تأثیر مهارت این استاد قرار گرفت و او را پاداشی در خور بخشید.

یک دست عمر آقتا قطع شده بود و او تنها با دست چپ به خوش نویسی می پرداخت، این امر عظمت کار او را بیش تر نمایان می کند.

بنابر گفته‌های قاضی احمد، طول هر سطر این قرآن بیش از یک ذرع (حدوداً ۱۰٤ سانتی متر) بود، که دقیقا هم اندازه با سطر قرآن بایسنقری است.

همچنین قاضی احمد می گوید که عمر خود این دست نوشته را صحافی و جلد کرده است. شاید گروهی معتقد باشند، از آن جا که قرآن بایسنقری بر یک وجه نوشته شده فاقد جلد بوده؛ اما با وجود آن که چنین طرحی برای یک کتاب چندان متداول نبوده و دیگر مختصات این دست نوشته نیز غیر معمولی می نماید، نمی توان احتمال نگارش قرآن بایسنقری توسط عمر آقتا را منتفی دانست. همچنین اگر دو صفحه از این قرآن در کنار هم قرار گیرد، دقیقاً هم اندازه رحل عظیمی خواهد شد که به فرمان نوه تیمور، اولوغ بگ، برای مسجد بزرگ سمرقند، که امروزه به مسجد بی بی خانم معروف است، ساخته شده است. شباهت‌هایی که بین ابعاد قرآن بایسنقری و رحل مسجد سمرقند دیده می‌شود، این احتمال را قوت می‌بخشد که رحل مذکور برای همان قرآن ساخته شده و یقیناً این قرآن در طول قرن نهم هـ ق در سمرقند بوده است.

با وجود شواهد و اسنادی از این دست احتمال می‌رود که قرآن بایسنقری در اواخر دوران حکومت تیمور، حدود ۸۰۸ـ۸۰۲ هـ ق، کتابت شده باشد. این تاریخ باخصایص غیرمعمولی این قرآن در تناسب است، زیرا تدوین و تهیه‌ی قرآنی با این اندازه و عظمت با سلیقه‌ی سفارش دهنده‌ای چون تیمور سازگار است.

باز آفرینی یک دست نوشته

چنان چه گفته شد، شرح و وصف صفحات قرآن بایسنقری برای نخستین بار، در عرصه جدید و مدت‌ها پس از زمان کتابت آن توسط جیمز بیلی فریزر صورت گرفت، او پس از سفر به قوچان در قالب گروه جهان گردانی که در سال ۱۲۳۷ هـ ق به خراسان رفته بودند، تصاویری از این قرآن را به چاپ رساند. توضیحات فریزر بسیار جالب توجه بوده و این امکان را فراهم می کرد تا عده‌ای به فکر باز آفرینی این قرآن، بر اساس گفته‌های او بیافتند:

«پس از سواری به زیارت امامزاده‌ای رفتم که تنها محل تاریخی قوچان محسوب می شد. در حقیقت به جز قسمتی از این قرآن که در این امامزاده نگاه داری می‌شد، به هیچ چیز جالب توجهی برنخوردم. این اوراق بـه رغم بی توجهی و بی مبالاتی متولیان هنوز سالم بود. برخی از این اوراق به قرآن بسیار بزرگی تعلق داشت که احتمالاً بزرگ‌ترین قرآن دنیا به شمار می آید، قرآنی که تاریخ و سرگذشت‌اش به قدر اندازه غیرمعمول آن ، جالب توجه است.

این قرآن توسط بایسنقر میرزا، فرزند شاهرخ میرزا و نوه تیمور کبیر، کتابت شده و به دست او در مقبره‌ی این فاتح قدرتمند در سمرقند جای گرفته است.

سربازان محمد خان، پدر بزرگ ایلخان فعلی، که نادر شاه را در هجوم‌اش به ترکستان همراهی کرد، این قرآن را با بی‌حرمتی از سمرقند ربودند: سربازان مقبره را در هم شکسته و پس از ورود به داخل آن، هر یک اوراقی از این قرآن را به عنوان نشانه‌ی پیروزی به یغما برده و به سرزمین خود بازگشتند. میرگونه خان، فرزند وی، در حدود شصت برگ از این اوراق را گرد هم آورده و در این امامزاده جای داد، اوراق مذکور در قفسه‌ای قرار گرفت و در نهایت بی‌اعتنایی روی خویش در زیر گرد و غبار نهفت.



کاغذ این برگ‌ها که ضخیم و شبیه به ترمه و احتمالاً مخصوص این قرآن ساخته شده است. حروف متن این قرآن آن چنان زیباست که به نظر می‌رسد هر کدام از آن‌ها با حرکت بی‌انقطاع یک قلم بزرگ نوشته شده است. نقطه‌ها و اعراب متن، همانند حواشی و دیگر تزیینات اثر به رنگ نیلی و طلایی است؛ اما برخی از آن‌ها به خاطر نقوش تزیینی، و یا کاغذهای نانوشته بزرگ حاشیه، ناقص مانده است».

صفحاتی را که او رویت کرده بود در حالت باز بودن دست نوشته حدوداً ۲/۵ متر طول و بین ۳ تا ۳/۵ متر عرض داشت. این نکته نشانگر آن است که صفحات مذکور، متشکل از لت‌های دوتایی است، یعنی یک برگ کاغذ بزرگ با تا خوردن به دو صفحه تبدیل شده است. در این صورت ابعاد هر صفحه، حداقل حدود ۱۵۵×۲۱۷ سانتی متر و حداکثر ۱۵۲×۲٤۳ سانتی متر بوده است.

لت‌هایی در این اندازه تنها به صورت تک صفحه مورد استفاده قرار می گرفت. به هم پیوستن چنین لت‌هایی باید با استفاده از «محافظ» انجام شود، روشی که در شیرازه بندی لت‌های دوتایی بزرگی که ابعادی این چنین استثنایی دارند، بسیار متداول بود. ابعاد فضای متن در صفحات به جای مانده ۱۰۱×۱۷۷ سانتی‌متر است، و این نشان می‌دهد که قطع ۱۵۵×۲۱۷ سانتی متر صحیح‌تر است. در این صورت حاشیه سفید صفحات در عرض ۲۵ سانتی‌متر، در بالا و پایین صفحه ۱۵ سانتی متر، و حاشیه بین دو لت روبه‌روی هم حدود ۵۰ سانتی متر است. حاشیه‌ای با این ابعاد بزرگ حکایت از آن دارد که توصیف فریزر از این قرآن واقعی بوده و او به درستی این دست‌نوشته را «عظیم» خوانده است. اما به هر حال دست نوشته‌ای در ابعاد ۳/۱۰×۱۷ /۲ متر، در رحلی که اولوغ‌بگ ساخته و ۲×۲/۳ متر اندازه دارد جای نمی گرفت. آیا چنین دست‌نوشته‌ای را می توان بر چنین رحلی جای داد؟ تفاوت اندازه طولی این دو ـ ۲/۳ متر در رحل و ۲/۱۷ متر در دست‌نوشته ـ چندان مشکل‌آفرین نیست؛ اما اختلاف اندازه دست‌نوشته و رحل ـ به ترتیب ۳/۱ و ۲ متر ـ به گونه‌ای است که اگر قرآن مذکور را بر این رحل قرار دهیم، از هر طرف ٦۱ سانتی‌متر بیرون از رحل می‌ماند. چنین چیزی چندان غیرممکن نیست، اما اگر در زمان ساخته شدن رحل مذکور، این قرآن در سمرقند بوده، چنین اختلافی باورنکردنی و غیرمنطقی است. در توضیح این پرسش باید گفت، یقیناً ابعاد داده شده برای رحل به پایه آن مربوط بوده و اندازه فضای (۷) شکل، که قرآن برآن قرار می گرفته، براساس قوانین موضوع بزرگ‌تر بوده است.

در تمامی صفحاتی که از این قرآن باقی مانده، متن تنها بر یک وجه نوشته شده و با توجه به صفحاتی که امکان معاینه آن‌ها وجود داشت، نشانه‌ای از نگارش بر پشت لت‌ها دیده نمی‌شود. به‌طور طبیعی قالبی که برای ساختن کاغذی در این قطعه مورد استفاده قرار می گیرد، باید بسیار بزرگ باشد و چنین قالبی را نمی‌توان در خمیر کاغذ فرو برد، در این صورت می‌بایست خمیر با ملاقه در قالب ریخته شود. در نتیجه به کارگیری این روش، وجه زبرین کاغذ به قدری ناهموار می‌شود که نوشتن بر آن غیرممکن است. در این حال وجهی که بر سینی قالب قرار گرفته و صاف بوده، برای نگارش مورد استفاده قرار گرفته است.

از این قرآن هیچ لت دوتایی سالمی باقی نمانده و نمی‌توان مطمئن بود که دسته‌بندی این اوراق به صورت بند، با در نظر گرفتن توالی و پیوستگی متن در هنگام قرائت، انجام شده باشد. در این صورت، متن تنها در لتِ دوتایی مرکزی پیوستگی دارد. اگر هر لتِ دوتاییِ دربرگیرنده متنی مرتبط و متوالی بوده، می‌بایَست آن را ، به منظور مطالعه لت بعدی، پس از خواندن از روی رحل برمی داشتند. چنین روشی، اگرچه غیرممکن نمی‌نماید، برای قاریان بسیار دشوار و پیچیده بوده است. در هرصورت، قطع بزرگ صفحات این قرآن، کار قرائت آن را مشکل و غیرمنطقی می سازد.

در برخی قسمت‌ها، تذهیب ساده اثر ـ خطوط طلایی و آبی برگرداگرد متن و تذهیب عناوین سوره‌ها ـ که متعلق به زمان کتابت آن بوده، بعدها با نقوش تزئینی با سبک و سیاق دوره قاجاریه تکمیل شده است.

این نقوش تکمیلی در صفحاتی که تصویرشان به‌چاپ‌رسیده، شامل نقش دسته‌های گل و پس‌زمینه‌ای طلایی رنگ است که برزمینه طبیعی اطراف متن نقش دندان موشی ایجاد کرده است. در یکی از قسمت‌هایی که مجدداً تذهیب شده و حاوی دو رقعه جدای به هم پیوسته است، نقش گلی شبیه به پر به زیبایی ترسیم شده، این تذهیب نیز، به رغم ظاهر عثمانی‌اش، متعلق به عصر قاجاریه است.

تاریخ متأخر

تاریخ تذهیبات تکمیلی قرآن بایسنقری، که قرن ۱۳ هـ ق را نشان می‌دهد، با سرگذشت این قرآن در دوره‌های بعدی آن مطابقت می کند. براساس گفته بسیاری از محققان، از جمله فریزر، اوراقی را که در قوچان بوده، در زمان فتح سمرقند به دست نادرشاه در قرن ۱۲ هـ ق، از این شهر خارج کرده‌اند. برخی براین باورند که این اوراق توسط سربازان شاه به غارت رفته باشد، آنان درپی باز پس گیری این اوراق بودند اما در این راه کاملا موفق نمی‌نمایند. بنابر یک نظریه دیگر، نادرشاه خود شخصاً این لت‌ها را از سمرقند خارج کرده است. به هر حال بخشی از این صفحاتِ به غارت رفته به امامزاده «شاه‌زاده بن علی بن موسی‌الرضا» در قوچان منتقل شد. این جابه‌جایی توسط حاکم کرد تبار قوچان، که خود در جنگ سمرقند شرکت داشته، انجام گرفته است.

حدود سال ۱۳۳۰ هـ ق، شاهزاده محمد هاشم افشار، وزیر آموزش خراسان، این اوراق را از خرابه قوچان به مشهد منتقل کرد. این لت‌ها، پس از زلزله سال ۱۳۱۳ هـ ق قوچان و تخریب امام‌زاده، بیش‌تر آسیب دید، به گونه‌ای که تنها ۷ لت از این قرآن سالم ماند. این لت‌ها را پس از مرمت قالب کرده و در کتابخانه آستان قدس مشهد، که از قبل ۵ لت دیگر این قرآن را در خود جای داده بود، به نمایش گذاردند. هنگامی که ناصرالدین شاه قاجار پیش از زلزله قوچان از این شهر دیدار کرد، فرمان داد تا دولت از این قرآن را به تهران آورده و پس از مرمت در موزه ملی، که احتمالاً همان کتاب‌خانه کاخ گلستان در سال‌های بعد محسوب می شود، قرار دهند. صفحات دیگری از این قرآن درموزه ایران‌باستان جای گرفته که یا متعلق به همان منشاء بوده و یا از مشهد منتقل شده است. این لت‌ها در مشهد، موزه ایران باستان و کتاب‌خانه کاخ گلستان جای گرفته، اما لت‌ها و رقعات دیگری از این قرآن وجود دارد، که در دیگر مجموعه‌های ایرانی نگهداری می شود. برخی از این رقعه‌ها احتمالاً از سمرقند و در زمان اشغال این شهر توسط نادر آورده شده؛ برخی دیگر نیز ممکن است به قوچان تعلق داشته باشد. دیگر رقعه‌ها هم احتمالاً پیش از چپاول قشون نادرشاه از این شهر، به عنوان سوغات به دیگر نقاط کشور برده شده است. در کتاب قاضی احمد مدارکی دراثبات این احتمال اخیر آورده شده است. او می گوید یک لت از قرآن عظیمی که توسط عمر آقتا برای تیمور کتابت شده در اختیار مولانا ملک قرار دارد. این شخص احتمالاً همان مولانا ملک دیلمی است که حدود سال‌های ۹٦۵ ـ ۹٦۳ هـ ق در مشهد اقامت داشته و قاضی احمد یکی از شاگردان او بوده است.

مطالعاتی که برنمونه‌ای از این مجموعه انجام شده نشانگر احتمال دیگری مبتنی بر آن است که برخی از این لت‌ها هرگز به قرآنی که در قرن نهم هـ ق کتابت شده، متعلق نبوده است.

نمونه‌ای دیگر شامل چهار رقعه دیگر بزرگ است که برش فضای متن، دو صفحه متوالی، چهار قسمت نامساوی به وجود آمده است. اگر این دو صفحه را مجدداً در کنار هم قرار دهیم، ابعاد فضای متن هر کدام ۹۷/۵×۱٦۸ سانتی‌متر خواهد شد، که دقیقاً با قطع صفحات قرآن بایسنقری مطابقت دارد. سبک و سیاق نگار این نمونه نیز به قرآنی که در قرن نهم کتابت شده، شباهت دارد. این همسانی در رسم علائم ارتانگاشتی هم دیده می‌شود. از جمله استفاده دایره به جای مربع در رسم علائمی که نشانگر اعراب و برخی از حروف است که جلاخورده، اما معاینات دقیق‌تر بر روی کاغذ نشان می‌دهد که این نمونه به قرن نهم هـ ق تعلق ندارد.

پایان



عشق

حاج علی اکبر صنعتی؛ بزرگامردی که او بود
موسس پرورشگاه

الهام حُرّی

چه زیباست رفتن از دنیا به شکلی صوری ولی هنوز باقی ماندن در دلها و یادها، در سنت پیامبر(ص) اعمالی به نام باقیات و صالحات موسوم است، اما عملاً تعداد معدودی از انسانها بعد از رفتن خود به دیار باقی همچنان نامشان جاودانه می‌ماند. افرادی که از مال و جان و آرزوهای خود برای رضایت پروردگار و بشریت می گذارند. آنانی که آسایش را از خود سلب نموده و با ناکامی‌ها و نامرادیهای روزگار می جنگند فقط به این دلیل که روحی رئوف و حنان و دلسوز دارند و دلی که با صفات خالقشان همسویی دارد.

از جمله افرادی که با جرات می توان او را در جرگه چهره‌هایی دانست که در دیار کریمان یادش در خاطره‌ها حک شده است حاج علی اکبر صنعتی است. حاج علی اکبر صنعتی شاید چهره‌ای ادبی و علمی نبود و در ابتدا نیز از ثروت کلانی برخوردار نبوده است، لکن روح والا و ایمان قوی و خصلت‌های نیکویش سبب شد تا منشا خدمات ارزنده‌ای در زمینه‌های اجتماعی و فرهنگی باشد.

حاج علی اکبر صنعتی موسس اولین پرورشگاه در کرمان حدوداً صد سال قبل، پرورشگاه صنعتی را در کرمان با تدابیر و زحمات فراوان برپا نمود او همچون پدری مهربان آنچنان عشق بلاعوض به یتیمان تقدیم کرد تا از آنانی که شاید در ابتدا هویتی نداشتند، استادان دانشگاه و اقتصاددانان و پزشکان و بازرگانان و هنرمندانی تربیت نماید و به جامعه تحویل دهد.

حاج علی‌اکبر در سال ۱۲۷۸ در کرمان متولد شد.او در سن هفت سالگی طعم یتیمی از ناحیه مادر را چشیده بود، بیشتر اوقات با گریه، سخنانی تأثرآور از رفتن مادرش و تنها ماندنش را بر همگان بازگو می‌کرد و همه را به گریه می‌انداخت و به همین علت کودکان یتیم را درک می‌نمود و می‌فهمید که محرومیت از مهر مادر و پدر یعنی چه؟ حاج علی‌اکبر مردی بسیار با عاطفه و مردم‌دار بود، او در جوانی در کاروان سرای هندوها تجارت شال و کُرک داشت و به منظور تجارت مسافرتهایی به چند کشور خارجی نمود. در ابتدای کارش با توجه به خصلت‌های انسان دوستانه‌ای که در نهادش بود لباس‌هایی از کرباس تهیه می‌کرد و به اطفال یتیم و فقرا می‌داد و به عده‌ای نیز کمک‌های مالی می‌رساند مخصوصاً در سال‌هایی که جنگ جهانی اول باعث فقر و فلاکت خانواده‌ها شده بود.

او، در اوج جوانی به بیماری ثقل سامعه (ناشنوایی) و پاره شدن پرده‌های گوش دچار شد و به همین دلیل همیشه فرزندش را با خود به همراه می‌برد تا کسانی که می‌خواستند با او درددل کنند به او کمک کند. او با نگاه به لب‌ها و حرکات صورتِ آنهائی که با او صحبت می‌کردند و از حرکات باز و بسته شدن لبان اشخاص کلماتشان را تشخیص می‌داد ولی همچنان امیدوارانه به همگان خدمت می‌کرد. از کودکیش که بخواهیم بگوییم: پدر او حاجی عبدالعلی پنبه‌فروش زمانی که به عزم سفر بیت‌الله الحرام، علی‌اکبر را در خانه آقا حسن بزاز سپرده و به سفری دور و دراز رفته بود هرگز توجه نکرد که فرزند بی‌مادرش را نزد چه مردمانی به امانت سپرده، علی‌اکبر تنهایی و یتیمی و بی‌کسی را در خانه آقا حسن بیشتر احساس می‌نمود خصوصاً اینکه او را در پستویی تاریک و نمناک منزل داده بودند و به گمانشان با غذایی مختصر که به او می‌دادند از او پذیرایی کاملی کرده‌اند چنان روزها از او کار می‌کشیدند که شبها آن کودک نحیف و لاغر از فرط خستگی بیهوش می‌شد، گاهی که مادر را در خواب می‌دید به او می‌گفت که مادر خیلی بد کردی که مرا تنها گذاشتی و رفتی.

فشارهای روزگار و بی‌کسی او را زودتر از اقتضای سن و سالش بیدار و هشیار ساخته بود. در جوانی نیز به خراسان و عشق‌آباد مسافرت کرد و در آنجا بود که به تجارت فیروزه مشغول شد. او آموزه‌هایش را مدیون مسافرتها و سکونت‌هایش در شهرهای جدید و معاشرتش با مردم می‌دانست. علی‌اکبر صنعتی با دستانی خالی از پول چنان با مردم به درستی و راستی رفتار می‌کرد که بدون مدرک و سند، آنچه جنس و پول می‌خواست همه با رضا و رغبت در اختیارش می گذاردند، اما در اوج پیشرفتش از روی غفلت دزدان دار و ندار او را شبانه به سرقت بردند و همین حادثه سبب شد، توقف در عشق‌آباد را جایز ندانسته و به سمت خراسان مراجعت کند.

او دل شکسته به حرم امام رضا(ع) پناه برده بود که تصادفا چشمش به یکی از دوستان که با او قبلاً معامله داشت می‌افتد، و وقتی حال و روزش را بازگو می‌کند، او را به کاروانسرایش می‌برد و به گاو صندوقش اشاره می‌کند، که هرآنچه پول می‌خواهی بردار و همچنین تا زمانی که اوضاعش بهبود یابد، از روی اعتماد مقداری فیروزه را به او امانت داد و از آنجا بود که وی مجدداً عازم کرمان شد.

مسعود نیکپور مدیر فعلی پرورشگاه صنعتی که از دوستان صمیمی مرحوم همایون صنعتی پسر عبدالحسین صنعتی که در واقع نوه حاج علی‌اکبر بوده است، به نقل از همایون صنعتی چنین می گوید:

خاطرات را از پدربزرگ که تعریف می‌کرد او را مردی بزرگ و مدبر می‌دانست و عنوان می‌دارد از دلایلی که مرحوم حاج علی‌اکبر کار پرورشگاه را شروع کرده بود، یتیمی ایشان بود، زمانی که او از مادر یتیم شد پدرش فوراً تجدید فراش می‌کند و همین سختی‌ها دوران یتیمی و چشیدن طعم یتیمی و کتک‌هایی که از حسن بزار در دوران حج رفتن پدرش خورده بود و مسافرتهایی که بعد از قهر با پدر به شهرها و کشورهای مختلف داشت سبب شد تا همیشه بدنبال این باشد که افراد بی‌بضاعت مخصوصاً یتیمان را شاد نماید و از آنان حمایت کند.

در زمان جنگ جهانی اول و هنگامی که علی‌اکبر با سیدجمال‌الدین اسدآبادی معاشرت می‌کند و حکایت زندگیش را برای سیدجمال تعریف می‌کند و می گوید: می‌خواهم خدمتی انجام دهم. سیدجمال‌الدین نیز به او پاسخ می‌دهد که اگر می‌خواهی کاری انجام دهی با توجه به روحیه‌ای که در تو می‌بینم و همچنین با ناشنوایی که داری، به حمایت یتیمان بپرداز.

علی‌اکبر که مردی با تفکر بود سخن اسدآبادی را ملاک خود قرار می‌دهد و به جمع‌آوری بچه‌های بی‌سرپرست می‌پردازد. او که در آن زمان شال‌بافی هم داشته است با تفکر بُردبُرد، شروع به کارکردن می‌کند و به بچه‌های یتیم هم شال‌بافی یاد می‌دهد و هم اینکه از فروش همان شالبافی کم‌کم سرپرستی کودکانی که جایی نداشتند را به عهده می گیرد.

نهایتاً حاج علی‌اکبر به مرحله‌ای می‌رسد که مدرسه‌ای برای یتیمان می‌سازد به نام مدرسهٔ صنعتی، تفکرات این فرد به دلیل اینکه خارج از ایران نیز سفر کرده بود بسیار به روز بود، چرا که همیشه به این مسئله می‌اندیشید که بچه‌ها را به گونه‌ای آموزشِ دهد که آنان علاوه بر علم‌آموزی صنعت را نیز عملاً یاد بگیرند و لذا به انقلابِ صنعتی اهمیت بسیار می‌داد و معتقد بود بچه‌ها صرفاً درس تئوری نیاموزند و مهارتهای فنی هم یاد بگیرند. بعدها در مدرسهٔ علی‌اکبر افراد متمول نیز برای ثبت نام کودکانشان اقدام می‌کردند. زیرا آگاه شده بودند که در این مدرسه سفال‌گری، رنگ‌رزی، کفش‌دوزی، آهنگ‌گری، و نقاشی و مجسمه‌سازی و کلاه‌بافی و... را نیز آموزش می‌دهند.

در زمان علی‌اکبر، کلاه‌هایی که بچه‌ها می‌بافتند به سربازان جنوبی که آن زمان در کرمان بودند، فروخته می‌شد و با همین پول کلاه‌بافی سرمایه‌ای اندوخته شد که با آن زمینی خریدند برای پرورشگاه. حاج علی‌اکبر حتی وسایل و امکانات ورزشی برای دبستانش تهیه کرده بود تا بچه‌ها از نظر امکانات ژیمناستیک و آموزش، مهارتهای خاص شهرهٔ عام و خاص باشند. مسعود نیکپور از زبان همایون خاطره‌ای می گوید، که روزی من دیر آمدم به خانه و علت دیر آمدنم نیز این بود که با یکی از دوستانم برای دیدن نمایش رفته بودم در حالی که پدربزرگش (حاج علی‌اکبر) خبر نداشت. وقتی که برمی گردد پدربزرگ را از شدت نگرانی عصبانی می‌بیند. پدربزرگ به او می گوید برو به اتاقت و کفشهایت را نیز دربیاور، حاج علی‌اکبر با تَرکه اَنار (چوب خیس خورده درخت انار) به سمت اتاق همایون می‌رود تا او را تنبیه کند ناگهان همایون می‌بیند که حاج علی‌اکبر با ترکه انار به کف پای خودش با شدت می‌زند و خودش را تنبیه می‌کند، همایون التماس می‌کند که پدر بزرگ چرا خودت را می‌زنی، مرا تنبیه کن. پدر بزرگ در آن هنگام همایون را می‌بوسد و معذرت خواهی می‌کند و به همایون می‌گوید: باباجون من به تو ظلم کردم و تو را درست تربیت نکردم خودم را تنبیه می‌کنم اما هرچند پای من سوخت ولی دل تو بیشتر سوخت از تو عذرخواهی می‌کنم.

اساس تربیت حاج علی‌اکبر بیشتر بر مثبت‌اندیشی بود. مرحوم سیدعلی‌اکبر صنعتی مجسمه‌ساز یکی از کودکانی بود که در پرورشگاه حاج علی‌اکبر به نبوغ رسید، زمانی که با گچی (زغالی) روی دیوار مدرسه نقاشی کرده بود، سرایدار داخل خوابگاه او را به باد ناسزا می‌گیرد، که چرا دیوار را خراب کرده‌ای. در همان موقع حاج علی‌اکبر از راه می‌رسد و موضوع را می‌فهمد سید علی‌اکبر را می‌بوسد و به او می‌گوید: (بابا چرا زودتر نگفتی که بلدی تا برایت کاغذ و قلم تهیه کنم) و او را به بهترین استادان جهت آموزش نقاشی معرفی می‌کند.

زمان رضاشاه که فامیل و شناسنامه داشتن هر شخص اجباری شد وجه تسمیه فامیل علی‌اکبر صنعتی اینگونه بود که چون تفکراتش آموزش مهارتهای جدید و صنعتی به کودکان یتیم پرورشگاه بود لذا فامیل خود و تمام کودکان زیرنظرش را صنعتی گذاشت تا بدینگونه همگان بدانند که ریشه و پایه پرورشگاه صنعتی از حاج علی‌اکبر صنعتی نشأت گرفته.

در حقیقت حاج علی‌اکبر از طریق فروش نیمی از خانه مسکونیش در حاشیه شهر زمینی می‌خرد که به شکل خندق بوده است و کار ساختمان‌سازی را جهت اسکان اطفال پرورشگاه شروع کرد ولی مأموران شهربانی بدلیل اینکه این مکان را جهت ساختن زندان مناسب می‌دانستند از کار او جلوگیری نمودند و حاکم کرمان نظر مقامات نظیمه را تأیید و امر به زندان شدن این مکان می‌کند. علی‌اکبر در جواب حاکم کرمان می‌گوید، که من می‌خواهم کاری کنم که زندان لازم نداشته باشیم زیرا بیشتر کسانی که کارشان به زندان می‌افتد همان بچه‌های بی‌سرپرستند که مربی ندارند و سرانجام با تلاش پسرش عبدالحسین و اقامت ٦ ماهه او در تهران هم حکم عزل حاکم کرمان را می‌گیرد و هم حکم پرورشگاه شدن زمین را بدست می‌آورد.

حاج علی‌اکبر با فروختن قسمت دیگر منزلش با زن و فرزندش در همان زمین اقامت می‌گزیند تا دیگر دولت، جلوی زمینش را نگیرد و با ساختن یک اتاق برای زندگی خود و یک اتاق برای بچه‌های یتیم در آن زمان مسئولیت هفت کودک را به عهده می‌گیرد ولی بعد این تعداد به ۳۰ نفر می‌رسند که کم‌کم بچه‌های یتیم را در سطح شهر جمع‌آوری می‌کردند تا تعداد آنها به صد نفر افزایش می‌یافت. او همیشه در جواب افرادی که از سخنان نامربوط مخالفینش خبر می‌آوردند، می‌گفت: (خدایا شکرت کَرَمْ کردی، کَرَمْ کردی)

نیکپور یادآور می‌شود: مرحوم علی‌اکبر صنعتی براساس اصطلاح امروز از خرد جمعی و انرژی جمعی در مسیر رسیدن به اهدافش استفاده می‌کرده است و از ابتدای راه‌اندازی پرورشگاه، اعضای پرورشگاه را از بزرگ‌ترین مسئولین شهر انتخاب می‌کرد و بعنوان مثال استاندار وقت رئیس هیات مدیره بود که به او بابا حاجی می‌گفتند و رئیس فرمانده نظامی شهر همچنین رئیس دادگستری و رئیس اداره ثبت نیز جز هیات مدیره پرورشگاه به شمار می‌آمدند.. حتی هنگامی که قرار بود برای بچه‌های یتیم شناسنامه بگیرند، چون رئیس اداره ثبت از هیات امنا پرورشگاه بود علی‌اکبر به او سفارش کرد که اینها بچه‌های من هستند پس فامیل آنها را صنعتی ثبت کن.



نیکپور ادامه می‌دهد، ساختمان پرورشگاه مطابق با استانداردهای روز ساخته شده است، بدین شکل که اتاق مربی در وسط دو خوابگاه قرار گرفته است تا مربی اشراف کامل به کودکان داشته باشد. این اتاق که از چهار طرف شیشه‌ای می‌باشد سبب احاطه مربی بر همه حرکات و رفتار بچه‌هاست. در همه اتاقهای پرورشگاه روی تخت‌ها چراغ مطالعه نصب شده است.

البته بعد از انقلاب بعضی نهادها از جمله بهزیستی و آگاهی و آموزش و پرورش این فضا را اشغال کرده بودند ولی توسط سردار بنی‌اسدی که مدیرعامل پرورشگاه محسوب می‌شد و در جبهه با همایون صنعتی نوه حاج علی‌اکبر آشنا شده بود، آرزوی همایون را که می‌خواست جایگاه پرورشگاه را پس بگیرد برآورده می‌کند و از سال ۱۳۸٦ تا ۱۳۸۸ از طریق دادگاه اقدام می‌کند و ثابت می‌کند که این ملک شخصی و از فروش منزل حاج علی‌اکبر بدست آمده است و قسمتی را که از طرف دولت به علی‌اکبر داده شده بود جدا می‌کنند. بعد از این قضیه هم اکنون هر خوابگاه به صورت ۲۵۰متر فضای باز برای ۱۲ تا ۱۵ بچه در نظر گرفته شده است. اما در گذشته ۱۵۰ متر به شکل سالن بود که ۳۰ تا ٤۵ نفر از بچه‌ها در آنجا مستقر بودند. در حال حاضر در خوابگاه پسرانه کرمان ۱۲۰ نفر و در خوابگاه دخترانه فاطمه‌الزهرا که در بم واقع شده است ۵۷ نفر دختر جای داده شده است و امسال نیز مجوز خوابگاه دخترانه از ۳ تا ۷ سال به بالا در شهر کرمان گرفته شده است.

یکی از خیرین کرمان نیز بنام حاج محمد صنعتی می گوید، اولین بار حاج علی‌اکبر صنعتی یتیمان را که تعدادشان به ۸ الی ۱۰ نفر می‌رسیده است در مکانی روبرویِ مسجد آقا غلامعلی نگهداری می‌کرده است که بعداً به سینما تابان تبدیل شد.

وی به نقل از مرحوم باستانی پاریزی نیز می گوید: «چون در آن زمان وسایل مکانیکی به صورت مدرن موجود نبود، لذا حاج علی‌اکبر صنعتی به کارگردان امر می‌کرد که زمین پرورشگاه را تا بیل خور، دارد بکنید و پا بیل کنید تا در نهایت ساختمان محکم شود».

وارد فضای پرورشگاه که شدم بوی معنویت و علم و عشق را می‌توانست احساس کرد این سه کلمه مکمل یکدیگرند و لذا حاج علی‌اکبر با این کلمات پرورشگاهی را در اوج کمال پدید آورد که هم اکنون نیز مهد کودکان یتیم است یتیمانی که باز هم به پاس قدردانی از فکر و دستان پر مهر حاج علی‌اکبر در پنج‌شنبه‌های آخر هر سال بر مزار او جمع می‌شوند تا یاد او را گرامی دارند و این در حالی است که با وجود امکانات فراوان باز هم کمبود وجود حاج علی‌اکبر صنعتی احساس می‌شود و بوی یتیمی از پدری مهربان به مشام می‌آید.

حاج علی‌اکبر در سال ۱۳۱۸ درگذشت و در محل کتابخانه موزه صنعتی دفن گردید. بر سنگ قبر او این متن کوتاه حک شده است:

بعد از وفات تربت ما، در زمین مجوی
در سینه‌های مردم عارف مزار ماست

آینه

دکتر محمدکاظم حسینیان

صفحه‌ای از رشادت‌های ایران درجنگ

ماموریت غیر ممکن



پس از ارزیابی شرایط جنگ و ضرورت حمله هوایی به عراق، تصمیم کلی بر این شد که حمله به هر شکل ممکن صورت بگیرد. در تمام طول مسیر، جدای از موشک‌های زمین به هوا و توپ‌های ضدهوایی، هواپیماهای ره‌گیر عراقی نیز وجود داشتند که در صورت حمله، با توجه به برتری تعداد آن‌ها نسبت به هواپیماهای مهاجم ایرانی، بدون شک ادامه عملیات را برای هواپیماهای ایرانی غیرممکن می‌ساختند. چرا که عبور جنگنده‌های ایرانی از عرض کشور عراق و رسیدن به دورترین نقطه خاک این کشور مسأله‌ای نبود که از چشم رادارهای عراقی پنهان بماند. با توجه به این مسائل، احتمال یک حمله غافل‌گیرانه از طرف ایران منتفی و غیرممکن انگاشته می‌شد. اما در این سو، افسران نیروی هوایی ایران باور دیگری داشتند. خلبانان ایرانی مصمم بودند تا این عملیات را به هر طریق ممکن به انجام رسانند. به این ترتیب، پایگاه هوایی نوژه همدان، آبستن یکی از رویدادهای بزرگ جنگ شد. در این پایگاه، افسران نیروی هوایی به طراحی یکی از شگفت‌انگیزترین و جسورانه‌ترین حملات هوایی تاریخ پرداختند.

مأموریت، غیرممکن

تنها، ضعفِ نیروی هوایی عراق ـ برخلاف تبلیغات ادعایی ـ مانع شده بود تا آبادان که از سه سو در محاصره نیروهای زمینی عراق بود، سقوط نکند. راهبران وقت ارتش عراق که هنوز خاطره حمله ۱۴۰ فروندی روز اول جنگ را فراموش نکرده بودند، به این فکر افتادند که شاید در آستانه عملیات تصرف آبادان، پایگاه‌های هوایی آن‌ها مورد هدف عقابان تیزپرواز نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد. از این رو سیل کمک‌های پشتیبانان غربی و شرقی صدام در تقویت نیروی هوایی آن کشور، به نقطه‌ای منتقل شد که هیچ اسکادران از جان گذشته ایرانی نتواند به آن جا برسد و آن را هدف قرار دهد.

۲۱ دی ماه ۱۳۵۹ بود که عراق بخشی از هواپیماهای عملیاتی خود (حداقل دو اسکادران شامل ده هواپیمای توپولف ـ۲۲بی و حداقل ازمیگ ـ۲۳ و سوخو ـ۲۰) را به پایگاه الولید در غرب عراق انتقال داد. این پایگاه خود به یک پایگاه اصلی و دو پایگاه فرعی تقسیم می‌شد که به آن «اچ ـ۳» می‌گفتند و از پدافند قدرت‌مندی نیز برخوردار بود. در همین زمان صدام حسین با ظاهر شدن در صفحه تلویزیون عراق، نطق پرهیجانی ایراد کرد و در آن اشاره نمود که: «من دیوار آتش دارم و ایران به هیچ وجه نمی‌تواند به خاک ما نفوذ عمقی کند».

پانزدهم بهمن ماه ۱۳۵۹، در نشست فرماندهان نیروی هوایی، سرتیپ خلبان جواد فکوری، وزیر دفاع و فرمانده زبده و شجاع وقت نیروی هوایی، پیشنهاد حمله به الولید را مطرح کرد. این پیشنهاد با شگفتی حاضران روبه‌رو شد. فکوری که خود سال‌ها در مصدر مسئولیت‌هایی هم چون فرماندهی عملیات گردان ۱۰۲ شکاری، گردان یکم شکاری، گردان پرواز کور و عملیات تیپ سوم شکاری بود از بخش ویژه طرح‌های نیروی هوایی خواست بر روی طرح‌ریزی این عملیات کار کنند؛ اما همان‌طور که انتظار می‌رفت، نتیجه مأیوس‌کننده بود: درصد موفقیت در این کار چیزی در حد صفر است.

هرچند دو طرح پیشنهاد شد ولی با درصد خطر بالایی که داشتند انجام آن‌ها منطقی به نظر نمی‌آمد.

نمایی از وضعیت

عملیات باید کاملاً غافل‌گیرانه انجام می‌شد تا فانتوم‌های ایرانی از مزاحمت ره‌گیرهای عراقی و ضدهوایی‌ها در امان باشند، چرا که در این راه طولانی، هر مانعی می‌توانست اجرای عملیات را متوقف کند. از این رو آن‌ها باید در تمام طول مسیر در ارتفاعی پایین (۲۰ تا ۳۰ متری) پرواز می‌کردند تا از دید رادارهای دشمن پنهان بمانند.

این نخستین مشکل بزرگ عملیات بود چرا که عبور از روی شهرهای عراق نزدیک به غیرممکن بود و باید این راه طولانی بر روی خط مرزی عراق و ترکیه طی می‌شد؛ راهی کوهستانی. در حالت عادی، پرواز در ارتفاع پایین به قدرت و مهارت بسیاری نیازمند است اما پرواز در ارتفاع پایین بر فراز منطقه‌ای کوهستانی تقریباً به کاری غیرممکن می‌ماند که تنها از عهده خلبانانی برمی‌آید که دارای مهارت و سرعت واکنش بالایی باشند.

تصور غیرممکن بودن چنین کاری چندان دشوار نیست. در حالت رانندگی با اتومبیلی با سرعت ۲۰۰ کیلومتر بر ساعت، بسیاری از مواقع راننده پس از مشاهده مانعی در برابر خود به سختی می‌تواند از خود واکنش نشان دهد. زمانی که چشم انسان موفق به دیدن مانعی در برابر خود می‌شود و مغز دستور واکنش اعضای بدن را از قبیل گرفتن کلاچ، فشار بر روی ترمز یا ... صادر می‌کند، اتومبیل با سرعت ۲۰۰کیلومتری خود عملاً به مانع رسیده است و برخورد، اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌کند. حال وضعیتی را تصور کنید که خلبان نگهبان با دیدن قله‌ای در برابر خود سعی در بالا کشیدن هواپیما می‌کند. طی چند ثانیه خلبان باید هواپیما را از فراز مانع عبور دهد در حالی که با ۲/۵ برابر سرعت صوت به سمت آن در حرکت است. این توضیح می‌تواند دشواری پرواز بر فراز کوهستان در ارتفاع پایین را نشان دهد.

عملیات اگر فقط همین مشکل را هم داشت به اندازه کافی غیرممکن به نظر می‌رسید اما مسأله دیگری وجود داشت که مهم‌ترین چالش پیش روی عملیات بود. هیچ هواپیمایی به علت محدودیت سوخت نمی‌توانست چنین مسیر طولانی را رفته و بازگردد. پس در حین عملیات و بر فراز آسمان عراق که نفوذ با جنگنده‌ها هم در آن به اندازه کافی دشوار بود می‌بایست یک بویینگ برای رساندن سوخت به فانتوم‌ها با آنان همراه می‌شد. آیا یک بویینگ می‌توانست خود را از دید رادارها مخفی کند؟ سرعت بویینگ بسیار کم‌تر از سرعت هواپیماهای جنگنده است بنابراین فانتوم‌ها نمی‌توانستند همراه این هواپیماهای غول‌پیکر حرکت کنند و در تمام طول مسیر از آن در برابر جنگنده‌های عراقی محافظت کنند. حال اگر بویینگ در هر مرحله از عملیات توسط عراقی‌ها هدف قرار می‌گرفت تکلیف فانتوم‌ها چه بود؟ اصولاً آیا یک بویینگ ۷۰۷ بختی برای گذشتن از مرز عراق و رسیدن به نقطه‌ای که باید سوخت‌گیری در آن انجام می‌شد داشت و یا در همان مراحل آغاز عملیات، هدف هواپیماهای ره‌گیر عراقی قرار می‌گرفت؟

برابر برنامه‌ریزی عملیات، پس از اولین نوبت سوخت‌گیری، هواپیماهای مادر باید صبر می‌کرد تا فانتوم‌ها عملیات‌شان را بر فراز اچ ـ۳ انجام دهند و در راه بازگشت که این بار دیگر عراقی‌ها هوشیار شده بودند دوباره عملیات سوخت‌گیری هوایی را انجام می‌داد. در هر مرحله‌ای از عملیات امکان داشت واقعه ناخوشایندی برای هواپیمای سوخت‌رسان که ذاتاً بی‌دفاع بود رخ دهد در حالی که سرنوشت فانتوم‌ها با سرنوشت بویینگ کاملاً گره خورده بود.

و آخرین مشکل عملیات نیز به اندازه دو مشکل یاد شده مهیب بود؛ شاید فانتوم‌های ایرانی می‌توانستند لحظه‌ای که بر فراز اچ‌ـ۳ ظاهر می‌شوند نشانه‌ای از یک حمله هوایی را آشکار نکنند، اما پس از آن و در راه بازگشت مسلماً عراقی‌ها که دیگر از حمله آگاه شده بودند ره‌گیرهای پرشمار خود را به دنبال فانتوم‌ها می‌فرستادند و هواپیماهای ایرانی در این جا نیز باید خطر بزرگی را می‌پذیرفتند.

این مشکلات بود که طرح را در نگاه اول به یک داستان علمی ـ تخیلی شبیه می‌کرد تا یک عملیات هوایی در شرایط جنگ واقعی.

طرح نهایی

هنگامی که دو طرح نخست به خاطر نیاز به حضور پرشمار جنگنده‌ها (جهت دفاع از هواپیمای مادر) منطقی به نظر نرسید و رد شد، سرتیپ خلبان، بهرام هوشیار طرحی کوچک‌تر و عملیاتی‌تر را به صورت محرمانه با سرتیپ فکوری مطرح کرد. فکوری که خود از تئوریسین‌های برجسته و یکی از بهترین خلبان‌های فانتوم به شمار می‌رفت، پس از مطالعه، آن را با تغییراتی کوچک عملی دانست و موافقت خود را با آن اعلام کرد. این زاده محله چرنداب شهر تبریز، به دلایل امنیتی شروع عملیات را از پایگاه نوژه به صلاح می‌دانست تا پایگاه شکاری تبریز. طرح، کلید خورد ولی به خاطر خطر بالایی که اجرای این عملیات داشت در هیچ جا از آن سخن نرفت. عدم کام‌یابی ایرانیان در این عملیات که خود آن‌ها ـ برای فرو ریختن چهره تبلیغی صدام ـ خوستار اجرایش بودند، می‌توانست بهره‌برداری سیاسی و تبلیغی دولت عراق را درپی داشته باشد...

از این رو در نشستی که شورای فرماندهی نیروی هوایی در نیمه دوم اسفند ماه داشت و در آن از وضعیت جبهه‌های جنگ، استقرار نیروهای ایرانی و عراقی و ... سخن می‌رفت، شهید فکوری، شکست طرح‌های حمله به اچ‌ـ۳ را اعلام کرد. دقیقاً پس از پایان همان نشست، سرهنگ (سرتیپ بعدی) فرج‌الله برات‌پور که از معاونان عملیات یکی از پایگاه‌های هوایی و از خلبانان برجسته بود به دفتر فرماندهی نیروی هوایی احضار شد و از سوی سرتیپ فکوری اجرای این مأموریت سری، مهم و حیاتی به ایشان ابلاغ شد. با وجود تمامی مشکلات یاد شده و با وجود این چنین عملیات جسورانه‌ای تا به حال توسط هیچ کشوری در جهان انجام نشده بود، افسران زبده ایرانی به اجرای آن مصمم بودند. حال ایرانی‌ها می‌رفتند تا عملیاتی را به انجام رسانند که در صورت موفقیت به یک اسطوره در تاریخ جنگ‌های هوایی بدل می‌شد...

در نهایت پس از بررسی‌ها و برنامه‌ریزی‌های دقیق توسط گروه کوچک طرح عملیات، روز سرنوشت‌ساز فرا رسید.

مأموریت آغاز می‌شود

در ساعت یک بامداد روز ۱۵ فروردین ماه سال ۱۳۶۰ خلبانان منتخب و افسران کنترل رادار (کمک خلبان‌ها)، بدون اطلاع قبلی، به جایگاه فرماندهی فراخوانده شدند. آن‌ها همگی از بهترین‌های نیروی هوایی ایران بودند. علت حضور برجسته‌ترین خلبانان نیروی هوایی برای این عملیات آن بود که اگر فرمانده کارکشته دسته پروازی مورد هدف قرار گرفت، خلبانان حاضر مهارت این را داشته باشند که خود، هدف را پیدا و آن را منهدم کنند. در میان آن قهرمانان جوان، دو چهره شاخص خودنمایی می‌کرد، چهره‌هایی که بارها تصویرشان بر روی جلد مجله‌های نظامی آمریکا به چاپ رسیده بود و دولت عراق برای کشتن‌شان جایزه تعیین کرده بود.

یکی، سرگرد محمود خضرایی بود؛ خلبان باسابقه که پیش از انقلاب، فرمانده دایره عملیات گردان شکاری پایگاه هوایی بوشهر بود. چهره این زاده محله گرگان تهران (۱۳۲۶)، برای دوره‌دیدگان پایگاه ریس آمریکا کاملاً شناخته شده بود. وی بعدها به مدت دو سال فرمانده همین پایگاه (پایگاه شکاری همدان) که قطب مهم این رسته به شمار می‌آید،شد. اما دیگری، سرگرد حسین خلعتبری مکرم معروف به حسین ماوریک بود؛ نابغه‌ای جنگی و خلبانی توانمند در هدایت هواپیمای اف ٤. او چهار ماه پیش از این به همراه هم‌رزمش، عباس دوران، نیروی دریایی عراق را فلج کرده بود (در روزی که بعدها در تقویم ما به نام روز نیروی دریایی نامیده شد، گروه آن‌ها با همکاری ناوچه پیکان ـ که غرق شد و ناخدایش هم به شهادت رسید ـ توانستند ناوهای اوزا، ناوهای مین‌جمع‌کن، ناو نیروبر و چندین اژدرافکن به ارزش کلی ۲٤۰ میلیون دلار را هدف قرار دهند. عراق تا پایان جنگ نتوانست نیروی دریایی خود را به توان اولیه برساند. خلعتبری در انهدام ناوهای نیروی دریایی عراق به ویژه ناوهای اوزا آن قدر شجاعت و مهارت از خود نشان داده بود که به شکارچی ناوهای اوزا مشهور شده بود.) او که به عنوان یکی از شاگردان موفق و ممتاز دانشگاه شپارد تگزاس در فراگیری علوم خلبانی اف ـ٤ شهره استادان آن دانشگاه بود، برابر اظهارات متخصصان پرواز، در استفاده از هواپیمای اف ـ٤، انجام مانورها و عملیات‌های جنگی، انهدام هدف و شلیک موشک ماوریک همتا نداشت؛ این زاده روستای بصل کوه رامسر (۱۳۲۸)، آن قدر در مهار هواپیما و شیرجه‌های پروازی مهارت داشت که در هر شیرجه‌ای می‌توانست چند هدف را هم‌زمان منهدم کند.

بی‌درنگ نشست توجیهی انجام شد و کلیه موارد و چگونگی انجام این عملیات برای آنان تشریح شد و قرار بر این شد که فانتوم‌ها به دو دسته ٤ فروندی تقسیم شوند. راهبر یکی از دسته‌ها سرهنگ برات‌پور و راهبر دسته دیگر، سرهنگ (سرتیپ بعدی) فرهادپور بود. در پایان نشست، از سوی برات‌پور، فرمانده دسته پروازی، اعلام شد که احتمال شهادت در این عملیات بالاست و اگر هر کدام از حاضران به هر دلیلی آمادگی ندارند، اعلام کنند تا نفر جایگزین در فهرست اصلی قرار گیرد ... اما، همه اعلام آمادگی کردند. پس از انجام فریضه نماز و با روشن شدن هوا، عملیات آغاز شد.

این عملیات به قدری دقیق پیش‌بینی شده بود که از شب قبل هواپیماهای هر گروه پروازی نیز مشخص شده بودند. بعد از اعلام شماره هواپیماها از سوی گردان نگه‌داری، خلبانان یکی پس از دیگری در کابین جای گرفتند و این در حالی بود که خود کارکنان گردان نگه‌داری هم از جزئیات این عملیات خبر نداشتند.

به این ترتیب ۱۰ فروند هواپیمای اف ـ٤ در سکوت کامل رادیویی به پرواز درآمدند. در طول انجام این عملیات، تنها دو بار سکوت رادیویی شکست؛ یکی هنگام پرواز که هر هواپیما پس از بلند شدن از روی باند شماره‌ی خود را اعلام می‌کرد و بار دیگر پس از پایان عملیات سوخت‌گیری [اول]، که هر کدام رمزی را اعلام می‌کردند. پس از پرواز، فانتوم‌ها مسیر خود را به سمت دریاچه ارومیه پیش گرفتند و در حالی که هوا ابری بود، در ارتفاع پست به دو فروند تانکر سوخت‌رسان ۷٤۷ نزدیک شدند و اولین مرحله سوخت‌گیری با موفقت کامل پس از گذشت ۲۰ دقیقه انجام شد. سپس فانتوم‌ها به سمت غرب حرکت کردند تا در ارتفاع پایین و از شمال‌شرق و از فراز کوه‌های آرارات وارد منطقه مشترک مرزی عراق و ترکیه شوند.

در همین هنگام، دو فروند اف ـ ۵ از پایگاه هوایی تبریز به سمت پالایشگاه کرکوک به پرواز درآمدند و در یک یورش موفق، این پالایشگاه را بمباران کردند.

هواپیمای سوخت‌رسان

در جایی بسیار دورتر، در فرودگاه لارناکا در قبرس، یک هواپیمای بویینگ ۷۰۷ متعلق به هواپیمایی ملی ایران (هما) ساعتی قبل وارد فرودگاه شده بود و طبق برنامه‌ریزی قبلی آماده می‌شد تا بدون مسافر به تهران بازگردد. اما پیش از آن که هواپیما باند فرودگاه را ترک کند، دو مأمور اطلاعاتی ایران که همراه مسافران این پرواز، همان روز وارد قبرس شده بودند به داخل کابین خلبان رفتند و با خلبان هواپیما به گفتگو نشستند.

خلبان ـ با این که از خلبانان قدیمی و کارکشته هواپیمایی ملی ایران به شمار می‌رفت ـ نمی‌توانست چیزی را که می‌شنود باور کند. از نظر او، انجام چنین کاری دیوانگی محض بود و بخت موفقیت چیزی در حد صفر جلوه می‌کرد. طراحان عملیات با خود چه فکری کرده بودند؟ این نقشه به فیلم‌نامه فیلم‌های هالیوودی شباهت داشت و فقط با جادوی سینما و بر روی پرده نقره‌ای امکان تحقق داشت. اما او حتی به یاد نداشت که در فیلم‌های سینمایی هم چنین چیزی دیده باشد. جدای از این مسأله، او یک خلبان غیرنظامی بود و هیچگاه تصور نمی‌کرد روزی در یک عملیات نظامی نقشی داشته باشد. اما اکنون، در کمال ناباوری خود را در بطن یکی از شگفت‌انگیزترین نبردهای هوایی جهان می‌یافت که همه چیز آن، به عملکرد او بستگی داشت. دقایقی بعد بویینگ ۷۰۷ هواپیمایی ملی ایران، پس از اطلاع مسیر خود به برج مراقبت فرودگاه لارناکا از زمین برخاست و ظاهراً به سمت تهران و در واقع به سوی یکی از سرنوشت‌سازترین جنگ‌های هوایی دنیا شتافت.

سوخت‌گیری روی آسمان دشمن

در این هنگام فانتوم‌ها در نزدیکی مرز قرار داشتند و در ساعت ۷ و ۵۸ دقیقه با رسیدن به نقطه صفر مرزی، به دو دسته ٤ فروندی تقسیم شدند و ۲ فروند جانشین نیز بازگشتند (در جمع ۸فروند؛ ٦ فانتوم «ای» و ۲ فانتوم «دی» وارد عراق شدند). فانتوم‌ها در چینش ٤ تایی با فاصله ۵۰۰ پا از یکدیگر، از شهر مرزی زاخو گذشتند، ارتفاع خود را به پایین‌ترین سطح ممکن رسانده و وارد خاک عراق شدند. سپس بر روی نوار مرزی عراق و ترکیه به مسیر خود ادامه دادند.

برنامه‌ریزی عملیات به طرز دقیقی صورت گرفته بود و در زمانی مشخص هواپیمای بویینگ می‌باید بر فراز کوهستان‌های مرکزی ترکیه و عراق با فانتوم‌ها دیدار می‌کرد. هواپیمای سوخت‌رسان در تماس با فرودگاه‌های قبرس و آنکارا وانمود کرد که مسیرش را گم کرده و در حال مسیریابی مجدد است. در ساعت مقرر تانکر سوخت‌رسان با فانتوم‌ها در همان نقطه پیش‌بینی شده روبه‌رو شد. فانتوم‌ها توانسته بودند با سکوت رادیویی و پرواز در ارتفاع پایین، خود را از دید رادارهای عراقی پنهان دارند. ظاهراً چندین‌بار هواپیماها در رادارهای عراقی و ترکیه‌ای ظاهر شدند اما عراقی‌ها تصور کردند هواپیماها متعلق به نیروی هوایی ترکیه است که مشغول گشت‌زنی در طول مرزهای‌شان هستند. این اشتباهی بود که پایش گران (کنترلرهای) زمینی ترکیه نیز مرتکب شدند.

هرهشت هواپیما که سوخت‌شان پس از طی مسیری طولانی در حال اتمام بود به طور منظم عملیات سوخت‌گیری هوایی را در ارتفاع بالا انجام دادند و سپس با بازگشت به ارتفاع پایین، با شتاب به سوی هدفی رهسپار شدند که بی‌صبرانه انتظارشان را می‌کشید. هواپیمای بویینگ نیز با احتیاط کامل مشغول گشت‌زنی در طول مسیر شد تا در بازگشت، دوباره عملیات پرخطر سوخت‌رسانی به فانتوم‌ها را انجام دهد. در آن سو، فانتوم‌ها در حالی که خلبانانش می‌توانستند کوچک‌ترین حرکت بر روی زمین را با چشم غیرمسلح ببینند به سمت اچ ـ ۳ در حرکت بودند.

ادامه دارد



علم

نوشتاری‌از استاد دکتر رضا داوری‌اردکانی-۲

ماوعلم

خوشبختانه دانشمندان در زمان ما و کم و بیش به وضع خود و به آنچه بر دانش و پژوهش می‌گذرد توجه گردش چرخ امور کشور جانشینی شایسته برای روشنفکران باشند باید به دولت‌ها و مردمان بگویند که بر سر جهان و آدمی چه آمده است و از امکان‌های آینده و آسیب‌ها و مصیبت‌هایی که در راه است چگونه می‌توان بهره برد و پرهیز کرد.

۲ـ در جهان توسعه نیافته دانشمند هست و گاهی تعداد دانشمندان بسیار بیشتر از نیاز کشورها است و به این جهت بسیاری از آنان و متأسفانه بسیاری از بهترین‌هایشان به کشورهای توسعه یافته می‌روند و در آنجا چون مجال پژوهش و پیشرفت دارند قدرشان مجهول نمی‌ماند. درد بزرگ همه کشورهای در حال توسعه و بخصوص ما که آموزش عالی را در این سال‌ها توسعه داده‌ایم این است که ارقام بسیار بزرگی از درآمد ملی امان صرف تحصیل جوانان نخبه‌ای شود که برای ادامه و تکمیل تحصیل علم به خارج می‌روند و بسیاری از آنان باز نمی‌گردند. این درد برخلاف آنچه در گفتارهای اهل تدبیر و سیاست اظهار می‌شود با اتخاذ تصمیم‌ها و سیاست‌های ناظر به پیشبرد و توسعه علم درمان نمی‌شود و شاید در کوتاه مدت زمانی نداشته باشد. زیرا نیاز ما به دانشمند در قیاس با دانشمندانی که هستند خوشبختانه تعدادشان پیوسته افزایش می‌یابد کمتر است و اگر نیاز داشتیم کمتر می‌رفتند و بیشتر آنها که می‌رفتند باز می‌گشتند.

در کشور ما دانش و دانشمند هست اما دانش، بنیاد ندارد. اصلاً بهتر است بگوییم در جهان توسعه نیافته علم و فرهنگ و تکنولوژی و اقتصاد و سیاست جزیره‌های جدا افتاده‌ای هستند که نسبت و تناسبی میانشان نیست. رسم غالب مدیریت هم، صرفنظر از اغراض شخصی و گروهی و فسادی که کم و بیش در همه جا هست و مدام وسعت می‌یابد و پریشانی و آشفتگی را بیشتر می‌کند.

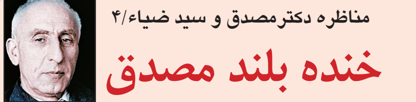
بازی مدام با مقررات و آئین‌نامه‌های رنگارنگ احیاناً ناسخ و منسوخ است. در چنین وضعی مدیریت به جای اینکه در اندیشه حل مسائل و رفع مشکلات باشد خود مدعی مردم و به طور کلی مدعی هر شخص حقیقی یا حقوقی است. سازمان‌های اداری در جهان توسعه نیافته گر چه در صورت ظاهر به بوروکراسی جدید شباهت دارند سنت موروث دیوان‌های سلاطین را کم و بیش حفظ کرده‌اند و به این جهت وظیفه خود را نه خدمت به مردم بلکه طلبکاری از آنان می‌دانند و به نام اجرای قانون و مقررات در کارها خلل و وقفه ایجاد می‌کنند. با این تلقی و روش و رویّه نه فقط کار مردم معطّل می‌ماند بلکه اگر نظمی هم بوده است و باشد از هم می‌پاشد و قانون به پوسته خشکی مبدل می‌شود که دیگر راهگشا و کارساز نیست بلکه راه‌های کارسازی را می‌بندد. در این وضع مردم بی‌آنکه خود بدانند و توجه داشته باشند حرمت قانون در روح و جانشان شکسته می‌شود و رعایت آن مهمل می‌ماند. در نظام‌های تاریخی همه امور زندگی مردم به هم بسته‌اند چنانکه اگر نقص و خللی در جایی وجود داشته باشد در جاهای دیگر نیز اثر می‌کند یا ظاهر می‌شود. درست بگوییم نارسایی و نقص در نظام کنونی زندگی، شبیه به بیماری است که هر چند ممکن است عارض عضوی از اعضای بدن باشد کل وجود بیمار را از کار می‌اندازد. دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی باید به این وضع و نسخه‌هایی که برای علاج آن نوشته می‌شود توجه کنند.

۳ـ می‌گویند میان علم ما و اقتصاد تو تکنولوژی و مدیریتمان فاصله افتاده است و البته راست می‌گویند ولی کاش می‌دانستند که این جدایی ناشی از اشتباه و خطا در تصمیم‌گیری سیاسی نیست بلکه جدایی تاریخی است که به آسانی رفع نمی‌شود. ما دانشمندان بزرگ داریم که از عهده پژوهش‌های بزرگ برمی‌آیند اما اثر و دخالتشان در گردش چرخ زندگی و در صنعت و کشاورزی و مدیریت بسیار ناچیز است و اگر بعضی از آنان در سیاست وارد می‌شوند و به مقام‌های سیاسی دست می‌یابند شاید بتوان این وضع نه چندان عادی و مطلوب را عذرخواهی جامعه از ایشان دانست. عذرخواهی از اینکه نتوانسته است مأموریت و وظیفه‌ای را که دانشمندان می‌توانند و باید انجام دهند به آنها واگذارد.

بسیار آسان است که بگوییم دانشمندان مهاجر را به کشور باز باید گرداند و موانع حائل میان علم و تکنولوژی را از میان باید برداشت. در عالم انتزاع پیداست که نخبگان علمی، نباید از کشور بروند و اگر می‌روند نباید در کشورهای دیگر بمانند و به حکم وظیفه اخلاقی باید به کشورشان بازگردند. علم هم باید در توسعه کشور دخیل باشد. این حرف‌ها چندان درست است که در آنها تردید نمی‌توان کرد اما با گفتن و تکرار سخنانی که مسلم می‌نمایند و برای قبول آنها نیازی به فکر کردن نیست، مشکلی گشوده نمی‌شود و شاید اثرشان افسردگی روح و بازداشت فکر باشد آیا این حرف‌های مشهور را باید رها کرد و نباید دریغ خورد که چرا بهترین استعدادهای ما می‌روند و کشور از برکت وجودشان محروم می‌ماند؟ آیا نباید فاصله میان سطح و مرتبه علم و تکنولوژی را از میان برداشت و کاری کرد که اگر جوانان نخبه و مستعد پس از طی مراحلی از تحصیلات دانشگاهی به خارج از کشور می‌روند و دانش بیشتر می‌اندوزند در آنجا نمانند و به کشور بازگردند؟ با این بایدها و نبایدها نمی‌توان مخالفت کرد اما چه کنیم که اینها را تصدیق می‌کنیم بی‌آنکه از دستمان کاری ساخته باشد. شاید هم این بایدها و نبایدها را نمی‌پذیریم بلکه بر ما تحمیل می‌شود. جوانان نخبه به خارج می‌روند و علم می‌آموزند و بعضی از آنها در آنجا به کار علم و پژوهش مشغول می‌شوند و می‌مانند و کاش نمی‌ماندند و بازمی‌گشتند.

اکنون یک لحظه فکر کنیم که چندین هزار دانشمند ایرانی مقیم خارج همه برگردند. آیا دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و مراکز علمی ما می‌توانند همه تحصیل‌کردگان و حتی بهترین‌های آنان را استخدام کنند؟ آیا مراکز صنعتی و کشاورزی و اقتصادی و فرهنگی ما به وجود آنان نیاز دارند و کار وظیفه‌ای هست که به آنها واگذار شود؟ آنها بیایند که چه مسائلی را حل کنند و ما به چه پژوهشی نیاز داریم که دانشمندان مقیم کشور از عهده آن برنمی‌آیند؟

مناظره



مناظره دکترمصدق و سید ضیاء/۴

خنده بلند مصدق

سید ضیاء: بنده کسی را حبس نکردم ولی همان مدرس را کشتند و شما حرف نزدید، دیگران را کشتند شما استیضاح نکردید، باز تکرار می‌کنم داماد شما، برادرزاده شما اساس عدلیه ایران را بر هم زد. داماد شما مجرم‌ترین رئیس‌الوزرای ایران بود، پنجاه و سه نفر آزادی‌طلب ایران را به محبس انداخت و کشت شما حرف نزدید، شما استیضاحی نکردید، شما سؤالی نکردید، نرفتید بگویید داماد من، نکن، ول کن، خودت را بکُش و مردم را نکش! من حبس کردم به قول شما به اسم خودم در تحت نظر قرار دادم. من رئیس‌الوزرای مسئول بودم، سرنوشت ایران در دست من بود. من اگر برای نجات یک مملکتی عمداً یا سهواً تشخیص بدهم که یک عده از رجال مملکت در تحت نظر قرار بگیرند ولی کسی را نگفتم اذیت کنند، کسی را نگفتم بکشند و برای غرض شخصی تحت نظر قرار ندارم و این برای من جرمی نیست. عرض کردم قانون مجازات عمومی آن وقت در ایران نبود. هیچ قانونی نبود که یک رئیس‌الوزرایی اجازه نداشته باشد یک عده را تحت توقیف قرار بدهد.

نراقی: قانون اساسی بود.

عرض کردم ضمن عرایض بنده فرمایشی نفرمایید، قانون اساسی بود ولی از اول مشروطیت هر روز هزارها ایرانی در اقطار ایران حبس می‌شدند و کسی حرف نمی‌زد. من بدعتی نکردم، من سابقه ایجاد نکردم، امری بود واقع همه می‌کردند ولی دیگران می‌کردند برای دزدی، برای غارتگری، برای بردن مال مردم، برای خراب کردن خانه مردم ولی من برای غرض شخصی نکردم. آقایان مصالح عالیه مملکت، من که از جان خودم می‌گذرم آیا باید اندیشه داشته باشم که ۱۰ نفر، ۲۰ نفر، ۳۰ نفر دو ماه با کمال احترام با منتهای رفاهیت در تحت نظر باشند، انصاف بدهید ولی عرض کردم پس از من کشتند، تلف کردند، انژکسیون زدند، چه که نکردند، چرا استیضاح نکردید، چرا سؤال نکردید؟ فرمودید حضرتعالی بر ضد سلطان احمدشاه مرحوم صحبت نفرمودند و برله پهلوی سردار سپه وقت بیانی نفرمودید. دیروز انکار کردید متأسف هستم که امروز عین نطق شما را برای کمک با حافظه شما برای شما می‌خوانم. مجله آینده است، پس از فرمایشاتی که می‌فرمایید عرض کنم به طوری که تشخیص دادم حضرتعالی با بنده غرض شخصی ندارید. تمام اظهارات شما و تمام کارهای شما مربوط به غرض شخصی بوده است و تملق و چاپلوسی شما حتی مخالفتتان با مرحوم سلطان احمدشاه برای غرض شخصی و تملق و چاپلوسی از سردار سپه برای غرض شخصی بود! **(خنده بلند دکتر مصدق)**

پس از مقدمه می‌فرمایید اما نسبت به سلاطین قاجاریه من کاملاً مأیوسم زیرا خدماتی به مملکت نکردند که من امروز بتوانم در واقع و نفس‌الامر دفاع کنم، به چه دلیل؟ این معلوم می‌شود که غرض شخصی است یعنی اگر احمدشاه بر حسب تقاضای من شما را احضار نمی‌کرد لایق سلطنت ایران بود و چون که کرد لایق نیست در صورتی که دیروز فرمودید مرحوم مظفرالدین شاه چه بود، مرحوم احمدشاه چه بود. اما راجع به آقای سردار سپه، راجع به سردار سپه می‌فرمایید اما رضاخان پهلوی که من به ایشان عقیده‌مندم، بنده مایل به ایشان هستم، به چه دلیل متمایل به ایشان هستید برای حفظ خودم، برای حفظ کسب خودم و خویشاوندان خودم موافق بودم با زمامداری ایشان برای چه؟ برای اینکه من چه می‌خواهم، آسایش می‌خواهم، امنیت می‌خواهم، مجلس می‌خواهم ...و کی به شما داد جز سید ضیاءالدین؟ اگر او بد است سید ضیاءالدین هم البته بد است، اگر او خوب است چرا سید ضیاءالدین بد است، پس چرا او خوب است و سید ضیاءالدین بد است؟ اگر غرض شخصی نباشد دلیلش چیست؟ کجا بودید آنجا، سید ضیاءالدین او را آورد به شما معرفی کرد، چه شد که او خوب بود سید ضیاءالدین بد بود، اگر او خوب بود که من هم باید خوب باشم!!

(مشروح جواب به سید ضیاء در شماره های بعدخواهدآمد)

آیینه

دکتر محمدکاظم حسینیان

صفحه‌ای از رشادت‌های ایران درجنگ

ماموریت غیر ممکن



پس از ارزیابی شرایط جنگ و ضرورت حمله هوایی به عراق، تصمیم کلی بر این شد که حمله به هر شکل ممکن صورت بگیرد. در تمام طول مسیر، جدای از موشک‌های زمین به هوا و توپ‌های ضدهوایی، هواپیماهای ره‌گیر عراقی نیز وجود داشتند که در صورت حمله، با توجه به برتری تعداد آن‌ها نسبت به هواپیماهای مهاجم ایرانی، بدون شک ادامه عملیات را برای هواپیماهای ایرانی غیرممکن می‌ساختند. چرا که عبور جنگنده‌های ایرانی از عرض کشور عراق و رسیدن به دورترین نقطه خاک این کشور مسأله‌ای نبود که از چشم رادارهای عراقی پنهان بماند. با توجه به این مسائل، احتمال یک حمله غافل‌گیرانه از طرف ایران منتفی و غیرممکن انگاشته می‌شد. اما در این سو، افسران نیروی هوایی ایران باور دیگری داشتند. خلبانان ایرانی مصمم بودند تا این عملیات را به هر طریق ممکن به انجام رسانند. به این ترتیب، پایگاه هوایی نوژه همدان، آبستن یکی از رویدادهای بزرگ جنگ شد. در این پایگاه، افسران نیروی هوایی به طراحی یکی از شگفت‌انگیزترین و جسورانه‌ترین حملات هوایی تاریخ پرداختند.

مأموریت، غیرممکن

تنها، ضعفِ نیروی هوایی عراق ـ برخلاف تبلیغات ادعایی ـ مانع شده بود تا آبادان که از سه سو در محاصره نیروهای زمینی عراق بود، سقوط نکند. راهبران وقت ارتش عراق که هنوز خاطره حمله ۱۴۰ فروندی روز اول جنگ را فراموش نکرده بودند، به این فکر افتادند که شاید در آستانه عملیات تصرف آبادان، پایگاه‌های هوایی آن‌ها مورد هدف عقابان تیزپرواز نیروی هوایی ارتش جمهوری اسلامی ایران قرار گیرد. از این رو سیل کمک‌های پشتیبانان غربی و شرقی صدام در تقویت نیروی هوایی آن کشور، به نقطه‌ای منتقل شد که هیچ اسکادران از جان گذشته ایرانی نتواند به آن جا برسد و آن را هدف قرار دهد.

۲۱ دی ماه ۱۳۵۹ بود که عراق بخشی از هواپیماهای عملیاتی خود (حداقل دو اسکادران شامل ده هواپیمای توپولف ـ۲۲بی و حداقل ازمیگ ـ۲۳ و سوخو ـ۲۰) را به پایگاه الولید در غرب عراق انتقال داد. این پایگاه خود به یک پایگاه اصلی و دو پایگاه فرعی تقسیم می‌شد که به آن «اچ ـ۳» می‌گفتند و از پدافند قدرت‌مندی نیز برخوردار بود. در همین زمان صدام حسین با ظاهر شدن در صفحه تلویزیون عراق، نطق پرهیجانی ایراد کرد و در آن اشاره نمود که: «من دیوار آتش دارم و ایران به هیچ وجه نمی‌تواند به خاک ما نفوذ عمقی کند».

پانزدهم بهمن ماه ۱۳۵۹، در نشست فرماندهان نیروی هوایی، سرتیپ خلبان جواد فکوری، وزیر دفاع و فرمانده زبده و شجاع وقت نیروی هوایی، پیشنهاد حمله به الولید را مطرح کرد. این پیشنهاد با شگفتی حاضران روبه‌رو شد. فکوری که خود سال‌ها در مصدر مسئولیت‌هایی هم چون فرماندهی عملیات گردان ۱۰۲ شکاری، گردان یکم شکاری، گردان پرواز کور و عملیات تیپ سوم شکاری بود از بخش ویژه طرح‌های نیروی هوایی خواست بر روی طرح‌ریزی این عملیات کار کنند؛ اما همان‌طور که انتظار می‌رفت، نتیجه مأیوس‌کننده بود: درصد موفقیت در این کار چیزی در حد صفر است.

هرچند دو طرح پیشنهاد شد ولی با درصد خطر بالایی که داشتند انجام آن‌ها منطقی به نظر نمی‌آمد.

نمایی از وضعیت

عملیات باید کاملاً غافل‌گیرانه انجام می‌شد تا فانتوم‌های ایرانی از مزاحمت ره‌گیرهای عراقی و ضدهوایی‌ها در امان باشند، چرا که در این راه طولانی، هر مانعی می‌توانست اجرای عملیات را متوقف کند. از این رو آن‌ها باید در تمام طول مسیر در ارتفاعی پایین (۲۰ تا ۳۰ متری) پرواز می‌کردند تا از دید رادارهای دشمن پنهان بمانند.

این نخستین مشکل بزرگ عملیات بود چرا که عبور از روی شهرهای عراق نزدیک به غیرممکن بود و باید این راه طولانی بر روی خط مرزی عراق و ترکیه طی می‌شد؛ راهی کوهستانی. در حالت عادی، پرواز در ارتفاع پایین به قدرت و مهارت بسیاری نیازمند است اما پرواز در ارتفاع پایین بر فراز منطقه‌ای کوهستانی تقریباً به کاری غیرممکن می‌ماند که تنها از عهده خلبانانی برمی‌آید که دارای مهارت و سرعت واکنش بالایی باشند.

تصور غیرممکن بودن چنین کاری چندان دشوار نیست. در حالت رانندگی با اتومبیلی با سرعت ۲۰۰ کیلومتر بر ساعت، بسیاری از مواقع راننده پس از مشاهده مانعی در برابر خود به سختی می‌تواند از خود واکنش نشان دهد. زمانی که چشم انسان موفق به دیدن مانعی در برابر خود می‌شود و مغز دستور واکنش اعضای بدن را از قبیل گرفتن کلاچ، فشار بر روی ترمز یا ... صادر می‌کند، اتومبیل با سرعت ۲۰۰کیلومتری خود عملاً به مانع رسیده است و برخورد، اجتناب‌ناپذیر جلوه می‌کند. حال وضعیتی را تصور کنید که خلبان نگهبان با دیدن قله‌ای در برابر خود سعی در بالا کشیدن هواپیما می‌کند. طی چند ثانیه خلبان باید هواپیما را از فراز مانع عبور دهد در حالی که با ۲/۵ برابر سرعت صوت به سمت آن در حرکت است. این توضیح می‌تواند دشواری پرواز بر فراز کوهستان در ارتفاع پایین را نشان دهد.

عملیات اگر فقط همین مشکل را هم داشت به اندازه کافی غیرممکن به نظر می‌رسید اما مسأله دیگری وجود داشت که مهم‌ترین چالش پیش روی عملیات بود. هیچ هواپیمایی به علت محدودیت سوخت نمی‌توانست چنین مسیر طولانی را رفته و بازگردد. پس در حین عملیات و بر فراز آسمان عراق که نفوذ با جنگنده‌ها هم در آن به اندازه کافی دشوار بود می‌بایست یک بویینگ برای رساندن سوخت به فانتوم‌ها با آنان همراه می‌شد. آیا یک بویینگ می‌توانست خود را از دید رادارها مخفی کند؟ سرعت بویینگ بسیار کم‌تر از سرعت هواپیماهای جنگنده است بنابراین فانتوم‌ها نمی‌توانستند همراه این هواپیماهای غول‌پیکر حرکت کنند و در تمام طول مسیر از آن در برابر جنگنده‌های عراقی محافظت کنند، حال اگر بویینگ در هر مرحله از عملیات توسط عراقی‌ها هدف قرار می‌گرفت تکلیف فانتوم‌ها چه بود؟ اصولاً آیا یک بویینگ ۷۰۷ بختی برای گذشتن از مرز عراق و رسیدن به نقطه‌ای که باید سوخت‌گیری در آن انجام می‌شد داشت و یا در همان مراحل آغاز عملیات، هدف هواپیماهای ره‌گیر عراقی قرار می‌گرفت؟

برابر برنامه‌ریزی عملیات، پس از اولین نوبت سوخت‌گیری، هواپیماهای مادر باید صبر می‌کرد تا فانتوم‌ها عملیات‌شان را بر فراز اچ ـ۳ انجام دهند و در راه بازگشت که این بار دیگر عراقی‌ها هوشیار شده بودند دوباره عملیات سوخت‌گیری هوایی را انجام می‌داد. در هر مرحله‌ای از عملیات امکان داشت واقعه ناخوشایندی برای هواپیمای سوخت‌رسان که ذاتاً بی‌دفاع بود رخ دهد در حالی که سرنوشت فانتوم‌ها با سرنوشت بویینگ کاملاً گره خورده بود.

و آخرین مشکل عملیات نیز به اندازه دو مشکل یاد شده مهیب بود؛ شاید فانتوم‌های ایرانی می‌توانستند لحظه‌ای که بر فراز اچ‌ـ۳ ظاهر می‌شوند نشانه‌ای از یک حمله هوایی را آشکار نکنند، اما پس از آن و در راه بازگشت مسلماً عراقی‌ها که دیگر از حمله آگاه شده بودند ره‌گیرهای پرشمار خود را به دنبال فانتوم‌ها می‌فرستادند و هواپیماهای ایرانی در این جا نیز باید خطر بزرگی را می‌پذیرفتند.

این مشکلات بود که طرح را در نگاه اول به یک داستان علمی ـ تخیلی شبیه می‌کرد تا یک عملیات هوایی در شرایط جنگ واقعی.

طرح نهایی

هنگامی که دو طرح نخست به خاطر نیاز به حضور پرشمار جنگنده‌ها (جهت دفاع از هواپیمای مادر) منطقی به نظر نرسید و رد شد، سرتیپ خلبان، بهرام هوشیار طرحی کوچک‌تر و عملیاتی‌تر را به صورت محرمانه با سرتیپ فکوری مطرح کرد. فکوری که خود از تئوریسین‌های برجسته و یکی از بهترین خلبان‌های فانتوم به شمار می‌رفت، پس از مطالعه، آن را با تغییراتی کوچک عملی دانست و موافقت خود را با آن اعلام کرد. این زاده محله چرنداب شهر تبریز، به دلایل امنیتی شروع عملیات را از پایگاه نوژه به صلاح می‌دانست تا پایگاه شکاری تبریز. طرح، کلید خورد ولی به خاطر خطر بالایی که اجرای این عملیات داشت در هیچ جا از آن سخن نرفت. عدم کام‌یابی ایرانیان در این عملیات که خود آن‌ها ـ برای فرو ریختن چهره تبلیغی صدام ـ خوستار اجرایش بودند، می‌توانست بهره‌برداری سیاسی و تبلیغی دولت عراق را درپی داشته باشد...

از این رو در نشستی که شورای فرماندهی نیروی هوایی در نیمه دوم اسفند ماه داشت و در آن از وضعیت جبهه‌های جنگ، استقرار نیروهای ایرانی و عراقی و ... سخن می‌رفت، شهید فکوری، شکست طرح‌های حمله به اچ‌ـ۳ را اعلام کرد. دقیقاً پس از پایان همان نشست، سرهنگ (سرتیپ بعدی) فرج‌الله برات‌پور که از معاونان عملیات یکی از پایگاه‌های هوایی و از خلبانان برجسته بود به دفتر فرماندهی نیروی هوایی احضار شد و از سوی سرتیپ فکوری اجرای این مأموریت سری، مهم و حیاتی به ایشان ابلاغ شد. با وجود تمامی مشکلات یاد شده و با وجود این چنین عملیات جسورانه‌ای تا به حال توسط هیچ کشوری در جهان انجام نشده بود، افسران زبده ایرانی به اجرای آن مصمم بودند. حال ایرانی‌ها می‌رفتند تا عملیاتی را به انجام رسانند که در صورت موفقیت به یک اسطوره در تاریخ جنگ‌های هوایی بدل می‌شد...

در نهایت پس از بررسی‌ها و برنامه‌ریزی‌های دقیق توسط گروه کوچک طرح عملیات، روز سرنوشت‌ساز فرا رسید.

مأموریت آغاز می‌شود

در ساعت یک بامداد روز ۱۵ فروردین ماه سال ۱۳٦۰ خلبانان منتخب و افسران کنترل رادار (کمک خلبان‌ها)، بدون اطلاع قبلی، به جایگاه فرماندهی فراخوانده شدند. آن‌ها همگی از بهترین‌های نیروی هوایی ایران بودند. علت حضور برجسته‌ترین خلبانان نیروی هوایی برای این عملیات آن بود که اگر فرمانده کارکشته دسته پروازی مورد هدف قرار گرفت، خلبانان حاضر مهارت این را داشته باشند که خود، هدف را پیدا و آن را منهدم کنند. در میان آن قهرمانان جوان، دو چهره شاخص خودنمایی می‌کرد، چهره‌هایی که بارها تصویرشان بر روی جلد مجله‌های نظامی آمریکا به چاپ رسیده بود و دولت عراق برای کشتن‌شان جایزه تعیین کرده بود.

یکی، سرگرد محمود خضرایی بود؛ خلبان باسابقه که پیش از انقلاب، فرمانده دایره عملیات گردان شکاری پایگاه هوایی بوشهر بود. چهره این زاده محله گرگان تهران (۱۳۲٦)، برای دوره‌دیدگان پایگاه ریس آمریکا کاملاً شناخته شده بود. وی بعدها به مدت دو سال فرمانده همین پایگاه (پایگاه شکاری همدان) که قطب مهم این رسته به شمار می‌آید، شد. اما دیگری، سرگرد حسین خلعتبری مکرم معروف به حسین ماوریک بود؛ نابغه‌ای جنگی و خلبانی توانمند در هدایت هواپیمای اف ٤. او چهار ماه پیش از این به همراه هم‌رزمش، عباس دوران، نیروی دریایی عراق را فلج کرده بود (در روزی که بعدها در تقویم ما به نام روز نیروی دریایی نامیده شد، گروه آن‌ها با همکاری ناوچه پیکان ـ که غرق شد و ناخدایش هم به شهادت رسید ـ توانستند ناوهای اوزا، ناوهای مین‌جمع‌کن، ناو نیروبر و چندین اژدرافکن به ارزش کلی ۲٤۰ میلیون دلار را هدف قرار دهند. عراق تا پایان جنگ نتوانست نیروی دریایی خود را به توان اولیه برساند. خلعتبری در انهدام ناوهای نیروی دریایی عراق به ویژه ناوهای اوزا آن قدر شجاعت و مهارت از خود نشان داده بود که به شکارچی ناوهای اوزا مشهور شده بود.) او که به عنوان یکی از شاگردان موفق و ممتاز دانشگاه شپارد تگزاس در فراگیری علوم خلبانی اف‌ـ٤ شهره استادان آن دانشگاه بود، برابر اظهارات متخصصان پرواز، در استفاده از هواپیمای اف‌ـ٤، انجام مانورها و عملیات‌های جنگی، انهدام هدف و شلیک موشک ماوریک همتا نداشت؛ این زاده روستای بصل کوه رامسر (۱۳۲۸)، آن قدر در مهار هواپیما و شیرجه‌های پروازی مهارت داشت که در هر شیرجه‌ای می‌توانست چند هدف را هم‌زمان منهدم کند.

بی‌درنگ نشست توجیهی انجام شد و کلیه موارد و چگونگی انجام این عملیات برای آنان تشریح شد و قرار بر این شد که فانتوم‌ها به دو دسته ٤ فروندی تقسیم شوند. راهبر یکی از دسته‌ها سرهنگ برات‌پور و راهبر دسته دیگر، سرهنگ (سرتیپ بعدی) فرهادپور بود. در پایان نشست، از سوی برات‌پور، فرمانده دسته پروازی، اعلام شد که احتمال شهادت در این عملیات بالاست و اگر هر کدام از حاضران به هر دلیلی آمادگی ندارند، اعلام کنند تا نفر جایگزین در فهرست اصلی قرار گیرد ... اما، همه اعلام آمادگی کردند. پس از انجام فریضه نماز و با روشن شدن هوا، عملیات آغاز شد.

این عملیات به قدری دقیق پیش‌بینی شده بود که از شب قبل هواپیماهای هر گروه پروازی نیز مشخص شده بودند. بعد از اعلام شماره هواپیماها از سوی گردان نگه‌داری، خلبانان یکی پس از دیگری در کابین جای گرفتند و این در حالی بود که خود کارکنان گردان نگه‌داری هم از جزئیات این عملیات خبر نداشتند.

به این ترتیب ۱۰ فروند هواپیمای اف‌ـ٤ در سکوت کامل رادیویی به پرواز درآمدند. در طول انجام این عملیات، تنها دو بار سکوت رادیویی شکست؛ یکی هنگام پرواز که هر هواپیما پس از بلند شدن از روی باند شماره‌ی خود را اعلام می‌کرد و بار دیگر پس از پایان عملیات سوخت‌گیری [اول]، که هر کدام رمزی را اعلام می‌کردند. پس از پرواز، فانتوم‌ها مسیر خود را به سمت دریاچه ارومیه پیش گرفتند و در حالی که هوا ابری بود، در ارتفاع پست به دو فروند تانکر سوخت‌رسان ۷٤۷ نزدیک شدند و اولین مرحله سوخت‌گیری با موفقیت کامل پس از گذشت ۲۰ دقیقه انجام شد. سپس فانتوم‌ها به سمت غرب حرکت کردند تا در ارتفاع پایین و از شمال‌شرق و از فراز کوه‌های آرارات وارد منطقه مشترک مرزی عراق و ترکیه شوند.

در همین هنگام، دو فروند اف‌ـ ۵ از پایگاه هوایی تبریز به سمت پالایشگاه کرکوک به پرواز درآمدند و در یک یورش موفق، این پالایشگاه را بمباران کردند.

هواپیمای سوخت‌رسان

در جایی بسیار دورتر، در فرودگاه لارناکا در قبرس، یک هواپیمای بویینگ ۷۰۷ متعلق به هواپیمایی ملی ایران (هما) ساعتی قبل وارد فرودگاه شده بود و طبق برنامه‌ریزی قبلی آماده می‌شد تا بدون مسافر به تهران بازگردد. اما پیش از آن که هواپیما باند فرودگاه را ترک کند، دو مأمور اطلاعاتی ایران که همراه مسافران این پرواز، همان روز وارد قبرس شده بودند به داخل کابین خلبان رفتند و با خلبان هواپیما به گفتگو نشستند.

خلبان ـ با این که از خلبانان قدیمی و کارکشته هواپیمایی ملی ایران به شمار می‌رفت ـ نمی‌توانست چیزی را که می‌شنود باور کند. از نظر او، انجام چنین کاری دیوانگی محض بود و بخت موفقیت چیزی در حد صفر جلوه می‌کرد. طراحان عملیات با خود چه فکری کرده بودند؟ این نقشه به فیلم‌نامه فیلم‌های هالیوودی شباهت داشت و فقط با جادوی سینما و بر روی پرده نقره‌ای امکان تحقق داشت. اما او حتی به یاد نداشت که در فیلم‌های سینمایی هم چنین چیزی دیده باشد. جدای از این مسأله، او یک خلبان غیرنظامی بود و هیچگاه تصور نمی‌کرد روزی در یک عملیات نظامی نقشی داشته باشد. اما اکنون، در کمال ناباوری خود را در بطن یکی از شگفت‌انگیزترین نبردهای هوایی جهان می‌یافت که همه چیز آن، به عملکرد او بستگی داشت. دقایقی بعد بویینگ ۷۰۷ هواپیمایی ملی ایران، پس از اطلاع مسیر خود به برج مراقبت فرودگاه لارناکا از زمین برخاست و ظاهراً به سمت تهران و در واقع به سوی یکی از سرنوشت‌سازترین جنگ‌های هوایی دنیا شتافت.

سوخت‌گیری روی آسمان دشمن

در این هنگام فانتوم‌ها در نزدیکی مرز قرار داشتند و در ساعت ۷ و ۵۸ دقیقه با رسیدن به نقطه صفر مرزی، به دو دسته ٤ فروندی تقسیم شدند و ۲ فروند جانشین نیز بازگشتند (در جمع ۸ فروند؛ ٦ فانتوم «ای» و ۲ فانتوم «دی» وارد عراق شدند). فانتوم‌ها در چینش ٤ تایی با فاصله ۵۰۰ پا از یکدیگر، از شهر مرزی زاخو گذشتند، ارتفاع خود را به پایین‌ترین سطح ممکن رسانده و وارد خاک عراق شدند. سپس بر روی نوار مرزی عراق و ترکیه به مسیر خود ادامه دادند.

برنامه‌ریزی عملیات به طرز دقیقی صورت گرفته بود و در زمانی مشخص هواپیمای بویینگ می‌باید بر فراز کوهستان‌های مرکزی ترکیه و عراق با فانتوم‌ها دیدار می‌کرد. هواپیمای سوخت‌رسان در تماس با فرودگاه‌های قبرس و آنکارا وانمود کرد که مسیرش را گم کرده و در حال مسیریابی مجدد است. در ساعت مقرر تانکر سوخت‌رسان با فانتوم‌ها در همان نقطه پیش‌بینی شده روبه‌رو شد. فانتوم‌ها توانسته بودند با سکوت رادیویی و پرواز در ارتفاع پایین، خود را از دید رادارهای عراقی پنهان دارند. ظاهراً چندین بار هواپیماها در رادارهای عراقی و ترکیه‌ای ظاهر شدند اما عراقی‌ها تصور کردند هواپیماها متعلق به نیروی هوایی ترکیه است که مشغول گشت‌زنی در طول مرزهای‌شان هستند. این اشتباهی بود که پایش‌گران (کنترلرهای) زمینی ترکیه نیز مرتکب شدند.

هرهشت هواپیما که سوخت‌شان پس از طی مسیری طولانی در حال اتمام بود به طور منظم عملیات سوخت‌گیری هوایی را در ارتفاع بالا انجام دادند و سپس با بازگشت به ارتفاع پایین، با شتاب به سوی هدفی رهسپار شدند که بی‌صبرانه انتظارشان را می‌کشید. هواپیمای بویینگ نیز با احتیاط کامل مشغول گشت‌زنی در طول مسیر شد تا در بازگشت، دوباره عملیات پرخطر سوخت‌رسانی به فانتوم‌ها را انجام دهد. در آن سو، فانتوم‌ها در حالی که خلبانانش می‌توانستند کوچک‌ترین حرکت بر روی زمین را با چشم غیرمسلح ببینند به سمت اچ ـ۳ در حرکت بودند.

ادامه دارد

علم



نوشتاری‌از استاد دکتر رضا داوری‌اردکانی-۲

ما و علم

خوشبختانه دانشمندان در زمان ما و کم و بیش به وضع خود و به آنچه بر دانش و پژوهش می‌گذرد توجه گردش چرخ امور کشور جانشینی شایسته برای روشنفکران باشند باید به دولت‌ها و مردمان بگویند که بر سر جهان و آدمی چه آمده است و از امکان‌های آینده و آسیب‌ها و مصیبت‌هایی که در راه است چگونه می‌توان بهره برد و پرهیز کرد.

۲ـ در جهان توسعه نیافته دانشمند هست و گاهی تعداد دانشمندان بسیار بیشتر از نیاز کشورها است و به این جهت بسیاری از آنان و متأسفانه بسیاری از بهترین‌هایشان به کشورهای توسعه یافته می‌روند و در آنجا چون مجال پژوهش و پیشرفت دارند قدرشان مجهول نمی‌ماند. درد بزرگ همه کشورهای در حال توسعه و بخصوص ما که آموزش عالی را در این سال‌ها توسعه داده‌ایم این است که ارقام بسیار بزرگی از درآمد ملی امان صرف تحصیل جوانان نخبه‌ای شود که برای ادامه و تکمیل تحصیل علم به خارج می‌روند و بسیاری از آنان باز نمی‌گردند. این درد برخلاف آنچه در گفتارهای اهل تدبیر و سیاست اظهار می‌شود با اتخاذ تصمیم‌ها و سیاست‌های ناظر به پیشبرد و توسعه علم درمان نمی‌شود و شاید در کوتاه مدت زمانی نداشته باشد. زیرا نیاز ما به دانشمند در قیاس با دانشمندانی که هستند خوشبختانه تعدادشان پیوسته افزایش می‌یابد کمتر است و اگر نیاز داشتیم کمتر می‌رفتند و بیشتر آنها که می‌رفتند باز می‌گشتند.

در کشور ما دانش و دانشمند هست اما دانش، بنیاد ندارد. اصلاً بهتر است بگوییم در جهان توسعه نیافته علم و فرهنگ و تکنولوژی و اقتصاد و سیاست جزیره‌های جدا افتاده‌ای هستند که نسبت و تناسبی میانشان نیست. رسم غالب مدیریت هم، صرفنظر از اغراض شخصی و گروهی و فسادی که کم و بیش در همه جا هست و مدام وسعت می‌یابد و پریشانی و آشفتگی را بیشتر می‌کند.

بازی مدام با مقررات و آئین‌نامه‌های رنگارنگ احیاناً ناسخ و منسوخ است. در چنین وضعی مدیریت به جای اینکه در اندیشه حل مسائل و رفع مشکلات باشد خود مدعی مردم و به طور کلی مدعی هر شخص حقیقی یا حقوقی است. سازمان‌های اداری در جهان توسعه نیافته گر چه در صورت ظاهر به بوروکراسی جدید شباهت دارند سنت موروث دیوان‌های سلاطین را کم و بیش حفظ کرده‌اند و به این جهت وظیفه خود را نه خدمت به مردم بلکه طلبکاری از آنان می‌دانند و به نام اجرای قانون و مقررات در کارها خلل و وقفه ایجاد می‌کنند. با این تلقی و روش و رویّه نه فقط کار مردم معطّل می‌ماند بلکه اگر نظمی هم بوده است و باشد از هم می‌پاشد و قانون به پوسته خشکی مبدل می‌شود که دیگر راهگشا و کارساز نیست بلکه راه‌های کارسازی را می‌بندد. در این وضع مردم بی‌آنکه خود بدانند و توجه داشته باشند حرمت قانون در روح و جانشان شکسته می‌شود و رعایت آن مهمل می‌ماند. در نظام‌های تاریخی همه امور زندگی مردم به هم بسته‌اند چنانکه اگر نقص و خللی در جایی وجود داشته باشد در جاهای دیگر نیز اثر می‌کند یا ظاهر می‌شود. درست بگوییم نارسایی و نقص در نظام کنونی زندگی، شبیه به بیماری است که هر چند ممکن است عارض عضوی از اعضای بدن باشد کل وجود بیمار را از کار می‌اندازد. دانشمندان علوم انسانی و اجتماعی باید به این وضع و نسخه‌هایی که برای علاج آن نوشته می‌شود توجه کنند.

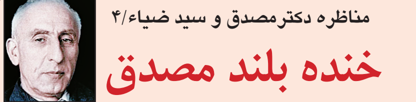
۳ـ می‌گویند میان علم ما و اقتصاد تو تکنولوژی و مدیریتمان فاصله افتاده است و البته راست می‌گویند ولی کاش می‌دانستند که این جدایی ناشی از اشتباه و خطا در تصمیم گیری سیاسی نیست بلکه جدایی تاریخی است که به آسانی رفع نمی‌شود. ما دانشمندان بزرگ داریم که از عهده پژوهش‌های بزرگ برمی‌آیند اما اثر و دخالتشان در گردش چرخ زندگی و در صنعت و کشاورزی و مدیریت بسیار ناچیز است و اگر بعضی از آنان در سیاست وارد می‌شوند و به مقام‌های سیاسی دست می‌یابند شاید بتوان این وضع نه چندان عادی و مطلوب را عذرخواهی جامعه از ایشان دانست. عذرخواهی از اینکه نتوانسته است مأموریت و وظیفه‌ای را که دانشمندان می‌توانند و باید انجام دهند به آنها واگذارد.

بسیار آسان است که بگوییم دانشمندان مهاجر را به کشور باز باید گرداند و موانع حائل میان علم و تکنولوژی را از میان باید برداشت. در عالم انتزاع پیداست که نخبگان علمی، نباید از کشور بروند و اگر می‌روند نباید در کشورهای دیگر بمانند و به حکم وظیفه اخلاقی باید به کشورشان بازگردند. علم هم باید در توسعه کشور دخیل باشد. این حرف‌ها چندان درست است که در آنها تردید نمی‌توان کرد اما با گفتن و تکرار سخنانی که مسلم می‌نمایند و برای قبول آنها نیازی به فکر کردن نیست، مشکلی گشوده نمی‌شود و شاید اثرشان افسردگی روح و بازداشت فکر باشد آیا این حرف‌های مشهور را باید رها کرد و نباید دریغ خورد که چرا بهترین استعدادهای ما می‌روند و کشور از برکت وجودشان محروم می‌ماند؟ آیا نباید فاصله میان سطح و مرتبه علم و تکنولوژی را از میان برداشت و کاری کرد که اگر جوانان نخبه و مستعد پس از طی مراحلی از تحصیلات دانشگاهی به خارج از کشور می‌روند و دانش بیشتر می‌اندوزند در آنجا نمانند و به کشور بازگردند؟ با این بایدها و نبایدها نمی‌توان مخالفت کرد اما چه کنیم که اینها را تصدیق می‌کنیم بی‌آنکه از دستمان کاری ساخته باشد. شاید هم این بایدها و نبایدها را نمی‌پذیریم بلکه بر ما تحمیل می‌شود. جوانان نخبه به خارج می‌روند و علم می‌آموزند و بعضی از آنها در آنجا به کار علم و پژوهش مشغول می‌شوند و می‌مانند و کاش نمی‌ماندند و بازمی‌گشتند.

اکنون یک لحظه فکر کنیم که چندین هزار دانشمند ایرانی مقیم خارج همه برگردند. آیا دانشگاه‌ها و پژوهشگاه‌ها و مراکز علمی ما می‌توانند همه تحصیل کردگان و حتی بهترین‌های آنان را استخدام کنند؟ آیا مراکز صنعتی و کشاورزی و اقتصادی و فرهنگی ما به وجود آنان نیاز دارند و کار وظیفه‌ای هست که به آنها واگذار شود؟ آنها بیایند که چه مسائلی را حل کنند و ما به چه پژوهشی نیاز داریم که دانشمندان مقیم کشور از عهده آن برنمی‌آیند؟

مناظره

مناظره دکترمصدق و سید ضیاء/۴



خنده بلند مصدق

سید ضیاء: بنده کسی را حبس نکردم ولی همان مدرس را کشتند و شما حرف نزدید، دیگران را کشتند شما استیضاح نکردید، باز تکرار می‌کنم داماد شما، برادرزاده شما اساس عدلیه ایران را بر هم زد. داماد شما مجرم‌ترین رئیس‌الوزرای ایران بود، پنجاه و سه نفر آزادی‌طلب ایران را به محبس انداخت و کشت شما حرف نزدید، شما استیضاحی نکردید، شما سؤالی نکردید، نرفتید بگویید داماد من، نکن، ول کن، خودت را بکُش و مردم را نکش! من حبس کردم به قول شما به اسم خودم در تحت نظر قرار دادم. من رئیس‌الوزرای مسئول بودم، سرنوشت ایران در دست من بود. من اگر برای نجات یک مملکتی عمداً یا سهواً تشخیص بدهم که یک عده از رجال مملکت در تحت نظر قرار بگیرند ولی کسی را نگفتم اذیت کنند، کسی را نگفتم بکشند و برای غرض شخصی تحت نظر قرار ندارم و این برای من جرمی نیست. عرض کردم قانون مجازات عمومی آن وقت در ایران نبود. هیچ قانونی نبود که یک رئیس‌الوزرایی اجازه نداشته باشد یک عده را تحت توقیف قرار بدهد.

نراقی: قانون اساسی بود.

عرض کردم ضمن عرایض بنده فرمایشی نفرمایید، قانون اساسی بود ولی از اول مشروطیت هر روز هزارها ایرانی در اقطار ایران حبس می‌شدند و کسی حرف نمی‌زد. من بدعتی نکردم، من سابقه ایجاد نکردم، امری بود واقع همه می‌کردند ولی دیگران می‌کردند برای دزدی، برای غارتگری، برای بردن مال مردم، برای خراب کردن خانه مردم ولی من برای غرض شخصی نکردم. آقایان مصالح عالیه مملکت، من که از جان خودم می‌گذرم آیا باید اندیشه داشته باشم که ۱۰ نفر، ۲۰ نفر، ۳۰ نفر دو ماه با کمال احترام با منتهای رفاهیت در تحت نظر باشند، انصاف بدهید ولی عرض کردم پس از من کشتند، تلف کردند، انژکسیون زدند، چه که نکردند، چرا استیضاح نکردید، چرا سؤال نکردید؟ فرمودید حضرتعالی بر ضد سلطان احمدشاه مرحوم صحبت نفرمودند و برله پهلوی سردار سپه وقت بیانی نفرمودید. دیروز انکار کردید متأسف هستم که امروز عین نطق شما را برای کمک با حافظه شما برای شما می‌خوانم. مجله آینده است، پس از فرمایشاتی که می‌فرمایید عرض کنم به طوری که تشخیص دادم حضرتعالی با بنده غرض شخصی ندارید. تمام اظهارات شما و تمام کارهای شما مربوط به غرض شخصی بوده است و تملق و چاپلوسی شما حتی مخالفتتان با مرحوم سلطان احمدشاه برای غرض شخصی و تملق و چاپلوسی از سردار سپه برای غرض شخصی بود! (**خنده بلند دکتر مصدق**)

پس از مقدمه می‌فرمایید اما نسبت به سلاطین قاجاریه من کاملاً مأیوسم زیرا خدماتی به مملکت نکردند که من امروز بتوانم در واقع و نفس‌الامر دفاع کنم، به چه دلیل؟ این معلوم می‌شود که غرض شخصی است یعنی اگر احمدشاه بر حسب تقاضای من شما را احضار نمی‌کرد لایق سلطنت ایران بود و چون که کرد لایق نیست در صورتی که دیروز فرمودید مرحوم مظفرالدین شاه چه بود، مرحوم احمدشاه چه بود. اما راجع به آقای سردار سپه، راجع به سردار سپه می‌فرمایید اما رضاخان پهلوی که من به ایشان عقیده‌مندم، بنده مایل به ایشان هستم، به چه دلیل متمایل به ایشان هستید برای حفظ خودم، برای حفظ کسب خودم و خویشاوندان خودم موافق بودم با زمامداری ایشان برای چه؟ برای اینکه من چه می‌خواهم، آسایش می‌خواهم، امنیت می‌خواهم، مجلس می‌خواهم ...و کی به شما داد جز سید ضیاءالدین؟ اگر او بد است سید ضیاءالدین هم البته بد است، اگر او خوب است چرا سید ضیاءالدین بد است، پس چرا او خوب است و سید ضیاءالدین بد است؟ اگر غرض شخصی نباشد دلیلش چیست؟ کجا بودید آنجا، سید ضیاءالدین او را آورد به شما معرفی کرد، چه شد که او خوب بود سید ضیاءالدین بد بود، اگر او خوب بود که من هم باید خوب باشم!!

(مشروح جواب به سید ضیاء در شماره‌های بعدخواهدآمد)

بزرگداشت استاد مصطفوی



شرح

بقیه از صفحه اول

هر کمالی که ز دنیاست همه نقصانست
سود کز محض نکویی نبود خُسرانست

و از همین روی، اشعاری که در پند و اندرز گفته شده حکمت می خوانند و این بر پایهٔ حدیث شریف: «إنّ مِنَ الشِّعر لَحِکمَهٔ و أنَّ مِنَ البَیَان لَسِحرا» است.

«حکمَت سامیه» یا «حکمَت متعَالیه» تعبیری است که اندیشمندان شیعی ایرانی به جای فلسفه به کار برده‌اند و صدرالدّین شیرازی مهمترین کتاب فلسفی خود را الحکمهٔ‌المتعالیهٔ فی الأسفارالعقلیّهٔ نامیده است و این به جهت نفرتی است که در جهان عرب و اهل تسنّن از کلمهٔ فلسفه پیدا شده بود که این کلمهٔ یونانی را که مرکب از «فیلا» به معنی دوستدار و «سوفیا» به معنی دانش است و در ترجمه‌های عربی تعبیر به «محبّ‌الحکمهٔ» شده با وجه اشتقاق جعلی و عوام‌پسند آن را از «فلّ» به معنی «کُندی» و سَفَه به معنی «احمقی» دانستند که گوینده‌ای از آنان گفته است:

وَدَع عنک قوماً یریدونها
ففلسفهٔ‌المرء فَلُّ السَّفه

و کار به جایی کشیده شده بود که هر اسمی که با «سین» ختم می‌شد مانند: ارسطالیس و ذیمقراطیس برای‌شان نفرت‌آور بود و به قول ابوریحان آنان نمی‌دانستند که «سین» در لغت یونانی علامت فاعلی است مانند «رفع» در زبان عربی. و شاید این نفرت و انزجار از اندیشه و فلسفهٔ یونانی از این جهت پیدا شد که مترجمانْ مسیحی یا یهودی بودند و نمی توانستند ترجمه کتاب‌های الهیّات را به نحوی انجام دهند که مورد پذیرش جامعه مسلمانان باشد. لذا این اشکال در ترجمهٔ کتاب‌های طب و نجوم پیش نیامد و حتی در کتاب‌هایی که به وسیله مسلمانان عالم و دانشمند ترجمه و تلخیص می‌شد، دیده نمی‌شود. مانند کتاب پاتنجل که به وسیله ابوریحان بیرونی از کتاب یوگاسوترا که به زبان سانسکریت بوده به زبان عربی ترجمه شد و یا کتاب تلخیص نوامیس افلاطون که به وسیله فارابی انجام شد، اشکالِ یادشده پیش نیامد.

دَر هر حال با گزینش حکمت به جای فلسفه و انتساب شاگردی فیلسوفان یونانی همچون انباذفلس و فیثاغورس و سقراط و افلاطون و ارسطو به یکی از پیغامبران ـ چنان که در کتاب الأمد علی الأبد عامری نیشابوری آمده ـ و استفاده از قرآن و احادیث در بیان مطالب فلسفی شناعت و زشتی از فلسفه برداشته شد. دیگر شاعری که می گفت:

این فلسفه‌ست و آن سخن دینی
دینْ شکّر است و فلسفه افیونست

نمی‌توانست به جای فلسفه کلمهٔ حکمت را بگذارد؛ آن حکمتی که در قرآن به لقمان حکیم اطلاق شده است.

با این تدابیر شناعت فلسفه و تکفیر فلاسفه در ایران با رسمیّت مذهب تشیع از میان رفت و فارابی و ابن‌سینا که در جوامع دیگر ننگ عالم اسلام به شمار می‌آمدند، شاعرشان می‌گفت:

قد ظهرت فی عصرنا فرقهٔ
ظهورها شؤمٌ علی العصر
لاتقتدی فی الدین الّا بما
سنّ ابن‌سینا و ابونصر

در ایران و حوزه‌های علمی ایرانی از آنان تعبیر به «شیخین» می‌شد و میرداماد از اوّلی تعبیر به «شریکنا فی الریاسهٔ» و از دومی تعبیر به «شریکنا فی التعلیم» می‌کرد و افلاطون را «افلاطون الالهی» می‌خواند و پنج فیلسوف معروف یونان را شاگرد مکتب پیمبران دورهٔ خود می‌داند و پس از این دانشمندان بزرگ از شهرهای مختلف ایران به عرصهٔ ظهور پیوستند؛ میرداماد از استرآباد و ملّاصدرا از شیراز و فیض کاشانی از کاشان و عبدالرزاق لاهیجی از لاهیجان و حاج ملاهادی سبزواری از سبزوار و ده‌ها و بلکه صدها متفکر از دیگر شهرها برخاستند تا زمان ما به استادانی رسید که این حقیر افتخار درک محضرشان را داشتم ـ که تفصیل آن از این قرار است که من در سال ۱۳۲۶، قصد ادامه تحصیلات حوزوی را در قم داشتم. در امتحان ورودی به آن حوزه هم پذیرفته شدم که تصویر برگ پذیرش حوزه در حدیث نعمت خدا (که شرح حالَ خودنگاشتَ من است) آماده است. سپس با مشورت دو استاد بزرگوار مشهد (که برای چند صباحی در تهران به سر می‌بردند) یعنی آقایان شیخ حسین وحیدی (آیت‌الله العظمی وحید خراسانی) و شیخ محمدرضا ترابی خانرودی مشهد را مناسب‌تر از قم برای ادبیات عرب و بلاغت توصیه کردند. به مشهد مشرف شدم که در آنجا دوستان من از جمله عبدالجواد حکیمی (دکتر فلاطوری) و محمدجعفر جعفری لنگرودی، اوّلی در مدرسه حاج حسن و دومی در مدرسهٔ دو در ساکن بودند، علاقهٔ من را بیش از پیش ساختند و من در مدرسهٔ نواب سکنی گزیدم و از دو درس استاد بزرگ شیخ محمدتقی ادیب نیشابوری، ۷ تا ۹ صبح علم معانی و ۲ تا ٤ بعدازظهر علم بیان استفاده می‌کردم و در ضمن از دو درس قوانین‌الاصول میرزای قمی و شرح لمعه شهید ثانی که مرحوم حاج میرزا احمد مدرس یزدی در مدرسهٔ نواب ارائه می‌فرمود، مستفیض می‌گشتم. خداوند همه آنان را غریق رحمت گرداند.

از آنجا که من علاقه به مباحث و مطالعات فلسفی داشتم و فضای علمی مشهد با دروس مرحوم میرزا مهدی اصفهانی علاقه به فلسفه و علوم عقلی را کم‌رنگ کرده بود، من هر چند از درس اخلاق شاگردان آن مرحوم یعنی حاج شیخ مجتبی قزوینی و میرزا جوادآقای تهرانی بهره‌مند می‌شدم، ولی فضای ضدیت با فلسفه را برنمی‌تابیدم و وقتی در درس شبانهٔ شیخ سیف‌الله ایِسی که مخفیانه در شبْ شرح منظومه منطق سبزواری را ارائه می‌داد، شرکت می‌کردم، بامداد روز بعد طلاب به من اعتراض کردند که چرا فلسفه می‌خوانَم؟ و وقتی من گفتم منطق می‌خوانم! گفتند منطق مدخل فلسفه است و فلسفه هم کفر است و «مدخل الکفر کفرٌ». دیگر طاقت نیاوردم و مشهد را به قصد تهران ترک گفتم و در مدرسه سپهسالار قدیم (که پیش از عزیمت به مشهد با لطف و محبتِ مرحوم میرزا مهدی مدرّس آشتیانی حجره‌ای در آن مدَرسه داشتم) وارد شدم. فضای تهران کاملاً متمایز از فضای مشهد بود. نخست آنکه مرحوم آقامیرزا مهدی مدرّس آشتیانی رئیس و مدرّس آن مدرسه بود که واقف آن مدرسه تصریح کرده بود که بزرگ‌ترین فیلسوفَ و معقولیِ تهران باید مدرّس آن مدرسه باشند و پیش از آن مرحوَم میرزا حسن کرمانشاهی و میرزا ابوالحسن جلوه راتبهٔ تدریس در آن مدرسه را داشتند. مزیتِ دیگر آن مدرسه وجود فقیه و محدّث و رجالی بزرگ مرحوَم میرزا محمدعلی مدرّس تبریزی بود (که مَا نزد او فقه می‌خواندیم) و مزیت او بر دیگر مدرّسان فقه این بود که بسیاری از اصطلاحات و کلماتی که مربوط به رجال و حدیث می‌شد و مدرسان دیگر در درس خود مسکوت می‌گذاشتند، او با احاطهٔ وسیع خود که بهِ علم رجال و درایه داشت، به «تفصیل» بیان می‌کرد. مثلاً او دربارهٔ بنوفضّال و آل زراره و آل یقطین و اصحاب اجماع و دانشمندانی مانند بزنطی و ابن‌قِبه به تفصیل داد سخن می‌داد. او در همان زمان، در تبریز، مدرّس و معلم آیت‌الله شیخ جعفر سبحانی بود و (موقتاً) برای چاپ کتاب هشت جلدی ریحانهٔ‌الادب به تهران آمده بود و من و آیت‌الله سبحانی جهت جبران عُشری از معشار محبت او کتاب او را (کفایهٔ‌المحصّلین فی شرح تبصرهٔ احکام‌الدّین) با مقدمه من و ایشان در دو جلد ضخیم در سال ۱۳۸۰ در انجمن آثار و مفاخر فرهنگی چاپ و منتشر ساختم و بزرگداشتی هم در همین انجمن برای آن مرحوم برپا کردیم که زندگی‌نامهٔ آن به شماره ۲۳ در انجمن چاپ شده و عین آن در کتاب مفاخرنامه صفحه ۲۹۸ (که به کوشش حمیده حجازی فراهم آمده) منتشر شده است.

تهران از جهت استادان فلسفه، مدینه‌ای فاضله بود که برخی از خارجی‌ها از جمله ادوارد برون انگلیسی و کنت دوگوبینوی فرانسوی در کتاب‌های خود به آن اشاره کرده‌اند. در زمان ما شیخ محمدتقی آملی برای من و حاج آقا مصطفی مسجدجامعی و شیخ محمدحسن شاه‌آبادی و چند تن دیگر در منزل خود (واقع در چهارراه حسن‌آباد) شرح منظومه سبزواری تدریس می‌کردند. محمود شهابی برای همین مسجدجامعی و حاج حسن آقاسعید تهرانی در مدرسه مروی شفای ابن‌سینا را درس می‌داد. شیخ ابوالحسن شعرانی در منزل خود (واقع در سه راه بوذرجمهری) برای من و سیدمحمدرضا علوی تهرانی بخشی دیگر از منظومه را درس می‌گفت. میرزا مهدی الهی قمشه‌ای نیز در منزل خود (در کوچه مشاور خیابان ری) به چندین تن از جمله من و شیخ محمدرضا ربّانی تربتی عرفان درس می‌داد. سیدمحمدکاظم عصّار در مدرسه سپهسالار جدید (شهید مطهری فعلی) برای من و سیدمحمدرضا علوی تهرانی کفایهٔ‌الاصول تدریس می‌کرد و درس فلسفه‌ای هم می‌داد ـ که عده کثیری از جمله نورالله و نصرالله شاه‌آبادی و محمدجواد مناقبی و محمدعلی شیخ شوشتری و محمدرضا ربّانی تربتی شرکت داشتند. در همین زمان‌ها با مدرسهٔ ملا آقارضا در خیابان سیروس (پایین سرچشمه) آشنا شدم. در آنجا ادیب بجنوردی که مشکلات ادبی را پاسخ می‌گفت، و ابوالقاسم گرجی که تازه از نجف برگشته بود، کفایهٔ‌الاصول برای من و چند تن دیگر از جمله شیخ حسین قوچانی و معصومی رشتی تدریس می‌کرد و در همان مدرسه در درسی شرکت می‌کردم که سیّد جلیل‌القدری به نام سیدمحمد سعادت مصطفوی فرائدالاصول شیخ انصاری را تدریس می‌کرد که در آن درس فرزند باهوش و ذکاوت او به نام سیدحسن سعادت مصطفوی شرکت داشت و میان او و من مؤانستی هم برقرار شد که تاکنون ادامه دارد. اکنون به مصداق:

کأن لم یکن بین الحجون إلی الصّفا
انیسٌ و لم یسمر بمکّهٔ سامر

همهٔ این بزرگان روی در نقاب خاک کشیده‌اند و فقط همین سیدحسن سعادت مصطفوی و حاج آقا رضی شیرازی و چند تن انگشت‌شمار دیگر جهت تدریس فلسفه براساس سنت قدیم، باقی مانده‌اند و چند درسی هم که به صورت هفتگی در انجمن فلسفه تشکیل می‌شود و دکتر غلامحسین ابراهیمی دینانی و دکتر سیدمصطفی محقق داماد و دکتر غلامرضا اعوانی درس می‌دهند و سال گذشته من نیز در همانجا شرح حکمهٔ‌الاشراق قطب‌الدین شیرازی را تدریس می‌کردم.

اکنون که حضرت آیت‌الله سیدحسن سعادت مصطفوی به عنوان بقیهٔ‌الماضین و ثمال‌الباقین برای ما باقی مانده و حوزه و دانشگاه از وجود ذی جودِ ایشان استفاده می‌کنند و نسل جوان طلبه و دانشجو سیرتِ علمی و عملی این بزرگوار را اُسوهٔ خود قرار دادهَ «انجمن آثار و مفاخر فرهنگی» لازم دید مجلس تکریم برای حضرت‌شان فراهم سازد و دوستان و شاگردان و همکاران ایشان را گِرد آورد تا به ذکر محامد و مناقب ایشان بپردازند و از خداوند بزرگ طول عمر و توفیق این استاد بزرگ را درخواست نمایند. بعون الله تعالی و کرمه.



از راست: محمود محقق، مهدی محقق، سید حسن سعادت مصطفوی، حسین استادولی ـ بیت‌الحکمه نیاوران – ۱۳۹۱



حاشیه

محمد مسعود؛ روایت سال های سخت –۳

اشک، مثل ابر بهاری

در هر چند قدم، مرد خیراندیشی بالای نعش مرده‌ای که صورت و شکم بادکرده‌اش از سرما کبود شده بود و جز ژنده پاره‌ای که ساتر عورت بود چیزی به تن نداشت ایستاده از عابرین برای برداشتن میت کمک و استعانت می‌خواست، گداها و بچه‌ها دور این لشها مثل حشرات حلقه می‌زدند. نگاهشان مات و ابلهانه بود.

نگاه آنها مانند حیوانی بود که نعش حیوان دیگر را تماشا نماید! من در میان این جسدهای خشک شده و بنفش رنگ بسیاری از بچه‌های محله و هم بازی‌های خود را می‌دیدم که مادر و خواهرشان بالای سرشان آهسته آهسته اشک می‌ریختند.

آه من عجب جائی بدنیا آمده‌ام!من چه می‌توانستم بکنم؟! طفل علیلی که سایه پدر از سر او دور شده و شاید چندی بعد خودش هم به سرنوشت هم‌بازیهای خود مبتلا شود در مقابل نعش اطفالی که تا دیروز با هم حرف می‌زده، می‌دویده، می گفته، می خندیده، قهر و آشتی می‌کرده، چه کار می‌تواند بکند؟!

یک روز در سر پیچ کوچه، خواهر حسن گریه‌کنان به خانه‌شان دعوتم کرد، حسن بهترین همبازی عصرهای من بود. ما، روزهای خوشی را با هم داشتیم، او شاگرد نجار بود و موقعی که من از مدرسه می‌آمدم، او هم از دکان مرخص می‌شد، پسری زرنگ و باهوش بود، پدرش را به عمرش ندیده بود. از قراری که می گفتند پدرش چوپان بوده و مادرش بیوه زنی بوده که کرباس بافی می‌کرده و در کلبه خرابه کوچک و تاریکی که از شوهر اول به ارث رسیده بود، زندگی می‌نموده است.

چوپان برای این که سرو سامانی پیدا کند، با او ازدواج کرده و همان سال دارای دختری شده و سال بعد حسن قدم به خشت می گذارد!

همان شب وضع حمل، پدر حسن برای آوردن ماما از خانه خارج شده و دیگر مراجعت نمی‌کند! شانزده سال از این تاریخ گذشته بود و هیچ کس خبری از پدر حسن نداشت.

مادرش کرباس بافی می کرد و خودش شاگرد نجار بود. خواهرش (عزیزه) دختر زرنگ و بانمکی بود که چشمان درشتش به صورت باریک و لاغرش لطف و زیبائی خاصی داده بود. عزیزه مدتی در مکتب خانه با من هم درس بود، و بعد شاگرد قالی باف شد.

هفته‌های اخیر دیگر حسن به دکان نمی‌رفت یعنی اساساً دکان بسته شده بود. من گاه‌گاه از نان ظهر خود سهمی به او می‌دادم و در هر فرصت از خانه چیزی برایش می‌دزدیدم ولی در روزهای اخیر از او خبری نداشتم و غم و اندوهم به قدری بود که حسن را فراموش کرده بودم. همین که عزیزه با چشم گریان به کلبه خود دعوتم کرد، قلبم تکان خورد و حدس زدم که فاتحه حسن هم خوانده شده است. وقتی که در اطاق کاه‌گلی و پر از دوده آنها داخل شدم، حسن در حال جان کندن بود، مادرش مانند ابربهار اشک می‌ریخت و نوحه خوانی می‌کرد. زن‌های همسایه با چادر نماز کرباس دور او حلقه زده بودند.

دماغ حسن تیرکشیده و چشمانش به طاق افتاده بود. صدای خروخر از گلویش خارج می‌شد و از گوشه دهانش خونابه مخلوط با کف سرازیر بود. شکم و دست و پایش باد کرده و کبود رنگ بود. او هم به همین درد می‌میرد که دیگران مرده بودند. حسن مشغول جان کندن بود و با این که من مکرر این منظره را دیده بودم، باز باور نمی‌کردم که حسن می‌میرد. اصلاً مرگ را با تمام این تجربیات تلخ درک نمی‌کردم و با این که فکر می‌کردم که چند لحظه دیگر حسن را زیر خاک خواهند کرد، باز خیال نمی‌کردم که دیگر تا عمر دارم حسن را نخواهم دید! مادرش گریه می کرد و خواهرش در حالی که اشک از چشمان درشتش سرازیر بود، از رنج و ترس و سرما می‌لرزید.

ادامه دارد

ادب

دکتر حسن انوری: روایت سال های زندگی

زندگی با نان خالی

از اخلاقیات آنچه در کلاس نوابی یاد گرفتم «تساهل» بود. این که به پیروان ادیان دیگر باید با سعه صدر نگریست. داستان، داستان ابوسعید ابوالخیر بود. روزی ابوسعید با یاران از در کلیسایی می گذشت. ترسایان پیش آمدند. تأثر و عطوفت در آنان ظاهر شد. یکی از یاران بوسعید گفت: «اگر شیخ اشارت کردی، همه زنار باز کردندی». بوسعید پاسخ داد: «ماشان درنبسته بودیم تا بازگشاییم». تساهل دکتر ماهیار نوابی چنان در جان من نشست که مقاله‌ای نوشتم و سال‌ها بعد با همین عنوان «تساهل» در مجله یغما چاپ شد.

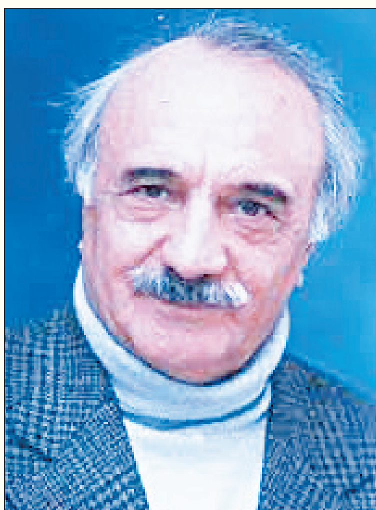
دیگر استادان ما در این دوره دکتر عبدالرسول خیام‌پور (طاهرزاده)، احمد ترجانی زاده، دکتر منوچهر مرتضوی، حسن قاضی طباطبایی، محمد امین ادیب طوسی و چندتن دیگر بودند. خیام‌پور شخصی بود متین، افتاده، نجیب و آرام. نخستین درسی که با او گذراندم دستور زبان فارسی بود. در کلاس تمرینات متعدد می‌داد و به طور تجربی تدریس می‌کرد. کلاسش علاقه مرا به دستور زبان فارسی جلب کرد، به طوری که پایان‌نامه را درباره دستور زبان و کاربرد افعال گرفتم. قسمت کوتاهی از آن در مجله یغما چاپ شد (۱۳۴۱). موضوع این بود که هر کدام از افعال فارسی را در چه موردی باید به کار برد. مثلاً ماضی نقلی و ماضی ساده چه تفاوتی در کاربرد باهم دارند. اگر کسی بگوید من او را دیده‌ام و من او را دیدم چه تفاوتی باهم دارند. بعدها علاقه به دستور زبان در کلاس‌های دکتر خانلری در دوره فوق لیسانس و دکتری بیشتر شد و به آنجا منجر شد که بیش از ده کتاب دستور در کارنامه انتشاراتی من باشد و دو تا از آنها که به وسیله انتشارات فاطمی چاپ می‌شود. اینک که این مطالب را می‌نویسم (۱۳۸٤) و چهل و چند سال از آن روز می گذرد که به شاگردی در کلاس خیام‌پور می‌نشستم نوبت چاپ آنها به بیست و شش رسیده است.

سال اول که تمام شد در تیر ماه ۳۸ به اتفاق مادر، خواهر و برادر به تکاب رفتیم. دو ماه تابستان را در تکاب گذرانیدم. شهریور تنها آمدم. مادرم صلاح دید که در خانه بماند. دانشگاه را در دو سال و شش ماه گذرانیدم. آذرماه ۳۷ شروع کردم و خرداد ۱۳٤۰ تمام کردم. در این مدت از میان دانشجویان با لطفعلی بنان نزدیک و مأنوس بودم. او بعدها دکترا گرفت و به عنوان پایان‌نامه دیوان حکیم شفایی اصفهانی را تصحیح و چاپ کرد. تابستان سال ٤۰ به تکاب نرفتم و در تبریز ماندم و در شعبه انجمن فرهنگی ایران و فرانسه به تکمیل زبان فرانسه پرداختم. معلم، خانمی بود فرانسوی همسر حسین کاظم‌زاده نقاش معروف. در این اوقات بخش‌نامه آمد که وزارت فرهنگ گروهی از آموزگاران را به تهران انتقال می‌دهد. من هم تقاضا دادم. مهرماه در همان دبیرستان حرفه‌ای مشغول تدریس بودم که نامه آمد با تقاضای من موافقت شده است. خود را در تهران به کارگزینی بخش ده اداره فرهنگ معرفی می کنم.

باید به تهران بروم. لازم بود اثاث مختصرم را بفروشم. یوسفی، دوست نازنین، این کار را بر من آسان کرد. سمساری آورد و او همه اثاث را به سی تومان خرید. پول را داد و اثاث را برد. ولی من به پول بیشتری نیاز داشتم. همان بلایی که موقع آمدن به تبریز دچارش شده بودم، در تهران در انتظار بود: حقوق به تعویق خواهد افتاد. از این رو از دوستی سیصد تومان قرض کردم و اینک با دست پر به تهران می‌رفتم. نزدیک به چهارصد تومان پول داشتم. در عین حال فکر کردم در تهران به منزل ضیایی بروم. آرام بگیرم تا محل کارم معلوم شود بعد اطاقی اجاره کنم. با اتوبوس به راه افتادم. خانه ضیایی در سه راه ژاله بود. مادر ضیایی به گرمی مرا پذیرفت. چند روز در خانه آنان بودم. بعد اطاقی در نزدیکی میدان حسن‌آباد گرفتم. در این فاصله خود را به اداره فرهنگ معرفی کردم. جز من آموزگارانی دیگر از شهرستانها منتقل شده بودند. به نوبت آنان را در کارگزینی می پذیرفتند. من هم در صف قرار گرفتم. چون نوبت من رسید به آرامی به رئیس کارگزینی گفتم من لیسانس دارم. با ترس این جمله را گفتم زیرا می‌ترسیدم بگویند ما لیسانس نخواستیم ما در مدارس ابتدایی کمبود داریم. اما دیدم متغیر نشد گفت برو عصر بیا تا در دبیرستانی برایت جا پیدا کنم.

فرانسه در انجمن ایران و فرانسه در خیابان حشمت‌الدوله اسم نوشتم. در کلاسِ نسبتاً بالاتری قبول شدم. معلم ما خانمی بود به اَسم مادام داهی. ظاهراً شوهر ایرانی داشت. محیط انجمن ایران و فرانسه برای من جاذبه‌ای داشت. سخنرانی هایی نیز در آنجا انجام می‌شد. من اغلب به این سخنرانیها می‌رفتم. از جمله سعید نفیسی و دکتر محمد معین در آنجا سخنرانی کردند. سخنرانیها به زبان فرانسه بود اما در لابلای سخن اشعار فارسی می‌خواندند. سخنرانی معین درباره تصوف و عرفان بود و در لابلای سخن اشعاری از حافظ می خواند.

در این اوقات به سراغ یک همشهری که در جوانی با پدرم معاشرت داشته بوده، رفتم. افسر بازنشسته ارتش بود و گرایشی به زردشتیگری داشت و کتابهایی در تفسیر اوستا می‌نوشت. شگفت‌انگیز بود او نه اوستا می‌دانست و نه انگلیسی. واژه‌های اوستایی را در فرهنگ اوستایی ـ انگلیسی کانگا پیدا می کرد و مفهوم واژه را در کتاب لغت انگلیسی ـ فارسی حییم، و بدین ترتیب اوستا را ترجمه و تفسیر می کرد. او مرا با دکتر محمود نجم‌آبادی، استاد تاریخ طب در دانشگاه تهران، آشنا کرد و من مدتی با دکتر نجم‌آبادی همکاری کردم و بعضی از کارهای دفتری او را انجام دادم. نجم‌آبادی طبیب و ادیب بود و معلقات سبع عربی را در حفظ داشت. وقتی انجمن طب همایشی در تالار ابن‌سینای دانشگاه تهران برگزار کرد، دعوت‌نامه‌ها را من نوشتم. نجم‌آبادی حدود دویست آدرس اشخاص سرشناس تهران از حفظ گفت و من روی پاکت نوشتم و از حافظه او در شگفت شدم.


■ دکتر انوری

نصف حقوقم را برای خانواده می‌فرستادم و با نصف دیگر با قناعت زندگی می‌کردم. زندگی هم بر من و هم بر آنها به سختی می گذشت. این بود که کم‌کم به این فکر افتادم که خانواده را به تهران بیاورم. به خصوص که برادر و خواهر کوچکم باید به درس خود ادامه می‌دادند. تابستان ٤۱ به تکاب رفتم و موضوع را با پدر و مادرم در میان گذاشتم. آنان هم موافق بودند. در شهریور زودتر به تهران برگشتم و در سه‌راه اکبری در انتهای خیابان اسکندری خانه‌ای اجاره کردم به ماهی دویست و پنجاه تومان. پدرم یک کامیون گرفت، اثاث خانه را به تهران آورد. من هم رفتم مادر و خواهر و برادرم را آوردم. برادرم را در دبیرستان علامه و خواهرم را در دبیرستان شهرزاد ثبت‌نام کردم. زندگی از حالت مجردی بیرون آمد و شکلی تازه به خود گرفت. چون مهرماه کلاس‌ها شروع شد ادبیاتِ کلاس‌های ۵ و ٦ دبیرستان را به من دادند و معلَم سابق را به سیکل اول فرستادند. من در دبیرستان شهرتی پیدا کرده بودم. کلاسها را با قدرت و به خوبی اداره می‌کردم. با بچه‌ها دوستی به هم رساندم. کلاس‌های انشای من از بهترین کلاسها بود. چند نفر از بچه‌ها خوب می‌نوشتند. در یکی از روزها یکی از بچه‌ها انشای موثری نوشته بود، همین طور که می‌خواند اشک می‌ریخت. همه بچه‌ها متأثر شده بودند. روش من چنان بود که شاگردان باید انشا را سر کلاس می‌نوشتند. برای اینکه احیاناً از روی نوشته دیگران ننویسند و دیگر این که معلوم شود در وقت محدود و در فضای کلاس می‌توانند بنویسند و یا این که عادت کنند که در وقت محدود و در فضای عمومی بتوانند بنویسند. انشاها را جمع می‌کردم و به خانه می‌آوردم، می‌خواندم و اغلاط انشایی و املایی و مطلبی را یادداشت می‌کردم و بهترین‌ها را می‌گفتم که سر کلاس بخوانند. گاهی در کلاس‌های انشا به شاگردانی برخورد می‌کردم که از ذهنشان چیزی تراوش نمی‌کرد. می‌گفتند هرچه به مغزم فشار می‌آورم چیزی نمی‌توانم بنویسم. به این قبیل شاگردان ادات پرسش می‌دادم. چگونه؟ چرا؟ چطور؟ کجا؟ او چه گفت، من چه گفتم... و می‌گفتم درباره موضوع انشا سؤال طرح کنید و چون سؤال طرح می‌کردند می‌گفتم حالا به پرسش پاسخ دهید. پاسخ‌ها باید در جمله‌های کامل داده شده باشد و پاسخ‌ها را کنار هم بگذارید. چنین بود که بچه‌ها در انشا راه افتادند و علاقه میان ما بیشتر شد. درد دل‌هایشان را به من می‌گفتند و از من راهنمایی می‌خواستند. با چند تن از بچه‌های کلاس قرار گذاشتیم به کوه برویم. یکی از معلمان جوان با ما همراه شد. روزهای جمعه به ارتفاعات شمال تهران می‌رفتیم. بچه‌ها در این همراهی‌ها آزاد بودند آواز بخوانند، شوخی بکنند، سر به سرِ هم بگذارند. همچنین با چند تن از بچه‌ها در یکَ مسابقهٔ تلویزیونی شرکت کردم و برنده شدیم و مورد اعتراض بعضی از دبیران سن و سال‌دار قرار گرفتم که در شأن دبیر نیست که در چنین مسابقاتی شرکت کند. گفتم اگر این کار جزیی از روش معلمی باشد و در نزدیکی شاگردان و معلمان و تقویت روحیهٔ آنان اثر کند، چه عیبی دارد؟

حقوق، کفاف زندگی پنج نفر را نمی‌داد، از این رو در یکی از آموزشگاه‌های شبانه درس گرفتم، از سوی دیگر دکتر جعفر شعار دعوت می‌کرد که تألیف او را از لغت‌نامهٔ دهخدا من برعهده گیرم. اما از همان آغاز متوجه شدم که روحی مرده در مؤسسهٔ لغت‌نامهٔ دهخدا حاکم است. اما از یک طرف اجبار زندگی و از سوی دیگر کسب نوعی معلومات در حین تألیف، باعث شد ادامه دهم. تا کی؟ تا ۳۵ سال دیگر.

در زمستان ٤۳ ازدواج کردم. همسرم دختر یک کارمند بانک بود. او را در خانهٔ شوهرعمه‌اش، غلامرضا صدرالاشرافی، دیدم. صدرالاشرافی ناظم دبیرستان علامه بود. با او دوستی به هم رسانده بودم. اهمیت روش معلمی مرا دریافته بود. همواره مرا تشویق و از من حمایت می‌کرد. تابستان ٤٤ برای این که در امتحانات دورهٔ فوق‌لیسانس شرکت کنم، منتخب اغانی را نزد حاج یوسف شعار، پدر دکتر جعفر شعار، خواندم. حاج یوسف مفسر قرآن در تبریز بود و اخیراً در تهران اقامت کرده بود. او روش خاصی در تفسیر قرآن داشت. مردی نیک‌نفس و متواضع بود. قرار گذاشتیم صبح‌های زود در پارک شهر همدیگر را ببینیم و یک دوره اغانی را برای من بخواند.

زبانزد/ جلال دری



«ط»

«ظ»

طوطی با جغد در یک قفس؟

* طمع می‌برد از رخ مرد آب.
* طمع و آزار را مرید مباش/ بایزیدی کن و یزید مباش
* طناب مفت که گیر آوردی خودت را خفه کن.
* طناب مفت که گیر بیاید آدم خودش را دار می‌زند.
* طوطی با جغد در یک قفس به هر دو ظلم است
* طوطی ز زبان خویش در بند افتاد.
* طوق زرین همه در گردن خر می‌بینم.
* طوق قمری سرو را بهتر ز خلخال زر است.

«ظ»

* ظالم پای دیوار خود را می کند.
* ظالم همیشه خانه خراب است.
* ظالمی نیست که به ظلم ظالم دیگر گرفتار نشود.
* ظاهر از شیخ و باطن از شیطان.
* ظاهر زیبا نمی‌آید به کار
حرفی از معنی اگر داری بیار
* ظاهر و باطن نگه کن، اول و آخر ببین.
* ظرافت، آتش‌افروز جدایی است.
* ظرافت بسیار هنر ندیمان است و عیب حکیمان.
* ظرف ظرف مس، فرش فرش قالی دین دین محمد.
* ظرفی که خانم بشکند صدا ندارد.
* ظلم امروز ظلمت فرداست.
* ظلم بالسویه عدل است.
* ظلللم بر خود می‌کند هر کس به کس ظلمی کند.
* ظلم سلطان باعث ویرانی ملکش بود.
* ظلم ظالم بدتر از وبا و طاعون است.
* ظلم ظالم بر سر اولاد ظالم می‌رود.
* ظلم ظالم بنیاد خود ظالم را می‌کند.
* ظلم ظالم و ماه تموز هیچ کدام پایدار نیست.
* ظلم کنم، وای که بر خود کنم!.
* ظن بد بردن به مردم بد به خود کردن است.
* ظن بد بردن به مردم محو سازد خیر تو.
* ظن بد بر کس مبر تا بد نگردی پیش خلق.
* ظهور نیکویی در اعتدال است.

چهل سال پیش...

تمامی مطالب از روزنامه اطلاعات روز سه‌شنبه ۱۱ تیر ۱۳۵۳، (برابر با ۱۱ جمادی‌الاخر ۱۳۹۴، ۲ ژوئیه ۱۹۷۴) نقل شده است.

ساختمان اتوبان تهران ـ چالوس تابستان شروع می‌شود

ساختمان اتوبان تهران ـ چالوس در تابستان امسال شروع می‌شود و برای تسریع در احداث این اتوبان، مقاطعه آن به چند شرکت راهسازی واگذار خواهد شد.

مناقصه طرح احداث اتوبان تهران ـ چالوس چندی قبل انتشار یافت و به دنبال اعلام مناقصه، ارسال پیشنهاد اعلام مناقصه، ارسال پیشنهاد از طرف شرکت‌های راهسازی داخلی و خارجی به وزارت راه آغاز گردید.

این پیشنهادات هم‌اکنون در وزارت راه تحت بررسی است و چنانچه صلاحیت و امکانات مالی و فنی شرکت‌های شرکت کننده در مناقصه تائید گردد، برندگان مناقصه ظرف یک‌ماه آینده تعیین خواهند شد.

هزینه احداث اتوبان تهران ـ چالوس را مهندسین مشاور نزدیک به دو میلیارد تومان برآورد کرده‌اند که این هزینه از محل اعتبارات عمرانی کشور تأمین خواهد شد.

ساختمان این اتوبان حداقل پنج‌سال به طول می‌انجامد و برای تسریع در احداث آن، احتمالاً ۱٤ مقاطعه کار تعیین می‌شوند تا ساختمان کلیه قطعات اتوبان، همزمان آغاز گردد سازمان برنامه برای احداث این اتوبان در بودجه اصلاحی سال ۵۳ بیش از ٦۰ میلیون تومان اعتبار پیش‌بینی کرده و این اعتبار با تصویب لایحه به وزارت راه داده می‌شود.

اتوبان تهران ـ چالوس نزدیک به ۱۲۰ کیلومتر خواهد بود و مسیر این اتوبان جاده لشگرک، شمشک، گاجره، گچسر و چالوس است.

پیشنهاد ایران برای عبور از تنگه‌های بین‌المللی

کاراکاس ـ خبرگزاری فرانسه ـ دکتر عزالدین کاظمی نماینده ایران در کنفرانس حقوق دریاها ضمن نطقی در جلسه دیروز کنفرانس گفت که، این اجتماع یک مرحله قطعی در توسعه تدریجی حقوق بین‌المللی است که سرنوشت اقیانوس‌ها به آن بستگی دارد.

کاظمی ضمن تشریح جنبه‌های مختلف مسئله تأکید کرد که امروزه تمایل روزافزونی به قبول قلمرو آب‌های ساحلی به دوازده میل دریائی دیده می‌شود.

ایران به نوبه خود در سال ۱۹۵۹ قلمرو آب‌های ساحلی خود را دوازده میل تعیین کرد اما این مسئله مانع آن نمی‌شود که باامضای قراردادهای دو جانبه یا چند جانبه در صورتی که موقعیت اقتضاء کند، حدود قلمرو آب‌های ساحلی تعیین شود.

درباره مسئله تنگه‌های بین‌المللی نماینده ایران اظهار عقیده کرد که می‌توان راه‌حلی برای این مسئله پیدا کرد بدون آنکه ماهیت قضائی دریای ساحلی نادیده گرفته شود.»

ایران قیمت نفت را افزایش داد

شرکت ملی نفت ایران از دیروز قیمت خام سبک ایران را در خلیج‌فارس بشکه‌ای ۷ر۱۰ سنت و نفت خام سنگین را هر بشکه ۵ر۱۰ سنت افزایش داد. در نتیجه بهای نفت سبک (بدون محاسبه وجوه مربوط به گوگرد) به ۷دلار و ۷ر۱۰ سنت و نفت سنگین به ۷دلار و ۵ر۱۰ سنت رسید. برای کمبود گوگرد مبلغی اضافی گرفته می‌شود که در این رقم منظور نشده است.

دولت ایران قیمت جدید را بر اساس توصیه اوپک با افزایش ۲ درصد بر بهره مالکانه تعیین کرده است. بهره مالکانه نفت خام ایران از ۵ر۱۲ درصد به ۵ر۱٤ درصد افزایش یافته است.

نظیر کار ایران را دیروز اکثر کشورهای عضو اوپک انجام دادند، منتهی همه‌ی اعضاء فقط بهره مالکانه را ۲ درصد افزایش ندادند. بعضی از آنها وضع متفاوتی با ایران و کشورهای خلیج‌فارس دارند.

با بولدوزر ۵ هزار نخل را از ریشه کندند!

صاحب نخلستان «کیومرث» خرمشهر، شبانه با بولدوزر، پنجهزار نخل پربار را از ریشه کند!

صاحب نخلستان «کیومرث» عظیمی نام دارد که اخیراً نخلستان را خریده بود.

آقای رمضانی شهردار خرمشهر درباره قطع درختان خرما گفت: برای عمران این ناحیه درختان خرما قطع شده است.

«عظیمی» صاحب نخلستان «کیومرث» متعهد شده است که با قطع درختان خرما، خیابان کشی محل را هم به هزینه خود انجام دهد.

قاب امروز



هواداران روسیه در یکی از ادارات دولتی دونتسک / منبع: تلگراف

داستان کوتاه

پند عارف

جوان ثروتمندی نزد عارفی رفت و از او اندرزی برای زندگی نیک خواست. عارف او را به کنار پنجره برد و پرسید: چه می بینی؟ گفت: آدم هایی که می آیند و می روند و گدای کوری که در خیابان صدقه می گیرد. بعد آینه بزرگی به او نشان داد و باز پرسید: در آینه نگاه کن و بعد بگو چه می بینی؟

گفت: خودم را می بینم! عارف گفت: دیگر دیگران را نمی بینی. آینه و پنجره هر دو از یک ماده اولیه ساخته شده اند و آن شیشه است، اما در آینه لایه نازکی از نقره (جیوه) در پشت شیشه قرار گرفته و در آن چیزی جز شخص خودت را نمی بینی. این دو شی شیشه ای را با هم مقایسه کن: وقتی شیشه فقیر باشد، دیگران را می بیند و به آن ها احساس محبت می کند. اما وقتی از نقره (یعنی ثروت) پوشیده می شود، تنها خودش را می بیند. تنها وقتی ارزش داری که شجاع باشی و آن پوشش جیوه ای را از جلو چشم هایت برداری، تا بار دیگر بتوانی دیگران را ببینی و دوستشان بداری.

منبع: داستانک

سرایه

زان پیش که غمهات شبیخون آرند
برگوی که تا بادهٔ گلگون آرند
تو زر نه‌ای ای غافل نادان که تو را
در خاک نهند و باز بیرون آرند

خیام

پند بزرگان

● بزرگ ترین الماس جهان آفتاب است، که خوشبختانه بر گردن همه می درخشد.

چارلی چاپلین

● انسان آزاد آفریده شده، اما همیشه در زنجیری است که خود بافته است.

ژان ژاک روسو

● آنچه شایسته نیست، به آرزو مخواه و بدان که انتقام خدا از بنده، به خشم بی رحمانه و بی حرمتی و سرزنش نبُود، بلکه به متحول کردن و ادب کردن از فرط عشق باشد.

افلاطون

امروز در تاریخ

...و به این سان یک اشتباه دودمان غزنویان را بر باد داد

یک ماه پس از این که مسعود غزنوی برادرش محمد را کور کرد تا بدون داشتن رقیب و با خاطری آسوده برجای پدر (محمود غزنوی) بنشیند، در قلمرو غزنویان ـ ایران خاوری آن زمان (افغانستان و پاکستان کنونی) ـ میان مردم دو دستگی بروز کرد که در دراز مدت به تضعیف حکومت غزنویان و پایان کار آنان انجامید.

مسعود اول ژوئیه سال ۱۰۳۰ میلادی برادرش محمد را کور کرده بود. سلطان محمود غزنوی ـ از ترکان غز ـ پیش از این واقعه در گذشته بود و با این که پیش از مرگ، مسعود را به جانشینی خود انتخاب کرده بود، مسعود برای این که بدون دغدغه حکومت کند برادر را کور کرد.

نشست ادیبان برای نوسازی نثر نویسی

دوم ژوئیه سال ۱۹٤٦ نشست ادیبان و نویسندگان ایران که از ۲۵ ژوئن (چهارم تیر ماه ۱۳۲۵ خورشیدی) برای نوسازی روزنامه نگاری، ترجمه و نثرنویسی و اظهار نظر درباره شعر تشکیل شده بود با صدور قطعنامه (توصیه نامه) ای پایان یافت که تا سال ها الگوی نویسندگی بود.

در جلسات هفت گانه این نشست (کنگره) ادیبان و نویسندگان از جمله دهخدا، بهار، حکمت، فروزانفر و علی شایگان شرکت داشتند و روش های روزنامه نگاری و نثر نویسی اروپایی در این جلسات بررسی شد و سبکهایی برای ترجمه از زبانهای دیگر مورد موافقت قرار گرفت که رعایت آنها به مترجمان توصیه شد.

«همینگوی» خودکشی کرد

دوم ژوئیه سال ۱۹٦۱ ارنست همینگوی Ernest Hemingvay داستان نگار بلند آوازه آمریکایی در خانه اش در منطقه کوهستانی کچوم واقع در ایالت «آیداهو» آن کشور با گلوله تفنگ شکاری خودکشی کرد. وی هنگام مرگ ٦۲ ساله بود. همینگوی که در ۲۱ ژوئیه سال ۱۸۹۹ به دنیا آمده بود، در سال ۱۹۵۵ برنده جایزه نوبل درادبیات شد و به خاطر داستان «پیر مرد و دریا» جایزه پولیتزر به دست آورد.

همینگوی نویسنده داستان‌های «نیروی عاطفه»، «خورشید همیشه می درخشد»، «پیر مرد و دریا»، «زنگها برای که به صدا در می آیند؟» و... ظاهرا از فرارسیدن پیری، روزهای سخت سالخوردگی و از کارافتادگی که در آستانه اش قرار گرفته بود نگران بود تحت تاثیر همین ترس، سرانجام دست به خودکشی زد. پدر او هم در آغاز سالخوردگی خودکشی کرده بود.

www.iranianshistoryonthisday.com

جدول شرح در متن ۳۶۱۱

غلامحسین باغبان

- مکتب گروهی از فلاسفه
- بازیگر فیلم بی‌خداحافظی
- مقابل شب
- گنگ
- جایگاه مخصوص
- سازش
- واگیردار
- وسیله‌ای در اتومبیل
- تیم دسته اولی فوتبال
- بسیار بیش از حد معقول!
- رود مرزی
- جهت
- تایر خودرو
- میوه گرمسیری
- نت چهارم
- نیز
- نیروها
- غذای شب
- سلام تلفنی
- غول بیابانی
- رشد دادن گیاه
- پیشرو
- اولین چهاررقمی
- بجز
- بعد از (ل)
- سوره قرآنی
- ممکن
- درخت زبان گنجشک
- ناپیدا
- رقیبان
- مسرور
- قلعه و حصار
- غلتک
- خارج از محوطه

(حروف داده شده در جدول: ا، چ، ر)

حل ۳۶۱۰

به طور کامل / چهره بسیار زیبا / آرزو / واحد سطح / کنده کاری / کلیسایی در اصفهان / نوعی نارنگی / آقای خاص / نوشابه گازدار / قدیم

ت م ا م و ک م ا ل
چهلچراغ: ث ر ی ا — وفا دار / باشلق سر شانه: و ف ی
چ ل — اثر شلوغی / جشن: د ن آ ر ا م
مخفف چهل / پشت سر: پ س — رونوشت / حلال و روا: ک پ ی — زنگ کاروان: و
م ن و ط — پایتخت انگلستان / درخت تناور آفریقا: ل ن د ن
مربوط / ده هزار متر مربع: ج ر ی ب — چروک پوست: ی ر ا
س ه — تحصیلکرده / هافبک تیم ملی ایتالیا: ب ا س و ا د
عدد خیطی / بالای فرنگی: ا پ — پرهیزکاری: ی
فنی در کشتی / انتظار کشنده: ف ی ت و
م ت ر ق ب
صمغی بسیار تلخ / جمع باب: ا ل و ا
ا ب و ا ب

سودوکو ۱۰۹۸

	۳			۲				۱
			۶				۲	
۴		۹	۷					
۸					۴		۷	۵
۲								۳
۹	۱		۳					۴
					۳	۱		۷
	۷				۶			
۱				۴			۸	

حل ۱۰۹۷

۵	۶	۸	۴	۹	۷	۱	۳	۲
۱	۳	۲	۵	۶	۸	۴	۹	۷
۴	۹	۷	۱	۳	۲	۵	۶	۸
۸	۵	۶	۷	۲	۴	۹	۱	۳
۹	۴	۱	۸	۵	۳	۷	۲	۶
۷	۲	۳	۶	۱	۹	۸	۵	۴
۳	۸	۵	۹	۷	۶	۲	۴	۱
۶	۱	۴	۲	۸	۵	۳	۷	۹
۲	۷	۹	۳	۴	۱	۶	۸	۵

آگهی قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

در اجرای آرای صادره هیات حل اختلاف موضوع قانون تعیین تکلیف اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی، ذیلا اسامی افرادی که با ارائه قولنامه و مدارک و مستندات لازم به دبیرخانه هیات مذکور و مستقر در اداره ثبت اسناد و املاک سقز تقاضای ثبت و صدور سند مالکیت مورد تقاضای ابتیاعی و متصرفی خود را نموده‌اند، مستندا به ماده ۳ قانون فوق مراتب در دو نوبت و به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود، چنانچه از تاریخ انتشار اولین نوبت این آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل ظرف مدت ۲ ماه اعتراضی واصل شود معترض بایستی ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض به اداره ثبت مبادرت به تقدیم دادخواست به مرجع ذیصلاح قضایی نموده و گواهی تقدیم دادخواست را اخذ و به اداره ثبت اسناد تسلیم نماید که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه خواهد بود و در غیر اینصورت چنانچه ذینفع، گواهی عدم تقدیم دادخواست را از مرجع صالح اخذ و تقدیم دارد، اداره ثبت پس از پایان مدت واخواهی بر اساس رای هیات حل اختلاف اقدامات لازم را درخصوص ادامه عملیات ثبتی معمول می دارد. در هر حال صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نخواهد بود.

۱. آقای محمد فتحی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۱۰۰۰ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۱۱۵/۹۷ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای جعفر شریفی وکالتا از طرف خانم آمنه صدقی

۲. آقای محمدصالح شریف پور ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک باقیمانده ۱۰۰۳ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۱۵۱/۷۰ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای جعفر شریفی

۳. آقای نجمه الدین مجیدزاده ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک باقیمانده ۱۰۱۳ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۱۳۰/۳۶ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقایان امجد و ماجد و علی و محدرضا نصراللهی

۴. آقای حسن علی پور ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک باقیمانده ۱۰۶۸ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۹۸/۹۰ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای رئوف اسعدی

۵. خانم خدیجه صالحزاده ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۱۷۲۸ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۸۲/۳۱ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از ورثه آقای نیلوفری

۶. آقای محمدامین برازنده ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۸۹ فرعی از ۱۷۴۱ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۱۴۱ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای حسن امینی

۷. خانم فریده احمدزاده ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۱۰۱ فرعی از ۱۷۴۱ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۱۰۱/۶۲ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای حسن امینی

۸. آقای خالد زینلی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب مغازه جزء پلاک ۱۷۴۴ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۱۹/۱۸ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای مظفر دارایی

۹. آقای اسماعیل محمد کریمی سه دانگ از ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۱۸۱۹ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ششدانگ ۱۰۰/۶۷ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای کریم خسروی به نمایندگی از خانم خدیجه الله قلی

۱۰. خانم فریده فرخیان سه دانگ ازششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۱۸۱۹ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ششدانگ ۱۰۰/۶۷ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای کریم خسروی به نمایندگی از خانم خدیجه الله قلی

۱۱. آقای محمدعلی دهش ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک باقیمانده ۱۸۱۹ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۱۱۲/۱۰ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای کریم خسروی

۱۲. آقای عبدالله محمودی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک باقیمانده ۱۸۱۹ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۲۱۰ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای کریم خسروی

۱۳. آقای محمد سلیم میرزائی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۱۸۳۴ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۹۸/۱۳ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از خانم فاطمه الله قلی

۱۴. آقای صدیق امین زاده ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۱۸۳۴ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۱۱۰ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از خانم فاطمه الله قلی

۱۵. آقای منصور کریم زاده ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۱۸۳۴ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۷۰/۰۴ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از خانم فاطمه الله قلی

۱۶. آقای محمد کس نزانی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۱۸۳۴ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۸۵/۸۵ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از خانم فاطمه الله قلی

۱۷. آقای زاهد امینی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک باقیمانده ۱۸۳۴ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۱۱۸/۹۶ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از خانم فاطمه الله قلی

۱۸. آقای علی صالحی جوشن ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۱۸۴۳ الی ۱۸۴۸ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۱۸۸ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای شریف صالحی وکیل آقای اقبال صالحی

۱۹. خانم فاطمه سید حکیمی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک فرعی از ۱۹۴۵ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۷۰ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای احمد محمدی ملقرنی

۲۰. آقای محمد بهرامی قشلاق ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک فرعی از ۱۹۴۵ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۱۲۰/۶۶ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای احمد محمدی ملقرنی

۲۱. آقای عمر میری ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک فرعی از ۱۹۴۵ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۱۵۰ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقایان محمدامین و محمدصالح محمدی ملقرنی

۲۲. آقای شمس الدین حسینی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک فرعی از ۱۹۴۵ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۱۲۹ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از وراث آقای احمد محمدی ملقرنی

۲۳. آقای علی حیدریان ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک فرعی از ۱۹۴۵ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۷۴/۴۱ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمدامین محمدی

۲۴. خانم نقله حسن پور ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک فرعی از ۱۹۴۵ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۱۳۱/۲۳ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای احمد محمدی ملقرنی

۲۵. آقای هیرش بهرامی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۵ فرعی از ۲۰۸۵ ـ اصلی واقع در بخش یک سقز به مساحت ۱۲۷ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمدامین سعادت

۲۶. آقای مرتضی محمدزاده ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۸۱/۷۰ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمد رحیمی پور

۲۷. آقای ابراهیم محمدزاده ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۰۷ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمد رحیمی

۲۸. آقای علی عبدخدا ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۰۵/۰۹ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از خانم ستاره طالعی

۲۹. آقای خالد حسینی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۰۴/۸۹ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از خانم ستاره صلاحی

۳۰. آقای فتح الله رحیم زاده ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش۲ سقز به مساحت ۱۴۹/۵۷ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای رسول حافظی

۳۱. آقای باقی پور محمد ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۹۳/۸۲ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای طهمورث وزیری

۳۲. آقای ناصر نظافتی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۰۶/۸۷ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای طهمورث وزیری

۳۳. آقای کمال عبداللهی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۹۷/۰۹ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمدرسول یوسفی

۳۴. آقای عبدالله شمسی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۱۱/۱۶ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای وزیری

۳۵. آقای علی مصطفائی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش۲ سقز به مساحت ۱۰۵/۱۴ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای وزیری

۳۶. آقای محمدصالح احمدی آیچی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش۲ سقز به مساحت ۸۰/۶۷ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای وزیری

۳۷. آقای توفیق نوری ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش۲ سقز به مساحت ۹۰/۷۹ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای وزیری

۳۸. آقای محمدصالح مصطفی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش۲ سقز به مساحت ۱۷۲/۱۷ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای مصطفی خادمی

۳۹. آقای احمد رضاپور سه دانگ از ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش۲ سقز به مساحت ششدانگ ۱۴۹/۳۰ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای حسن خالدی

۴۰. آقای محمد رضاپور سه دانگ از ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش۲ سقز به مساحت ششدانگ ۱۴۹/۳۰ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای حسن خالدی

۴۱. آقای احمد مجیدی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۷۴/۳۱ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای نورالدین خالدی

۴۲. آقای سید محمد صدیق رحمانی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۴۰/۸۸ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای عبداله مجیدی

۴۳. خانم رابعه فیضی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۷۰/۷۳مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمد خادمی

۴۴. آقای فخرالدین کریمی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۷۴/۹۱ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمد خادمی

۴۵. آقای محمدکریم قلندری سه دانگ از ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ششدانگ ۹۳/۱۹ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمدمراد نعمتی

۴۶. خانم زبیده فیاضی قوزلو سه دانگ از ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ششدانگ ۹۳/۱۹ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمدمراد نعمتی

۴۷. آقای ابراهیم نوری ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۰۵/۰۶ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای عبداله مجیدی

۴۸. آقای سید محمدامین شهابی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۰۵/۰۶ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای عبداله مجیدی

۴۹. آقای مصطفی آلهی عربغلی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش۲ سقز به مساحت ۱۶۵/۷۹ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمد امین یوسفی

۵۰. آقای محمد امینی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۴۴ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقایان نورالدین و محمدسعید خالدی

۵۱. آقای رشید حیاتی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۲۴/۳۱ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای نورالدین خالدی

۵۲. آقای عبدالرحیم جلالی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۳۴/۶۹ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمدقاسم کریم نژاد

۵۳. آقای عباس شکری ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۹۷/۳۱ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای عبدالله فیضی

۵۴. آقای کمال کریمی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۴۵/۸۳ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمدقاسم کریم نژاد

۵۵. آقای فریدون رشیدپور ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ - ۱۱ - ۱۲ - ۳۲ الی ۳۸ - ۴۷ الی ۵۰ - ۵۲ الی ۵۴ - ۶۶ - ۶۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۳ - ۹۳ - ۱۰۲ - ۱۰۶ - ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۲ - ۱۱۷ - ۱۱۹ - ۱۲۸ الی ۱۳۲ - ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش۲ سقز به مساحت ۱۵۰ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محی الدین مام سلیمی

۵۶. آقای طاهر قریشی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ - ۱۱ - ۱۲ - ۳۲ الی ۳۸ - ۴۷ الی ۵۰ - ۵۲ الی ۵۴ - ۶۶ - ۶۸ - ۷۹ - ۸۰ - ۸۳ - ۹۳ - ۱۰۲ - ۱۰۶ - ۱۰۹ - ۱۱۰ - ۱۱۲ - ۱۱۷ - ۱۱۹ - ۱۲۸ الی ۱۳۲ - ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش۲ سقز به مساحت ۷۴/۷۲ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای عثمان فتح الله زاده

۵۷. آقای سید کامل حسینی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه

جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۳۵/۵ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای رحمن فتح الله زاده

۵۸. آقای محمد سعید سیفی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۰۲/۱۳ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمد مام سلیمی

۵۹. آقای عثمان شمسی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۰۲/۲۶ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمد مام سلیمی

۶۰. آقای محمد ایصافی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۷۱/۶۰ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمدرحیم ساکت

۶۱. آقای علی فاطمی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۵۷/۳۰ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای علی شهنازی

۶۲. آقای غفور قادریان فر ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۰۲/۱۳ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای رحمان فتح الله زاده

۶۳. آقای علی امانی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۵۷/۵۰ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمد مام سلیمی

۶۴. آقای عبدالرحمن امانی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۰۰/۴۰ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمد مام سلیمی

۶۵. خانم سلطنه عبودی حسن آباد ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۱۴/۷۷ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای رحمان فتح الله زاده

۶۶. آقای محمد فقه نصرالله زاده ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۹۷/۰۷ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای رحمان فتح الله زاده

۶۷. خانم سیده ملیحه قیصری ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۲۳/۹۹ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقایان حسن و حسین و رحمان فتح الله زاده و خانم خدیجه قهرمانی

۶۸. آقای علی مردی حسن آباد ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۹۵/۷۰ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای عثمان فتح الله زاده

۶۹. آقای مصطفی حسینی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۱۳/۹۷ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمد مام سلیمی

۷۰. آقای حسین قادری ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۱۲/۱۷ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمد مام سلیمی برده زرد

۷۱. آقای عبدالرحمن مردانی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۶۴/۲۵ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمدرحیم ساکت

۷۲. آقای حسن رنجبری سه دانگ از ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ششدانگ ۸۳/۹۹ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمدرحیم ساکت

۷۳. خانم شایسته بهرامی کردکند سه دانگ از ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ششدانگ ۸۳/۹۹ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمدرحیم ساکت

۷۴. آقای ابوبکر رحمانی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۲۱/۳۹ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای علی شهنازی

۷۵. آقای عثمان گدرونی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۵۸ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای مصطفی شهنازی

۷۶. آقای علی شیری ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۵۱/۶۹ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای مصطفی شهنازی

۷۷. آقای ابراهیم صوفی احمدی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک یک الی ۵ – ۱۱ – ۱۲ – ۳۲ الی ۳۸ – ۴۷ الی ۵۰ – ۵۲ الی ۵۴ – ۶۶ – ۶۸ – ۷۹ – ۸۰ – ۸۳ – ۹۳ – ۱۰۲ – ۱۰۶ – ۱۰۹ – ۱۱۰ – ۱۱۲ – ۱۱۷ – ۱۱۹ – ۱۲۸ الی ۱۳۲ – ۱۳۷ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۴۷/۹۱ متر مربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای مصطفی شهنازی

۷۸. آقای محمد عزیزپور سقز ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۷ الی ۱۰ – ۱۴ الی ۲۰ – ۲۲ – ۲۵ – ۲۷ – ۵۸ الی ۶۱ – ۶ – ۱۳ – ۲۱ – ۲۶ – ۵۷ – ۶۹ – ۸۹ – ۹۸ – ۱۲۱ – ۱۴۴ – ۶۴ – ۶۷ – ۸۱ – ۸۸ – ۹۰ الی ۹۲ – ۹۵ – ۹۷ – ۱۰۳ – ۱۱۳ – ۱۱۶ – ۱۴۵ – ۱۴۶ – ۱۴۷ – ۱۴۸ – ۱۴۹ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۱۰/۲۵ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای احمد شرافتی

۷۹. آقای بهزاد کریم زاده ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۷ الی ۱۰ – ۱۴ الی ۲۰ – ۲۲ – ۲۵ – ۲۷ – ۵۸ الی ۶۱ – ۶ – ۱۳ – ۲۱ – ۲۶ – ۵۷ – ۶۹ – ۸۹ – ۹۸ – ۱۲۱ – ۱۴۴ – ۶۴ – ۶۷ – ۸۱ – ۸۸ – ۹۰ الی ۹۲ – ۹۵ – ۹۷ – ۱۰۳ – ۱۱۳ – ۱۱۶ – ۱۴۵ – ۱۴۶ – ۱۴۷ – ۱۴۸ – ۱۴۹ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۵۱ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای احمد شرافتی

۸۰. آقای مسعود کریمی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۷ الی ۱۰ – ۱۴ الی ۲۰ – ۲۲ – ۲۵ – ۲۷ – ۵۸ الی ۶۱ – ۶ – ۱۳ – ۲۱ – ۲۶ – ۵۷ – ۶۹ – ۸۹ – ۹۸ – ۱۲۱ – ۱۴۴ – ۶۴ – ۶۷ – ۸۱ – ۸۸ – ۹۰ الی ۹۲ – ۹۵ – ۹۷ – ۱۰۳ – ۱۱۳ – ۱۱۶ – ۱۴۵ – ۱۴۶ – ۱۴۷ – ۱۴۸ – ۱۴۹ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۱۰/۲۵ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از خانم فاطمه قادری

۸۱. آقای طاهر گدرونی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۷ الی ۱۰ – ۱۴ الی ۲۰ – ۲۲ – ۲۵ – ۲۷ – ۵۸ الی ۶۱ – ۶ – ۱۳ – ۲۱ – ۲۶ – ۵۷ – ۶۹ – ۸۹ – ۹۸ – ۱۲۱ – ۱۴۴ – ۶۴ – ۶۷ – ۸۱ – ۸۸ – ۹۰ الی ۹۲ – ۹۵ – ۹۷ – ۱۰۳ – ۱۱۳ – ۱۱۶ – ۱۴۵ – ۱۴۶ – ۱۴۷ – ۱۴۸ – ۱۴۹ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۲۴/۱۰ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای محمدرسول قاسمی

۸۲. آقای عبدالکریم نصراللهی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۷ الی ۱۰ – ۱۴ الی ۲۰ – ۲۲ – ۲۵ – ۲۷ – ۵۸ الی ۶۱ – ۶ – ۱۳ – ۲۱ – ۲۶ – ۵۷ – ۶۹ – ۸۹ – ۹۸ – ۱۲۱ – ۱۴۴ – ۶۴ – ۶۷ – ۸۱ – ۸۸ – ۹۰ الی ۹۲ – ۹۵ – ۹۷ – ۱۰۳ – ۱۱۳ – ۱۱۶ – ۱۴۵ – ۱۴۶ – ۱۴۷ – ۱۴۸ – ۱۴۹ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۴۹/ ۲۳ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای عثمان قاسمی

۸۳. آقای حسن مرادپور ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۱۳۸ الی ۱۴۰ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۳۲/۵۲ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای آزاد حسینی

۸۴. آقای حامد بیخانی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۱۳۸ الی ۱۴۰ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۶۳/۳۳ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای آزاد حسینی

۸۵. خانم پروین علی پور ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۱۳۸ الی ۱۴۰ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۱۲۳ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای امیر امینی

۸۶. آقای رحمت رستگار ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۴۲۴۷ فرعی از ۱۳۳ فرعی از ۷ ـ اصلی واقع در بخش ۲ سقز به مساحت ۹۴/۰۲ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از وراث علی صالحی

۸۷. آقای احمد فیروزیانی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۲ ـ ۳ ـ ۶ ـ ۷ ـ ۸ ـ ۱۷ ـ ۲۰ ـ ۲۵ ـ ۲۷ ـ ۳۰ ـ ۳۱ ـ ۳۲ ـ ۳۶ ـ ۳۷ ـ ۴۰الی۴۳ ـ ۵۰ ـ ۵۱ ـ ۵۲ ـ ۵۴ ـ ۵۵ ـ ۵۶ ـ ۵۷ ـ ۵۹ ـ ۶۰ ـ ۶۲ ـ ۶۳ ـ ۶۴ ـ ۶۵ ـ ۶۸ ـ ۶۹ ـ ۷۰ ـ ۷۳ ـ ۷۶ ـ ۷۷ ـ ۹۱ ـ ۹۲ ـ ۹۳ ـ ۹۴ ـ ۹۵ ـ ۹۶ ـ ۹۸ ـ ۹۹ ـ ۱۰۳ ـ ۱۰۵ ـ ۱۰۹ ـ ۱۱۰ ـ ۱۱۳ ـ ۱۱۷ ـ ۱۱۸ ـ ۱۲۳ ـ ۱۲۵ ـ ۱۲۶ ـ ۱۲۸ ـ ۱۵۴ ـ ۱۵۹ ـ ۱۶۰ ـ ۱۶۱ ـ ۱۶۲ ـ ۱۶۳ ـ ۱۶۴ ـ ۱۶۵ ـ ۱۶۶ ـ ۱۷۰ ـ ۱۷۱ ـ ۱۷۲ ـ ۱۷۴ ـ ۱۷۵ ـ ۱۷۷ ـ ۱۷۸ ـ ۱۷۹ ـ ۱۸۰ ـ ۱۸۱ ـ ۱۸۲ ـ ۱۸۶ ـ ۵ ـ ۱۸ ـ ۸۳ ـ ۱۱۲ ـ ۱۱۹ ـ ۱۲۰ ـ ۱۲۷ ـ ۱۵۸ ـ ۱۷۶ فرعی از ۲۳ ـ اصلی واقع در بخش ۴ سقز به مساحت ۱۹۵ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقایان جلال – شریف – عبدالواحد شهرت هرسه محمدی

۸۸. آقای مجید حسنی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۲۳ ـ ۳۸ ـ ۳۹ ـ ۴۶ ـ ۵۸ ـ ۶۷ ـ ۷۴ ـ ۸۰ ـ ۸۱ ـ ۸۲ ـ ۸۶ ـ ۸۹ ـ ۱۰۱ ـ ۱۰۲ ـ ۱۱۱ ـ ۱۱۶ ـ ۱۵۵ ـ ۱۵۶ ـ ۱۵۷ ـ ۱۵۸ ـ ۱۶۷ ـ ۱۶۸ ـ ۱۶۹ ـ ۱۷۶ ـ ۱۱۹ ـ ۱۱۲ ـ ۱۲۷ ـ ۱۲۱ ـ ۱۲۰ ـ ۱۸ ـ ۴۸ ـ ۸۳ فرعی از ۲۳ ـ اصلی واقع در بخش ۴ سقز به مساحت ۱۶۸/۷۶ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقایان عبداله و مسعود اکبری

۸۹. آقای ادیب فیروزیانی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۲۳ ـ ۳۸ ـ ۳۹ ـ ۴۶ ـ ۵۸ ـ ۶۷ ـ ۷۴ ـ ۸۰ ـ ۸۱ ـ ۸۲ ـ ۸۶ ـ ۸۹ ـ ۱۰۱ ـ ۱۰۲ ـ ۱۱۱ ـ ۱۱۶ ـ ۱۵۵ ـ ۱۵۶ ـ ۱۵۷ ـ ۱۵۸ ـ ۱۶۷ ـ ۱۶۸ ـ ۱۶۹ ـ ۱۷۶ ـ ۱۱۹ ـ ۱۱۲ ـ ۱۲۷ ـ ۱۲۱ ـ ۱۲۰ ـ ۱۸ ـ ۴۸ ـ ۸۳ فرعی از ۲۳ ـ اصلی واقع در بخش ۴ سقز به مساحت ۱۲۰ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای عبداله اکبری

۹۰. آقای صدیق مشهوری ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۲۳ ـ ۳۸ ـ ۳۹ ـ ۴۶ ـ ۵۸ ـ ۶۷ ـ ۷۴ ـ ۸۰ ـ ۸۱ ـ ۸۲ ـ ۸۶ ـ ۸۹ ـ ۱۰۱ ـ ۱۰۲ ـ ۱۱۱ ـ ۱۱۶ ـ ۱۵۵ ـ ۱۵۶ ـ ۱۵۷ ـ ۱۵۸ ـ ۱۶۷ ـ ۱۶۸ ـ ۱۶۹ ـ ۱۷۶ ـ ۱۱۹ ـ ۱۱۲ ـ ۱۲۷ ـ ۱۲۱ ـ ۱۲۰ ـ ۱۸ ـ ۴۸ ـ ۸۳ فرعی از ۲۳ ـ اصلی واقع در بخش ۴ سقز به مساحت ۱۶۵/۵۰ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقایان صادق صادقی و عبداله و محمدکریم اکبری

۹۱. آقای فاروق فلاحی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۱۵۴ فرعی از ۲۳ ـ اصلی واقع در بخش ۴ سقز به مساحت ۱۲۰ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای عبدالخالق اخوان

۹۲. آقای محمدسعید لیموی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۱۵۴ فرعی از ۲۳ ـ اصلی واقع در بخش ۴ سقز به مساحت ۱۶۵ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای عبدالخالق اخوان

۹۳. خانم ستاره مولائی ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۱۵۹ فرعی از ۲۳ ـ اصلی واقع در بخش ۴ سقز به مساحت ۱۱۸/۷۰ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای عبدالخالق اخوان

۹۴. آقای محمدعلی معروفیان ششدانگ عرصه و اعیان یکباب خانه جزء پلاک ۱۵۹ فرعی از ۲۳ ـ اصلی واقع در بخش ۴ سقز به مساحت ۱۱۹/۲۷ مترمربع، مع‌الواسطه ابتیاعی از آقای عبدالخالق اخوان

تاریخ چاپ نوبت اول: ۱۳۹۳/۳/۲۷

تاریخ چاپ نوبت دوم: ۱۳۹۳/۴/۱۱

رئیس ثبت اسناد و املاک سقز

احمدیان